



نوشتار فرهنگ

شماره ۵ و ۶
بهار و تابستان ۱۴۰۲

فصل نامه ویژه مطالعات میان رشته‌ای

- صاحب امتیاز: سازمان ترویج مطالعه و نشر جهاد دانشگاهی
- مدیر مسئول: حامد علی اکبرزاده
- همکاران تحریریه
- مریم چهرقانی، امیرعلی بینام،
عبدالله عابدی‌فر، امیرطه بینام
- طراح جلد: مجید کیانی‌پور
- صفحه‌آرا: جعفر خدادی
- دبیران تحریریه: مریم مبینی کشه، ابوالفضل دیداری،
محمد مهدی خلیلی، پوریا زنده‌شو

نشانی

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخر رازی، خیابان

شهدای ژاندارمری، پلاک ۷۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.isba.ir

پست الکترونیکی: Neveshtar@isba.ir

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۸۳۸۱، ۶۶۴۹۱۳۳۸، ۶۶۴۰۲۷۱۶

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۶۰ هزار تومان



سازمان ترویج مطالعه و نشر

تجدول در معرفت‌دانشگاهی از منطق تا فرا منطق

- ۵..... علوم انسانی را بدون نقد نمی‌توان پذیرفت.....
- ۱۰..... ضرورت‌ها و الزامات تعیین استاندارد کتاب درسی دانشگاهی.....
- ۲۰..... علم برآیند روش علمی است و روش علمی بر ساختی از کلیت علم.....

در ساحت فرهنگی

- ۳۰..... رابطه میان فرهنگ و فناوری.....
- ۳۹..... فرهنگ به شما می‌گوید باید دنبال استقلال باشید.....
- ۴۸..... ایده پیشرفت و ایده عقلانیت.....
- ۵۶..... کپی‌رایت و طرحی برای ناشران حوزه جهان اسلام.....
- ۷۰..... راهبردهایی برای آینده نشر.....
- ۷۳..... پیش‌برده کتاب؛ تلاقی خوشایند رسانه‌های متنی و ویدیویی.....
- ۷۷..... از ناشر ادبی قرن ۱۹ تا ناشر دانشگاهی قرن ۲۱.....
- ۷۹..... معرفی کتاب؛ «تأملاتی در نقد علوم انسانی».....

پرونده ویژه نگاه‌ها به خدمات و آثار علمی و فرهنگی دکتر مهدی محقق

- نگاهی بر زندگی استاد مهدی محقق..... ۸۵
- شعری از استاد علی موسوی گرمارودی..... ۹۱
- پژواک پاره‌ای از منش‌های استادان پیشین در آموزشگری امروزین..... ۹۳
- خاطراتی از مجلس درس استاد عالی‌قدر دکتر مهدی محقق..... ۹۷
- از نسل سواران رفته..... ۱۰۳
- مروری بر آثار استاد دکتر مهدی محقق..... ۱۰۶

پژوهش‌های نشر

- سنتز پژوهی و ویژگی‌های کتاب درسی دانشگاهی..... ۱۲۳
- بسته‌های واژگانی در گفتمان زبان شناسی کاربردی..... ۱۲۶
- تأثیر فناوری‌های جدید بر اقتصاد ناشران کودک و نوجوان ایران..... ۱۳۴
- نقش اندیشه بینامتنیت در حفظ مالکیت معنوی در نشر دیجیتال..... ۱۴۲
- نگاهی ارزیابانه به قوانین و مقررات حوزه چاپ و نشر کشور..... ۱۴۶
- تحلیلی از وضعیت حضور و فعالیت ناشران فارسی زبان در خارج از ایران... ۱۵۱
- بهره‌گیری از فناوری بلاک‌چین در مراکز آرشیوی..... ۱۵۵

تحويل در متون دانشگاہی؛ از متن قافرا متن

دکتر حداد عادل در گفتگو با نوشتار مطرح کرد

علوم انسانی را بدون نقد نمی‌توان پذیرفت

غرب آزمایشگاه بررسی ادعاهای خودش در حوزه علوم انسانی شده است

گرفته است؟

بسم الله الرحمن الرحيم، ابتدا از مجله نوشتار فرهنگ در توجه به امر مهم کتاب، نشر و کتاب‌خوانی، تشکر می‌کنم. در پاسخ به سؤال شما باید بگویم، تحول در متون درسی یک امر طبیعی و ضروری است. هیچ وقت کتاب‌ها و محتوای درسی ثابت نمی‌مانند الا بعضی کتاب‌های استثنایی که آن‌ها هم همیشگی و جاودانه نیستند.

تصور می‌کنم نظر و مقصود شما موضوع مهم و کلیدی تحول در کتاب‌های علوم انسانی است. تحول در کتاب‌های علوم انسانی متأثر از تحول در حوزه علوم انسانی صورت می‌گیرد و این امری است که با انقلاب اسلامی مطرح و جدی گرفته شد.

باید اشاره کنم وقتی دانشگاه‌ها در کشور ما به سبک غربی شکل گرفت، تصور می‌شد علم همان است که غربی‌ها می‌گویند و به آن دست پیدا کرده‌اند. فرض پذیرفته شده این بود که همان‌طور که ما در درستی و اتقان علم مهندسی و غربی شک نمی‌کنیم، در درستی علوم انسانی غربی هم نباید شک کنیم. هنوز در جامعه ما کسانی هستند با وجود آشنایی صدساله ما با غرب و علم غربی می‌گویند: «علم» علم است و غربی و اسلامی ندارد. مگر علم فیزیک و شیمی اسلامی و غیر اسلامی غربی دارد، علوم انسانی

نام دکتر حداد عادل با تغییر و تحولات دروس نظام و تعلیم و تربیت به‌ویژه آموزش عالی گره خورده است. حضور مداوم او از آموزش و پرورش تا آموزش عالی و نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی موجب شده تا اهالی فرهنگ و هنر ایشان را در متن توجه خود قرار دهند. دکتر غلامعلی حداد عادل هم‌اکنون به‌عنوان رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، رئیس بنیاد سعدی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و همچنین عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

دکتر حداد عادل رئیس شورای تحول علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به سؤالات نوشتار در زمینه دلایل و چرایی تغییر و تحولات در حوزه علوم انسانی دانشگاه‌ها پاسخ می‌دهد.

”به‌عنوان اولین سؤال بفرمایید ایده شورای تحول در انسانی و تحول در متون درسی دانشگاه‌ها بر اساس چه ضرورت‌های شکل

هر کسی به آنچه در غرب می‌گذرد و آنچه توسط غربی‌ها در دنیای غرب می‌گذرد نگاه کند می‌بیند و تصدیق که بین ادعاهای غربی‌ها و مبانی نظری آن‌ها و آنچه در عمل رخ می‌دهد یک فاصله وحشتناکی وجود دارد.

هم همین‌طور! حتی مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی چنین اعتقادی داشتند و آن را اظهار و اعلام می‌کردند. اما به مرور این حقیقت شکل گرفته که این نظر و باور که «علوم انسانی غربی را مثل فیزیک و شیمی پذیرفت» در جوامع غیر غربی به‌ویژه جامع ما سست شده است.

” چرا این‌گونه شده و این باور شکل گرفته است؟

یک دلیلش این است که در خود تمدن غرب آشفته‌گی‌هایی فراهم آمده است که اجازه نمی‌دهد مثل یک قرن پیش یا چند قرن پیش همه چیز را به راحتی بپذیرند و آن را ملاک عمل قرار دهند. شرایطی در جوامع غربی به وجود آمده که اجازه نمی‌دهد در خود غرب هم به خوش‌بینی‌های یک‌صد سال گذشته دلگرم باشند. جالب اینکه در حال حاضر خود غرب آزمایشگاه بررسی ادعاهای خودش در حوزه علوم انسانی شده است. بدون تعصب باید گفت هر کسی به آنچه در غرب می‌گذرد و آنچه توسط غربی‌ها در دنیای غرب می‌گذرد نگاه کند می‌بیند و تصدیق که بین ادعاهای غربی‌ها و مبانی نظری آن‌ها و آنچه در عمل رخ می‌دهد یک فاصله وحشتناکی وجود دارد. حالا عیب از کجاست؟، معلوم می‌شود این مبانی کفایت و قدرت لازم را ندارد تا بتواند جوامع

را به شکل مطلوب، منطقی و سازوار اداره کند. در کشورهای اسلامی به‌ویژه کشور ایران نیز یک نگاه انتقادی نسبت به علوم انسانی غربی به وجود آمده است. در گذشته بنا بر پذیرفتن علوم به‌ویژه علوم انسانی غربی بود یعنی پرسش از چرایی علوم انسانی غربی مطرح نبود. اگر دهه سی و یا چهل را که زمان آشنایی با علوم انسانی غربی بود بررسی کنیم، سؤال از چرایی علوم انسانی غربی نبود؛ بنا بر پذیرفتن علوم انسانی غربی بود، سؤال این نبود که آیا علوم انسانی غربی را بپذیریم یا نپذیریم بلکه جواب سؤال این بود که از کجا و از کدام کشور بپذیریم و چگونه بپذیریم. اما امروز نگاه انتقادی شکل گرفته است، امروز به جای نگاه پذیرش، تسلیم و تبعیت محض، یک نگاه انتقادی در متفکران پدید آمده است و امروزه جامعه علمی ما قدرت نقد پیدا کرده است. امروزه حتی تحصیل‌کردگان و روشنفکران غربی و اروپایی ما - صرفاً بر پایه‌های تحلیل‌هایی نظیر تحلیل پوزیتیویستی آگوست کنت و با یک تفسیر ساده از تحول - حاضر نیستند تاریخ پرورنده دین را ببندد و کنار بگذارند و مدعی بشوند دنیا بدون دین راه‌رستگاری را پیدا کرده است. این حرف را اگر صد سال پیش عده‌ای می‌زدند برخی می‌پذیرفتند و شاید خیلی‌ها پذیرفتند اما بعد از یک‌صد سال این حرف به‌شدت مورد تردید است و در انقلاب اسلامی حرف ما این است که علوم انسانی غربی را بدون نقد نمی‌توان پذیرفت.

حرف اساسی این است که علوم انسانی غربی را بدون نقد نمی‌توان پذیرفت؛ پشت سر علوم انسانی غربی فلسفه‌هایی هست که در دانشگاه‌های ما خیلی جدی گرفته نمی‌شود، نقد و تجزیه و تحلیل نمی‌شود و مسائل مورد نظر در آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار



عمدتاً بر پایه فمینیسم شکل گرفته است. اصلاحات مورد نظر ما این است که مطالعات زنان بر اساس مبنای، مقتضیات و مسائل جامعه خودمان باشد. در رشته‌ای مانند تاریخ این به معنای توجه به بخش‌های جدی گرفته نشده تاریخ مانند تاریخ تشیع و اسلام به‌ویژه در اسلام و تشیع در ایران است. ما در انقلاب اسلامی می‌گوییم باید ایران قبل از اسلام را شناخت و نیز باید شناخت کافی از ایران معاصر داشت. البته توجه به تحریف‌هایی که در تاریخ صورت می‌گرفته و یا تأثیر عوامل گوناگون مانند فراماسون‌ها بر تاریخ ایران نیز نباید نادیده گرفته شود.

در رشته‌ای مانند حقوق مشکل مبنایی وجود ندارد. در گذشته نیز حقوق مدنی ما بر اساس فقه اسلامی بوده است و ما تجربه خوبی داریم و بر همان پایه می‌توانیم رشته‌های حقوق جدید را نیز توسعه دهیم. در فلسفه نیز باید هر فلسفه‌ای که حرفی برای گفتن دارد را شنید. نگاه ما به فلسفه معطوف به این است

نمی‌گیرد. باید فلسفه ریشه علوم انسانی را بشناسیم و اگر آن فلسفه را شناختیم آنگاه ریشه علوم انسانی مورد نظر برای ما قابل استفاده خواهد بود. مبنای حرکتی که ما در علوم انسانی آغاز کردیم این است که شکل جدید آن از سال ۱۳۸۸ تحت عنوان تحول و ارتقاء علوم انسانی زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی آغاز شده و همچنان دنبال و پیگیری می‌شود. تحول و ارتقاء علوم انسانی زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی مرتب تشکیل می‌شود و این جلسات با تکیه دبیر شورا و اعضای آن با قوت تشکیل می‌شود و امیدواریم نتایج آن را در تصمیم‌گیری‌ها ببینیم.

” آقای دکتر شما به‌عنوان استاد فلسفه بفرمایید؛ تحولی که در این شورا مدنظر دارید یک تحول مبنایی و اساسی است و یا تحولی است که در آنچه وجود دارد اصلاحاتی اتفاق می‌افتد؟ آیا در گام اول اصلاحات درباره آنچه هست اتفاق می‌افتد و سپس به اصلاحات مبنایی منجر می‌شود؟

این سؤال سؤال مهمی است؛ ابتدا باید بین علوم انسانی و علوم طبیعی فرق قائل شویم، آنچه مربوط به علوم انسانی است با علوم پایه متفاوت است. رشته مطالعات زنان با موضوع علوم انسانی امروزه در دنیا

حرف اساسی این است که علوم انسانی غربی را بدون نقد نمی‌توان پذیرفت؛ پشت سر علوم انسانی غربی فلسفه‌هایی هست که در دانشگاه‌های ما خیلی جدی گرفته نمی‌شود، نقد و تجزیه و تحلیل نمی‌شود و مسائل مورد نظر در آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار نمی‌گیرد.

و تجرد نفس سروکار دارید و روانشناسی موجود در کتاب‌ها بر اساس ماتریالیست بودن یا نبودنش به دو نوع تقسیم می‌شود. این موضوع در جامعه‌شناسی نیز صدق می‌کند. جامعه‌شناسی نیز با اعمال و رفتار انسان سروکار دارد و تنها تفاوتش این است که این بررسی در ابعاد بزرگ‌تری صورت می‌گیرد. تحولی که ما در جستجوی آن هستیم در هر رشته‌ای متفاوت است و در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم سیاسی جدی‌تر است. تحول علوم انسانی یک پروژه نیست، بلکه یک پروژه مستمر و طولانی است. این امری مداوم است و نمی‌توان ظرف مدت معینی آن را به نتیجه رساند. این یک کار فرهنگی و تمدن ساز است و در غرب نیز از رنسانس به بعد به همین شکل صورت گرفته است. در کشور ما نیز باید عده‌ای روی مبانی علوم انسانی متمرکز شوند و آن را به نتایج عملی متصل کنند. برای مثال در روانشناسی و هستی‌شناسی و در نتیجه باید‌ها و نبایدهای ما در مقایسه با غرب متفاوت است. اینجا موضوع رد کردن یا پذیرفتن صددرصدی مبانی غربی نیست. دلیلی برای نپذیرفتن برخی از مبانی غربی وجود ندارد اما درعین حال برخی مسائل نیز وجود دارند که قابل تشکیک و بررسی هستند.

” در این زمینه برخی ای دئولوژیک شدن علوم انسانی را مطرح می‌کنند، آیا این موضوع در بحث تحول علوم انسانی چالش برانگیز نیست؟

امروزه این سخن که علوم انسانی نباید ایدئولوژیک باشد، حرفی کهنه و نخ‌نما شده است. مگر علوم انسانی غربی مبنای ایدئولوژیک ندارند؟ یک سری باورها وجود دارد که مانند یک چتر بر سر مبانی

تحول علوم انسانی یک پروژه نیست، بلکه یک پروسه مستمر و طولانی است. این امری مداوم است و نمی‌توان ظرف مدت معینی آن را به نتیجه رساند. این یک کار فرهنگی و تمدن ساز است و در غرب نیز از رنسانس به بعد به همین شکل صورت گرفته است. در کشور ما نیز باید عده‌ای روی مبانی علوم انسانی متمرکز شوند و آن را به نتایج عملی متصل کنند.

که به فلسفه اسلامی نیز اجازه و بها داده شود. این به معنای توجه نکردن به فلاسفه بزرگ غربی نیست. نظر من این است که فلسفه اسلامی در مواجهه با فلسفه غربی رشد می‌کند. نباید به فلسفه اسلامی مانند شکسته‌بندی قدیمی در مقابل ارتوپدی امروز نگاه شود. دیدگاهی که امروز به وجود آمده است به این شکل است که انگار دوران و زمان سنت و مفاهیم سنتی به سر آمده است. در برخی از رشته‌ها مسئله تحول علوم انسانی جدی‌تر و مهم‌تر است. در روانشناسی با مسائلی مانند روح





ما معتقدیم همه مردم دنیا برای داشتن علوم انسانی خود حق دارند، برای بعضی از افراد، متفاوت بودن از تمدن غربی گناه است و ما چنین اعتقادی نداریم. ما معتقدیم که تمدن و فرهنگ غربی یکی از تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست و دیگران هم حق فکر کردن، اظهار نظر کردن و نقد کردن دارند. بقیه نیز می‌توانند علوم انسانی خود را داشته باشند.

حرف امروز پذیرفتنی‌تر از صدسال پیش است. در صد سال گذشته تمدن غرب امتحان خود را خوب پس نداده است. در حال حاضر نیز حتی در خود غرب جنگی مانند جنگ‌های جهانی در حوزه علوم انسانی در حال رخ دادن است. این اتفاقات که دیگر مربوط به دنیای غیر غربی نیست. غربی‌ها پس از جنگ‌های جهانی خواستند جامعه خود را بر اساس تفکرات اومانیستی و سکولاریستی بازسازی کنند اما موفق به انجام این کار نشدند و امروز از همیشه درمانده‌ترند. همه این‌ها به ما حق می‌دهد که درباره علوم انسانی غربی فکر کنیم. این موضوع به معنای داشتن رویکرد و نگاه انتقادی است و می‌توان با نگاه انتقادی موضوعی را پذیرفت و یا رد کرد.

به عقیده من عمق وجود انسان‌ها بر اساس وسعت کتاب‌هایی است که خوانده‌اند و این است که تفاوت انسان‌ها را از یکدیگر نشان می‌دهد.

” از فرصتی که در اختیار مجله نوشتار فرهنگ قرار دادید تشکر می‌کنیم.

من هم از شما تشکر می‌کنم و برای این نشریه وزین در مسیر خدمت به فرهنگ کشورمان آرزوی توفیق دارم.

غربی و علوم انسانی غربی گسترده شده است. برای مثال در اومانیسم، انسان به جای خدا نشسته است و فقدان مفهوم ولایت را نشان می‌دهد. اومانیسم یعنی من انسان خود برای خود ارزش‌گذاری می‌کنم و نیاز به هیچ مرجعی جز شخص خود ندارم. همچنین کشورهای غربی همه در التزام به مفهومی مانند سکولاریسم مشترک‌اند. ساینتیسم نیز به همین شکل است. این‌ها همه مبانی ایدئولوژیک غربی‌هاست و اگر حرفی در مقابل آن زده شود، سریعاً مورد اعتراض قرار می‌گیرد. البته این‌که ما قرار است کتاب‌ها را دینی کنیم نیز درست نیست. ما حدوداً شصت هفتاد کتاب علوم انسانی در همین شورای تحول تألیف کرده‌ایم. همه می‌توانند به این کتاب‌ها مراجعه کنند و صحت این ادعا درباره دینی شدن کتب را بسنجند. ما معتقدیم همه مردم دنیا برای داشتن علوم انسانی خود حق دارند، برای بعضی از افراد، متفاوت بودن از تمدن غربی گناه است و ما چنین اعتقادی نداریم. ما معتقدیم که تمدن و فرهنگ غربی یکی از تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست و دیگران هم حق فکر کردن، اظهار نظر کردن و نقد کردن دارند. بقیه نیز می‌توانند علوم انسانی خود را داشته باشند. این

ضرورت‌ها و الزامات تعیین استاندارد کتاب درسی دانشگاهی در جامعه ایران

استانداردسازی کتاب درسی دانشگاهی موضوعی بین‌رشته‌ای است

این حوزه از دانشگاه‌های مختلف اعم از دولتی و آزاد و سایر دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم در یک نشست مشترک تصمیم گرفته‌اند تا منشوری تهیه شود و در اختیار محققان، مؤلفان قرار داده شود تا بر اساس آن، منابع دانشگاهی تنظیم و ارزیابی شود. مشروح این نشست را به مخاطبان ارجمند ارائه می‌کنیم.

نشست «بررسی استانداردهای کتاب درسی دانشگاهی» با حضور اعضای هیئت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» دکتر زهرا ابوالحسنی چیمه، دکتر محمد آرمنند و دکتر حمیدرضا خادمی برگزار شد.

دکتر محمد آرمنند: قصد ما از انجام این پروژه، این بود که بدانیم یک کتاب درسی مناسب چه معیارهایی باید داشته باشد و چگونه باید یک کتاب درسی را ارزیابی کرد و به این نتیجه رسید که کتابی خوب است و یا خوب نیست.

هدف ما از این پروژه، این بود که بدانیم یک کتاب درسی مناسب چه معیارهایی باید داشته باشد و چگونه

سازمان سمت سازمانی است که زیر نظر وزارت علوم تحقیقات و فناوری فعالیت می‌کند و مأموریت اصلی و تمرکز آن، تأمین کتاب‌های دانشگاهی و درسی منطبق با سرفصل‌های مصوب شورای گسترش علوم است. این سازمان در گروه‌های علمی و تخصصی متعدد و در رشته‌های متنوع علوم انسانی و علوم اسلامی تولید محتوا کرده که نتیجه آن ارائه بیش از ۲۵۰۰ عنوان کتاب دانشگاهی در رشته‌های مختلف از قبیل مدیریت اقتصاد حسابداری زبان‌شناسی علوم قرآن و حدیث ادبیات فارسی و فلسفه کلام و تربیت بدنی و دیگر گرایش‌های موجود علوم انسانی است. این مهم با همکاری ۲۵۰۰ تن از اساتید برجسته دانشگاه‌ها و متخصصین و محققین این حوزه در حوزه منابع دانشگاهی تولید، ارزیابی و مدیریت شده است.

تقریباً دو سال پیش محققان و متخصصین



که یک کتاب این ویژگی‌ها را دارد و در قالب مقاله چاپ شد. گرچه موضوع مورد بحث، موضوعی بین‌رشته‌ای است. ولی از لحاظ درسی به رشته برنامه درسی مرتبط است. ابعاد مختلفی در این موضوع مطرح است که یکی محتوا است؛ ما چه محتوایی با چه ویژگی‌هایی و چه کیفیتی برای دانش‌آموزان و دانشجویان تهیه و تدوین کنیم. این سؤال مطرح است که محتوا و مطلب با چه کیفیت و قالبی باید به مخاطب عرضه شود تا از لحاظ یادگیری، تأثیر بیشتری بر آن‌ها بگذارد.

” معرفی کتاب به دانشجویان در حال حاضر در حال منسوخ شدن است

معرفی کتاب به دانشجویان در حال حاضر در حال منسوخ شدن است، ما باید دانشجویان را به سمت جستجو، تحقیق و پیدا کردن مطالب مرتبط با دروسشان سوق دهیم. معتقدم همان‌طور که غذای ناسالم برای افراد مضر است؛ محتوای کتاب‌ها و مطالب کتاب‌های غیراستاندارد نیز می‌تواند تأثیر مخرب و آسیب‌رسان به مخاطبان داشته باشد. بنابراین به محتوا و تولید کتاب استاندارد بسیار باید اهتمام و توجه ویژه داشت. مثلاً یکی از عوامل بسیار کوچک

یک کتاب درسی را باید ارزیابی کرد و به این نتیجه رسید که کتابی خوب است و یا خوب نیست. این مسئله از حدود بیست سال پیش دغدغه اصلی بوده است. منظور اصلی این بود در کار صورت گرفته تحت عنوان «بررسی ویژگی‌های کتاب مطلوب دانشگاهی از دیدگاه استادان و دانشجویان» نظرات به دست آمده از پرسش‌شونده‌ها به صورت مقاله‌ای به چاپ رسید. سؤالات مطرح شده حول این موضوعات بود؛ کتاب چه معیارهای مقدماتی باید داشته باشد که اگر نداشته نباشد ما نمی‌توانیم یک کتاب را مقایسه و بررسی کنیم، کتاب از چه کیفیتی برخوردار است؟ کتاب چه ملاکی داشته باشد تا مورد مقایسه قرار بگیرد؟

” استانداردهای کتاب درسی دانشگاهی موضوعی بین‌رشته‌ای است

این موضوع از بیست سال پیش برای من هم دغدغه بود. وقتی آمدم سمت این سؤال برای من مطرح بود که کتاب خوب چیست؟ ما یک پژوهشی را شروع کردیم با عنوان «بررسی ویژگی‌های کتاب مطلوب دانشگاهی از دیدگاه استادان و دانشجویان». گفتیم این موضوع را به عنوان یک زمینه‌یابی از دیگران بپرسیم. از رشته‌های مختلف این سؤال را مطرح کردیم و پاسخ‌هایی گرفتیم

خوشبختانه دفاع خوبی هم صورت گرفت چراکه کتاب یک ماهیتی دارد و اصل است، ممکن است شکش عوض می‌شود اما ماهیتش عوض نمی‌شود. بنابراین سازمان سمت پژوهشی را انجام داد و جلساتی با موسسه استاندارد برگزار کرد. موسسه استاندارد کارش این است که معیار بدهد، با همان معیار بسنجد و بگوید کالا یا محصول از این کیفیت برخوردار است و مهر استاندارد زده می‌شود. در واقع برایش معیاری دارد که در آزمایشگاه می‌روند و با آن معیار می‌سنجند اگر هم خوانی داشت مهرش را می‌زنند اگر نداشته باشند مهر را نمی‌زنند و می‌گویند کیفیت را ارتقاء دهید. آن‌ها به این معیار که ما مهر را بزیم یک ابهامی داشتند. یکی از این استانداردهای مهم صحافی بود یک دستگاهی وجود دارد که این کتاب را دستگاه آخر «کتاب» را می‌گیرد - با یک حرکت خاصی آن هم تعریف شده است - تکان می‌دهد اگر به هم بریزد می‌گویند نه استاندارد ندارد ولی اگر از آن مرحله بگذرد می‌گویند بله صحافی شما استاندارد است.

” در بحث استاندارد کتب رشته‌های مختلف درگیر است

در خارج از کشور هم، استانداردهایی برای کتاب تعیین شده و ترجمه‌اش آمده است اما برای بعضی از بخش‌ها استاندارد وجود نداشت. شما اگر غذای غیربهداشتی را به فرد دادید می‌خورد اما آسیب می‌بیند اگر کتاب هم غیراستاندارد باشد و به شخصی بدهید بخواند به ذهنش آسیب می‌رسد. خیلی بحث کردیم و این‌ها رفتند شورای اصلی‌شان این موضوع را مطرح کردند آنجا به تألیف رسید این قابلیت پیدا شد که به این موضوع می‌شود به‌عنوان استاندارد نگاه کرد و معیارهایی را برایش تعریف کرد منتهی گفتند معیارهای شما باید از جنس معیارهای تشویقی باشد

همان‌طور که غذای ناسالم برای افراد مضر است؛ محتوای کتاب‌ها و مطالب کتاب‌های غیراستاندارد نیز می‌تواند تأثیر مخرب و آسیب‌رسان به مخاطبان داشته باشد. بنابراین به محتوا و تولید کتاب استاندارد بسیار باید اهتمام و توجه ویژه داشت.

اما حائز اهمیت در کتاب‌ها فونت کتاب است. فونت هم از لحاظ زیبایی و هم از لحاظ خوانایی کتاب، برای خوانندگان بسیار کمک‌کننده است. مسائلی مثل اینکه یک کتاب دانشگاهی باید چه فونتی داشته باشد؟ حتی باید در مراحل تحصیلی دانشگاهی نیز متفاوت باشد و با موضوعات کتاب فونت‌ها نیز تغییر کند. بنابراین تصمیم گرفتیم برای عملکرد هرچه بهتر به پژوهش‌هایی که در خارج از کشور انجام شده است توجه کنیم.

یک زمانی جناب آقای دکتر وحید احمدی معاون وزارت علوم در وزارت علوم معاون بودند در سایت‌ها مطرح شد که ما می‌خواهیم معیاری را تعیین کنیم تا اساتید و مؤلف‌ها بیایند بر اساس معیارها کارشان را انجام دهند که خیلی کش‌وقوس داشت. برای این مهم بعضی از مسئولین خیلی توجه نکردند بعضی‌ها نه تنها توجه نکردند بلکه همچنین این موضوع را زیر سؤال بردند. در یک نشست در وزارت علوم گفتند کتاب منسوخ شد رفت الآن ما به دانشجو کتاب نمی‌دهیم می‌گویم این موضوعات را بروید از اینترنت پیدا کنید! کتاب هم اگر بود بروید بگیرید اگر نه هم مطالب را پیدا کنید چه لزومی دارد الآن کتاب باشد. این موضوع از ناحیه بعضی افراد مطرح شد اما

فونت برای کتب دانشگاهی بسیار مهم است، کتابی که برای دکتری نوشته می‌شود فونتش با دوره کاردانی فرق نکند یا مثلاً اگر یک کتاب هنری است فونتش با ادبی و فرهنگی فرق نکند با یک کتاب روانشناسی یا نه؟ سوالات متعددی در دل این یک جزء کوچک کتاب مطرح است و مهم است؛ بنابراین ده‌ها پروژه باید تعریف و انجام می‌شد و نهایتاً به یک الگوی معیار منجر می‌شد.

انجام شد از دوستان که بیایند و در سازمان سمت شروع کنند ولی نشد به‌رحال روانشناسی پژوهش ما کاری که مقدماتی انجام شده و به این مرحله رسیده این بود که بیایم متکی باشیم به پژوهش‌هایی در خارج و داخل کشور انجام شده و روی آن‌ها تمرین کنیم. در یک قالب و فرمتی به‌عنوان مقدمه کار این‌ها را جمع کردیم و باز هم منابع خیلی وسیع بود. یادی کنیم از دکتر مهدی احمدی در این زمینه خیلی تلاش کردند، مقاله‌های فراوانی جمع کردند در این زمینه در اختیار ما گذاشتند و هنوز هم گاهی چیزهایی که می‌بینند برای من می‌فرستند راجع به کتاب. به‌رحال بستری فراهم شد برای ما که این بستر کمک کرد این مرحله از پژوهش انجام بشود، مجموعه کتاب‌هایی که در حوزه مطالعاتی کتاب درسی چاپ شد بهترین کتاب‌های دنیا تا حدی که می‌شد شناسایی شد در سازمان سمت بعضی از این‌ها را ارسال می‌کردیم برای کتاب نحوه نگارش کتاب دانشگاهی.

هر مسئولی به سمت می‌آمد در این دوران اولین خواسته‌اش این بود معیارهایتان کجاست؟ شما وقتی

نه از جنس بازدارنده و غیره. یکی از محورهای موسسه که می‌شود رویش کارکرد این بحث استاندارد کتاب دانشگاهی است. ما در سازمان جلساتی تشکیل دادیم سازمان‌های مختلف از نهادهای مختلف آمدند همه این‌ها به‌ضرورت این کار واقف بودند و می‌گفتند این کار مهمی است باید انجام شود؛ به مؤلفان کمک می‌کند که مسیری را که طی می‌کنند دقیق‌تر کارشان را پیش ببرند، بنابراین یک طرح جامع، مفصل و کامل تشکیل دادیم، وزارت علوم هم حمایت کرد چون چند رشته باید درگیرش می‌شدند، رشته هنر، رشته روانشناسی، زبان‌شناسی و سایر رشته‌هایی که درگیر این موضوع بودند خیلی هم بحثش گسترده است؛ یکی از مقوله‌های کوچک کتاب فونت است خود این فونت دریایی از بحث است چگونه باید باشد تا هم زیبا باشد و هم تأثیر داشته باشد.

” فونت برای کتب دانشگاهی بسیار مهم است ”
متأسفانه پیشنهاد ما در بحث فونت استقبال خوب پیش نرفت؛ فونت برای کتب دانشگاهی بسیار مهم است، کتابی که برای دکتری نوشته می‌شود فونتش با دوره کاردانی فرق نکند یا مثلاً اگر یک کتاب هنری است فونتش با ادبی و فرهنگی فرق نکند با یک کتاب روانشناسی یا نه؟ سوالات متعددی در دل این یک جزء کوچک کتاب مطرح است و مهم است؛ بنابراین ده‌ها پروژه باید تعریف و انجام می‌شد و نهایتاً به یک الگوی معیار منجر می‌شد. دیدیم اگر این‌طور پیش برود باید ده‌ها سال دیگر طول بکشد و مسئولین هم از ما طلب می‌کنند که یک الگوی اولیه ارائه بدهید ما گفتیم پژوهشمان را بر اساس متون و پژوهش‌های انجام شده بر آن اساس انجام بدهیم خودمان نمی‌آییم ۱۰ تا ۱۵ تا پژوهش را دوباره راه بیندازیم و انجام بدهیم البته صحبت‌های مقدماتی

کنیم از جناب آقای دکتر رودی که پیگیری می‌کرد نظرات را می‌گرفتند ما و خانم دکتر ابوالحسنی آمدم ۱۷ صفحه را گذاشتیم جلویمان و یکی یکی این‌ها را برطرف کردیم، آقای دکتر فتحی آن را به صورت خام چاپ کردند و در اختیار مسئولین گذاشتند این در شورا مطرح شد گفتن نه خیلی نقص دارد هنوز مورد قبول ما نیست شش ماه به ما وقت دادند بروید و بازبینی کنید اصلاحاتی انجام بدهید رفتیم و ۶ ماه برایش وقت گذاشتیم تغییراتی انجام دادیم مثلاً راجع به استانداردها خود استاندارد چه چیزی است تعریفی برای آن مدنظر قرار گرفت و بازبینی شد که نهایتاً استاد ناظر جناب آقای دکتر زارعی از اساتید ما در دانشگاه علامه طباطبایی کار را دید و به‌عنوان ناظر علمی کار نظراتی را داد اصلاح کردیم و نهایتاً کلیاتش به تأیید رسید به‌عنوان گزارش تحویل سمت شد ولی خودمان می‌دانیم این کار اشکالات دارد ما ادعایی در کامل بودن این کار نداریم زحمتی که برایش کشیدیم به‌عنوان یک نمونه اولیه مخصوصاً اشکال اصلی آن این است که ما وارد رشته آن شدیم ما فقط ویژگی‌های کلی را گفتیم که درباره تمامی کتاب‌ها صدق می‌کند گام دوم این است وارد رشته‌ها شویم بحث بشود.

گزارش نهایی را کارشناسان بررسی کردند فرمودند برای قسمت‌های فرهنگی کار مخصوصاً باید کار بیشتری انجام بشود و بررسی عمیق صورت بگیرد، همان کار هم در مرحله تکمیل است برای انتشار و نتیجه گزارش به‌صورت کتاب ان‌شاء‌الله به‌عنوان طرح اولیه چاپ بشود و در اختیار مراکز قرار بگیرد و حیطه نقد قرار بگیرد ایرادهایی از ما خواهند گرفت و ما موظف خواهیم بود گام‌به‌گام اصلاح کنیم. ما در این کاری که انجام داده‌ایم فقط آن کاغذی را کار کردیم خود آن برای خودش بحث‌های زیادی دارد دو تن از دانشجویهای دکتری من الآن در این زمینه کار می‌کنند،

می‌گویند کتاب درسی چه خصوصیتی دارد یکی از این افراد جناب آقای فتحی بود که هم رشته نیز هست کتابی هم ترجمه کردند با عنوان نحوه تدوین کتاب درسی دانشگاهی که با این کار مرتبط بود. موضوع را مطرح کرد گفت هر چیز هست بدهید به من هر چه تهیه کردی در اختیار من قرار بدهید ما هم گزارش اولیه را در اختیار ایشان گذاشتیم. به‌عنوان گزارش اولیه استانداردها و معیارهای کتب درسی و دانشگاهی ایشان گفتند این متن را به ده تا استاد ارسال می‌کنند تا این گزارش را ببینند و اصلاحاتی اگر دارند بدهند انجام بشود. خیلی کار سختی بود که انجام دادیم، به‌هرحال شناسایی کردیم در کشور ده نفری که در این

اگر دستورالعملی در کنار دست مؤلف باشد و بداند از قبل چگونه باید بنویسد می‌تواند در تولید منابع بهتر بسیار کمک‌کننده باشد. با دقت‌تر شدن، مطالعه بیشتر و بازخوردها قطعاً کار بهتر از گذشته خواهد شد.

موضوع کار کرده‌اند و تسلط دارند یکی از این‌ها دکتر حسن ملکی است که ناشر هستند و سابقه مدیرکلی و تألیف کتب درسی داشتند و در سمت هم مسئولیت داشتند.

یا مثلاً آقای دکتر عیسی رضایی بودند که استاد آموزشی بودند در این زمینه کارهایی انجام دادند افراد مختلفی بود که شناسایی کردیم گزارش اولیه در اختیار این ده استاد قرار گرفت و حدود ۱۷ صفحه تایی به ما نظر رسید که این کار شما این اشکالات را دارد ما باینکه می‌دانستیم اشکال کارمان زیاد بود مجموعه نظرات این ده نفر مورد توجه قرار دادیم. یادی



موضوعش کتاب الکترونیکی است که خودش مقوله جدایی است که باید جدا کار شود خیلی تفاوت دارد. بنابراین سه کار تکمیلی نیاز دارد رشته‌های مختلف بررسی شود وارد تک‌تک رشته‌ها بشود تا وارد انواع کتاب‌ها بتوانیم بشویم.

دکتر زهرا ابوالحسنی عضو مدیریت سمت سردبیر نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی؛

من در جواب نامه‌ای که رئیس پژوهشکده علمی این چند روز اخیر در زمینه شعار سال برایم فرستاده بودند گفتم، راه‌های مهار تورم و افزایش تولید در جواب ایشان نوشتم که مهار تورم و افزایش تولید بحث بازار سیب‌زمینی و پیاز نیست! در حوزه علوم انسانی برای مهار تورم و افزایش تولید کمک کنیم؛

” در زمینه استاندارد کتاب درسی ما هیچ فاصله و کمبودی با دیگران نداریم

من در تحقق شعار سال بر این باور هستم، راه مهار تورم و افزایش تولید، فقط تورم قیمت اقلام مصرفی نیست؛ بلکه در زمینه‌های تولید کتاب نیز می‌تواند صدق کند. اگر دستورالعملی در کنار دست مؤلف باشد و بداند از قبل چگونه باید بنویسد می‌تواند در تولید منابع بهتر بسیار کمک‌کننده باشد. با دقیق‌تر شدن، مطالعه بیشتر و بازخوردها قطعاً کار بهتر از گذشته خواهد شد. ما آخرین مطالعات تنها موسسه بنام در این عرصه را که در کشور آلمان قرار دارد بررسی کردیم و حاصل این بررسی را طی چند گزارش ارائه دادیم. بر اساس کار انجام شده می‌گویم در زمینه استاندارد کتاب درسی ما هیچ فاصله و کمبودی با دیگران نداریم. منتهی مسئله‌ای که وجود دارد این است که بستر پذیرش این مسائل در جامعه هنوز آماده نیست. یک مؤلف دوست ندارد به آن بگوید چه طور باید بنویسد و چه مسائلی

را در نوشتن یک اثر باید رعایت کند. این پژوهش تا وقتی که عرضه نشود فایده‌ای برای ما نخواهد داشت. کتاب در حال حاضر در نوع خودش بی‌نظیر و بهترین است. و باید از آن حمایت و در جهت پذیرش آن کوشش شود.

” مهم‌ترین عوامل خوب بودن کتاب، خوش‌خوان بودن آن است

یکی از مهم‌ترین عوامل خوب بودن کتاب، خوش‌خوان بودن آن است. که ما در کتاب گفتیم؛ اقتضانات خوش‌خوان شدن کتاب چیست؟ در واقع ما سعی کردیم ساختارهای مورد نیاز یک مؤلف برای نوشتن یک کتاب را به او بشناسیم. تا زمانی که نخواهیم با آن چیزی که در دنیا اتفاق می‌افتد همگام شویم، کارمان موفق نخواهد بود. اگر ما استانداردهای خود را تعیین نکنیم استانداردهای متفاوتی برای ما تعیین می‌شود. ما باید نگران جوان‌های خودمان باشیم. و در تلاش باشیم تا در کتاب‌ها فرهنگ‌های خودمان را به آنان آموزش دهیم.

بنابراین برای نوشتن کتاب خوب دانشگاهی، نیاز به



ناشر دانشگاهی ممکن است به نتیجه برسد. در واقع ارزیاب و ویراستار سازمان اذیت می‌شوند تا آن کتاب کتاب بشود ولی اگر یک نسخه دست‌ورالعمل از اول کنار مؤلف باشد بداند راجع به چه چیزهایی باید حواسش جمع باشد چه جور باید بنویسد این خیلی کمک می‌کند. متأسفانه با چاپ این دستورالعملی که ما انجام داده‌ایم فعلاً موافقت نشده است اما امیدوارم در آینده نزدیک اتفاق بیفتد. آقای دکتر آرمن فرمودند که اشکالاتی وجود دارد ولی از نظر من اشکالی وجود ندارد چرا که پله اول راه هستیم قطعاً پله اول یک کار مقدماتی و پایه است و در پله دوم می‌توانیم کار را دقیق‌تر انجام دهیم. در حال حاضر کامل‌ترین دقیق‌ترین و بهترین کار همین کار است. من ۲۰ سال است سردبیر مجله‌ای هستم که دوستان اشاره کردند، در حوزه کتاب درسی کاری در ایران انجام نمی‌شود که ما از آن خبر نداشته باشیم و در دنیا هم کاری انجام نمی‌شود که ما از آن دور باشیم.

” کمبود و فاصله‌ای نسبت کشورهای پیشرفته نداریم

ما کمبودی نداریم و هیچ فاصله‌ای نداریم فاصله بین ما پر شده ولی تنها چیزی که وجود دارد بستر پذیرش یک

فرهنگ و آموزش آن داریم. پس اگر قرار است فرهنگی در کتاب دیده شود مؤلف باید حواسش باشد چه چیزهایی را در کتاب وارد کند و چه چیزهایی را وارد نکند.

در حوزه علوم انسانی برای مهار تورم و افزایش تولید کمک کنیم؛ مثلاً مؤلفی که مدرس بوده و به تجربه و سر کلاس یاد گرفته تدریس کردن را هیچ وقت یاد نگرفته که چطوری کتاب بنویسد ولی می‌نویسد و این با آزمون و خطا و رفت‌آمدهای بسیار با یک

مؤلفی که مدرس بوده و به تجربه و سر کلاس یاد گرفته تدریس کردن را هیچ وقت یاد نگرفته که چطوری کتاب بنویسد ولی می‌نویسد و این با آزمون و خطا و رفت‌آمدهای بسیار با یک ناشر دانشگاهی ممکن است به نتیجه برسد. اگر یک نسخه دست‌ورالعمل از اول کنار مؤلف باشد بداند راجع به چه چیزهایی باید حواسش جمع باشد چه جور باید بنویسد این خیلی کمک می‌کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل خوب بودن کتاب، خوش‌خوان بودن آن است. که ما در کتاب گفتیم؛ اقتضانات خوش‌خوان شدن کتاب چیست؟ در واقع ما سعی کردیم ساختارهای مورد نیاز یک مؤلف برای نوشتن یک کتاب را به او بشناسیم. تا زمانی که نخواهیم با آن چیزی که در دنیا اتفاق می‌افتد همگام شویم، کارمان موفق نخواهد بود. اگر ما استانداردهای خود را تعیین نکنیم استانداردهای متفاوتی برای ما تعیین می‌شود.

کتاب در حال حاضر ایرادی ندارد و در نوبه خودش بی‌نظیر است. حال آن دو بخشی که من کار کرده‌ام حوزه زبان‌شناسی و فرهنگ است. تقریباً دو حوزه مهم و درشت این کتاب زبان‌شناسی و فرهنگ است. بخش زبان‌شناسی چه می‌گوید؟ می‌گوید متن یک کتاب درسی باید چگونه باشد قطعاً زبان علمی با زبان محاوره، با زبان تجارت با زبان کوچه بازار متفاوت است. اختصاصات و اقتضانات و ویژگی‌ها این زبان علمی چه چیزی است، ما در این فصل سعی کردیم منابع موجود را بررسی و واریسی کنیم با حوزه فارسی تطبیق بدهیم. اگر مؤلفی می‌خواهد بنویسد از جملات ساده استفاده کند که بهتر اگر به لسان‌های خودی و ایرانی استفاده کند. صراحت لهجه در نوشتار مهم است ما رمان نمی‌نویسیم! نمی‌گوییم ته داستان چه می‌شود می‌گوییم چه اتفاقی خواهد افتاد در این فصل چه یاد می‌گیرید چرا؟ چون که ما در یک زمان بسیار کم با اطلاعات بسیار زیاد و با یک مدرس دست تنها سروکار داریم. کتاب باید کمکش باشد و در طول

دستورالعملی در فضای دانشگاهی است که متأسفانه فراهم نیست، یک مؤلف یا یک مدرس دوست ندارد به او بگویند این طور بنویس! دوست ندارد به او بگویند قلمت ثقیل است دوست ندارد به او بگویند منسجم نمی‌نویسی، دوست ندارد به او بگویند چرا این مثال را آوردی چرا این مثال را نیاوردی؟ گرافیک کارت غلط است چرا از دنیای یادگیری استفاده نکردی؟ چرا به بحث‌های روانشناسی حواست نبوده؟ چرا فرهنگ را نادیده گرفتی و مسائل زبان‌شناسی را ندیدی؟ بله سخت است نصیحت پذیرفتن؛ این کتاب می‌گوید وقتی کتاب می‌نویسید به موضوعات مختلف توجه داشته باشید. من دو بخش این کتاب را کار کردم ولی به تمامی آن تسلط دارم با توجه به آن بیست سالی که دکتر مهدی احمدی ما را در این راه انداخت پشیمان هم نیستم در حوزه کار کردیم که هیچ کسی کار نکرده بوده بود و به این موضوع پرداخته بود. این موضوع نیاز جامعه است و ما برای عملی شدن این نیاز جامعه به موضوع پرداختیم همان طور که در مجله سخن سمت می‌پردازیم. آقای دکتر توضیح ندادند و نگفتند این حوزه فرارشته‌ای است؛ چون حوزه فرارشته‌ای است و به تمامی حوزه‌های مرتبط کار دارد باید به صورت کاربردی و با استفاده از همه رشته‌ها مثل زبان‌شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی، یادگیری و گرافیک و طراحی و .. باید به آن پردازیم.

قطعاً یک ملغمه‌ای یا جنگی از مسائل علمی است که در کنار هم قرار گرفتن این‌ها کار ساده‌ای نیست. تخصص‌های گوناگونی می‌خواهد و نیاز به یک دقت و رشد دارد که باید سال‌به‌سال به آن پرداخت. بعدش نمونه‌ها و ورژن‌های جدید و در سال بعد هم ورژن بعدی و هم‌افزایی از سوی متخصصین این حوزه اتفاق بیفتد و تا وقتی که این کار در گوشه آرشو خاک می‌خورد هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. این کار و این

ما باید نگران جوان‌های خودمان باشیم. و در تلاش باشیم تا در کتاب‌ها فرهنگ‌های خودمان را به آنان آموزش دهیم. بنابراین برای نوشتن کتاب خوب دانشگاهی، نیاز به فرهنگ و آموزش آن داریم. پس اگر قرار است فرهنگی در کتاب دیده شود مؤلف باید حواسش باشد چه چیزهایی را در کتاب وارد کند و چه چیزهایی را وارد نکند.

به فرهنگ بومی خود بی‌تفاوت باشیم و باید از فرهنگ بومی ایرانی - اسلامی در کار خودم استفاده کنیم. بیانیه گام دوم را از آقای دکتر گرفتم در کارم وارد کردم یعنی من ایرانی مسلمان در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنم نه فرهنگ بیگانه و فرهنگ غیرخودی چرا؟ به خاطر اینکه دنیا می‌گوید که همین متخصصان بین‌المللی امر تألیف کتاب که ما آن‌ها را ملاقات کردیم، همین‌ها می‌گویند اگر ما استانداردهای خودمان را تعیین نکنیم استانداردهایی برای ما تعیین می‌شود. ما باید نگران نسل جوانمان باشیم، باید حواسمان باشد چه چیزی در کتابمان می‌آوریم؟ آیا چیزی را تحمیل می‌کنم، تبعیض سوگیری، جناح‌بندی و بحث‌های چهارچوب دادن به دانشجو و هجوم فرهنگ‌های بیگانه این‌ها را آیا می‌آورم. حواسم باشد که چیزی که می‌آورم آن خودی باشد. لابه‌لای سطور را که می‌خواند این فرهنگ خودی را باید بداند، یاد بدهد. در شعر و ادبیات ما حتی درباره محیط‌زیست صحبت شده؛ "آب را گل نکنیم" چرا از فرهنگ غربی بردارم بیاورم که درباره رابطه انسان با محیط‌زیست گفته. در دین من گفته تو مالک انفال نیستی به آن معنا، تو در این محیط‌زیست داری زیست می‌کنی و باید

این ترم نقشه راهش باشد. چگونه این کار انجام شود؛ کتاب باید خوش‌خوان باشد خوش‌خوان بودن به چه چیزی است؟ اقتضا خوش‌خوان بودن به چه چیزی است؟ ما در این کتاب آورده‌ایم ساده بودن چگونه است و راحت هضم شدن موضوع چه چیزی است. بله در حوزه‌های مختلف ممکن است متون به لحاظ زبانی متفاوت باشند اما قطعاً یک سری مشترکاتی وجود دارد که در هر متنی می‌شود رعایتش کرد. غیر انتزاعی ننویسیم، اطناب نداشته باشیم، صراحت لهجه داشته باشیم. متن می‌تواند مذکر یا مؤنث داشته باشد متن‌های علمی را می‌گویند متن‌های مذکری هستند.

متن‌های ثقیل و غیرشخصی متن‌هایی که یعنی از خودمان حرف نمی‌زنیم غیرشخصی باشد این اقتضانات را در این فصل گفته‌ایم. ما تلاش کردیم ساختارهای مورد نیاز را برای یک مؤلف ارائه بدهیم چه بهتر از این اگر بیایند و به من بگویند این طور بنویس! می‌گویم ممنون که راهنمایی می‌کنید چه جوری کتاب بنویسم. کتاب نوشتن را هم از این مدل مدل آزمون و خطا که بگوییم من این طور نوشته‌ام و برود. خطاهایش را در بیاورند و یک بازخوردی به ما بدهند. سازمان سمت یا سازمان‌هایی شبیه سمت زمان هزینه می‌کنند و کارکنان را متخصص استخدام کرده‌اند تا کارها بهتر انجام شود نه اینکه هر کسی کار را از نو بریزد و بسازد، این اتفاقی که می‌افتد این است بعضی‌ها می‌گویند چرا کتاب ما رد شد بعد از چندین بار رفتن و آمدن.

” لزوم توجه به آموزه‌های فرهنگی و بومی

آقای دکتر آرمن اشاره کرد که ما در بحث فرهنگی مشکل داریم؛ به اعتقاد من هیچ مشکلی نداریم. اگر ما نخواهیم با آنچه در دنیا اتفاق می‌افتد همگام باشیم. بله آنچه ما می‌گوییم با دنیا فرق ما نمی‌توانیم

من تخصصم در حوزه آموزش زبان فارسی به غیر از فارسی‌زبانان ایران انجام می‌دهم زانی که تصویر شده‌اند در کتاب‌هایمان یعنی من خارجی وقتی یک کتاب فارسی را باز می‌کنم می‌گویم ای داد بی داد که چه ایرانی است اصلاً زن در آن وجود ندارد فقط در آشپزخانه است. به قول یکی از دوستان که امروز در صداوسیما می‌گفت صدای اسکاچ می‌آید و چرخ خیاطی! نه چنین چیزی نیست واقع‌نمایی کنیم زنان ما جایگاهشان کجاست کتاب درسی زن‌ها باید این‌طور نمایش داده بشود؟ مشاغلشان باید درست تعریف شود جایگاهشان باید درست دیده شود. مشاغل و حقوقشان باید درست دیده شود این‌ها بحث‌هایی است که ما انجام داده‌ایم و امیدوارم به‌زودی درک این مسئله در فضای دانشگاهی ما ایجاد شود. برای نوشتن کتاب دانشگاهی نیاز به آموزش داریم، نیاز به دانستن یک سری مسائل مهم داریم، وقتی دست به قلم می‌بریم بدونیم برای چه کسی می‌نویسیم و ترجمه‌هایی که از آن سو می‌آید را یک مقداری بیشتر حواسمان باشد که به اسم تألیف به خورد دوستان ندهیم.

گفتنی است پایان بخش این نشست بخش سؤال و جواب بود که اساتید نشست به آن‌ها پاسخ دادند.

حواست به آن حیوان، آب و درخت باشد. قدیمی‌ها می‌گفتند آب دهانتان را در جوی آب نریزید چون این خودش آلوده کردن محیط‌زیست است. آموزه‌های بومی من آنقدر زیاد است که من نیاز به آموزه‌های غربی نداشته باشم. من در این کتاب فرهنگ این را گفته‌ام آموزه‌های بومی و ملی و اسلامی ما به اندازه کافی موجود است تا نیازی به آموزه‌های غربی نداشته باشم. اما وقتی من مؤلف این کتاب را ترجمه می‌کنم به اسم تألیف در آنجا می‌گذارم و کپی پیست‌های جابجاکننده که حواس دیگران پرت شود بله آموزه‌های غربی را می‌آورم و هیچ‌کس هم کاری ندارد اما به استانداردهای من کار دارند چون صریح گفته‌ام این‌ها باید به لحاظ غربی در کتاب شما رعایت شود. پس اگر قرار است فرهنگی در کتاب درسی دیده شود شما وقتی قلم را به دست می‌گیرید تفکر خود را روی کاغذ می‌آورید. بخواهی یا نخواهی این پروژه به ما می‌گوید مؤلف باید حواش باشد چه چیزهایی را وارد فرهنگ و کتب دانشگاهی و ... می‌کند.

یک سری تفاوت‌های دیدگاهی وجود دارد بله در فرهنگ غربی تساوی جنسیتی است من به‌شخصه و دوستان ایرانی قبول داریم که تساوی اصلاً به نفع زن نیست چیزی اصلاً به نام تساوی به نفع زن نیست! آن چیزی که وجود دارد تمایز به رسمیت شناختن جایگاه‌های دو جنس مخالف است. پس اگر من جایگاه‌ها را می‌شناسم می‌توانم درباره‌اش بهتر نظر بدهم. دو تا از پایان‌نامه‌هایی که با من کار کردند فقط به حوزه جنسیت در کتاب‌های تاریخ برمی‌خورم فقط به شما بگویم چه فاجعه‌ای در کتاب‌های تاریخ ما است. جنسیت زن نادیده گرفته شده انگار زن در دنیا وجود ندارد چرا در کتاب جنس زن به او پرداخت نشده آیا زن‌ها غایب هستند! نیستند! وجود ندارند؟ وجود خارجی ندارند یا یک کتاب معمولی چون

گفت‌وگو با دکتر سلمان صادقی زاده

علم برآیند روش علمی است و روش علمی بر ساختی از کلیت علم

علم در خاستگاهی در عمیق‌ترین لایه‌های خودآگاه بشری ریشه دارد

ماهیت علمی قابل قبولی برخوردار نیستند، نکته دوم اینکه چندان استقلال ندارند. یعنی اینکه ما متون دانشگاهی طراحی کنیم که بر مبنای اصول علمی مطلق بنا شده و اصطلاحاً مونتاژ نباشد. وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که دو جور مونتاژ هم وجود دارد؛ یکی مونتاژ قطعات علمی بی کیفیت غربی، یعنی اینکه نویسنده همان قطعات علمی غربی، آن هم قطعات بی کیفیتش، را آورده و خوب نفهمیده، دیگری قطعات بی کیفیت میراث فکری خودمان. مثلاً متفکری می‌خواهد از میراث فکری خودمان استفاده کند از اندیشه‌های مولانا و سعدی و فردوسی یا از سخنان ملاصدرا اما درحالی‌که به سراغ آن‌ها می‌رود خیلی توفیقی ندارد و به‌طور ناقص و به‌صورت مونتاژ شده قطعاتی از گفتارهای آن افراد می‌آورند و در متون دانشگاهی بازتولید می‌کنند و بدون اینکه کاملاً فهمیده شود، تجزیه و تحلیل شود و از همه مهم‌تر با بدنه آموزش علمی جدید ترکیب شود، لذا این دشوار و مشکل اصلی متون دانشگاهی ما است.

ما باید نیازشناسی کنیم که چرا متون دانشگاهی ما آن‌طور که خودمان نیاز داریم کیفیت پیدا نمی‌کند. آن وقت در نیازشناسی به چیزهای خوبی برمی‌خوریم که واقعاً چه مشکلاتی وجود دارد و چگونه می‌شود این مشکلات را حل کرد. من درواقع از نگاه نیازشناسانه می‌خواهم

سلمان صادقی زاده متولد سال ۱۳۶۵، دارای مدرک دکترای جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه تهران، استادیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگر ارشد مهمان در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، مؤلف و مترجم است و تاکنون ده‌ها کتاب و مقاله علمی و پژوهشی از وی منتشر شده است.

”وقتی بحث تحول متون درسی و دانشگاهی مطرح شد این سؤال هم به وجود آمد که اصلاً به چه دلیلی احساس کردند نیاز است که یک تحولی در حوزه متون درسی و دانشگاهی ایجاد شود به‌خصوص در حوزه علوم انسانی؟ به نظر من در بحث تحول متون دانشگاهی دو رویکرد می‌توانیم داشته باشیم. یک رویکرد این است که ما به این نتیجه رسیده باشیم که متون دانشگاهی ما به‌خصوص متون علوم انسانی از ژرفا و کیفیت و



یک نگاهی داشته باشیم به عمده تحولاتی که در پژوهش در ایران حداقل در سده گذشته رخ داده است.

” قبل از اینکه وارد این بحث بشویم شاید سؤال بنیادی‌تر وجود داشته باشد. از آنجا که هر علمی یک غایت و هدف و روشی دارد متون و منابع علمی دانشگاهی‌ای که الآن در نظام آموزش عالی ما وجود دارد و بخواهیم با توجه به آن هدف به آن نگاه کنیم چه جایگاهی برای آن‌ها می‌توانیم متصور بشویم چقدر عملکرد متناسب با آن هدف را دارند؟

به نظر من این پرسش دقیقی است. اینکه اصلاً چرا ما به علوم انسانی نیاز داریم و غایت علوم انسانی در چه چیزی است؟ به‌طور کلی حالا من در علوم انسانی صحبت می‌کنم چون بیشتر بحث در علوم انسانی است و اتفاقاً علوم انسانی مهم‌تر از علوم دیگر است و سبقت بر علوم دیگر دارد. در وهله نخست غایت علوم انسانی چه چیزی است؟ علوم انسانی بزرگ‌ترین هدفش به تصور من تعمیق فهم ما از ماهیت انسان و تدارک ابزارهایی برای شادکامی و سعادت انسان است. یعنی در واقع دو تا موضوع است که این غایت را تشکیل می‌دهد. یکی موضوع تعمیق درک ما از ماهیت انسان و نیازهای انسان که اینکه انسان ماهیتش چه چیزی است و چه نیازهایی دارد و بعدی تدارک بسترهای لازم برای شادکامی و سعادت انسان. اما چه روشی بر این حاکم است، در واقع روشی که در علوم انسانی است به یک دامنه گسترده‌ای از روش‌ها برمی‌خوریم ولی مهم این است که این روش‌ها در خدمت آن بینش باشند. اگر آن غایتی که شما از آن صحبت کرده‌اید بینش به ما می‌دهد و ما آن بینش را داشته باشیم فقط کافی است برای به خدمت گرفتن علوم انسانی در مسیر دست یافتن به آن بینش روشی را درست به کار ببریم.

” این متون چقدر می‌توانند به این دستیابی کمک کنند؟ در حال حاضر علوم انسانی ما چقدر متن محور هست؟ متون موجود چقدر کارایی دارد؟ چقدر کمک می‌کند که به ضرورت تحول در متون به‌عنوان یک نیاز واقعی برسیم؟ آیا متون موجود دارد کار خودش را خوب انجام می‌دهد یا اینکه واقعاً نیاز به تحول واقعی باشد؟

در پاسخ به پرسش نخست به نظر من کارش را خوب انجام نمی‌دهد. ما با این بحران در این زمینه مواجه هستیم نه با مشکل. عمیق‌تر از مشکل است و اینکه نیاز به تحول وجود دارد. به نظر من به تحول بسترها نیاز وجود دارد نه تحول سیاست‌ها.

ما همه می‌دانیم اگر ما تاریخ اسلام و تاریخ غرب را بشناسیم می‌فهمیم غربی‌ها در جنگ‌های صلیبی در پیوند با ما مسلمان‌ها خیلی از علومشان را وام گرفتند. جنگ‌های صلیبی که در میان بود میراث علمی جهان شرق به جهان غرب منتقل شد و ما به این موضوع اتفاق نظر داریم. یعنی این علوم در جدایی

بکنیم باید بسترهای فکر آفرینی در کشور تقویت بشود و ما بتوانیم اندیشمندان قدرتمندی داشته باشیم تا در تعاطی افکار بتوانند مشارکت کنند.

” شما به اینکه روش‌های متناسب با علوم انسانی و تأثیری که روش می‌تواند بر علم بگذارد یا از آن می‌گیرد اشاره فرمودید. این موضوع تأثیر روش بر علم و حالا شاید بر متونی که در آن حوزه یا در آن رشته خاص یا علم خاص تولید می‌شود بیشتر به چه شکل است؟

اینکه روش بر علم تأثیر می‌گذارد یا علم بر روش پرسش دشواری است. یعنی از آنجایی که علم برآیند روش علمی است و روش علمی برساختی از کلیت علم، واقعاً نمی‌شود در میان این‌ها یکی را در جایگاه علت و دیگری را در جایگاه معلول قرار داد. شاید بشود آن‌ها را دلیل و مدلول یکدیگر دید، اما مهم‌تر اینکه روش چه تأثیری بر علم می‌تواند داشته باشد. برای نمونه این تولد روش علمی تأثیری بر معرفت علمی داشته باشد در پاسخ به این پرسش تأملی کرده‌ام.

در باب تحول انسانی مهم‌ترین تحولات را ما در قرن بیستم در عرصه روش شاهد هستیم. من تصورم این است که یک سری فرصت‌ها پیش روی علم قرار داد. پنجره‌هایی به روی علم گشود و در عین حال هم تابع یک سری محدودیت‌ها بود. اما آنچه که روشن و واضح است در علوم قرن بیستم تغییر ژرف دامنه‌ای ایجاد کرد. اما اگر بخواهم به تفکیک به علوم مختلف اشاره مختصری بکنم که چگونه عوض شدند مثلاً تاریخ را در نظر بگیرید، ما تاریخ‌نگاری داشتیم. تاریخ‌نگاری یک جور شکل سازمان‌یافته‌ای از قصه‌گویی بود. اصطلاحاً روایت^۱ بود. ما تعریف می‌کردیم فلان آقای در فلانجا فلان کار را کرد، درگیری شد، آن را

ما باید نیازشناسی کنیم که چرا متون دانشگاهی ما آن‌طور که خودمان نیاز داریم کیفیت پیدا نمی‌کند. آن وقت در نیازشناسی به چیزهای خوبی برمی‌خوریم که واقعاً چه مشکلاتی وجود دارد و چگونه می‌شود این مشکلات را حل کرد.

و مفارقت از هم شکل نگرفته‌اند. دائماً در تعاطی با هم بوده‌اند. نکته دوم که قرون سوم و چهارم قرون طلایی ما است. در این موضوع اتفاق نظر داریم. قرون طلایی ما مقارن با نهضت ترجمه است. یعنی زمانی که افرادی مثل فارابی آمدند و میراث تفکر یونان به ساحت تفکر اسلامی عرضه کردند ما آن موقع ترجمه‌های زیادی می‌دیدیم حتی ترجمه‌هایی از متون ایران باستان صورت می‌گیرد و آن‌ها هم خیلی کمک می‌کنند به پیشرفت فکری جهان اسلام. مثلاً آقای دکتر محمود خاتمی کتاب جالبی دارند در مورد همین موضوع. نشان می‌دهد چگونه میراث فکری ایران به پس از اسلام راه پیدا کرده و در اندیشه بزرگانی چون سهروردی، ملاصدرا، ابن‌سینا و امثال آن بازتولید شده. آن معارف یکتاپرستانه، آن معارف انسان‌گرایانه، جایی که انسان را برمی‌کشد و بر ماهیت الوهیتی انسان تأکید می‌گذارد، بر معارفی که در ایران باستان بوده. می‌خواهم بگویم قرون سوم حاصل همین فضایی بود که علوم انسانی رشد کرد یعنی قرون طلایی ما مقرون رشد علوم انسانی از گذر تعاطی و تضارب آرا با فرهنگ‌های غربی است. لذا این جداسازی‌ها را اصطلاحاً می‌توانیم بگویم جداسازی‌های مصنوعی و تصنعی هستند. عالم هستی اصلاً جدا نمی‌شود. ولی یک نکته مهم است وقتی ما می‌خواهیم تعاطی فکری

1. Narration



داخلش کشتی‌ها و قایق‌های حاکمان حرکت می‌کرد و ما روی این رودخانه متمرکز بودیم. الان آمدیم و به بستر آن رودخانه هم توجه کردیم. اینکه فقط رودخانه نبوده، ساحلی داشته که در کنار ساحل کسی ظرف می‌شست، کسی عاشقی می‌کرد، کسی قصه‌ای می‌گفت، کسی می‌گریست و این رودخانه قدرت ساحلی دارد که این ساحل به اندازه رودخانه اهمیت دارد. تاریخ تاریخی پهن دامنه شد. روایت کلی گرا پیدا کرد و نگرش داستان‌سرایانه کنار گذاشت. این‌ها همه معجزه و اعجاز روش است. شما یک دفعه روشی را به دست می‌گیرید به‌طور کلی نگاهتان به تحولات عوض می‌شود.

شما می‌بینید وقتی روش پوزیتیویسم آمد یک دفعه ویژگی‌های جدیدی به جامعه دانشگاهی تزریق کرد. یک دفعه نگاه و بینشی داد و تولیدات کلان دامنه‌ای را رقم زد. یا در علم سیاست سازه‌انگاری که الکساندر ونت آن را مدیریت کرد. در واقع آن نظریه را ارائه داد. با ترکیبی از هویت و منافع عینک جدیدی بر چهره روابط بین‌الملل گذاشت و بینش جدیدی به رشته روابط بین‌الملل داد. یا مثلاً در خود علم سیاست نظریه‌هایی مثل نظریه گفتمان همین کار را کردند. در

گفت، صلح و آشتی شد. قصه را تعریف می‌کردیم تا به فرازهایی از داستان می‌رسیدیم و در آن فرازهای داستان از چرخش‌های تاریخی صحبت می‌کردیم. مثلاً در مورد جنگ جهانی اول وقتی صحبت کنیم مثلاً می‌گوییم در آستانه جنگ جهانی نخست در سال ۱۹۱۴ یک دانشجویی آمد و فرانسس فردیناند^۱ از خاندان امپراتوری اتریش مجارستان را ترور کرد و جنگ جهانی اول شروع شد و به همین شکل نیز جنگ تمام شد. قصه‌هایی که با یک فرازهایی شروع می‌شوند و به پایان می‌رسند. اما شکل‌گیری مکتب آنال در دهه ۱۹۲۰ که برآمده از تفکر تاریخ‌نگاران فرانسوی انقلابی در تاریخ‌نگاری ایجاد کرد. نسل اول تاریخ‌نگاران در واقع مثل مارچ بلوف یا درواقع لوسین وفق این‌ها آمدند و گفتند تاریخ این‌گونه نیست که شما می‌گویید. این نیست که این آمد آن را کشت، جنگ شروع شد و به پایان رسید. این‌ها بسترهای تاریخی داشته است. این‌گونه نبوده که چون کسی، کسی را کشت جنگ شروع شد. شما همه چیز را در یک تپانچه می‌بینید، در یک شلیک گلوله. شما باید ساختارهای اجتماعی، ساختارهای فرهنگی، ساختارهای تاریخی، تحولات دهه‌های گذشته را هم ببینید. در نسل نخست مکتب آنال و نسل دوم بیشتر متأثر از فرناند بلود بوده‌اند. نسل دوم طور دیگری مسائل را تحلیل کردند. فرناند کتابی سه جلدی دارد به اسم تمدن و سرمایه‌داری که ترجمه فارسی آن ۲۴۰۰ صفحه است و دکتر فرهنگ رجایی ترجمه کرده است و به تحول تمدن سرمایه‌داری در قرن پانزدهم و هجدهم اروپا می‌پردازد. آنجا نشان می‌دهد که تحولاتی کلان چگونه تحولات جزئی را در دل خودشان به وجود آوردند. شما می‌بینید که یک دفعه بینش عوض می‌شود. در علم تاریخ با تعبیر جالبی می‌گویند اگر تاریخ رودخانه‌ای بود که

2. Alexander Wendt

1. Franz Ferdinand



فرد را مثل پیچ می دید در یک ماشین بزرگ. مثلاً جامعه‌شناسی پوزیتیویستی می‌خواست یک نفر را بررسی کند می‌گفت بگو ببینم کجای شهر می‌نشینی؟ وضع اقتصادی‌ات چگونه است؟ به کدام طبقه وابسته هستی؟ تا بگویم به چه کسی رأی بدهی. یعنی انسان را از محتوای کنش‌گرایانه خلاقانه تهی کرده بود. یا به معنای دیگر انسان را از انسانیت تهی کرده بود و نگاه سبیرنتیکی در مطالعات متأخرش به آن اضافه شد و به‌طور شبکه‌ای مناسبات را بررسی می‌کرد. اما در آنجا از جایگاه واکنش‌گری انسانی غفلت می‌کرد در صورتی که مولد تمام نظام‌های اجتماعی در آخرین تحلیل کنش‌گری انسانی بود و خوب ریشه‌های محافظه‌کارانه‌ای از کاتولیسم فرانسوی به ارث برده بود که از نظریه افرادی مثل ژوزف دومیستر^۱ که آن را با میراث عصر روشن مخلوق کرده بود که اثبات‌گرایانی و تحلیل بر اساس مشاهدات بود. اما در مجموع خود جامعه‌شناسی جدید بیشتر ضد روشنگری بود. جالب است این را کمتر کسی به آن توجه می‌کند که جامعه‌شناسی مدرن یا به تعبیر دقیق‌تر جامعه‌شناسی کلاسیک در وجوه مهمی در تضاد با مدرنیته بود. مدرنیته دنبال تغییر بود، این دنبال حفظ ثبات بود. مدرنیته دنبال رهایی و تحول و جنبش اجتماعی بود، جامعه‌شناسی کلاسیک دنبال این بود که چگونه نظم را حفظ کنیم، توازن و تعادل را حفظ کنیم، جامعه بر هم نخورد. ژوزف دومیستر می‌گفت جامعه را خدا درست کرده مگر شما درست کرده‌اید که می‌خواهید اصلاحش کنید؟ می‌گفتند شما انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ را برای چه به راه انداخته‌اید؟ البته خود آگوست کنت^۲ متولد بعد انقلاب فرانسه است ولی خوب خیلی ترسیدند. وقتی انقلاب فرانسه شد کشور به هم ریخت

عرصه عمومی یک فرصت‌هایی ایجاد کرد و در عرصه کشور خودمان باز این مسائل فرصت‌ها و آفت‌هایی را ایجاد کرد. اما در عرصه جهانی چه فرصت‌هایی ایجاد کرد؟ چشم‌اندازهای جدیدی، در علم قرار داد. اما در عین حال ایراداتی ذاتی داشت که آن ایرادها با آن روش‌ها به تحقیق تحمیل شدند. مثلاً همین پوزیتیویسم که ما از آن صحبت می‌کنیم و به آن افتخار می‌کنیم و ستایش می‌کنیم در یک جاهایی شکل ایدئولوژیست به خودش می‌گرفت. یعنی مباحثی که آلن تورن هم خودش در کتاب «دموکراسی چیست» و در کتاب «برابری و تفاوت آیا می‌توانیم با هم زندگی کنیم» دارد. آنجا آلن تورن که از معدود جامعه‌شناسان نسل طلایی جامعه‌شناسی بود تأکید می‌کند و می‌گوید این جامعه‌شناسی که در کشور فرانسه شکل گرفته از اصطلاح سوسیولیژ استفاده می‌کند که من به جامعه‌شناسی‌گری ترجمه‌اش کرده‌ام. یعنی شما بیایید به طرز افراطی و غیر واقع‌گرایانه از مفاهیم جامعه‌شناختی برای روابط انسانی استفاده کنید. مثلاً جامعه‌شناسی وقتی شکل گرفت خیلی بر جامعه تأکید می‌کرد، خیلی فرد را در ذیل جامعه کوچک می‌کرد،

1. Joseph de Maistre

2. Auguste Comte

کلیت علم وارد شده و در کشور ما به‌طور خاص آفت بازاری شدن را می‌بینیم. علم وقتی بازاری می‌شود قواعد بازاری هم رویش تأثیر می‌گذارد و اینکه شما می‌فرمایید به نظر من بله یکسری روش‌ها مد می‌شود. مثلاً یک نمونه بارز روش گفتمان خیلی مد شده نه آنهایی که مد کرده‌اند و نه آنهایی که استفاده می‌کنند زیاد نمی‌دانند چه چیزی را استفاده می‌کنند و نه در موارد زیادی کسانی که آن تحقیق علمی را راهنمایی می‌کنند متفطن به ظرایف به آن امر هستند. اصلاً گفتمان چه بوده؟ من مثالی بزنم که بفهمیم این مد شده و چقدر هم اشتباه مد شده است. تحلیل گفتمان نظریه‌ای بود که ریشه در آثار و اندیشه‌های میشل فوکو^۴ فیلسوف و جامعه‌شناس قرن بیستم فرانسه داشته. قصه این بود که در یک برهه‌ای بعد از تحولات عصر روشنگری در فرانسه و دیگر کشورهای اروپا یک چیز جدیدی به وجود آمد به اسم جامعه که قبل از این هیچ وقت نبوده. قبل از آن ما یک سری جماعت‌ها داشتیم که دور هم زندگی می‌کردند؛ جماعت‌های قومی، جماعت‌های نژادی، جماعت‌های مذهبی، جماعت‌های محلی. چیزی به اسم سوسایتی نداشتیم تا قرن هجدهم یا دست کم بعد از ۱۹۴۸ و ستفالی^۵ نهایتاً ریشه به وستفالی برمی‌گردد که دولت‌های ملی به رسمیت شناخته شدند و ما یک دفعه یک سامان ملی پیدا کردیم. وقتی در قرن نوزدهم جوامع که پیرامون آن سامانه ملی شکل گرفت توانستیم از جامعه صحبت کنیم و اوجش در قرن بیستم آمد. مذهب را به‌عنوان عامل اصلی هدایت جوامع کنار گذاشت و قانون را جایگزین کرد. اما چه کرد؟ دید نظام بسیار پیچیده منظم و دقیقی اتخاذ کرده که فوکو از آن به‌عنوان مراقبت و تنبیه در اثر معروف خودش نام می‌برد. آنجا

در باب تحول انسانی مهم‌ترین تحولات را ما در قرن بیستم در عرصه روش شاهد هستیم. من تصورم این است که یک سری فرصت‌ها پیش روی علم قرار داد. پنجره‌هایی به روی علم گشود و در عین حال هم تابع یک سری محدودیت‌ها بود. اما آنچه که روشن و واضح است در علوم قرن بیستم تغییر ژرف دامنه‌ای ایجاد کرد.

و درگیری شد. این‌ها بیشتر دنبال حفظ ثبات بودند. ولی خوب همین حرف دومیتر می‌گفت خدا درست کرده، شما چه می‌گویید که ما درستش کنیم، اصلاحش کنیم؟ چیزی که خدا درست کرده مگر شما می‌توانید اصلاحش کنید؟ دوباره در جامعه‌شناسی پژواک دیگری پیدا کرد در حفظ وضع موجود. در مجموع این تهدیدها را هم داشت و این محدودیت‌ها را هم داشت.

” فضای روشی قالب یا گرایش‌های روشی قالب در محیط‌های علمی ما چگونه ایجاد می‌شود؟ آیا می‌توانیم بگوییم تحت تأثیر مد^۱، اشتیاق^۲ یا مأموریت^۳ قرار می‌گیرد یا روشی خیلی ممکن است که چیره بشود در فضای یک علمی؟

آنجا که شما سه متغیر را برشمردید اینکه ما بگوییم مد‌ها روی این تأثیر می‌گذارد یا احساسات و علایق باعث انتخاب این روش می‌شود یا مأموریت علمی که فرد اتخاذ می‌کند. به نظر من عامل اول از همه مهم‌تر است متأسفانه یعنی عامل مد. در سیستم دانشگاهی یک روش‌هایی مد می‌شود همانند اینکه لباسی در بازار مد می‌شود. جایی که آفت‌هایی به

1. fashion
2. pasion
3. mission

4. Michel Foucault
5. Westphalian

**شما می‌بینید وقتی روش پوزیتیویسم آمد
یک دفعه ویژگی‌های جدیدی به جامعه
دانشگاهی تزریق کرد. یک دفعه نگاه و
بینشی داد و تولیدات کلان دامنه‌ای را رقم زد.**

همه افراد از طریق قانون و بروکراسی و ابزار فناوری تحت مراقبت بودند و یک سری هنجارهایی جایگزین هنجارهای دینی شد. ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی را هنجارهایی که مبتنی بر قانون بود و هنجارهایی که مبتنی بر رفتاری خاص بود جایگزین کردند به‌ویژه در مدرنیته متمدن. در مدرنیته متمدن، اولین مرحله مدرنیته، آمدند خط‌کش‌هایی گذاشتند و زن را از مرد جدا کردند و گفتند مرد باید در حوزه عمومی کار کند زن در حوزه خصوصی. مرد آدمی است که عقل دارد و زن آدمی است که احساس دارد. یعنی زن عقل ندارد. تعبیر اولیه خرد موجود خردمندی نیست. این گونه زن‌ها در اولین مراحل مدرنیته متمدن به حاشیه رفتند. یا آمدند بین منافع خصوصی و عمومی تفکیک قائل شدند. یا میان ویژگی‌های محلی یا ویژگی‌های عمومی. مثلاً در کشورهای صحبت کردن به زبان محلی ضد هنجار و ضد ارزش تلقی می‌شد و گفتند چرا به زبان شهرتان صحبت می‌کنید؟ چرا به زبان محلی صحبت می‌کنید؟ در مدرسه به زبان مرکز صحبت کن و حتی لهجه هم نداشته باش. یک دفعه یک وضعیت هنجاری سنگین و نظم جدیدی از اشیا به وجود آمد که فوکو به آن می‌گفت گفتمان. یعنی به معرفت‌شناسی^۱ و نظام دانش جدیدی که به آنجامعه حاکم بود می‌گفت گفتمان. می‌گفت در این گفتمان که نظمی قدوسی از کنار هم قرار گرفتن اشیا است که به انسان‌ها هویت مشخصی می‌دهد، انسان‌ها را می‌سازد، مولد انسان است، در آن برهه شکل گرفت.

1. Epistemology

او آمد در مورد جامعه خودش و شرایط جامعه خودش و تحولات مدرنیته متمدن نظریه گفتمان را داد. در نیمه دوم قرن بیستم آنجامعه دیگر نیست و فرو ریخته. در کشورهای غربی هم دیگر چیزی به اسم سوسیالیته فرو ریخته و مناسبات در مناسبات جهانی بازار آزاد و سرمایه‌داری و هویت‌های فرهنگی و مسائل دیگر مستحیل شده. حال آن چیزی که فوکو درباره‌اش صحبت می‌کرد نیست. در غرب هم نیست. یعنی اگر حرف فوکو هم درست بوده دیگر تمام شده. در مراکز تمدنی جهان این تحلیل گفتمانی به شکلی که فوکو مدنظر داشت دیگر نیست. حال ما در فلان دانشگاه بخواهیم مسائل خودمان را بر اساس گفتمان و نظریه گفتمان تعریف کنیم.

در صورتی که نظریه گفتمان در همان غرب هم اشکالاتی داشت چون گفتمان کنشگری را نفی می‌کرد، امکان سوژگی را منتفی می‌دانست و تا حد زیادی نظریه از این جهت ایرادات جدی داشت و لذا عامل مد از همه مهم‌تر است.

” بر اساس فرمایشات شما از روشی که موضوعیت ندارد یا حداقل با شرایط حاکم بر جامعه تناسب ندارد استفاده می‌شود و یک سری متونی تولید می‌شود و آن متون مبنای تولید متون دیگری قرار می‌گیرند. این برای فضای علمی و فضای دانشگاهی ما چه آسیب‌های دیگری می‌تواند داشته باشد و این زنجیره تولید متون بر اساس روش نامتناسب یا غلط تا کجا می‌تواند ادامه پیدا کند؟ دامنه آسیب‌هایی که می‌تواند برساند تا کجاست و برای اینکه جلوی او را گرفت چه می‌شود کرد؟ بله متأسفانه این زنجیره خودبازتولیدگری است، یعنی خودش را می‌سازد. اگر جایی قطع نشود همین گونه تداوم پیدا می‌کند. این‌ها را ما می‌توانیم ذیل

محکمی دست پیدا کرده‌ام. یک دفعه معرفت‌شناسی آمد اول. یعنی به جای اینکه هستی‌شناسی اول باشد معرفت‌شناسی اول آمد. معرفت‌شناسی یعنی اندیشیدن هستی قائم بر اندیشیدن شد. من می‌اندیشم چون هستم نه اینکه هستم می‌اندیشم. جاهایش برعکس شد. عالم هستی قائم بر اندیشه من انسان شد. نکته چهارم که بر آفت‌های روش پژوهش می‌شود برشمرده روابط پژوهشی حاکم بر روش پژوهش است. این روابط پژوهشی کلیدی‌ترین حرف این صحبت است که به آن رسیده‌ام و درباره‌اش صحبت می‌کنم.

ما اصطلاحی در جامعه‌شناسی داریم به اسم روابط اجتماعی. یک سری از جامعه‌شناسان بر این باورند هر اتفاقی در جامعه می‌افتد محصول نوع روابط اجتماعی حاکم بر آن جامعه است. یعنی هر سلسله مراتب هر نظام ارزشی هر خوب و بدی هر باید و نبایندی درون این روابط اجتماعی است.

مثلاً همین میز که یک چیز بسیار ساده‌ای است. روابط اجتماعی است که تعیین می‌کند بالا و پایین این میز کجاست. ما هستیم که به این میز بالا و پایین می‌دهیم، ما هستیم که به اشیا معنا می‌دهیم و روابط اجتماعی نیز شامل همین است. بر اساس همین روابط رقابت، توزیع منابع، دعوا، صلح شکل می‌گیرد و تمامی این‌ها روابط اجتماعی است.

روش پژوهش و به‌طور کلی پژوهش بر یک سری روابط پژوهشی شکل می‌گیرد. به نظر من روابط پژوهش ما بزرگ‌ترین پاشنه آشیل ما است. در نظام دانشگاهی اگر می‌خواهیم تحول در علوم انسانی ایجاد کنیم باید تحول در روابط پژوهشی ایجاد کنیم. این روابط پژوهشی در واقع یک مشکلاتی را به ما تحمیل کرده. یک نظام ارزشی ایجاد کرده که این نظام ارزشی کاملاً کمی‌گرایانه و شکل‌گرایانه است که به شما می‌گوید چند مقاله نوشته‌اید؟ هر کدام چند صفحه است؟ ارزش‌گذاری علمی خیلی کمی شده.

آفت‌های روش پژوهش درک کنیم. مثلاً این بدفهمی درباره نظریه‌گفتمان یک موردی از این است. یا آفت دوم این روش‌ها عدم پرداختن عمیق به صورت روش‌شناختی است. چون روش‌شناسی چیزی است که ماهیت پیشینی نسبت به روش دارد. ما نمی‌توانیم بدون فهم روش‌شناسی به سراغ روش برویم. نکته سوم که می‌توانیم آن را آفت روش پژوهش قلمداد کنیم غفلت از مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناختی روش‌هایی است که اتخاذ می‌کنیم. یعنی اینکه ما چه نگاه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی به واقعیت علمی و به ماهیت علمی داریم. این‌ها خیلی مهم است. مثلاً به‌طور خاص اگر به تاریخ فلسفه علم نگاه کنیم تا پیش از شک دکارتی آنتولوژی در وهله نخست قرار داشت. یعنی ما می‌گفتیم اول هستی‌شناسی است یعنی عالم هستی و آن چیزی که ما از عالم هستی در نظر داریم وجود دارد و بعد معرفت وجود دارد. اول جهانی است و بعد مایی که می‌رویم آن را بشناسیم. ولی وقتی شک دکارتی مطرح شد قضیه برعکس شد. دکارت گفت من از کجا بدانم من درست می‌بینم؟ اصلاً بیدار هستم یا خوابم؟ پرسش کرد و پرسش کرد تا رسید به اینکه این پرسش‌ها را چه کسی می‌پرسد؟ گفت من این‌ها را نمی‌توانم جواب بدهم. گفت من هستم و می‌اندیشم و به لحاظ دقیق‌تر چون می‌پرسم هستم. به اشتباه ترجمه شده چون می‌اندیشم هستم ولی دقیقش چون می‌پرسم هستم. بعد استناد می‌کند به آن صحبت معروف ارشمیدوس که می‌گفت اگر من یک نقطه ثابت در عالم هستی پیدا کنم تمام جهان را با یک دست از جا می‌کنم ولی آن نقطه ثابت را پیدا نمی‌کنم. تعبیر جالبی که در تفکر فیزیکی خودش پیدا کرد و گفت من هم هیچ کاری نمی‌توانم بکنم تا یک نقطه ثابتی پیدا کنم. امروز آن را پیدا کرده‌ام؛ من می‌اندیشم پس هستم و وجود دارم می‌شود نقطه ثابت. من این را می‌گیرم و جهان را از جا می‌کنم چون به یک لنگرگاه

نظام ارزش‌گذاری کاملاً کمی حاکم شده که به‌طور کامل کور است و اصلاً نمی‌بیند. این بزرگ‌ترین آفت حاکم بر روابط پژوهشی است.

به نظر من روابط پژوهش ما مشکل دارد. روابط پژوهش است که دارد ارزش‌های اساسی را در قلمرو پژوهش توزیع می‌کند. طبق این روابط پژوهش کسی که بیشتر می‌نویسد قدر می‌بیند و بر صدر می‌نشیند. تمایل روابط پژوهش به کمی‌گرایی است که این افراد را به نوشتن سوق می‌دهد.

من تمامی این متغیرها را برمی‌شمارم و یک اشاره کوتاه می‌کنم که کمیت باید با کیفیت ترکیب شود. مثلاً آفت کیفیت تألیف و ترجمه. یعنی شما می‌دانید میزان زیادی از تألیف‌ها کپی هستند، میزان زیادی بی‌ربطی و عدم انسجام و یا حتی مشکلات و پراستاری دارند. حتی ترجمه‌ها اشتباهات فاجعه‌باری درونش است. حتی فکت‌های غلط، یعنی علم جهل آفرین، یا توهم علمی. پس عامل اول آفت کیفیت تألیف و ترجمه.

عامل دوم کاهش استانداردهای انتشارات است. شما کتاب را به انتشارات می‌برید یک پولی می‌گیرند و به هر تعداد که بخواهید چاپ می‌کنند و دیگر کاری به چیزی که شما نوشته‌اید ندارد. مثلاً تبلیغات می‌شود که کتاب خود را داشته باشید حتی یک نسخه. متأسفانه ۱۲۰ هزار عنوان در سال کتاب در کشور منتشر می‌شود، اما با میانگین تیراژ بسیار پایین.

نکته سوم که کمی‌گرایی بود دو وجه دارد؛ وجه اول آن کسی که استخدام نشده رزومه‌سازی می‌کند به منظور استخدام، آن کسی که استخدام شده رزومه‌سازی می‌کند به منظور ارتقاء. برای این کمی‌گرایی اتفاقاً چاره‌های زیادی اندیشیده‌اند. مثلاً آیا حرفی که کسی جایی زده، مخاطب دارد یا نه؟ چند نفر به این مطالب ارجاع می‌دهند؟ با این روش‌ها می‌شود کیفیت را سنجید. مثلاً فردی یک مقاله نوشته که ۱ میلیون نفر به آن

مراجعه کرده‌اند اما دیگری یک میلیون مقاله نوشته یک نفر هم به آن مراجعه نکرده. این کمی‌گرایی و فشار برای تولیدات بیشتر در نهایت اخلاق پژوهش زیر سؤال می‌برد و منجر به سرقت‌های ادبی می‌شود.

” این آسیب‌هایی که فرمودید ممکن است مسیر علم را هم تغییر بدهد؟ این آسیب‌ها در سطح کلان آیا این قدرت را دارند که بتوانند مسیر علم را هم منحرف کنند یا نه، علم مسیر خودش را می‌رود؟

به نظر من این قدرت را ندارند به خاطر اینکه علم خاستگاه عمیقی در خودآگاه بشری دارد، یعنی خودآگاه اجتماعی کسی را که یک مقام استادی پیدا کرده ساختار علمی را به چالش می‌کشد و این یعنی اینکه علم در خواستگاهی در عمیق‌ترین لایه‌های خودآگاه بشری ریشه دارد که هیچ سیاستی نمی‌تواند آن را منحرف کند و در عین حال شما می‌بینید همین الآن در جامعه علمی به کسانی استناد نمی‌کنند که مقام ارتقاء یافته‌ای در نظام دانشگاهی دارند بلکه به کسانی استناد می‌کنند که مقام ارتقاء یافته‌ای در افکار عمومی پیدا کرده و مردم آن‌ها را به‌عنوان دانشمند شناخته و وجدان عمومی آن‌ها را به رسمیت شناخته لذا علم آسیب می‌خورد ولی هرگز مستحیل نمی‌شود.

” خیلی متشکرم اگر از مباحثی که در نظر داشتید مطلبی باقی مانده که حتماً ضرورت دارد عنوان بشود می‌خواهم خواهش کنم یک جمع‌بندی داشته باشید.

نکته خاصی نمانده مهم‌ترین نکات بیان شد فقط جای قدردانی و تشکر می‌ماند از سرکار عالی و همکاران محترم‌تان که به این مباحث بنیادی در ساحت علوم انسانی می‌پردازید قطعاً اگر این دامنه‌دار و چندجانبه باشد می‌تواند دردی از دردهای علوم انسانی کشور دوا کند.

درساحت فرهنگ

گفت‌وگو با دکتر مصطفی تقوی معاون فرهنگی دانشگاه صنعتی شریف

رابطه متقابل میان فرهنگ و فناوری

مصنوع تکنیکی نسبت به ارزش‌ها خنثی نیست

کرد که وقتی در قرن بیستم توسعه فناوری در حال اوج گرفتن بود عده‌ای از همان ابتدا به این موضوع توجه کردند که توسعه فناوری سبک زندگی ما را تغییر می‌دهد. سبک زندگی به معنای شیوه‌های عمل؛ یعنی چطور آشپزی می‌کنیم؛ چطور خرید می‌کنیم؛ چطور محبت می‌ورزیم؛ چطور ارتباط برقرار می‌کنیم؛ چقدر ارتباط رودررو می‌گیریم؛ تمام این وجوه را که در سبک زندگی می‌توانیم ذکر کنیم با ورود فناوری تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

به‌طور مثال، وقتی تلویزیون وارد خانه‌ها شد، ارتباطات رودررو هم کمتر شد. در سال‌های اخیر روی این موضوع که توسعه فناوری چه وجوهی از زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد تأملات بیشتری شده است؛ از جمله اینکه متخصصین علوم شناختی معتقدند استفاده کردن از کیبورد رایج^۱ عواطف ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، تایپ یک کلمه با دکمه‌های سمت راست کیبورد یا سمت چپ باعث می‌شود عواطف ما نسبت به واژه‌هایی که می‌نویسیم تحت تأثیر قرار بگیرد. اگر بخواهیم این بحث را با موردکاوی ادامه دهیم می‌توان به ظهور مفهومی در فلسفه فناوری با عنوان چرخش تجربی^۲ اشاره کرد. در

دکتر مصطفی تقوی دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای خود را به ترتیب در رشته فیزیک، فلسفه علم و فلسفه علم و فناوری گذرانده است. وی جزء آغازگران و مروجان اصلی فلسفه و اخلاق فناوری در ایران بوده، و آثار متعددی را در این زمینه و در زمینه فلسفه و اخلاق علم، در مجلات معتبر بین‌المللی و داخلی منتشر کرده است.

معاون فرهنگی دانشگاه صنعتی شریف در گفتگوی اختصاصی با ما در زمینه تأثیرات دوسویه میان فرهنگ و فناوری در کشور از الزامات فرهنگی توسعه فناوری‌ها در ایران و نقش نهادهای سیاست‌گذار و فرهنگی در این زمینه سخن می‌گوید.

” به‌عنوان اولین سؤال بفرمایید اگر بخواهیم رابطه بین فرهنگ و فناوری را بررسی کنیم، تأثیر فرهنگ و فناوری از و بر هم چگونه است؟ آیا فرهنگ از فناوری تأثیر می‌گیرد یا بر آن تأثیر می‌گذارد؟

بحث نسبت فرهنگ و فناوری را این‌گونه می‌توان آغاز

1. QUERTY

2. Empirical turn



این شیوه تأمل فلسفی و جامعه‌شناختی در خصوص فناوری، اول به سراغ مصادیق فناوری می‌رویم و داده‌های تجربی جمع می‌کنیم. توجه به مصادیق فناوری به دلیل اهمیت مصادیق فناوری است که تأملات فلسفی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی بر اساس آن انجام می‌شود. می‌توان ده‌ها و صدها مثال زد که چطور توسعه یک فناوری شیوه کشاورزی ما را تغییر داده یا توسعه دیگر فناوری ساختار شغلی و اهمیت شغل‌ها را عوض کرده است. همچنین این‌گونه برخی شغل‌ها را از بین برده و بعضی شغل‌های جدید به وجود آورده است.

بعضی را تضعیف می‌کند و فرهنگ ما و سبک زندگی ما را تغییر می‌دهد. در بسیاری از وجوه که محل تأمل روانشناس‌ها، جامعه‌شناس‌ها، متخصصین علوم شناختی و فلاسفه قرار گرفته، وجوه گوناگون تأثیر فناوری بر مباحث مختلف بررسی شده است. یک وجه ماجرا این است که فناوری نه تنها گویا حامل ارزش‌های خاصی است بلکه این امکان وجود دارد که ما در مقام طراحی برخی از ارزش‌ها را وارد طراحی کنیم^۴. این صورت مسئله است.

پس از زمانی که فناوری و توسعه آن در حال اوج گرفتن است، توجه فیلسوف‌های مختلفی مانند هایدگر، مامفورد، یوناس، الول و دیگران به تأثیراتی که بر سبک زندگی ما دارد جلب شده است. یک وجه ماجرا این است که فناوری فرهنگ، جامعه، سبک زندگی ما و حتی شیوه تفکر ما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. یک سؤال این است که آیا بالعکس آن هم ممکن است؟ یعنی فلاسفه فناوری به این نکته توجه کردند که ما چطور بر اساس ارزش‌ها و فرهنگ خود فناوری را بسازیم؟ در سال‌های اخیر ما شاهد پروژه اخلاقی کردن فناوری^۱ هستیم که به لحاظ نظری و فلسفی مورد توجه قرار می‌گیرد.

” با توجه به تجربه‌هایی که در قبال فناوری جدید وجود داشته (مثل سابقه مواجهه با ماهواره و ویدئو در ایران یا نمونه حال حاضر برخورد امریکا با تیک‌تاک) استراتژی ما در برخورد با فناوری‌ها باید سلبی باشد یا ایجابی؟

ما وقتی با یک فناوری مواجه می‌شویم چه این فناوری را از یک جامعه دیگر وارد کرده باشیم چه در جامعه خودمان آن را بسازیم، باید در قبال آن استراتژی خود را داشته باشیم. معمولاً فناوری‌هایی که در جامعه ما در حال توسعه هستند با فناوری‌هایی که در غرب

ما شاهد ایده جریان طراحی حساس به ارزش^۲ هستیم؛ یعنی طراحی را طوری به انجام برسانیم که ارزش‌های موردنظر ما انضمامی^۳ شود. هر دو مورد توجه است، به خصوص مورد دوم که در دهه‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. مخلص کلام این است که آنچه مصنوع تکنیکی نامیده یا محسوب می‌شود نسبت به ارزش‌ها خنثی نیست بعضی ارزش‌ها را تقویت و

1. moralizing technology
2. value sensitive design (VSD)
3. concretize

4. embed

نمی‌خواهیم کشتار انسانی کنیم. این را اصلاً نمی‌توان طور دیگری تعبیر و تفسیر کرد. این بمب ساخته شده و یک عملکردی دارد که نمی‌شود کار دیگری کرد. پس آنچه مصنوع تکنیکی نامیده می‌شود یک وجوه قابل تعبیر و تفسیر دارد که شما اراده می‌کنید به شیوه خاصی از آن استفاده کنید و یک وجوهی دارد که تفسیرپذیر نیست. وقتی یک فناوری وارد کشور می‌شود یا در داخل کشور توسعه پیدا می‌کند، باید بدانیم که آن وجوه تعبیرپذیر فناوری چیست که بر اساس فرهنگ کشور خود تعبیر شود. البته ممکن است این موضوع نیاز به پژوهش، آموزش، ترویج و فرهنگ‌سازی داشته باشد. باید مراقب باشیم سبک زندگی به شیوه بدی تغییر نکند. در عین حال ما باید ببینیم که این فناوری چه وجوهی دارد که چغر است. گاهی این وجوه سخت فرهنگ را تخریب می‌کند. اینجا یک نکته‌ای وجود دارد. مشکل اینجا است که ما بر سر دوراهی کالینگریج

قرار می‌گیریم، به این معنا که وقتی یک فناوری در حال زاده شدن است ممکن است نتوانیم بفهمیم که چه پیامدهایی دارد. یعنی از پیامدهای ناخواسته^۳ آن بی‌خبر باشیم. تا این فناوری نهادینه نشده و پیامدهای آن را به‌طور کامل نبینیم، ارزیابی قوی از پیامدهای توسعه فناوری نخواهیم داشت. لذا نمی‌توانیم رویکرد انتقادی نسبت به آن داشته باشیم. فناوری مذکور، بعضی از ارزش‌ها را تقویت و برخی را تضعیف می‌کند. لذا دستور کار این است که با رویکرد انتقادی^۴ به آن نزدیک شویم.

نکته این است که مشکل این رویکرد انتقادی چیست؟ تا فناوری نهادینه نشده نمی‌توان پیامدهای آن را تجربه و ارزیابی کرد. وقتی که فناوری نهادینه شد و پیامدها را تا حدی کشف کردیم دیگر نمی‌توان آن را تغییر داد؛



توجه به مصادیق فناوری به دلیل اهمیت مصادیق فناوری است که تأملات فلسفی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی بر اساس آن انجام می‌شود.

توسعه پیدا کرده‌اند تفاوتی ندارند. چیزی که ما باید به آن توجه کنیم این است که فناوری دو وجه دارد؛ یک هسته سخت فناوری است که استحکام^۱ دارد؛ یعنی چغر است و قابل تفسیر^۲ نیست. یک وجوه قابل تفسیر دارد. مثلاً فرض کنید پیامک یک فناوری است که می‌توان با آن هم حرفه‌ای غیراخلاقی تبادل کرد و هم اخلاقی. شبکه‌های اجتماعی به همین شکل و الی آخر. یعنی این به تعبیر و تفسیر شما وابسته است و به اراده شما بر می‌گردد. بسته به اینکه شما از آن فناوری چه عملکردی می‌خواهید تغییر می‌کند. پیامک می‌تواند چنین ویژگی‌ای داشته باشد. یعنی تعبیرپذیر است. علاوه بر این فناوری‌هایی وجود دارند یا در برخی فناوری‌ها وجوهی هست که قابل تفسیر نیست. برای مثال، گفتن اینکه ما بمب اتم ساختیم و با این بمب نمی‌خواهیم محیط‌زیست را تخریب کنیم یا

3. unintended consequences
4. critical approach

1. robustness
2. interpretable

آنچه مصنوع تکنیکی نامیده یا محسوب می‌شود نسبت به ارزش‌ها خنثی نیست بعضی ارزش‌ها را تقویت و بعضی را تضعیف می‌کند و فرهنگ ما و سبک زندگی ما را تغییر می‌دهد.

روابط غیراخلاقی هم فراهم شد. شما نمی‌توانید نظیر ایرانی آن را بسازید، یعنی یک محصول بومی با همان کارکردها را توسعه دهید و بعد انتظار داشته باشید که مسئله به‌سادگی حل شود. یعنی چیزی نیست که ما یک وجه را بگیریم و وجه دیگر را وا بنهیم. برای مثال شبکه‌های اجتماعی و اینترنت پرسرعت را قبول داریم، ولی در عین اینکه در همه دنیا تماس تصویری انجام می‌شود ما آن را نمی‌خواهیم. این خیلی دشوار است هم فرهنگ جلوی ما را می‌گیرد هم یک جاهایی اصلاً امکان تکنیکی وجود ندارد.

در حال حاضر یک سیستمی سازی رخ داده و نظام تکنیکی بار آورده که مؤلفه‌های تکنیکی آن به همدیگر وابسته هستند. لذا در واقع این نظام تکنیکی که در حال توسعه است رفتار ما و سبک زندگی ما را تا درجاتی به انقیاد می‌کشد. در واقع یک چیزی به ما می‌دهد و یک چیزی از ما می‌گیرد.

نکته دیگر اینکه مهندسان در مقام توسعه فناوری خیلی منتظر فتوای اخلاقیون و سیاسیون نیستند. این طور نیست که سیاستمداران و سیاست‌گذارانی که اخلاقمدار هستند، بیایند و کدهای اخلاقی را تدوین کنند و بعد بر اساس آن‌ها یک فناوری مانند هوش مصنوعی توسعه پیدا کند. مهندسان کار خودشان را می‌کنند و توسعه فناوری همواره سریع‌تر از تأملات اخلاقی و فلسفی ما اتفاق می‌افتد. این یکی از معضلات جهانی توسعه فناوری است؛ یعنی گویا توسعه فناوری

یعنی ارزیابی دیگر ثمر نخواهد داشت. در ابتدای توسعه نمی‌توان ارزیابی کرد ولی می‌توان جلوی توسعه را گرفت، وقتی نهادینه شد می‌توان تا حدی ارزیابی کرد ولی دیگر نمی‌توان به‌سادگی جلوی توسعه آن را گرفت مگر اینکه یک فناوری دیگری با سبک دیگری بیاید و به‌طور کلی سیستم را تغییر دهد. یعنی ما بر سر اینکه چگونه با فناوری مواجهه کنیم معضلات داریم. برخی مسئله را خیلی ساده می‌بینند می‌گویند از غرب یک سری فناوری می‌آید و ما بررسی می‌کنیم که کدام با فرهنگ ما سازگار است و کدام ناسازگار. آنکه سازگار است را می‌گیریم و آنکه ناسازگار است را نمی‌گیریم. اما به این سادگی ممکن نیست. به خاطر همین دوره‌ای کالینگریج که عرض کردم نمی‌توان به‌سادگی قضاوت کرد و درباره پیامدهای فناوری در جامعه نظر داد.

نکته دیگری وجود دارد که مسئله را دشوار می‌کند و آن بحث سیستمی سازی^۱ است. ما عملاً در توسعه فناوری به جای یک جامعه‌ای که مؤلفه‌های طبیعی در آن ظهور و بروز دارد، به‌وسیله مهندسان در حال ساخت جامعه‌ای هستیم که در آن مؤلفه‌های تکنیکی بیشتر ظهور و بروز دارند. یعنی مصنوعات تکنیکی در حال ساخت محیط ما هستند. این‌ها با هم جفت‌وجور می‌شوند و یک سیستمی سازی رخ می‌دهد. مثال خیلی ساده این است که شما نمی‌توانید اتومبیل را به کشور بیاورید و پمپ‌بنزین را نه. یا جاده نسازید و پالایشگاه تأسیس نکنید. یعنی همه چیز در این نظام تکنیکی که ما می‌سازیم به یکدیگر متصل است و نمی‌توانیم بگوییم که این را می‌خواهم ولی آن یکی را نه. یا از این فناوری جنبه خوب را بگیریم و جنبه بد آن را حذف کنیم. برای مثال، با ورود برخی از شبکه‌های اجتماعی به کشور، شرایط ایجاد یک سری

1. systematization

چیزی را گرفته‌ایم. چه چیزی را شتابان توسعه می‌دهیم و کدام فناوری را در آغوش می‌کشیم. رویکرد ما تا حدودی می‌تواند انتقادی باشد و اگر بتوانیم بر اساس فرهنگ، ارزش‌ها و سبک زندگی خودمان فناوری‌ها را، به‌خصوص آن‌هایی که به لحاظ فرهنگی اهمیت دارند، توسعه دهیم ممکن است بتوانیم از فناوری‌های وارداتی پیشی بگیریم.

برخی از متفکران به ارتباط میان فناوری‌های جدید و نظام سرمایه‌داری اشاره می‌کنند. متفکرانی مانند اندرو فینبرگ^۱ که معتقد است نظام تکنیکی امروز تجلی‌گاه ارزش‌های سرمایه‌داری است و ما باید راهی به رهایی بجوییم. ما باید نظام تکنیکی جدیدی بر اساس ارزش‌های دیگر مانند ارزش‌های دموکراتیک بسازیم. این یک مدرنیته جایگزین^۲ است. این‌ها اعتقاد دارند که فناوری آگاهانه یا ناآگاهانه محل تجلی ارزش‌های سرمایه‌داری شده و در حال متحول کردن جامعه به نفع ارزش‌های نظام سرمایه‌داری است و این هشدار را برخی متفکران داده‌اند.

” جایگاه تفکر انتقادی و آموزش آن در جامعه در کنار سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای در مواجهه با فناوری‌های جدید چیست؟

این حرف درستی است که نه تنها سیاست‌گذاران، مهندسان، تعمیرکنندگان و نگه‌دارندگان باید ملاحظات انتقادی داشته باشند، بلکه کاربران فناوری که عموم مردم هستند هم باید نسبت به فناوری رویکرد انتقادی داشته باشند. این در نسبت با بودن با فناوری و شیوه بودن با فناوری نیز صدق می‌کند. یعنی ما چشم‌پسته تن به یک نظام یا یک سبک خاص زندگی ناشی از فناوری ندهیم و رویکرد انتقادی داشته باشیم. باید

آنچه مصنوع تکنیکی نامیده یا محسوب می‌شود نسبت به ارزش‌ها خنثی نیست بعضی ارزش‌ها را تقویت و بعضی را تضعیف می‌کند و فرهنگ ما و سبک زندگی ما را تغییر می‌دهد.

گریزان است و ما به آن نمی‌رسیم که ارزیابی کنیم و تا می‌ایم یک فناوری را بشناسیم و ارزیابی اخلاقی کنیم یک فناوری نوظهور نظام تکنیکی ما را دچار دگرگونی می‌کند. تا بیاییم آن را بشناسیم و ابعاد اخلاقی انسانی اجتماعی آن را ارزیابی کنیم، دوباره یک فناوری جدید و تغییر همه چیز. این هم یکی از معضلاتی است که ما نمی‌توانیم در این بحث‌های اخلاقی و فرهنگی به‌سادگی آن را حل کنیم.

برخی معتقدند و گفته می‌شود که این نظام تکنیکی حاصل سبک زندگی و فرهنگ غربی است و آن‌ها عمداً این فناوری‌ها را توسعه می‌دهند که ما را به اسارت بکشند و فرهنگ ما را دگرگون کنند. ببینید فناوری‌ها به‌خصوص مجازی که قدرت دگرگون‌کننده فرهنگی آن خیلی بیشتر از فناوری‌هایی نظیر نانو تکنولوژی است ممکن است که پشت توسعه آن‌ها نیت شومی وجود داشته باشد، ولی نمی‌توان قطعی و صددرصد چنین نظری داد. بالاخره فرهنگ غربی یک طبیعت و ماهیت و ویژگی‌هایی دارد که در توسعه فناوری بروز می‌کند. یک عده می‌بینند که فرصت خوبی است و استفاده‌هایی نیز علیه یک جامعه و یک فرهنگ دیگر می‌کنند. ما باید در جهان امروز و در جهان فناوری حواسمان به‌خصوص به فناوری‌هایی که فرهنگ را بسیار دگرگون می‌کنند باشد. باید حواسمان باشد که چه چیزی را توسعه می‌دهیم و یا جلوی توسعه چه

1. Andrew Feenberg

2. Alternative Modernity

در حال حاضر یک سیستمی سازی رخ داده و نظام تکنیکی بار آورده که مؤلفه‌های تکنیکی آن به همدیگر وابسته هستند. لذا در واقع این نظام تکنیکی که در حال توسعه است رفتار ما و سبک زندگی ما را تا در جاتی به انقیاد می‌کشد. در واقع یک چیزی به ما می‌دهد و یک چیزی از ما می‌گیرد.

شیوه تغذیه ما و حتی شیوه تفکر ما را تغییر می‌دهند. برای مثال ما نباید پدیده فالوینگ را دست‌کم بگیریم چراکه در کشورمان تعداد کثیری جوان داریم که گوشی تلفن در اختیار دارند و در شبکه‌های اجتماعی گوناگون صفحات گوناگونی را فالو می‌کنند. در حالی که فالوینگ آدابی دارد. فالوینگ کدهای اخلاقی دارد. ما نباید عده‌ای را که دوست داریم فالو کنیم. ممکن است دچار توهم بشویم که جامعه عقایدش همین است. نه! عقاید تو و فالوورهای تو همین است. این ارزش‌های تو و فالوورهای توست. یک دنیای مجازی برای خودتان درست کردید و دور هم جمع شدید و همه با هم یک حرف می‌زنید.

این سمت هم جوامع دیگری با این فالوینگ‌ها درست شده. می‌بینید جامعه به دو یا سه قسمت تقسیم شده که همه در درون خودشان با آنچه هست راضی هستند و فکر می‌کنند کل جامعه همین است که خودشان هستند. فالوینگ منجر به توهمات گسترده اجتماعی می‌شود. ما باید حواسمان باشد در مقام فالو کردن طوری گزینش نکنیم که این فضا را با دست خودمان برای خودمان ایجاد کنیم. پس اگر ما درگیر شبکه‌های اجتماعی هستیم گزینی از آن‌ها نداریم. باید هوشمندانه با آن‌ها رفتار کنیم. پدیده فالوینگ

این سؤال را مطرح کرد که آیا در جامعه خودمان این رویکرد انتقادی نسبت به فناوری، رسانه و شبکه‌های اجتماعی وجود دارد؟ من به‌عنوان یک معلم می‌توانم بگویم که از این وضعیت راضی نیستم. یعنی فرهنگ انتقادی ما ضعیف است و در ترویج رویکرد انتقادی ضعیف هستیم.

برای یافتن علل این موضوع ما باید پژوهش جامعه‌شناختی انجام دهیم. من به‌عنوان شخصی که در این جامعه زندگی می‌کند و تجربه زیستی در این فضا دارم این را احساس می‌کنم که این رویکرد ضعیف است و نیاز به تقویت به‌وسیله صداوسیما، کشورمان، به‌وسیله کسانی که اهل قلم هستند، به‌وسیله فیلم‌سازان، یا هنرمندان تئاتر دارد. کشور ما به شدت در حال باز کردن آغوش خود برای توسعه فناوری است. توسعه فناوری باید هم به‌صورت درون‌زا باشد و هم برون‌زا. اگر ما به این موضوع توجه نکنیم اصطکاک یا ناسازگاری ایجاد خواهد شد. در این شرایط باید انتظار داشته باشیم که توسعه این فناوری‌ها سبک زندگی ما را به‌سادگی تغییر بدهد. همان‌طور که آقای نوربرت وینر^۱ یک پرسشی مطرح می‌کند و می‌گوید که ما نباید بپرسیم چه کسی حکومت می‌کند. از این به بعد این سؤال را هم باید در کنار پرسش‌های سیاسی بپرسیم که چه چیزی حکومت می‌کند.

اگر فناوری را رها کنیم و نظارت انتقادی به آن نداشته باشیم ممکن است جامعه ما را به سمت و سویی ببرد که مطلوب ارزش‌ها و جهان‌بینی ما نیست. این یک هشدار استراتژی است که کار چند سیاست‌گذار یا سیاستمدار نیست. کل جامعه باید نسبت به این ماجرا هوشیار باشد و نیاز به یک فرهنگ‌سازی عمومی وجود دارد. باید توجه کرد که غرق شدن در شبکه‌های اجتماعی چه طور به ذهن و جسم ما صدمه می‌زند،

1. Norbert Wiener

وقتی یک فناوری وارد کشور می‌شود یا در داخل کشور توسعه پیدا می‌کند، باید بدانیم که آن وجوه تعبیر پذیر فناوری چیست که بر اساس فرهنگ کشور خود تعبیر شود.

فناوری‌ها هستیم. اگر بخواهیم در مقابل نصب این شبکه‌های اجتماعی مقاومت کنیم بعد از استفاده متوجه می‌شویم که چقدر عقب افتادیم. وقتی از این فناوری‌ها استفاده نکنیم از گفتگوهای ناهم‌زمان، انتقال فایل، تماس‌های رایگان با خارج از کشور، از تبلیغات یا دانشی که در این شبکه‌های اجتماعی وجود دارد نیز محرومیم.

درواقع منظور. من این است که وقتی یک فناوری وارد یک کشور می‌شود و عده‌ای از مردم شروع به استفاده از آن می‌کنند نمی‌توان جلوی فراگیر شدن آن را گرفت. این اتفاق مانند فراگیر شدن اینترنت ناگزیر است و نباید در مقابل توسعه آن در کشور مقاومت کرد.

” اینجا این چالش مطرح می‌شود که ما می‌خواهیم برای استفاده درست از فناوری فرهنگ‌سازی کنیم. برای مثال ما ناگزیریم که برای انجام کار فرهنگی از پلتفرم‌های مجازی استفاده کنیم. بعد بیاییم به مردم بگوییم که محتوایی که ما تولید کردیم، آموزشی که ما دادیم، فرهنگ‌سازی ما، در شبکه اجتماعی هست که شما هنوز استفاده درست از شبکه را بلد نیستید بروید آنجا استفاده کنید و از آن یاد بگیرید. خب ما ناخودآگاه داریم این‌ها را به سمت محلی که محل چالش‌مان بود سوق می‌دهیم.

در رابطه با مسائل فرهنگی ناشی از فناوری‌های جدید مانند پلتفرم‌های مجازی دو جنبه قابل بررسی است. جنبه اول نحوه استفاده کاربران از این پلتفرم‌ها و جنبه دوم انطباق فرهنگی این پلتفرم‌ها با ارزش‌های ملی توسط نهادهای بالادستی است. ممکن است یک پلتفرم یک ویژگی داشته باشد که با اخلاق و عقاید من سازگار نباشد. من بیایم یک پلتفرمی را با یک ویژگی

پدیده بسیار شگفت‌انگیزی است. فناوری‌های جدید پلتفرم‌ها یا سکوها سوگیری دارند. نباید زمینه گناه، خطا، یا کاری غیراخلاقی تسهیل بشود. فرض کنیم مثلاً ما مدام بگوییم مشروبات الکلی مصرفش بد و مخرب است و مدام فرهنگ‌سازی کنیم در مورد بد بودنش ولی بسیار سهل‌الوصول باشد در آن صورت توجه این کار ما چیست؟ امروزه در شبکه‌های اجتماعی شاهدیم که این‌ها علاوه بر ارائه کارکردهای ضروری در جهان جدید برای ما یعنی کارکردهایی که ما محتاج آن‌ها هستیم یک وجه‌هایی هم دارند که مسائل غیراخلاقی که با فرهنگ ما ناسازگاری دارد را تسهیل می‌کنند، مثلاً تصاویر مستهجن سهل‌الوصول شده‌اند. خوب این مثلاً برای یک نوجوان یک سری آثار سوئی در اخلاق دارد. این‌طور نیست که بگوییم اگر یک نوجوان روزی یک ساعت در شبکه‌های اجتماعی مستهجن بگردد بعد بیاید برود جلسه حفظ قرآن اشکالی ندارد. این‌ها با هم فرق دارند نمی‌شود هم این را داشته باشیم هم آن را.

این مسئله‌ای است که تسهیل شده و نمی‌شود به‌سادگی از آن عبور کرد. البته بنده به‌عنوان یک شهروند از سیاست‌گذاری‌ها هم ناراضی هستم. مدیران فضای مجازی ما اشتباه کردند، کوتاهی کردند، یک جاهایی اهتمام ویژه نداشتند، شناخت کافی از فضا نداشتند، نخواستند این فضا را بشناسند. پس باید منتظر باشیم تا پیامدهای این‌ها را ببینیم.

البته چاره‌ای نیست و ناگزیر به استفاده از این



دارد، کسی که مثلاً محتوای خوب، آموزه اخلاقی خوب عرضه می‌کند، به‌صورت طبیعی دنبال جایی هست که دیده شود. لذا این پدیده به وجود می‌آید. از معضلات اینکه می‌گویند فناوری باید توسعه پیدا کند که ما بفهمیم عوارض و پیامدهایش چیست، همین است. مثلاً یک روحانی دوست دارد دیده بشود چون رسالتش این است که یک پیامی را به مردم برساند. لذا به آن فضایی می‌رود که فالوور بیشتری دارد. گریزی جز این نیست.

شما یک شبکه اجتماعی یا یک پلتفرمی تأسیس کنید که فقط روحانی‌ها یا مبلغین اخلاق و دین و انسانیت در آنجا ارائه داشته باشند، ببینید چقدر فالوور جمع می‌کنید. یک فرد دانشمند درس خوانده، فرهیخته، عارف، نویسنده و هنرمند در بهترین حالت چند صد هزار فالوور دارد در حالی که کسی که لطیفه تعریف می‌کند، میلیونی فالوور دارد. امروزه فرد با لودگی پول درمی‌آورد. این پدیده را چه کنیم؟ این پدیده نوظهور را ما قبلاً نداشتیم. الان برعکس شده لوده‌ها ثروتمند شده‌اند و اهل دانش به چیزی که لایق آن هستند، نمی‌رسند.

”به‌عنوان آخرین بحث از جنابعالی به‌عنوان یک استاد متخصص با تجربه در این حوزه می‌خواهم بپرسم عملکرد دپارتمان‌های علم و

فنی که دست‌کم با فرهنگ من سازگارتر باشد توسعه بدهم. اگر مشکلات من را حل نمی‌کند دست‌کم کاربری آن آسان‌تر باشد. نباید تنها انتظار ما فراگیری نحوه استفاده از این پلتفرم‌ها توسط کاربر باشد. ما باید هر دو جنبه فنی و محتوایی یک فناوری را بررسی کنیم. البته در این سال‌ها جنبه محتوایی فناوری‌ها به‌طور جدی مغفول واقع شده است. علاوه بر این دو وجه مذکور بحث محتوایی که در آنجا وجود دارد هم اهمیت دارد. مردم در واقع هر محتوایی را نمی‌پسندند. الآن برای جذاب جلوه دادن محتوا و ارائه آن با یک فناوری بالاتر رقابت ایجاد شده. مردم دیگر دوست ندارند هر ویدئویی را ببینند و انتظار از ابعاد هنری تولید محتوا افزایش پیدا کرده. ما نمی‌توانیم این‌ها را نادیده بگیریم و بگوییم که می‌خواهیم این‌ها را مدیریت کنیم.

”خیلی از این سکوها اصلاً ماهیتشان سرگرمی است. هر چقدر هم ورود کنیم و محتوای آموزشی در آن تولید و منتشر کنیم شاید در آن دریای محتوای سرگرمی که آنجا وجود دارد به چشم نیاید. مثلاً همین روانشناس نماها در همین سکوها که کلی هم فالوور دارند و اثرگذار هم هستند. حال روحانی ما بیاید یک صفحه آنجا داشته باشد و احکام بگوید، اخلاق بگوید، محتوای خیلی خوبی هم تولید کند ولی این در کنار هم قرار گرفتن در سکوی یک مقدار این فعالیت اخلاقی را مبتذل می‌کند.

محتوا باید بر اساس حال و هوای پلتفرم و کاربران باشد تا به ابتذال کشیده نشود. میدانید معضل کجاست؟ ما با پدیده‌ای به نام فالوو کردن روبه‌رو هستیم. آن کسی که کالایی برای عرضه دارد، سخنی برای ارائه

داشته باشد و فیلسوف‌ها می‌توانند در این زمینه نقشی اجرا کنند.

” چرا نقش فلاسفه در بحران‌های جامعه کم‌رنگ است؟“

ما با اینکه یک نظریه‌پرداز، فیلسوف و پژوهشگر یک گوشه بنشیند و تعاملات فرهنگی انجام دهد مخالف نیستیم؛ اما با این موضوع هم موافق نیستیم که جامعه فلسفی اثر اجتماعی نداشته باشد. فیلسوف‌های جامعه ما باید به مسائل اجتماعی که در این کشور وجود دارد ورود و نظریه‌پردازی کنند. این باید با کمک رسانه‌های گوناگون، نشریات و مجله‌ها انجام شود. نکته دیگر این است که بحث فلسفی را اساساً باید مثل یک طیف ببینیم. وجوهی از فلسفه بسیار انتزاعی است و نمی‌توانیم آن را نفی کنیم. بخشی از دانش فلسفه نیز در مجاورت جامعه‌شناسی و سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد که این بخش باید در کشور ما تقویت شود. یعنی آن فلسفه‌هایی که در این سر طیف هستند باید تأسیس، تقویت و ترویج شوند. با این حال فلسفه انتزاعی نیز وجود دارد که با جامعه ارتباط کمی دارد. معمولاً نمی‌توان از کسی که در این زمینه اشتغال دارد و علاقه‌ای به کار اجتماعی ندارد، مطالبه مشارکت اجتماعی داشت. اگر این موضوع محترم شمرده نشود، در فلسفه کاربردی مشکلاتی خواهیم داشت.

جامعه ما مبتنی بر یک جهان‌بینی متفاوت از جهان‌بینی رایج در جهان است. شما نمی‌توانید به سبک غربی‌ها سیاست‌گذاری کنید. معمولاً در سیاست‌گذاری‌های کشور لازم است که ریشه جهان‌بینی مشخص، توجیه، بررسی و نقد شود. لازمه سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی در ایران تعاملات بنیادین است. ما با این پرسش بسیار روبرو می‌شویم. بسیاری از سیاست‌گذاران پژوهشگران سؤالشان همین است و بحث نیز بر سر همین موضوع است.

فلسفه و فلسفه علم را در ایران در قبال فرهنگ و فناوری چگونه ارزیابی می‌کنید؟ فکر می‌کنید عملکردشان در این سال‌ها در قبال فناوری و ارتباطش با فرهنگ مناسب بوده یا از این به بعد فکر می‌کنید اگر قرار باشد تغییری در عملکردشان بدهند به چه شکل باید باشد؟ تنها کاری که این گروه‌ها می‌توانند انجام دهند این است که به مباحث فلسفه فناوری، اخلاق علم و فناوری و همچنین مطالعات علم و فناوری توجه کنند. این نگاه در حال اوج گرفتن است. آکادمی‌های فلسفه علم در حال حاضر به این مقوله‌های استراتژیک و کاربردی توجه می‌کنند. اگر همین روند پیش برود در آینده نه‌چندان دوری متخصصانی خواهیم داشت که در این زمینه‌ها پژوهش کنند و به سیاست‌گذارها مشاوره بدهند. جوانان نیز می‌توانند در این زمینه‌ها کار علمی و پژوهشی کنند.

” نقش دپارتمان‌های فلسفه علم در بومی‌سازی

فناوری‌ها یا همان بحث پژوهش و آموزش که فرمودید لازمه وجه تفسیر فناوری است چیست؟ برخی از مباحث فلسفه علم و مباحث فلسفه فناوری مبنایی برای سیاست‌گذاری علم و فناوری هستند. در بعضی از آکادمی‌های فلسفه علم، دانش‌آموختگان در علم و فناوری نفوذ و اثر کرده‌اند و در این سیاست‌گذاری‌ها مؤثر بوده‌اند. این موضوع در کشور ما در حال رشد و ترقی است.

من به‌عنوان معلم فلسفه علم و فناوری در بسیاری از موضوعات فراوان مورد رجوع و مشاوره قرار گرفته‌ام. می‌توانم بگویم ایجاد بستر مناسب برای اجرای مبنایی فلسفی در این زمینه کار سختی است. اجرای این مبنایی لوازم زیادی نیاز دارد. البته نباید ناامید شد، چراکه سیاست‌گذاری می‌تواند یک خاستگاه فلسفی

مصاحبه با دکتر مهدی گلشنی

فرهنگ به شما می‌گوید باید دنبال استقلال باشید

فرهنگ آشوبناکی که در کشور حاکم است، نه شرقی است نه غربی

بعضی نکات مثبت هم دارند؛ مثلاً آنجا جامع‌نگری و دوران‌دیشی حاکم است ولی در جامعه ما وجود ندارد. باینکه این مسائل در اسلام هست ولی در محیط ما نیست. کشور ما شرقی هم نیست چون چین و ژاپن به حدی ترقی کرده‌اند که دیگر با آمریکا از نظر علمی تفاوت چندانی ندارند.

وی با اشاره به مغفول واقع شدن فرهنگ اسلامی در کشور می‌گوید: یکی از خبرنگاران CNN آمریکا به ایران آمده و گفته بود که تهران آمریکایی‌ترین شهری بود که در ایران دیده‌ام. من این صحبت خبرنگار را خدمت مقام معظم رهبری هم عرض کردم. واقعیت این است که از فرهنگ اسلامی غافل شده‌ایم. این غفلت هم از جانب حوزه بوده که وظیفه خود در مورد ترویج فرهنگ اسلامی را فراموش کرده و هم از جانب دانشگاه‌ها.

گلشنی ادامه می‌دهد: در گذشته همه سعدی، ابن‌سینا، .. و سایر بزرگان و مفاخر کشور را می‌شناختند، اما امروز این شناخت خیلی کم شده. در رسانه‌ها هم مثل تلویزیون و .. کار فرهنگی انجام نمی‌شود. مثلاً این‌طور نیست که برنامه‌ها تأثیری در بهبود فرهنگ رانندگی مردم داشته باشد. همین کشورهای اطراف ما که از نظر علمی از ما عقب‌تر هستند از نظر ترافیک و

مهدی گلشنی، فیزیک‌دان و نظریه‌پرداز ایرانی، پژوهشگر فلسفه علم، مترجم، استاد بازنشسته دانشگاه صنعتی شریف، عضو سابق شورای عالی انقلاب فرهنگی، و عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران در گفتگو با نشریه نوشتار از جایگاه و تأثیر غیرقابل انکار فرهنگ در جامعه و به خصوص جامعه دانشگاهی کشور می‌گوید و عدم توجه به این موضوع در دهه‌های اخیر را بزرگ‌ترین خلأ کشور می‌داند.

مهدی گلشنی در گفتگو با نوشتار فرهنگ با اشاره به وضعیت آشوبناک فرهنگ در کشور خاطرنشان می‌کند: فعالیت شما و توجهی که به بخش فرهنگی دارید اهمیت زیادی دارد و یک خدمت است. متأسفانه بعد از انقلاب فرهنگ مغفول واقع شده است. من یک روز در شورای عالی انقلاب فرهنگی گفتم که یک فرهنگ آشوبناک در این مملکت حاکم است که نه شرقی است و نه غربی؛ نه اسلامی است نه غربی، زیرا غربی‌ها در حالی که خیلی رفتارهای نامناسب دارند

و فرهنگ حاکم شده بر آن‌ها را بررسی کنید. وضعیت فرهنگی مناسب نیست و به همین دلیل هر چه قدر در حوزه فرهنگ کار کنید باز هم کم است. البته فرهنگ علاوه بر فناوری روی علم هم اثر دارد. در یکی از کتاب‌های خوبی که توسط یک نویسنده آمریکایی نوشته شده بود و در موسسه اطلاعات ترجمه و منتشر شده، به موضوع تکنوپولی یعنی حاکمیت تکنیک یا حاکمیت فناوری اشاره می‌شود.

گلشنی ادامه می‌دهد: در یکی از بخش‌های این کتاب، یک جامعه‌شناس کانادایی به یک محله دورافتاده آمریکا می‌رود تا ببیند چه فرهنگی حاکم و چه چیزی در جریان است. با ساکنین صحبت می‌کند و مردان و زنان می‌گویند که زمانی با همسایه‌ها رفت‌وآمد زیادی داشتند و جلسات زیادی نیز برگزار می‌کردند. همچنین بسیاری از تفریحات مشترک میان آن‌ها وجود داشته است اما از زمانی که تلویزیون وارد خانه‌ها شده، این روابط ترک شده‌اند و مانند سابق نیستند. این اتفاق در جامعه ما نیز رخ داده است. این به هیچ عنوان به معنای نفی کامل فناوری‌هایی مانند گوشی همراه یا تلویزیون نیست، بلکه باید از آن‌ها به‌درستی استفاده شود.

گلشنی ضمن اشاره به وارونگی فرهنگی در جامعه ایران تأکید می‌کند: فرهنگی که غرب به دنبال حاکم کردن آن است از طریق فضای مجازی و فناوری‌های وابسته به آن و امثالهم انجام می‌شود. به همین دلیل است که باید به فرهنگ توجه ویژه کنیم. در دبستان و دبیرستان و دانشگاه باید افرادی وارد شوند که دارای شخصیت، تجربه و دغدغه فرهنگی باشند. من از زمانی که به ایران برگشتم کاملاً حس می‌کنم که محیط ما تغییر کرده است و این تغییر در جهت وارونگی بوده است.



قانون راندگی از ما خیلی جلوترند. به‌طور کل فرهنگ مغفول واقع شده است.

وی با تأکید بر نادیده‌گرفته شدن موضوع فرهنگ حتی در بعد کلان کشور می‌گوید: در انتخابات ریاست جمهوری دو سال پیش هم تنها چیزی که مطرح نبود فرهنگ بود. همواره یا سیاست مطرح است یا اقتصاد و اصلاً فرهنگ مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این همان راهی است که به تشخیص غربی‌ها بهترین راه برای شکست ماست. رئیس MIF انگلیس زمانی گفته بود برای شکست و نابودی ایران باید فرهنگشان را از بین ببریم و مکرر اشاره کرده‌اند که ما با اسلحه از پس ایران برنمی‌آییم باید فرهنگشان را از نابود کنیم و در واقع می‌بینیم که تا حدودی موفق هم شدند.

وی با اشاره به لزوم توجه به موضوع فرهنگ از سطوح پایین آموزشی در کشور اظهار می‌کند: من بارها در زمان عضویتیم در شورای عالی انقلاب فرهنگی گفتیم که بروید و دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها را رصد

فرهنگی که غرب به دنبال حاکم کردن آن است از طریق فضای مجازی و فناوری‌های وابسته به آن و امثالهم انجام می‌شود. به همین دلیل است که باید به فرهنگ توجه ویژه کنیم.

کشور تأکید می‌کند: در حال حاضر افرادی مانند پزشکان که درآمد بالایی دارند نیز ایران را رها کردند و به کشورهای خارجی رفتند. این چه توجیهی دارد؟ واقعاً هیچ توجیهی ندارد. عده‌ای از جوانان که بعد از فارغ‌التحصیلی موفق به یافتن شغل مناسب نشده‌اند مهاجرت می‌کنند. مقصر این موضوع خود سیستم حاکم است. این سیستم باید طوری برنامه‌ریزی می‌کرد جوان‌ها را جذب کند. اگر چرخ تولید در کشور به‌درستی می‌چرخید، این همه بیکار در جامعه وجود نداشت. فارغ‌التحصیلان ما در کشوری مانند امریکا عمدتاً جذب صنعت می‌شوند نه جذب دانشگاه‌ها. حتی همین موضوع مهاجرت نوانگ نیز مستقیماً با فرهنگ در ارتباط است. فرهنگ است که به شما می‌گوید باید دنبال استقلال باشید، دنبال خودکفایی باشید، دنبال خوداتکایی باشید. این خودکفایی و خوداتکایی مستقیماً روی فناوری و اختراع فناوری تأثیرگذار است.

وی اضافه می‌کند: برای مثال درآمد یک استاد دانشگاه در امریکا به اندازه‌ای است که نیاز به انجام هیچ کار و پروژه‌ای خارج از دانشگاه ندارد. این موضوع در کشور ما دقیقاً برعکس است. آیا همان‌قدر که در قرآن و در فرهنگ اسلامی ما به حکمت توجه شده در جامعه فعلی ما نیز به حکمت اهمیت داده می‌شود؟ این در

وی با تشریح منظور خود از واژه وارونگی می‌گوید: در کشور ما از اسلام تنها به ولادت و شهادت ائمه توجه و برای آن‌ها مراسم برگزار می‌شود. اما به این که امامان چه کارهایی کردند پرداخته نمی‌شود و فرهنگ اسلامی ترویج داده نمی‌شود. حتی مرحوم مطهری در آن زمان با آن شأنی که داشتند داستان راستان را نوشتند برای اینکه بگویند حرفه‌ای امامان همگی درست بوده است و بعد فرهنگی داشته است. اما الان کدام یک از برنامه‌های ما بعد فرهنگی دارد؟

وی با اشاره به لزوم توجه رسانه ملی به شناخت مردم از فناوری‌های جدید تشریح می‌کند: چندی پیش جمعی از مدیران تلویزیون من را دعوت کردند. من گفتم باید بخشی از شبکه‌های مختلف تلویزیونی در هفته به برنامه‌های فرهنگی اختصاص یابد. فناوری‌های جدید که آمده انواع و اقسام تخریب‌ها را همراه با خود دارد. البته درست است که این فناوری‌ها منافع زیادی هم داشته است که ما الآن از آن‌ها استفاده می‌کنیم اما تخریب‌های آن‌ها هم بسیار زیاد است؛ تخریب‌هایی مثل نابودی انسان و نابودی محیط‌زیست که اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به موضوعی مانند محیط‌زیست به شکل شایسته توجه نشده است. واقعیت این است که باید برای علم و فناوری موضوع کاربردهای صحیح مطرح باشد. اگر این‌گونه نباشد، آمریکا دیر یا زود به هدفش می‌رسد. اگر فرهنگ اسلامی در جامعه حاکم نباشد در آن صورت حرف آن استادی که گفته بود برای من مهم نیست که ایران استان پنجاه و یکم آمریکا باشد اتفاق می‌افتد.

” فرهنگ به شما می‌گوید باید دنبال استقلال باشید

گلشنی با اشاره به موضوع مهاجرت نخبگان در

دبیرستان‌های تیزهوشان تهران سخنرانی داشتم بعد از پایان سخنرانی دبیرها گفتیم که در کلاس از بچه‌ها بپرسید که برای چه و به چه منظور درس می‌خوانند. آن‌ها در جواب گفتند که دانش‌آموزان دبیرستان تیزهوشان فقط یک سؤال دارند و آن هم این است که باید در کدام دانشگاه ایران درس بخوانند تا زودتر برای کشورهای آمریکا و انگلیس و کانادا پذیرش بگیرند. باید به دنبال یافتن و ایجاد انگیزه درس خواندن در جوانان و نوجوانان باشیم. باید بدانیم این‌سینا و ابوریحان و انیشتین برای چه درس می‌خوانند و حالا افراد برای چه درس می‌خوانند. آیا صرفاً شغل و درآمد بهتر و بیشتر هدف آن‌هاست؟ این موزد هم در جایگاه خود برای داشتن یک زندگی خوب مهم است، اما باید بدانیم که درس خواندن ما را کجای عالم خلقت قرار می‌دهد و حوزه تخصصی ما در عالم خلقت چگونه به فهم بیشتر کمک می‌کند.

وی با اشاره به تأثیر فناوری در تغییر سبک زندگی و فرهنگ جامعه اظهار می‌کند: شاید بتوان این‌طور نتیجه گرفت که فرهنگ و سبک زندگی افراد تحت تأثیر فناوری‌ها تغییر می‌کند. اتفاقاً کتابی که معرفی کردم مثال‌های خیلی خوبی در این زمینه می‌زند یا در کتاب از دانش به حکمت نویسنده می‌گوید که چرا باید ۵۰ درصد بودجه آمریکا صرف تولید اسلحه شود. آمریکا که نیازی به دفاع ندارد پس این سلاح‌ها را به کشورهای دیگر می‌فروشد و بین آن‌ها جنگ و درگیری ایجاد می‌کند و نسبت به سکوت دانشمندان در قبال این موضوع اعتراض می‌کند. این حرف خیلی درستی است اگر دانشمندان یک کشور نسبت به کارهایی که این کشور انجام می‌دهد ساکت نباشند شرایط بسیار متفاوت خواهد بود. متأسفانه در محیط ما توجه چندانی به اخلاق و فرهنگ نمی‌شود. باید بدانیم که

جامعه ما نیز باید از این غفلت بیدار شود و به فرهنگ توجه کند تا هم فناوری در راه درست استفاده شود و هم اینکه اولویت‌ها به‌طور صحیحی قرار بگیرند. در این صورت علم و دانش هم هدفمند می‌شود

حالی است که برای مثال دانشمندی در انگلیس کتابی با عنوان «از دانش به حکمت» می‌نویسد و چاپ می‌کند. به نظر می‌رسد اهمیتی که کشورهای دیگر به حکمت می‌دهند، نسبت به ما اصلاً قابل مقایسه نیست.

” حتی اقتصاد نیز با دغدغه‌های فرهنگی عجین شده است

گلشنی با اشاره به جایگاه فرهنگ در اقتصاد اظهار می‌کند: یکی از بزرگ‌ترین اقتصاددانان آلمان بعد از جنگ جهانی دوم که منجر به شکست آلمانی‌ها شد، به انگلیس رفت و مشاور نخست‌وزیر انگلستان شد. ایشان کتابی نوشته‌اند به نام راهنمایی برای حیرت‌زدگان که به فارسی هم ترجمه شده است و توصیه‌های بسیار جالبی به جامعه علمی دارد. من واقعاً از نگاه حکیمانه‌ای که در این کتاب وجود دارد شگفت‌زده می‌شوم. در این کتاب، نویسنده از اینکه علم فقط برای تسلط و قدرت به کار می‌رود شکایت دارد. واقعاً مهم و جالب است که یک اقتصاددان تا این حد دغدغه فرهنگ داشته باشد. جامعه ما نیز باید از این غفلت بیدار شود و به فرهنگ توجه کند تا هم فناوری در راه درست استفاده شود و هم اینکه اولویت‌ها به‌طور صحیحی قرار بگیرند. در این صورت علم و دانش هم هدفمند می‌شود.

وی ادامه می‌دهد: من مدتی پیش در یکی از



” اولویت‌های فرهنگی ما دارای انحراف هستند گلشنی با اشاره به انحراف اولویت‌های فرهنگی در کشور خاطر نشان می‌کند: اولویت فرهنگی در کشور ما درست نیست. اولویت‌های فرهنگی دارای انحراف هستند. در اسلام گفته شده که جامعه اسلامی باید برتر از بقیه جامعه‌ها باشد. در قرن هفتم هجری یک روحانی که رئیس قوه قضاییه وقت بوده یک کتاب نوشته که در آن می‌گوید که چرا باید پزشکان در جامعه اسلامی همه یهودی و مسیحی باشند؟ این موضوعات باید در اسلام روشن شود.

وی ادامه می‌دهد: این همه به این مسائل در دین ما تأکید شده ولی همچنان ما از همه عقب‌تریم. بله در ظاهر خیلی کارها کردیم ولی چقدر از خارج بی‌نیاز شدیم؟ هنوز واردات زیاد است. مگر نمی‌شود این‌ها را در داخل تولید کرد؟ می‌شود. به نظر من همیشه اوضاع اقتصادی به این خرابی نبود ولی راه دارد. راهش هم سپردن کارها به آدم‌های شایسته و آدم‌هایی است که لیاقت دارند. در کشور ما یکی از موضوعات فراموش شده شایستگی افراد است. یک سری افراد که

در انتخاب ارزش‌ها چه چیزی برای ما اولویت دارد. استقلال مملکت یا وضعیت اقتصادی؟ کدام اولویت باید فدای دیگری شود؟

وی با اشاره به تأثیر فرهنگ بر این اولویت‌بندی می‌گوید: سرنوشت یک کشور را فرهنگ آن تعیین می‌کند. چین و ژاپن در قرن بیستم عقب افتاده بودند اما در نیمه دوم قرن بیستم خودکفایی و خوداتکایی خوبی دارند. من در سال ۱۳۶۷ سفری به چین داشتم که برای کنفرانسی دعوت شده بودم از توجه آن‌ها به خود و این میزان خوداتکایی آن‌ها لذت بردم. رئیس آکادمی علوم پزشکی چین در این کنفرانس سخنرانی کرد و گفت ۸۰ درصد چینی‌ها که برای درس و ادامه تحصیل به اروپا و آمریکا می‌روند بعد از پایان تحصیلات به چین برمی‌گردند. همچنین در یک انستیتو پژوهشی فیزیک، هنگام بازدید از من خواستند که در دفتر یادبود جمله‌ای بنویسم و آن را امضا کنم. وقتی دفتر را ورق زدم دیدم که دو سه تا از برندگان جایزه نوبل فیزیک که چینی و مقیم آمریکا هستند و اصلاً در آمریکا بزرگ شده‌اند و جایزه نوبلشان را مدیون آمریکا هستند، سالی دو سه ماه به چین می‌آیند و به کشورشان کمک پژوهشی می‌کنند. یعنی کسی که تمام افتخاراتش از آمریکا است و عمرش را آنجا گذرانده، فیزیک آنجا خوانده و بزرگ شده و برنده جایزه نوبل شده باز هم سالی دو سه ماه می‌آید به کشورش کمک می‌کند.

رهبری مدام درباره تولید، رفع نیازهای کشور و نوآوری در کشور سفارش می‌کنند ولی در عمل اصلاً این موضوعات مطرح نیست فقط در حد شعار است. من واقعاً در دانشگاه می‌بینم که آمار و تعداد مقالات اهمیت قابل توجهی دارد، این در حالی است که اگر این مقالات را دور بریزید خم به ابروی علمی کشور نمی‌آید.

کرد که ابعاد منفی تأثیر خود را نگذارند. رئیس‌جمهور آمریکا یک کمیته ۱۷ نفره تشکیل داده بود که درباره موضوع سلول‌های بنیادی تحقیق کنند. من با یکی از این ۱۷ نفر که استاد اخلاق بیولوژی بود در دانشگاه استنفورد در یک کنفرانس آشنا شدم. او به من گفت که این کمیته وظیفه بررسی اختراعات را دارد. در یکی از بررسی‌ها، ما به ۴ مورد برخورد کردیم که مطمئن نبودیم آثار بد نداشته باشند و مخرب نباشند. بنابراین تولید آن‌ها را متوقف کردیم. ما نیز می‌توانستیم این کار را انجام دهیم اما به آن توجهی نکردیم. از قبل از انقلاب تا الآن می‌خواستیم در تولید خودرو خودکفا باشیم و خودروی صد درصد ایرانی بسازیم اما به علت نفوذ غرب و عوامل غربی نتوانستیم. همواره در یک چیزی محتاج بودیم. در سمت دیگر اما کشوری مانند مالزی خود توانست خودروی داخلی تولید کند و من این خودروی ملی را در سال ۱۳۶۳ و بعد از پیروزی انقلاب در خیابان‌های کوالالامپور دیدم.

وی با اشاره به لزوم استفاده از افراد شایسته و لایق در زمینه سنجش فناوری‌های جدید در کشور اظهار می‌کند: مشکل ما این است که در اکثر مشاغل از افراد شایسته استفاده نشده است. به جرئت می‌گویم در اکثر مشاغل افراد بی‌تجربه و نالایق مسئولیت دارند. خود من بعضی وقت‌ها گفته‌ام که برخی از روسای دانشگاه‌ها حتی لیاقت اداره یک دبیرستان را هم ندارند. برخی وزرا هم اصلاً در آن حد نیستند که وزیر باشند اما به‌رحال برگزیده شده‌اند. جامعه علمی نباید در مقابل این موارد ساکت باشد و باید به این مسائل انتقاد کند.

وی ادامه می‌دهد، این دیدگاه در حال حاضر میانجامه دانشگاهی و علمی ما خیلی ضعیف است. نخبگان خیلی ساکت‌اند. دانشگاهیان و نخبگان باید کاملاً مؤدبانه اظهارات خود را در جراید و رسانه‌ها منتقل

باید درباره هر فناوری جدیدی که وارد کشور می‌شود، یک نظرسنجی انجام شود تا ابعاد مثبت و منفی آن مشخص شود. همواره ابعاد مثبت وجود دارد باید سعی کرد که ابعاد منفی تأثیر خود را نگذارند.

برای پست‌ها تعیین می‌کنند اصلاً ملاحظه گذشته و صلاحیت و این‌طور مسائل را نمی‌کنند. ما آدم‌های تراز اولی در حوزه‌ها داریم ولی هیچ وقت سراغشان نمی‌روند. کدام یک از وزرا از افراد برجسته انتخاب شدند؟ می‌خواهم بگویم اگر اقتصاد، علوم پزشکی، آموزش و پرورش ما دارای افراد برجسته است باید از آن‌ها استفاده کنیم.

گلشنی می‌افزاید: برای رسیدن به خودکفایی، باید از علم و فناوری‌ها به‌درستی استفاده شود و از علم به‌درستی بهره ببرند. چرا باید مشکلاتی نظیر قیمت کاغذ اتفاق بیفتد تا مردم نتوانند کتاب بخرند؟ این در حالی است که اندونزی چند سال پیش تولیدکننده کاغذ بود. اندونزی سطح علمش بالاتر از کشور ما نیست ولی چند سال پیش تولیدکننده انبوه کاغذ بود. این نشان می‌دهد که ما اولویت‌بندی درستی نداریم. جامعه تحصیل کرده ما ناگهان با قیمت کتاب روبه‌رو می‌شود و می‌بیند نمی‌تواند بخرد چون خیلی گران است.

” آثار مثبت و منفی فناوری‌های جدید باید بررسی شوند

وی با اشاره به لزوم بررسی ابعاد مثبت و منفی فناوری‌هایی که وارد کشور می‌شوند می‌گوید: باید درباره هر فناوری جدیدی که وارد کشور می‌شود، یک نظرسنجی انجام شود تا ابعاد مثبت و منفی آن مشخص شود. همواره ابعاد مثبت وجود دارد باید سعی

کنند. البته یکی از دلایلی که این دیدگاه انتقادی در میانجامعه دانشگاهی ما وجود دارد این است که خیلی خام بار آمده‌اند. باید بچه‌ها از دبستان و دبیرستان آگاه باشند. خیلی از بچه‌ها از دبستان و دبیرستان با سطح پایین بالا می‌ایند. باید به دانش‌آموزان از سطوح پایین آموزش داد که بدون استدلال حرفی را نپذیرند و تعصب نداشته باشند. لازم است کلاس‌های تربیت اخلاقی، ارزش‌های اخلاقی به مفهوم عام باشد آنچه را که باید در علم از آن‌ها پرهیز کنند به آن‌ها تعلیم داده شود. وی ادامه می‌دهد، این باید زودتر از بقیه اصلاح شود و اولویت این باشد که هم آموزش و پرورش هم دانشگاه‌ها به بعد فرهنگی توجه کنند. این موضوعات و سؤالات باید بیان و پرداخته شوند که چرا چین یا ژاپن ترقی کرد یا چرا آلمان شکست خورد ولی زودتر از همه کشورها خودش را زنده کرد؟ آلمان بعد از جنگ جهانی دوم نابود شد ولی زودتر از همه اقتصاد اول اروپا شد. چرا؟ آلمانی‌ها فقط به خودشان متکی بودند و ماندند و کشورشان را ساختند. من فراموش نمی‌کنم که زمانی که دانش‌آموز که بوم دکترا مصدق پنج سال بعد از جنگ جهانی اول از دکتر ساخت آلمانی دعوت کرد تا بپرسد چطور می‌توانیم اقتصاد بدون نفت داشته باشیم. این حس خوداتکایی و خودکفایی باید از اول در بچه‌ها ایجاد شود. من در آمریکا هم شاگرد چینی داشتم هم ژاپنی و در آن‌ها نیز این حس را می‌دیدم. گلشنی اضافه می‌کند؛ مسئله‌ایم است که کشور ما محتاج یک کشور خارجی مثلاً در مسئله داروها است. در تحریم جلوی ورود داروها را بستند. ما اگر محتاج آن‌ها باشیم کاملاً ناتوان می‌شویم. اروپا قصدش فقط قدرت و ثروت است. نظام سلطه از فناوری برای توسعه خود استفاده می‌کند. آن‌ها به هیچ چیزی قانع نیستند. به قول برخی اقتصاددانان علم برای حکمت تبدیل شده به علم برای قدرت و ثروت. وقتی یک

فیزیکدان تراز اول آمریکایی می‌گوید ما در علم امروز بیشتر برای اغنیا وسیله می‌سازیم فقط مینا قدرت و ثروت است. آن حکمت که قبلاً در قرون وسطا بر علم حاکم بود دیگر بر آن غالب نیست. درست است که فهم طبیعت و قانون هم مطرح است، اما عمدتاً بوجه این کشورها در حال مصرف شدن در جاهای دیگر است. یک فیلسوف آمریکایی می‌گوید ۵۰ درصد از بودجه توسعه و تحقیق آمریکا و ۳۰ درصد بودجه توسعه و تحقیق انگلیس صرف کار نظامی می‌شود. بعد می‌گویند چرا دانشمندان ساکت‌اند؟ همه این‌ها به دلیل بی‌فرهنگی در سطوح بالاست.

وی با اشاره به مغفول واقع شدن فرهنگ در دانشگاه‌ها گفت: شخص من قبل از انقلاب از وضعیت اخلاقی، از رفتار استاد با دانشجو، از رفتار دانشجو با استاد راضی بودم اما متأسفانه الآن وضعیت این‌گونه نیست. الآن بد اخلاقی، بد رفتاری، زورگویی، و تکبر زیاد شده و دلیل آن هم این است که همه فکر می‌کنند به نهایت علم دست یافته‌اند و مطالب تازه را گوش نمی‌دهند و دنبال یادگیری نیستند. فرق ما در این زمینه با آمریکا این است که در دانشگاه آمریکایی دانشجو از استاد مطالب جدید می‌خواهد و استاد مجبور است که به دنبال یادگیری و به‌روز بودن باشد. الآن مهم‌ترین مشکل ما مشکل فرهنگی است. هیچ‌کس به دنبال این نیست که بفهمد دبستان ما، دبیرستان ما و دانشگاه ما چه چیزی تولید می‌کند.

گلشنی می‌افزاید: دلیل این اتفاق، کیفی نبودن نظام و سیستم حاکم دانشگاهی ماست. من همیشه این مثال را می‌زنم که در جنگ بدر باینکه عده مسلمانان کم هم بود پیروز شدند اما در جنگ احد شکست خوردند. چون در جنگ بدر آن‌هایی که می‌جنگیدند اقلیت بودند و هدفشان فقط خدا بود. در جنگ احد هدفشان غنیمت بود بنابراین شکست خوردند. کمیت

شناخته می‌شد، الآن در نام خود فرهنگ را ندارد. این نشان‌دهنده سیاست جدید و کمتر شدن نگاه فرهنگی است. آن اسم منافاتی با فناوری نداشت، منافاتی با علم نداشت. می‌خواست جهان‌بینی حاکم بر علم را آموزش بدهد که الآن نیست. برنامه‌های فرهنگی باید مردم را جذب کنند؛ با این اتفاق مردم جذب برنامه‌های دینی نیز خواهند شد.

” فعالان فرهنگی ما از ذائقه مردم بی‌خبرند

وی با اشاره به غافل شدن جامعه فعالان فرهنگی کشور از ذائقه و سلیقه مردم اظهار می‌کند: عمده نسل ما بعد از انقلاب پرورش یافتند و حوزه هم به کلی از آن‌ها غفلت کرده است. حوزه هم دیگر به جامعه مانند مرحوم مطهری نگاه نمی‌کند. افرادی مانند دکتر شریعتی به تهران آمد و با یک سخنرانی جو را عوض کرد. باید افرادی که جذاب و تأثیرگذار هستند بیایند و در این زمینه فعالیت کنند تا مردم جذب بشوند.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان این عقب‌ماندگی را جبران کرد یا نه اظهار می‌کند: حتی حضرت آیت‌الله مصباح در اواخر عمرشان فرمودند که ما در این چهل سال آدم‌های خوبی تربیت نکردیم. راه حلش هم این است که واقعاً یک عده افراد نخبه، دغدغه‌دار، باسواد و همه‌چیزفهم بیایند و اول از همه جامعه را رصد کنند و ببینند دغدغه‌هایی که در فضای مجازی مطرح شده چیست. بعد برنامه‌ریزی کنند، کتاب‌های کوچک چاپ کنند و آن‌ها را با قیمت مناسب منتشر کنند که جوان‌ها بخوانند.

وی با اشاره به کم‌کاری‌های صورت گرفته در زمینه فرهنگ‌سازی برای جوانان خاطرنشان می‌کند: از آنجایی که دست خارجی‌ها هم دنبال نابودی فرهنگ بوده، باید به فرهنگ توجه و رسیدگی کنیم. باید افراد



مهم نیست کیفیت مهم است. بعضی اوقات یک فرد کار ده نفر را انجام می‌دهد.

” باید برای کار فرهنگی از پلتفرم‌های فناوری استفاده کنیم

گلشنی با اشاره به لزوم استفاده از پلتفرم‌ها و فناوری‌های جدید برای انجام کار فرهنگی خاطرنشان می‌کند: من این موضوع را به خود حضرت آقا نیز گفتم که ما هم باید از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم. تلویزیون نقش خیلی مهمی در این زمینه دارد. در تلویزیون ما تنها دعوی بین یک زن و مرد را می‌بینیم. همه این‌ها بدآموزی دارد. من نمی‌دانم چرا کار فرهنگی در تلویزیون خیلی کم انجام می‌شود. باید بیشتر برنامه فرهنگی تولید شود و این چیزی است که باعث می‌شود جامعه خودکفا باشد. باید بگذارند خودتکایی بی‌نیازی و غیره ترویج شود و هدف درس خواندن مشخص شود. در حال حاضر برخی از فارغ‌التحصیل‌های دانشگاهی ما متدین و باسواد هستند به خاطر انقلاب کشور را رها نکردند. شغل و درآمد خاصی هم ندارند. وزارت علوم که پیش از این با نام وزارت فرهنگ و آموزش عالی

یک عده افراد نخبه، دغدغه‌دار، باسواد و همه‌چیزفهم بیایند و اول از همه جامعه را رصد کنند و ببینند دغدغه‌هایی که در فضای مجازی مطرح شده چیست. بعد برنامه‌ریزی کنند.

چیزی را بدانند و بشناسند تا به سراغش بیایند. در جامعه ما گروه‌های فلسفه در جایگاه واقعی خودشان نیستند. این رشته‌ها را و اصلاً فلسفه را پرت می‌دانند. در غرب از وقتی فیزیکدان‌ها به دنبال فلسفه رفتند، همه چیز تغییر کرد اما در ایران ما بیشترین بی‌اعتنایی به فلسفه می‌شود. اگر قرار است به غرب نگاه شود، باید به همه ابعاد تمدن غرب توجه شود. من نمی‌گویم با غرب رابطه نداشته باشیم، می‌گویم مثل چینی‌ها چیزهای قابل استفاده را از غربی‌ها بگیریم و لسی برده غرب نباشیم. این عقده حقارت نسبت به غربی‌ها که در رجال سیاسی ما هست نابودکننده است. حرف امام و رهبری این بوده ما می‌توانیم. در زمان رضاشاه آیت‌الله مدرس فرمود که ما می‌توانیم.

وی در پایان می‌گوید: کمکی که فلسفه علم می‌تواند به ما بکند، این است که محدودیت‌های خود علم را نشان می‌دهد. بنابراین شما باید به جز خود علم چیزهای دیگر را هم به کار ببرید. اخلاق به کار ببرید. فلسفه علم این موضوع را خوب نشان می‌دهد چیزی که خیلی‌ها از آن غافل هستند و رشته‌های علوم پایه یا فنی را می‌خوانند به خیالشان تمام سؤال‌ها و نیاز بشر را از علم می‌گیرند. این طور نیست من این را مفصل در کتاب‌هایم توضیح داده‌ام.

فهمیم در نهاد‌های مرتبط با فرهنگ استخدام کنیم. اما این مسئله خیلی مطرح نبوده است. همیشه افراد با ارتباطات غیر حرفه‌ای و نامناسب استخدام شده‌اند. باید معلمان خوب و کار بلد برای آموزش تربیت شوند. مثلاً در همین دانشگاه تربیت معلم که معلم تربیت می‌کند باید این ابعاد تقویت شود تا معلمان خود آگاه باشند و روی بچه‌ها تأثیر بگذارند. این‌هایی که در سال‌های گذشته به‌عنوان معلم تربیت شدند اکثراً نسبت به این مسائل بی‌تفاوت هستند.

” دانشگاه فرهنگیان باید تمرکز بیشتری روی بعد فرهنگی معلمان داشته باشد

گلشنی با تأکید بر لزوم توجه بیش از پیش دانشگاه فرهنگیان روی تربیت معلمان اظهار می‌کند: دانشگاه فرهنگیان که مخصوص تربیت معلم‌هاست باید مقداری روی این قضیه تمرکز بیشتری داشته باشد تا بعد فرهنگی فارغ‌التحصیلان تقویت شود. این موضوع فارغ از رشته تحصیلی دانشجویان است. الان در آمریکا در دانشگاه صددردصد مهندسی ام‌آی‌تی که بزرگ‌ترین دانشگاه مهندسی در آمریکاست، دانشجویان باید دوره‌های آموزش علوم انسانی را بگذرانند. کدام دانشگاه در کشور ما این کار را می‌کند؟ در دانشگاه صنعتی شریف گروه فلسفه و علم مورد اقبال واقع نمی‌شد و فقط رشته‌های مهندسی برایشان اهمیت داشت.

وی درباره تأثیر گروه فلسفه در دانشگاه‌ها می‌گوید: گروه فلسفه در دانشگاه‌ها حتی دانشگاه‌های فنی اگر راه درست را در پیش بگیرد، مؤثر خواهد بود. متأسفانه در دانشگاه‌های مختلف ما که این رشته وجود دارد، توجهی به آن نمی‌شود. گروه‌های فلسفی خیلی کم مورد رجوع قرار می‌گیرند. جامعه باید اهمیت یک

خروج آدمی از نابالگی به تقصیر خویشتن خود

ایده پیشرفت و ایده عقلانیت از منظر

«فیلسوفان اسلامی و فیلسوفان مدرن»

عبداله عابدی فر

” درآمد

شناخت کشورها و کشورگشایی هم جزء ایده پیشرفت بوده حتی جانورشناسی هم همین‌طور جزء ایده پیشرفت بوده است.

پایان دوران رنسانس دوران پیشرفت کیفی است یعنی به آن چارچوب‌هایی که قبلاً می‌دانستیم اکتفا نکردیم. بیشتر دانستن و بهتر دانستن، مسئله مهم این دوره است.

نکته‌ای که دارای اهمیت است این است که در دوران مدرن و زمان فرانسیس بیکن ایده ضرورت پیشرفت بسیار بااهمیت می‌شود. بنابراین ایده ضرورت پیشرفت در واقع انقلابی در نظام فکری و اجتماعی بعدی ایجاد کرد. فیلسوفان زیادی بحث ضرورت پیشرفت را مطرح کرده‌اند؛ مثلاً کندیورسه فیلسوف فرانسوی، از مراحل مختلف گذار را مطرح می‌کند تابلوی پیشرفت را ارائه می‌دهد. معتقد بود که هر مرحله از مرحله قبل جلوتر است؛ در کانت، هگل و آگوست کنت بسیار نظام‌مند این ایده را پرورانده‌اند؛ و در دستگاه فکری خودشان جایگاه مهمی برای ایده ضرورت پیشرفت باز کرده‌اند. در تمام فیلسوفان مدرن مفهوم پیشرفت مستلزم مفهوم بهتر شدن بود. بااین حال این نکته را هم باید توجه کرد که مفهوم پیشرفت در دنیای مدرن بازگشت به گذشته را به گونه‌ی تعریف و بازتعریف می‌کرده‌اند. در آثار فیلسوفان زیادی مثل دکارت، اسپینوزا و لایبنیتس،

این مطلب برگرفته و خلاصه‌ای از مباحثی است در مدرسه تابستانه «اندیشه پیشرفت: مباحثی در فلسفه علم و تاریخ» که به همت موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شده است.

” ایده پیشرفت از منظر اندیشمندان اسلامی

ایده پیشرفت یکی از ایده‌هایی است که تاکنون تعریف خوبی از آن ارائه نشده. بااین حال این نکته را به راحتی می‌توان اذعان کرد که ایده پیشرفت اساساً یک ایده مدرن است. در دوران مدرن است که اولین بار بحث پیشرفت را فرانسیس بیکن در کتاب ارغنون جدید مطرح کرده است. او سعی می‌کرد بین روش خودش با گذشتگان که سعی در رجوع به گذشته داشتند و به گونه‌ای پسرقتی حرکت می‌کردند تمایز قائل شود. مثلاً معتقد بود که اختراع قطب‌نما، سهم مهمی در تأمل و پیشرفت جهان آن زمان داشته است. آن زمان منظور از پیشرفت، بیشتر پیشرفت علم بود؛ اما بیکن سعی می‌کرد که پیشرفت را به علوم دیگر هم ربط بدهد و روش‌های علم جدید را در علوم دیگر هم استفاده کند. پیشرفت در بیکن یعنی اینکه ما بهتر می‌دانیم. در جغرافیا ایده پیشرفت وجود داشت

در دوران مدرن و زمان فرانسویس بیکن ایده ضرورت پیشرفت بسیار با اهمیت می‌شود. بنابراین ایده ضرورت پیشرفت درواقع انقلابی در نظام فکری و اجتماعی بعدی ایجاد کرد.

می‌گیریم هر دانشمندان می‌گویند درست است. در واقع معیار دانشمندان است تنها به صرافت به دانشمندان نگاه می‌کنیم و می‌گوییم حقائق همان‌گونه که آن‌ها بیان کردند نمایان می‌شود؛ ولی این درست نیست درحالی‌که خداوند علما را از خطا بر حذر نکرده است بلکه علما خطا می‌کنند؛ درحالی‌که عقل عرفی ما خلاف این را می‌گوید. به عقیده ابن هیثم جوینده حق کسانی هستند که همیشه شک می‌کنند و درنگ می‌کنند. معتقد است که خود شخص مهم نیست باید به اندیشه آن آدم فکر کرد و نقد کرد.

این نوع نگاه را در زکریای رازی هم می‌توان دید. رازی در کتاب شکوک بر جالینوس، مجموعه اشکالاتی بر جالینوس وارد کرد. می‌گوید «همه من را لعنت می‌کنند که با شخص بزرگی مثل جالینوس در افتادم. اما اصلاً بدین گونه نیستیم بلکه خیلی مدیون جالینوس هستیم ولی حقیقت برای من خیلی مهم است. طب و فلسفه جای نیست که بر دانشمندان سخت بگیریم». گالیله همین حرف را در مورد ارسطو زده بود. خود جالینوس هم همین‌طور قبلی‌ها را نقد کرده بود. سبب چیست که غفلت همیشه غالب هست هوا بر عقل حاکم می‌شود گاهی ناچار می‌شویم سخن نادرست بگوییم. علت دیگر اینکه صناعات همواره افزایش می‌یابد به کمال نزدیک می‌شوند. این حرف که مطلق متأخرها بهتر از مقدم‌ها فهمیده‌اند درست نیست. بسیاری از مقلدان

هیوم، کانت و هگل و.. بازگشت به یونان و روم باستان مطرح بوده است. معنای این رفت و برگشت به صورت دیالکتیکی بوده است. در واقع در این فیلسوفان رابطه دیالکتیکی بین پیشرفت و پسرفت مطرح بوده است. در دوران مدرن پیشرفت در اندیشه و آرمان‌های آدمی هم مطرح بوده است، می‌توان انعکاس آرمان‌شهر نویسی را هم در ایده پیشرفت دید. در قرن بیست و یکم بعد از جنگ جهانی هم ایده پیشرفت و ایده ضرورت پیشرفت بسیار مطرح بوده است.

”ابوریحان بیرونی، ابن هیثم، زکریای رازی

احساس پیشرفت در جهان اسلام وجود داشته است یا نه؟ پیشرفت را اگر به این معنا در نظر بگیریم که مسئله‌های که گذشتگان مطرح کردند که نمی‌توانستند حل کنند آن‌ها توانستند در زمان خودشان حل کنند به این معنا احساس پیشرفت در جهان اسلام وجود داشته است.

ابوریحان بیرونی در مقدمه کتاب المقالید می‌گوید با گذشته به زمان حال رسیدیم که چشمه‌های علم در این زمان جوشان است بعید نیست که نهایت کامل هر علمی باشیم و نیز همه‌گیر شدن فضل در مردم در این زمان چشمگیر است. دانشمندان ما چیزهای می‌فهمند که عموم قدما نمی‌دانستند. با این حال ما چیزی بر گذشتگان اضافه کردیم نه اینکه صرفاً از آن‌ها تقلید کرده باشیم.

یکی از نشانه‌های احساس پیشرفت در جهان اسلام می‌توان در نوشته ابن هیثم در کتاب الشکوک علی بطلمیوس دید. او در این کتاب ایرادهای بر بطلمیوس وارد می‌کند، معتقد است که حق به خودی خود مطلوب است رسیدن به حق دشوار است؛ زیرا حقایق در شبه‌ها وجود دارد. طبیعت ما این است که مفروض

انسان‌گرایی، محدودیت شناخت بشری، حقوق بشر، تساهل، عدالت و حقیقت‌جویی و خوداندیشی در دین برون داد روشنگری است که کانت هم در این زمینه نظریه‌پردازی کرده است.

پرسش مهم که در تاریخ فلسفه نتایجی ثمربخش و ژرف بر جای نهاد تاکنون پاسخ‌های زیادی داده شده است. نخستین کسی که به این پرسش پاسخ می‌دهد موزس مندلسزون بود که در شماره سپتامبر ۱۷۸۴ میلادی برلینیشه موناتسشریف در مقاله‌ای زیر عنوان «معنای روشنگر ساختن چیست؟» به آن مقاله پاسخ می‌گوید.

هم‌زمان کانت نیز با تعریفی مشهور در شماره دسامبر همان نشریه، بی‌آنکه بداند مندلسزون نیز، به آن پرسش پاسخ گفته، مقاله مشهور خویش را با عنوان پاسخ به پرسش روشنگری چیست؟ منتشر می‌کند. کانت به سؤال کشیش یوهان فردریش زولنر که همچنین یکی از مقامات دولت پروس بود، پاسخ داد. مقاله کانت همچنین به علل فقدان روشنگری و پیش‌شرط‌های لازم برای ایجاد امکان روشنگری برای مردم پرداخته است. او ضروری می‌دانست که پدرمابانه‌گرایی کلیسا و دولت ملغی شود و به مردم آزادی داده شود تا از عقل خود استفاده کنند. کانت فردریک دوم پروس را به خاطر ایجاد این پیش‌شرط‌ها ستایش کرد.

انسان‌گرایی، محدودیت شناخت بشری، حقوق بشر، تساهل، عدالت و حقیقت‌جویی و خوداندیشی در دین برون داد روشنگری است که کانت هم در این زمینه نظریه‌پردازی کرده است.

تعریف کانت از روشنگری: روشنگری «خروج آدمی است از نابالغی به تقصیر خویشتن خود؛ و نابالغی ناتوانی در به کار گرفتن فهم خویشتن است بدون هدایت دیگری. دلیر باش در به کار گرفتن فهم خویش». در روشنگری انسان از صغارت و نابالغی خارج می‌شود تا آگاه شود وقتی این پرسش مطرح می‌شود در مورد روشنگری خودبه‌خود، نوعی خود بنیادی و خوداندیشی یا خودسامانی مطرح می‌شود.

گمان می‌برند قدما هر چیزی دانستی را دانستند هیچی نه می‌شود اضافه کرد و نه می‌توان کم کرد. مثل ابن رشد قائل بود که ارسطو همه حقیقت را گفته و لا غیر. هر چند برخی جاها از ارسطو خارج می‌شود ولی فکر می‌کند حرف ارسطو را می‌زند.

باین حال می‌توان گفت در جهان اسلام:

- احساس پیشرفت وجود داشت مثلاً می‌توان در ابوریحان بیرونی و ابن هیثم، زکریا رازی شاهد مثال‌های را پیدا کرد؛
- واقعیت پیشرفت هم در جهان اسلام وجود داشت؛
- انگیزه پیشرفت هم وجود داشته است؛
- ایدئولوژی پیشرفت به آن معنای دوران مدرن در جهان اسلام وجود نداشته است.

” کانت

مسئله پیشرفت در کانت را می‌توان با بحث روشنگری شروع کرد. روشنگری چگونه مطرح شد: «روشنگری چیست؟» پرسشی است که یک کشیش پروتستان در شماره دسامبر ۱۷۸۳ میلادی ژورنال ماهانه برلین برلینیشه موناتسشریف (Berlinische Monatsschrift) در مخالفت با ازدواج کامن لا و دفاع از تزویج کلیسایی (= شرعی) مطرح ساخت. وی در پانویست مقاله‌اش این پرسش چالش‌گرانه را پیش کشیده است که: «به‌راستی روشنگری چیست؟» به این

در روشنگری انسان از صغارت و نابالغی خارج می‌شود تا آگاه شود وقتی این پرسش مطرح می‌شود در مورد روشنگری خودبه‌خود، نوعی خود بنیادی و خوداندیشی یا خودسامانی مطرح می‌شود. در این نگرش همه چیز باید نقد شود. هیچ استثنای در نقد وجود ندارد از آثار فلسفی گرفته تا کتاب مقدس. نقد به نقاط مثبت را هم در بر می‌گیرد فقط تخریب یا رد نیست.

بپذیریم و تکثر را هم قبول کنیم تک تک این مسائل که ما با آن زندگی می‌کنیم بارز و روشن است. حقوق بشر در این دوره مطرح می‌شود. جوانه‌های آن در این دوره رویش می‌کند. کانت حقوق بشر را در کنار دیگر متفکرین مطرح می‌کند. به نظر کانت وقتی حقوق بشر رعایت نمی‌شود در این صورت انقلاب اتفاق می‌افتد. باید حقوق بشر را محترم بشماریم تا انقلاب به آناژشی منتهی نشود. کانت آزادی را مرکز توجه خود قرار می‌دهد. اینکه انسان به مرحله بلوغ عقلی برسند یعنی خود بفهمند که اشتباه کردند و بعد اصلاح کنند. کانت مقاله روشنگری را ۵ سال بعد از انقلاب فرانسه نوشته است. می‌گوید کار انقلاب نیست که شیوه تفکر را عوض کند؛ بنابراین کانت یک تفکیک نظری و قانون‌مند بین انقلاب و حقوق بشر و نظام مدنی ارائه می‌کند. کانت انقلاب را منشأ رویش‌ها و پویش‌ها می‌داند از نظر وی انقلاب زمانی به ثمر می‌نشیند که قانون اساسی نوشته شده باشد. نیز این قانون باید از جنس مدنی باشد. قانون اساسی نوشته شده بنیان‌ها و ساختارها شکل گرفت بعد آن مشی انقلابی بی‌معنا است. وقتی قانون اساسی نوشته شده است انقلاب

در این نگرش همه چیز باید نقد شود. هیچ استثنای در نقد وجود ندارد از آثار فلسفی گرفته تا کتاب مقدس. نقد به نقاط مثبت را هم در بر می‌گیرد فقط تخریب یا رد نیست. طبیعتاً روشنگری یک جریان فلسفی است پرسش‌های از این دست که حقیقت چیست انسانیت چیست؟ مدارا و بردباری چیست و...

چرا انسان‌گرایی مبنای روشنگری است. قبلش تا زمان کانت روشنگری تحقیر بود اینکه انسان شهروند نیست انسان مکلف هست؛ انسان حقوقی ندارد؛ حتی حق مالکیت؛ انسان برده و حقیر است.

در سده نوزدهم در انگلستان زنان حق رأی نداشتند کانت هم همین دیدگاه در مورد زنان را دارد. زنان چون مالکیت و دارایی و اقتصادی ندارد پس نمی‌تواند سرور باشد. روشنگری در صدد است که انسان را از این حقارت نجات دهد. کم‌کم این فکر به وجود آمده است که آیا انسان شیء است یا غایت است، به عقیده کانت انسان موجودی فی‌نفسه و غایت فی‌نفسه است ابزار نیست. این انسان شخصیتی است که دایره و مدار عالم وجود است. نیاز دارد نقادی شود. بلافاصله بعد از روشنگری اینکه انسان فراموش‌کار و به وادی خطا در می‌افتد یک نگرش بسیار فروتنانه است انسان طبیعتاً این محدودیت‌ها را می‌شناسد و خود کانت در نقد اول بسیار نوشته است. چه باید کرد وقتی شناخت بشری محدود است هیچ قرائت یگانه‌ای وجود ندارد پای تکثر پیش می‌آید مکتب‌ها می‌آیند در این جغرافیای معرفتی باقی بمانند.

در گام سوم پای تساهل پیش می‌آید. اگر چیزی مطلق وجود ندارد امر نسبی در فهم مورد بحث قرار می‌گیرد. اینکه هیچ فردی دانای کل نیست عقل کل محسوب نمی‌شود. ما باید دیدگاه دیگران را بشنویم ما باید مدارا کنیم. به این ترتیب ما باید محدودیت خودمان را

خاطره است. وقتی انسان‌ها آزاد باشند حکومت می‌تواند راحت حکمروایی کند، کار حکمروایی را آسان می‌کند. بنابراین روشنگری ضد استبداد است. در کنار آزادی چیزی به نام عدالت وجود دارد. هدف روشنگری رسیدن مردم به عدالت بود نه خوشبختی. رگه‌هایی از لیبرالیسم چهره خویش را نشان می‌دهد. در ادبیات روشنگری مسئله خدا و دین و مذاهب بسیار مورد توجه قرار می‌گرفت. بیش از نصفی از آن‌ها مذهبی بودند. در مورد خوداندیشی در دین در مقاله کانت مطرح بود دین امری مقدس است ما با خدا و مسیحیت باور داریم. روشنگران دین‌ستیز نبودند.

کانت معتقد است که افراد بشر حتی ملتها در دروان تاریخی افت و خیزهایی دارند. پیشرفت‌ها و پسرفت‌هایی دارند. شکست‌هایی دارند. معتقد است نوع بشر سیر تکاملی به سوی دانایی و پیشرفت می‌تواند رقم بزند. نوع بشر در حال رشد و پیشرفت و ترقی است اینکه این فلسفه، فلسفه امید است. خودبه‌خود تاریخ بشر در سیر تاریخی سیر می‌کند.

روشنگری می‌ایستند. چیزی که در روشنگری آشکار می‌شود مسئله جدایی دین از سیاست نیست؛ جان لاک و روسو یا کانت معتقد نیستند که دین از سیاست جدا است. هر چند لاک گفته که نهاد دینی باید از نهاد سیاست جدا باشد. همین حرف را کانت تأیید می‌کند. برخی فکر می‌کنند که مدرنیسم آمده است که دین و مذهب را به نابودی بکشاند. اما در واقع اصلاً این‌گونه نیست. کانت می‌گوید فلسفه آمده است تا جا برای دین و ایمان باز گذارد یعنی دینداری تقلیدی نباشد بلکه با شناخت همراه باشد یا مورد سنجش قرار گیرد. کانت معتقد است که افراد بشر حتی ملت‌ها در دروان تاریخی افت و خیزهایی دارند. پیشرفت‌ها و پسرفت‌هایی دارند. شکست‌هایی دارند. معتقد است نوع بشر سیر تکاملی به سوی دانایی و پیشرفت می‌تواند رقم بزند. نوع بشر در حال رشد و پیشرفت و ترقی است اینکه این فلسفه، فلسفه امید است. خودبه‌خود تاریخ بشر در سیر تاریخی سیر می‌کند.

” هگل

اگر می‌خواهیم ایده پیشرفت در هگل را دنبال کنیم لازم است از کتاب فلسفه تاریخش^۱ شروع کنیم؛ و فلسفه تاریخ هگل مربوط به ۲۰۰۰ سال تاریخ بشریت است.

هگل شکاف خیلی بنیادین بین دنیای مدرن و پیشامدرن قائل است:

صحبتی که هگل می‌کند اینکه تمام جوامع پیشامدرن یک نوع تبعیضی در انسانیت قائل هستند. ادعای هگل این است که در دنیای مدرن بشریت به مثابه بشریت بازسازی یا بازشناسی می‌شود. بازشناسی دنیای مدرن

با خرید و فروش بهشت موافق نبودند. از نظر کانت نابالغی بسیار زیاد است. فردی که اراده ندارد آزادی را نفهمیده است. نابالغی در امور دینی از همه اهانت‌ها بیشتر است نتواند سره با ناسره تشخیص دهد. حرکت روشنگری برای دین‌شناسان و فیلسوفان با مشکلاتی همراه بوده است؛ یک پاک‌سازی صورت می‌گیرد و کانت ممنوع‌القلم می‌شود. گفتند در مورد دین چیزی نباید بنویسید. در این وضعیت با ممنوعیت مواجهه می‌شود. در ادبیات این دوره شوریدسران که در مقابل

۱. فلسفه تاریخ به تنهایی اگر خوانده شود بقیه آثارش خوانده نشود قابل فهم نخواهد بود.

آن چیزی که برای هگل اهمیت دارد پیشرفت در ساختار عینی سیاسی است. برخی هگل را فیلسوف ایدئالیست در نظر می‌گیرند. هگل به هیچ وجه به این فکر نمی‌کند تاریخی را که بیان می‌کند تاریخ مادی تاریخ سیاسی کشورها را بیان می‌کند، بلکه به تاریخ تغییر در ساختارهای سیاسی می‌اندیشد.

آزاد بودند ولی همه مردم آزادی نداشتند ولی در دوران مدرن همه مردم آزادی دارند.

حرکت تاریخ از یک نفر آزاد به گروهی آزاد تا به همه آزادند رسیده است. ارسطو درباره آزادی می‌گوید: خصوصیات انسان آزاد این است که گوش به‌زنگ انسان دیگر نباشد. مثال بنا و کارگر را می‌زند که می‌گفتند این‌ها گوش به‌زنگ نیستند چه چیزی را انجام بدهند کار خودشان را انجام می‌دادند بنابراین آزاد بوده‌اند. کسانی که موسیقی می‌نوازند اگر فقط به دنبال این باشند که جایزه برنده شوند در آن صورت آزاد نیستند. در آن دوران ایران باستان و چین، شاه آزاد بودند گوش به‌زنگ کسی نبودند.

اما دوران مدرن اصل را بر این می‌گذارند که انسان از آن جهت که انسان است مینا است. در این صورت همه افراد نباید گوش به‌زنگ کسی باشند اما در دوران یونان و روم گروهی گوش به‌زنگ نبودند؛ بنابراین در ایران باستان علی‌رغم یک شبکه قدرتی وجود دارد فقط یک نفر در نهایت آزاد است.

هگل معتقد است که در حکومت پادشاهی حتی آن یک نفر هم آزاد نبوده است؛ زیرا بر مبنایی درست استوار نبوده است؛ چون صرفاً حکمرانی کردن هدف

از «انسان از آن جهت که انسان است» یک بازشناسی بنیادین و رادیکال است، هگل همین ایده را در ساختار سیاسی هم توجه می‌کند در آنجا تأکید می‌کند برای اولین بار یک نوع قانون اساسی برای اساس این ایده که «انسان از آن جهت انسان است» نوشته شده است. ساختار سیاسی باید این قاعده را رسمیت بشناسد.

در دوران پیشامدرن انسان به خاطر خصوصیت دینی و خصوصیات خاصی که دارد شناخته می‌شود ولی در دوران مدرن این طور نبود.

هگل یک متفکر انقلابی است شکاف عمیق بین دنیای مدرن و پیشامدرن قائل است.

با به وجود آمدن تاریخ جهانی، ایده کلی اینکه قبل از دوران مدرن به فرهنگ‌ها هم‌زیستی داشتند فرهنگ کم‌و‌بیش مستقل بودند. ولی با این حال به صورت محله‌های و جزئی خاصی می‌شود صحبت کرد در واقع حالت موزاییکی بوده‌اند ولی در دوران مدرن «انسانیت به مثابه انسان» لحاظ می‌شود در این صورت همه انسان‌ها را به هم ارتباط می‌دهد و تاریخ جهان به وجود می‌آید. نتیجه این نوع آزاد شدن برده و آزاد شدن مستعمره‌هاست. آزاد شدن مستعمره‌ها برای کشورهای استعمارگر هم خوب است آزاد شدن برده هم برای برده و هم برای برده‌دار خوب است.

” ایده پیشرفت

معیار پیشرفت برای هگل چیست؟ پیشرفت در جامعه بشری نباید پیشرفت ثروت در نظر گرفت. پیشرفت در طول عمر نیست، افزایش بهداشت عمومی نیست. پیشرفت یا مهارت یا کنترل طبیعت نیست. پیشرفت در آگاهی از آزادی است. به عقیده هگل آزادی جز بر سازنده انسان است. در ایران و چین باستان فقط یک نفر آزاد بود آن شاه بود. در یونان و روم گروهی

تاریخ را می‌خواهید بفهمید باید دولت‌ها را بفهمید دولت‌ها نهادهای مکتوب هستند که تاریخ در آن‌ها معنا پیدا می‌کند.

پیشرفت تاریخ در واقع بر پایه تضاد و تناقض‌های اجتماعی است جریان تاریخ دانه بلوط و درخت و شاخه این‌ها نیست بلکه دارای تناقض هست می‌تواند تناقض ساختاری باشد حل کردن این تناقض در واقع کمک می‌کند تا مکانیزم پیشرفت تاریخی به وجود آید. پیشرفت جامعه بشری نتیجه ناخواسته کنش‌های آن‌هاست.

به نظر هگل معیار پیشرفت، یک پیشرفت افلاطونی در خارج نیست که ثابت یا همچون مثل باشد بلکه نظرش اینکه معیار پیشرفت در خود جامعه انسانی به وجود می‌آید. در طول تغییر و تحول تاریخ معیارهای باید تاریخ به وجود آمدن را توجه کرد. اعتبار معیار پیشرفت وابسته به وجود آمدن است.

تاریخ یک بازسازی عقلانی تاریخ گذشته است. تاریخ یک انبانی از مجموعه روابط علی نیستند بلکه تاریخ به معنای واقعی کلمه یک بازسازی عقلانی دوره‌های گذشته است خیلی از واقعیت‌ها را باید کنار گذاشته شود به همین دلیل لغت گشیشته Geschichte را به کار گرفته است.

به نظر هگل در پیشرفت یک ضرورت است. این به چه معناست به هیچ منظور متافیزیکی نیست اینکه پیش‌بینی کنیم و پیش‌گویی نیست. پیش‌بینی در تاریخ نمی‌توانید کنید، ضرورت گذشته‌نگرانه یک ضرورت معرفت‌شناسانه است وجودشناختی نیست اینکه همه انسان‌ها آزاد هستند باید تاریخ را خواند و باید بازسازی کنید. پیشرفت را تشخیص داد.

برای هگل اخلاق فردی مهم نیست بلکه نهادها مهم هستند این اخلاق فردی زمانی مهم است که وارد

تاریخ برای هایدگر بسیار فرارتر از همه فیلسوفان است تاریخ برساخته از وجود انسان است که هایدگر نامش تاریخ‌مندی می‌گذارد تاریخ عرصه ظهور معنا است یعنی معناداری نحوه وجود است. تاریخ طرح‌افکنی انسان است. امکان طرح‌افکنی است. عرصه تاریخ تفسیر شدگی وجود موجودات است.

بود آن نوعی اجبار برای پادشاه بود این‌ها مبنای آزادی را اشتباه فهمیدند؛ بنابراین حتی آن یک نفر هم آزاد نبوده است. هگل معتقد است حتی ارسطو و افلاطون هم نمی‌فهمیدند که انسان از آن جهت انسان است آزاد هستند به همین جهت آن‌ها هم آزاد نبودند. هگل پیشرفت را در آگاهی از آزادی می‌داند.

فلسفه تاریخ هگل، نوعی تاریخ سیاسی است تاریخ از جنبه سیاسی می‌بینید. آن چیزی که برای هگل اهمیت دارد پیشرفت در ساختار عینی سیاسی است. برخی هگل را فیلسوف ایدئالیست در نظر می‌گیرند. هگل به هیچ‌وجه به این فکر نمی‌کند تاریخی را که بیان می‌کند تاریخ مادی تاریخ سیاسی کشورها را بیان می‌کند، بلکه به تاریخ تغییر در ساختارهای سیاسی می‌اندیشد. نشانه‌اش را می‌توان وقتی دید که وقتی هگل انتخاب می‌کند که تاریخ جهانی را بنویسد کارش را با دولت‌ها شروع می‌کند. برای هگل نهادها اهمیت دارند که در نهادهاست که تاریخ تعیین عینی پیدا می‌کند. دومین تزی که می‌توان در کتابش دید قوانین صوری و فرمال خیلی مهم‌تر از قوانین صرفاً عرفی هستند به نظر می‌رسد قانون ثبت شده بسیار مهم‌تر از آداب و رسوم روزمره است. نظر هگل درباره

نهاده‌ها شده باشد. آزادی منتظر هگل کلاً بحث سیاسی است. آزادی متافیزیکیال جبر و اختیاری نیست. جنبه مهم حیات بشری مستقل از هم در نظر نمی‌گیرد. یک تصویر هولیستیک و کل‌گرایانه می‌دهد بهترین از نظر تاریخ سیاسی مهم است. معنی‌اش این نیست که ساختار سیاسی عوض شود.

” ایده پیشرفت و عقلانیت در فیلسوفان قرن بیستم ویتگنشتاین

ویتگنشتاین سؤال می‌کند آیا جای غیر از علم می‌توان حرف پیشرفت زد یا خیر؟

به اعتقاد ویتگنشتاین پیشرفت با تمدن غربی گره خورده است. ویتگنشتاین در پیش گفتار نکته‌های فلسفی می‌نویسد مدام در فلسفه شنیده می‌شود که در فلسفه هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. می‌گوید وقتی زنجیره باطل را قطع کنیم پیشرفت در فلسفه شکل می‌گیرد. اندیشه پیشرفت بزرگ، مهم است. اندیشه شناخت نهایی حقیقت، یک توهم است. دوران فناوری به عقیده ویتگنشتاین آغاز پایان بشر است.

وقتی ما مسائل فلسفی را منطقی بدانیم خودش یک پیشرفت است. پیشرفت علم و صنعت ماندگارترین چیزی جهان امروز است. هرگونه فروپاشی علم و صنعت خیال خام است. علم و صنعت به گونه‌ای حاکمیت دارد. علم و صنعت صلح و آرامش را از انسان می‌گیرد.

تفاوت علم و جادو؛ در علم ما پیشرفت داریم ولی در جادو پیشرفت وجود ندارد. به عقیده ویتگنشتاین پیشرفت در فلسفه ممکن است.

” هایدگر

به عقیده هایدگر، تاریخ؛ فراموش‌شدگی وجود است.

هایدگر را در تقابل به هگل می‌دانیم که فلسفه عصر جدید را به معنای انحطاط می‌فهمید. هایدگر در مقابل کی‌یرگارد و مارکس و . است معتقد است در فلسفه مدرن یک نوع فراموشی از وجود، وجود دارد. با این نگاه در اصل نوعی مخالف اندیشه پیشرفت به معنای مدرن است. به گونه بازگشت به شعر و هنر و بازگشت به یویان باستان را در اندیشه پیشرفت خویش باز می‌کند. رابطه هایدگر با پیشرفت چیست هایدگر مخالف پیشرفت به معنای مدرن است بلکه یک مخالفت واپس‌گرایانه دارد در امتداد ضد روشنگری رمانتیک است. مکتب فرانکفورت هم این قرائت را داشتند.

هایدگر را می‌توان با دو فیلسوف بزرگ سنجید نخست هگل فیلسوف بزرگ دیگر نیچه است که کل عقل و فلسفه را انحطاط می‌داند. تاریخ برای هایدگر بسیار فرارتر از همه فیلسوفان است تاریخ برساخته از وجود انسان است که هایدگر نامش تاریخ‌مندی می‌گذارد تاریخ عرصه ظهور معنا است یعنی معناداری نحوه وجود است. تاریخ طرح‌افکنی انسان است. امکان طرح‌افکنی است. عرصه تاریخ تفسیر‌شدگی وجود موجودات است. تنها بروز عینی که ما را با سایر جانداران متمایز می‌کند همین تاریخ‌مندی است. ما تنها موجودات هستیم تاریخ داریم. تفسیر موجود در کل باوجود موجود ظهور می‌یابد. تاریخ عرصه است که پرسش از وجود در آن است. و اساسی در مواجهه با تاریخ اندیشه است عرصه ظهور معناداری است به‌عنوان شرط مواجهه است. و اساسی تاریخ از طریق وجود انسان صورت می‌گیرد.

آیا کنوانسیون برن مصداق استثمار نوین است

چگونه حقوق ناشران و مؤلفان را صیانت کنیم؟

دستمان را زیر گیوتین بیگانه قرار نمی‌دهیم

پذیرفتن کنوانسیون برن عواقبی دارد که قابل چشم‌پوشی نیست

بیش از آنکه تولیدکننده علم، فرهنگ و محصولات این حوزه باشد، مصرف‌کننده است و پیوستن ایران به این کنوانسیون هزینه‌های بسیار زیادی را به دولت و مردم تحمیل خواهد کرد و توسعه علمی و فرهنگی را دچار مشکل می‌کند.

البته پیوستن ایران به برن قبل از انقلاب نیز در دستور کار قرار داشت و به دلیل اینکه مجلس وقت آن را مخالف شرکت‌های علمی می‌پنداشت با آن مخالفت کرد.

نشست «کپی‌رایت و طرحی برای ناشران حوزه جهان اسلام» با حضور اصغر ایمانی، حقوقدان و عضو هیئت‌مدیره دانشگاه عدالت، محمد بورهان گیج، مدیرعامل اتحادیه چاپ و نشر کشور ترکیه، سیدعباس حسینی نیک، مدیر انتشارات حقوقی مجد، علی زاهدی نجفداری، دبیر کل اتحادیه جهانی ناشران مسلمان و میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی برگزار شد.

در این نشست چالشی دیدگاه‌های مختلف و نیز فرصت و چالش‌های پیوستن و نیز پیوستن به «کنوانسیون برن» در حوزه حقوق مالکیت فکری و بحث کپی‌رایت مورد بحث و بررسی قرار گرفت. گزارش این نشست را به علاقه‌مندان این حوزه تقدیم می‌کنیم.

کنوانسیون برن، یک معاهده بین‌المللی در خصوص حق تکثیر و حق مؤلف است که نخستین بار در شهر برن در سوئیس در سپتامبر سال ۱۸۸۶ تصویب شد. کنوانسیون برن ملزم می‌کند که اگر کتاب یا پروژه‌ای علمی هم ترجمه شود باید به نام پدید آورده آن زده شود. این کنوانسیون کشورهای امضاکننده را ملزم می‌کند که آثار پدیدآورندگان سایر کشورهای امضاکننده را همچون آثار پدیدآورندگان تبعه خود مورد حمایت کپی‌رایت قرار دهد. یعنی اگر کتاب یا پروژه‌ای علمی هم ترجمه شود باید به نام پدید آورده آن زده شود.

ایران عضو کنوانسیون برن نیست. موافقان پیوستن ایران به این کنوانسیون، آن را مقدمه‌ای برای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و بهره‌مندی از منافع آن معرفی می‌کنند، زیرا مطابق موافقت‌نامه تریپس که از ملزومات پیوستن به سازمان تجارت جهانی است، کشورهای عضو ملزم می‌شوند بخش‌هایی از اصول کنوانسیون برن را که در ماده ۹ «موافقت‌نامه تریپس» منعکس شده است رعایت کنند.

در مقابل مخالفان و منتقدان معتقدند ایران

” دکتر زاهدی دبیر کل اتحادیه ناشران مسلمان با توجه به اینکه چیزی حدود ۹ دهه یا یک قرن از معاهده برن می‌گذرد هنوز بسیاری از کشورها که خودشان ایجادکننده این معاهدات هستند به معاهده برن نپیوستند.



واقعیت قضیه این است که ما با یک چالش جدی در روابط بین‌الملل روبه‌رو هستیم و آن هم در ارتباط با برخی از معاهدات بین‌المللی و در پیوستن یا نپیوستن به این معاهدات است. برای برخی از کشورها هم پیوستن تأثیر منفی دارد و هم نپیوستن.

ولی آیا به دلیل اینکه یک معاهده بین‌المللی برخی از قسمت‌هایش متوجه ما می‌شود تجویزی برای نادیده گرفتن این معاهده بین‌المللی می‌شود یا خیر؟ عقل سلیم می‌گوید نه، نباید نادیده گرفت. باید به معاهدات بین‌المللی احترام گذاشت. از آن طرف هم بنیان‌گذاران آن معاهدات باید گستره مردمی که این معاهدات شامل حالشان می‌شود را رعایت کنند. باید باورها، فرهنگ و آداب‌ورسومشان را رعایت کنند.

یکی از معاهدات بین‌المللی معاهده برن است که حدود صد سال قبل ایجاد شد. تغییر و تحولاتی ایجاد شد که من نمی‌خواهم در اینجا به‌طور تاریخی به

معاهده بین‌المللی کپی‌رایت یکی از معاهدات تخصصی در حوزه نشر است. چیزی حدود ۹ دهه یا یک قرن از این معاهده می‌گذرد. می‌بینیم هنوزم که هنوز است برخی از کشورها به این معاهده نپیوسته‌اند و اتفاقاً برای نپیوستنش دلایل منطقی و محکمی هم دارند.

آن پردازم. واقعیت این است که معاهده بین‌المللی کپی‌رایت یکی از معاهدات تخصصی در حوزه نشر است. چیزی حدود ۹ دهه یا یک قرن از این معاهده می‌گذرد. می‌بینیم هنوزم که هنوز است برخی از کشورها به این معاهده نپیوسته‌اند و اتفاقاً برای نپیوستنش دلایل منطقی و محکمی هم دارند. آقایانی که این معاهده را ایجاد کرده‌اند به دنبال پیوستن همه دولت‌ها به این معاهده هستند. آن‌ها هم دلایلی دارند که جای شنیدن دارد که در این نشست ما نمی‌خواهیم به مباحث تخصصی و جزئیات این معاهده کپی‌رایت پردازیم. ما می‌خواهیم یک پیشنهادی مطرح کنیم و در این جهت حرکت کنیم.

معاهده کپی‌رایت دو قسمت کلی دارد؛ یک قسمت مباحث تخصصی و حرفه‌ای نشر است که این برای همه ناشرین از باورهای مختلف، از ادیان مختلف و از مذاهب مختلف صادق است. در آن بخش اول که بخش حرفه‌ای و تخصصی حوزه نشر است همه ما اتفاق نظر داریم. چالش به آنجایی برمی‌گردد که برخی از مفاد معاهده کپی‌رایت با باورهای مذهبی، آداب‌ورسوم، سنن مذهبی و فرهنگ‌ها و تعارض دارد. تا چند سال قبل برخی از کشورهای اروپایی هم علی‌رغم اینکه از کشورهای اروپایی خالق این

ویرایش، کتاب سازی، احترام به حقوق متقابل است. ولی آنجایی مورد چالش است و روی بحث مفادی است که با باورهای دینی و مذهبی و ملی افراد کشور سازگار نیست. ما پیشنهاد کردیم که معاهده کپی‌رایت را یک تجدیدنظری بکنیم و آن بخش حرفه‌ای و تخصصی معاهده را تعمیم بدهیم به همه کشورها و بخش ارزشی یا فرهنگی یا باوری معاهده را سیال و به اختیار کشورهای مختلف یا مناطق مختلف واگذاری کنیم که هم مباحث حرفه‌ای و تخصصی را پذیرفته‌اند و هم توهینی به فرهنگ و ارزش‌های دینی‌شان نشود یا نادیده گرفته نشود. طبیعی بود که پاسخی ندادند.

در جلسات مختلف پیشنهاد کردیم ما به‌عنوان اتحادیه جهانی ناشران آمادگی داریم با شما همکاری داشته باشیم برای ناشران مسلمان در اقصی نقاط جهان یک معاهده کپی‌رایت وضع کنیم، آن بخش حرفه‌ای و تخصصی که معاهده برن دارد آن را حفظ کند ولی بخش فرهنگی و باوری کپی‌رایت اختیارش با کشورهای مسلمان باشد که بر اساس باورهای خودشان انجام بدهند. این پیشنهاد را دادیم در واقع باز خورد عملی نگرفتیم. دنبال این قضیه بوده‌ایم و با بسیاری از ناشران در کشورهای مختلف صحبت کردیم. من با برخی از مسئولین فرهنگی و وزرای فرهنگی کشورهای دیگر مثل تاجیکستان و سنگال و .. صحبت کردم. در سنگال حتی با رئیس جمهور صحبت کردم همه آن‌ها بدون استثنا این نظر را قبول داشتند و نظریه مناسبی می‌دانستند.

” اصغر ایمانی، حقوق‌دان و عضو هیئت‌مدیره دانشگاه عدالت

در خصوص معاهده کپی‌رایت و برن همین‌طور که جناب آقای دکتر زاهدی فرمودند معاهده برای کشورهای اسلامی به جهت دفاع از ارزش‌هایش یک چالش ایجاد کرد و این چالش عبارت است از این‌که

هیچ ناشری و هیچ کشوری و هیچ حوزه ناشری با بخش تخصصی معاهده کپی‌رایت مخالفتی ندارد. یک بحث حرفه‌ای و تخصصی در خصوص بحث و ویرایش، کتاب سازی، احترام به حقوق متقابل است. ولی آنجایی مورد چالش است و روی بحث مفادی است که با باورهای دینی و مذهبی و ملی افراد کشور سازگار نیست.

معاهده بودند به معاهده نپیوسته بودند. خیلی از کشورها نپیوسته بودند ولی به دلیل نیازی که نسبت به گسترش بین ناشرین بود برخی از کشورها علی‌رغم میل باطنی‌شان پذیرفتند و دلایل خودشان را هم دارند. ما و برخی از کشورهای دیگر هم نپیوستیم. به تعبیر دیگر کشورهای مسلمان با توجه به بخش دوم معاهده کپی‌رایت سخت است که بپذیرند.

چند سال قبل که بحث کپی‌رایت تقریباً داغ بود از یک طرف مجلس داخل شد از یک طرف قوه قضاییه به‌عنوان مالکیت معنوی وارد این قضیه شدند و بین ناشرین در کشورهای مختلف مباحثی ایجاد شد که چرا بپذیریم؟ چرا نپذیریم؟ و مباحث مختلف. ما به‌عنوان اتحادیه جامعه ناشران مسلمان با دبیر کل معاهده کپی‌رایت مکاتبه‌ای کردیم و آن را با یک سؤال شروع کردیم و گفتیم آیا از خودتان پرسیدید که چرا بیش از گذشت نه دهه از معاهده کپی‌رایت از معاهده برن هنوز بعضی‌ها نپذیرفتند؟ یقیناً پاسخ مشخص است بله این سؤال را از خودشان کردند ولی به جوابی نرسیدند. جوابش این است هیچ ناشری و هیچ کشوری و هیچ حوزه ناشری با بخش تخصصی معاهده کپی‌رایت مخالفتی ندارد. یک بحث حرفه‌ای و تخصصی در خصوص بحث

رژیم زمان شاه هم عضو این کنوانسیون نشده است. دلیل مهم هم در داخل کشور و هم کشورهای مثل آمریکا که عضو نشده‌اند این بوده که تقریباً جریان حرکت علم به سمت داخل کشور مان یک طرفه بوده و هنوز هم هست.



پذیرفته‌ایم چقدر ما داریم الآن به خاطر این افزایش و کاهش قیمت دلار دچار آسیب می‌شویم. اگر ما بخواهیم در واقع با نگاه تجاری به عضویت جمهوری اسلامی در معاهده برن نگاه کنیم قطعاً یک مقدار سخت می‌شود. به نظر می‌رسد که حوزه نشر و فکر و اندیشه و دفاع از آرای ناشرین یک حوزه آکادمیک و دانشگاهی است. در این میدان نشر و در میان آثار ارزشمند ناشرین، در واقع کمتر می‌شود با نگاه تجاری به این مبحث پرداخت. بنابراین به نظر می‌رسد که ما ابتدا به ساکن، شرط‌ها را پیش شرط قرار ندهیم. در واقع اول یک نگاه عالمانه در حوزه نشر و در حوزه بین‌الملل داشته باشیم. چراکه همه ما معتقدیم هر آنچه در دنیای امروزی ناشران ما به فعل و فعالیت‌های خودشان ادامه می‌دهند جز هدف‌نگاری در مسیر دانش و مطلوبیت انسان و کمال و ارتباطات جوامع بیشتر نیست. حوزه نشر یک حوزه و رابطه پیامی است از زبان دیگران برای انتقال دانش، گفتمان، واژه‌ها و ادبیات. چرا باید آن یک تکه دورچین نقطه خالی را در نظر بگیریم و بگوییم نه اگر ما وارد این معاهده برن یا کپی‌رایت شویم همه چیز از دستمان می‌رود و تمام ارزش‌های مقدس دینی ما تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

باز من در مقابل این نقدی که اساتید در این زمینه دارند سؤال می‌کنم چقدر الآن در حوزه‌های علوم دینی ما اساتید ارزشمندی هستند که جواب شبهات دیگران را می‌دهند؟ چقدر استدلال می‌کنند؟ اگر ما به

اگر یک ناشری در واقع با چاپ کتاب‌هایش بیاید در کشور ما ممکن است مورد توجه جامعه قرار بگیرد و نسبت به ارزش‌های دینی و هویتی کشور جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد کند. ضمانت هم این است که از حقوق این ناشر کشوری که عضو معاهده برن می‌شود باید ۵۰ سال دفاع کرد و در صورت مغایرت، محاکم ما صلاحیت رسیدگی به رفع مغایرت را نخواهند داشت. اگر یک مقداری ما در این دهه واقع‌بینانه‌تر و با افکار نو جلو برویم آیا ما باید از این‌که یک ناشری در آن طرف مرزها فرض بفرمایید برخلاف ارزش‌های ما نشری داشته باشد آیا ما باید نگران باشیم و بترسیم؟ آیا ما باید خودمان را برای جلسات پرسش و پاسخ آماده نکنیم؟

سؤال ما به‌عنوان یک کسی که آمادگی داریم با لطایف‌الحیلی عضو این معاهده بشویم به‌طوری‌که ارزش‌های ما زیر سؤال نرود این است چقدر ما در عرصه معاهدات و تعاملات بین‌الملل در عرصه روابط بین‌الملل ارتباطاتی داریم که این‌ها خیلی‌ها مضر هستند برای کشور جمهوری اسلامی و ممکن است آسیب‌های دیگری به ما برساند. فرض کنیم همین‌که ما در عرصه تجارت بین‌الملل دلار را به‌عنوان یک واحد پولی برای معاملات و تبادلات تجاری مان

این نمایشگاه کتاب سری بز نیم در قسمت بین الملل به زبان های عربی و انگلیسی مراجعه کنیم آثار نشریات ما و کتب ما حاوی این است که در نشرهایی که احساس می کنیم در فرهنگ ما با ارزش های دینی ما مغایرت دارد، ما داریم پاسخ می دهیم؟ امیدواریم بتوانیم با هم فکری هم و به کمک اساتید و با یک منطق و با یک استدلال نشر در حوزه افکار بین المللی بتوانیم ما هم در این مسیر قرار بگیریم و نشر و آثار و دفاع از ناشرین به وجود بیاوریم.

” سید عباس حسینی نیک مدیر انتشارات مجد



سابقه کپی رایت در دنیا به سال ۱۸۸۶ برمی گردد، شاید نزدیک به ۱۵۰ سال قبل یک تعداد کشور اروپایی جمع شدند اتحادیه برن تشکیل دادند و بعد از آن حدود شش یا هفت کشور اروپایی وصل شد به انتشارات یکدیگر. امروز اکثر کشورهای دنیا به جز ۱۲ کشور عضو این کنوانسیون هستند. الزام قانونی که کشورها را عضو کرده در این کنوانسیون این است که برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، کشورها باید عضو معاهده تجاری سازی حقوق مالکیت فکری باشند. باید عضو معاهده مالکیت فکری تریپس (TRIPS)

باشند. هر کشوری هم می خواهد عضو تریپس بشود باید ۲۱ ماده اول کنوانسیون برن را بپذیرد. طبیعتاً اکثر کشورهای دنیا به این قاعده عمل کردند (موافق یا مخالف انتقادی یا خیلی موافق)؛ به هر حال پذیرفتند. در کشور ما از سال ۱۳۴۸ یعنی ۵۴ سال قبل بحث حقوق مالکیت ادبی و هنری مطرح شده و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و هنرمندان تصویب شده است. در آن سال اکثر کشورهایی که عضو کنوانسیون هستند اصلاً در منطقه ما به جز تاجیکستان، عضو کنوانسیون نبودند. کشورهای حوزه خلیج فارس سال ۲۰۰۰ عضو شدند و تا قبل از آن حتی قانونی در آن حوزه نداشتند. آن ها گفتند برای اینکه اگر بعدها صحبت های ما را خارجی ها هم شنیدند بدانند ما خیلی هم بدوی نیستیم با قانون آشنایی داریم. ما در کشورمان از سال ۱۲۸۵ قانون مشروطه و بعد هم قانون محاکمات جزایی و بعد هم مجازات قانون مدنی ۱۳۰۷ نزدیک ۱۰۰ سال سابقه دارد. ما کنوانسیون را با عضو شدن یا نشدن با دید باز نگاه کردیم هم زمان قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب. قبل از انقلاب تا سال انقلاب یعنی حدود ۱۰ سالی که از زمان قبل انقلاب گذشته تا به انقلاب من در اسناد مجلس شورای ملی که همه مشروح مذاکرات سال ۴۸ را که حدود هشت سال طول کشید تصویب شود را من مطالعه کرده ام.

سال ۴۸ که بحث حقوق مالکیت هنری و ادبی در ایران در حال رشد بود، دیدگاه های متفاوتی در این زمینه مطرح شد؛ قانون سال ۴۸ که ۳۵ ماده است و قانون ترجمه و تکثیر که ۱۲ ماده است، تقریباً ترجمه کنوانسیون برن است. این دو قانون تقریباً ترجمه کنوانسیون برن هستند و خیلی از نوآوری هایی که در حوزه حقوق آفرینش های فکری هست را شامل می شود. در حقوق مثل حقوق معنوی، نه مثل حقوق معنوی که ما در جزا صحبت می کنیم، حقوق معنوی که در حقوق اخلاقی و مالکیت فکری مطرح است و

در مادی می‌گوید که ما در حقوق مادی از آثاری حمایت می‌کنیم که برای نخستین بار در ایران منتشر شده‌اند. من برای موضوع موافقان و مخالفان در کنوانسیون برن در تز دکترا که مربوط به همین موضوع است در سال ۹۲ با ادله شروع کردم مفصل بحث کردم. در مجموع از جهت فنی اگر کشور ما می‌خواهد عضو WTO بشود باید عضو کنوانسیون برن هم بشود. اما در شرایطی که بر اساس اعلامیه حقوق بشر که هیچ جامعه یا کشوری را هیچ‌کس نباید از دسترسی به علم و دانش منع کند همین امروز که ما نپذیرفتیم ناشران خارجی اروپایی و آمریکایی با ناشران ما با اینکه عضو نیستیم همکاری نمی‌کنند یعنی می‌گویند شما تحریم هستید ما با شما معامله‌ای نمی‌کنیم!

دوتا را کنوانسیون برن پذیرفته و ما هم دقیقاً آن دو را پذیرفته‌ایم یعنی حق سرپرستی و تمامیت، کاملاً ترجمه برن هست.

لزومی ندارد از کنوانسیون برن بترسیم. ماده ۲۲ قانون ۴۸ ما را از کنوانسیون جدا کرد وگرنه تقریباً بحث توقیف یعنی زمان بندی محدودیت زمانی در حمایت حقوق مادی و نه معنوی در حقوقمان سابقه نداشته است. خصوصیات حقوق معنوی و خصوصیات حقوق مادی این‌ها هیچ کدام در حقوق ما نبوده‌اند، این‌ها را از کنوانسیون گرفته‌ایم. قانون‌گذار ما خیلی به کنوانسیون نا آشنا نیست. اما در واقع تشخیص می‌دهد که عضو نشود. یک نکته کلیدی همین است که در آن سال‌ها آمریکا هم عضو نبوده. آمریکا در سال ۱۹۸۹ بعد از جنگ تحمیلی تقریباً سال ۶۸ عضو کنوانسیون برن شده است.

رژیم زمان شاه هم عضو این کنوانسیون نشده است. دلیل مهم هم در داخل کشور و هم کشورهایی مثل آمریکا که عضو نشده‌اند این بوده که تقریباً جریان حرکت علم به سمت داخل کشورمان یک‌طرفه بوده و هنوز هم هست. قانون‌گذار گفته ما برای این محدودیت ایجاد نمی‌کنیم. ماده ۲۲ می‌آید شرط می‌گذارد که در حقوق مادی نه معنوی توجه داشته باشد ما عملاً در حقوق معنوی عضو برن هستیم.

در شرایطی که بر اساس اعلامیه حقوق بشر که هیچ جامعه یا کشوری را هیچ‌کس نباید از دسترسی به علم و دانش منع کند همین امروز که ما نپذیرفتیم ناشران خارجی اروپایی و آمریکایی با ناشران ما با اینکه عضو نیستیم همکاری نمی‌کنند یعنی می‌گویند شما تحریم هستید ما با شما معامله‌ای نمی‌کنیم!

دوتا را کنوانسیون برن پذیرفته و ما هم دقیقاً آن دو را پذیرفته‌ایم یعنی حق سرپرستی و تمامیت، کاملاً ترجمه برن هست.

لزومی ندارد از کنوانسیون برن بترسیم. ماده ۲۲ قانون ۴۸ ما را از کنوانسیون جدا کرد وگرنه تقریباً بحث توقیف یعنی زمان بندی محدودیت زمانی در حمایت حقوق مادی و نه معنوی در حقوقمان سابقه نداشته است. خصوصیات حقوق معنوی و خصوصیات حقوق مادی این‌ها هیچ کدام در حقوق ما نبوده‌اند، این‌ها را از کنوانسیون گرفته‌ایم. قانون‌گذار ما خیلی به کنوانسیون نا آشنا نیست. اما در واقع تشخیص می‌دهد که عضو نشود. یک نکته کلیدی همین است که در آن سال‌ها آمریکا هم عضو نبوده. آمریکا در سال ۱۹۸۹ بعد از جنگ تحمیلی تقریباً سال ۶۸ عضو کنوانسیون برن شده است.

رژیم زمان شاه هم عضو این کنوانسیون نشده است. دلیل مهم هم در داخل کشور و هم کشورهایی مثل آمریکا که عضو نشده‌اند این بوده که تقریباً جریان حرکت علم به سمت داخل کشورمان یک‌طرفه بوده و هنوز هم هست. قانون‌گذار گفته ما برای این محدودیت ایجاد نمی‌کنیم. ماده ۲۲ می‌آید شرط می‌گذارد که در حقوق مادی نه معنوی توجه داشته باشد ما عملاً در حقوق معنوی عضو برن هستیم.

ما اگر آن مسئله تحریم‌ها حل بشود بیم از تهاجم فرهنگی نباید داشته باشیم. موضوع مسائل اقتصادی و انحصارهایش باید با توجه به پیوست باشد.

” میثم نیلی مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی

واقعیت این است که یک سابقه جذاب و شنیدنی در بحث کپی‌رایت وجود دارد. یک لایحه‌ای در کشور خودمان وجود دارد ما همان‌طور که اشاره شد در فرمایشات دوستان ربط دارد به WTO یعنی خود قضیه برن اصالتاً بر توجه نبوده، خود تریپس حتی خود این‌ها طریقی داشته برای رسیدن به عضویت در سازمان تجارت جهانی.



این ماجرا در حول و حوش دهه ۷۰ تقویت می‌شود و می‌رسد به نقطه‌ای که نامه‌نگاری صورت می‌گیرد بین وزیرانی از دولت یعنی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت (مهندس میرسلیم) با رهبر معظم انقلاب، مبنی بر اینکه آیا ما با شرایط موجود و اینکه پیوستن به این‌ها ضرورت پیوستن به WTO را ایجاد می‌کند، آیا به این سمت برویم یا نرویم؟ نامه‌ای از رهبر نوشته می‌شود و می‌گوید خیر مصلحت نیست. دوباره در

ممنوعیت انتشار، ارائه یا نمایش هر اثر از طریق قانون یا مقرراتی که طی آن مراجع ذیصلاح اعمال این حق را ضروری تشخیص دهند تأثیر بگذارد. یعنی کنوانسیون یک استثناء قائل شده است برای کشورها، می‌توانند آثاری که مناسب وضعیت فرهنگی‌شان نیست را نپذیرند. ما کشور اسلامی و شیعه هستیم، یک کشور دیگر سنی است و یک کشور دیگر هندو است. یعنی می‌خواهد بگوید این کنوانسیون جوازی نیست که اگر کتابی منتشر شد در آنجا هم حتماً باید منتشر بشود. کشورها و دولت‌ها می‌توانند مجوز ندهند اما اگر مجوز دادند نمی‌توانند بگویند بخشی از کتاب را حذف کنید این را باید اجازه بگیرند. دقت کردید؟ آیا بنابراین موضوع تهاجم فرهنگی طبق ماده ۱۷ مسئله‌ای نخواهد داشت؟ مسئله شرطی که ما برای عضویت در کنوانسیون بگذاریم هم خیر، کنوانسیون‌ها حق شرط ندارند. ما نمی‌توانیم شرط بگذاریم، اما یک پیوست کنوانسیون دارد که با محوریت کشورهای در حال توسعه با محوریت هند آمده‌اند و همان ماده ۲۱ که من عرض کردم. کنوانسیون برن ماده اصلی دارد مابقی حدود ۱۳ یا ۱۴ ماده بابت تشکیلات اتحادیه هست اینجا آمده‌اند. همین حوالی سال ۱۳۵۳ هجری شمسی این پیوستن به کنوانسیون زده شده و ماده ۲۱ را به کنوانسیون اضافه کردند.

اینجا گفتند کشورهای درحالی که توسعه می‌توانند ۶ ماده بر اساس این موضوع مطرح کردند که عمدتاً جنبه انحصار و ممنوعیت‌های اقتصادی برای آثار علمی و فرهنگی است. اگر بخواهد مسئله تحریم‌ها که جدی است برطرف شود طبعاً ما باید با لحاظ پیوست کنوانسیون عضو بشویم مثل همین کشورهای هند و .. که می‌بینیم در کشور هند مثلاً کتاب پزشکی که در آمریکا ۱۵۰ دلار است در هند ۲۰ دلار است. به‌طور قانونی ۲۰ دلار است و منتشر می‌شود. این به خاطر پیوستنش به کنوانسیون برن هست. به‌هرحال کشور

پذیرش بلاقید کنوانسیون برن تعارض هم ندارد. اصلاً ما مگر چند کشور واقعی در دنیا داریم که استقلالشان برایشان اهمیت دارد؟ این هم یک سؤال بود ولی از آن می‌گذریم. ما در تمام اینها موفق شدیم پیشرفت خودمان را تضمین کنیم و جلو رفتیم. تلاش دشمن ما این است که ما به دست خودمان چیزی را امضا کنیم که در قید و وجود آن بیفتیم. کما اینکه در (اف ای تی اف) می‌خواستند این کار را انجام دهند. کما اینکه در (ان پی تی) و پروتکل‌های الحاقی امثال این‌ها هم همین کار را می‌خواستند انجام دهند. بعضی‌ها هم این کار را کرده‌اند و ما هنوز گرفتاریم. ما خودمان به دست خودمان ان پی تی را پذیرفتیم و هیچ عایدی به نفع مردم یا برای پیشرفت ایران به دست نیاموردیم! تمام مضراتش را تحمل کردیم و داریم تحمل می‌کنیم! کدام عاقلی هست که باز دوباره دستش را زیر گیوتین دشمن ببرد؟ بنابراین مسئله مسئله ارزشی است به این معنی که چهار تا کلمه ریکی در ادبیات نیست بحث استقلال کشور است که جز اهداف همیشگی ملت ایران بوده.

یک بحث‌هایی هم بود در این زمینه که ما در این سال‌ها یا طرح‌هایی در مجلس ما عملاً این را تضمین نمی‌کرد و آن را آزادسازی می‌کرد. مشکل ما این بود. بله اگر واقعاً قانونی بود که ضمانت کند ملت ایران بتواند پیشرفت خودش را بیشتر ادامه بدهند مثل کنوانسیون دیگری هم که ما پیوسته بودیم. راه میانه من همین طور که فکر می‌کنم در دلار رهبر فرزانه و حکیم انقلاب بارها و بارها گفتند خودتان را از زیر یوغ دلار بیرون بیاورید و این توصیه را به جناب پوتین کردند پوتین این کار را کرد و موفق شد و دولت ما هنوز این کار را نکرده است. در طول دولت روحانی که تکلیفش مشخص بود. در این دولت هم که هنوز این کار نشده. در این موضوع هم می‌توانیم ما تبادلات بین دو کشور و یا بین چند کشور معاهدات چندجانبه یا دوجانبه

حدود چند سال بعد در دوره جناب آقای هاشمی رفته بودند، دوره‌ای که آقای خاتمی رئیس‌جمهور بود، دوباره نامه‌نگاری صورت گرفته بود باز دوباره همان جواب و حتی این اتفاق در سال‌های اولیه دولت آقای احمدی‌نژاد اتفاق افتاد و باز هم این پاسخ. این سؤال برای همه ما سؤال مهمی است آیا این مسئله یک مسئله ارزشی و در چهارچوب مسائل درونی نشر است یا چیزی غیر از آن یک موضوع سیاسی یک موضوع فرهنگی یا محتوایی است؟ به‌رحال باید به این موضوع توجه شود. من اگر بخواهم در یک جمله برداشت و نقد خودم را از این موضوع عرض کنم ما با یک مسئله فرهنگی از جنس اینکه فلان کتاب، فلان کلمه را ترجمه می‌شود و ما دچار اختلال می‌شویم طرف نیستیم، ما الآن مهم‌ترین کتاب‌های فکری معارض با اسلام را در این کشور جمهوری اسلامی منتشر می‌کنیم و در دانشگاه‌ها هم تدریس می‌کنیم. مبانی اسلام را نفی می‌کند مبانی مارکسیستی را به‌صورت علمی ترویج می‌کند پس از این قصه ما نگرانی نداریم آن چیزی که باعث می‌شود ما حواس خود را نسبت به کنوانسیون برن جمع کنیم مسئله‌ای است به نام استعمار نوین، مسئله‌ای به نام استکبار مسئله‌ای است به نام قدرت سلطه بر ملت‌ها و تفکر ملت‌ها، ملتی که ۴۰ و چند سال است که دستش زیر گیوتین دشمن است طبیعتاً دست دوم خودش را زیر گیوتین دشمن قرار نمی‌دهد.

در تحریم سیاسی و تحریم اقتصادی هم این مسائل اتفاق افتاد. در همین سال‌ها ما موفق شدیم به غنی‌سازی ۲۰ درصدی و بالاتر از ۲۰ درصدی انرژی هسته‌ای برسیم. چرا؟ چون دشمن ما نمی‌تواند به ما فشار بیاورد که ما را تحریم علمی بکند. با تمام کتاب‌ها، با تمام دانش‌ها، با تمام مقالات، با تمام تجارب، استفاده می‌کردیم، تولید می‌کردیم، در میدان تجربه می‌کردیم، می‌ساختیم و استفاده می‌کردیم. با

توافقات بین‌المللی دقیقاً از این ضرب‌المثل مستثنا نیست هر طرفی که قدرتمند بوده است همیشه توافقات را وضع کرده و به‌نوعی وضع کرده که این قوانین بتواند آن‌ها را محافظت کند.

ولی همه این‌ها به این معنی نیست که ما از این توافق دور باشیم بیرون بمانیم و وارد این توافق نشویم. ما، چه کشور ایران و چه کشور ترکیه، کشورهایی نیستند که فقط حق تألیف را خریداری کنند و فقط به‌صورت یک‌طرفه باشد. ما هم کشورهایی هستیم که آثارمان در دنیا مخاطب و خواهان دارد و می‌توانیم اثرها را به بیرون از کشور هم بفروستیم. ما به‌عنوان کشور ترکیه وقتی به یک توافق بین‌المللی ورود می‌کنیم باید منافع ملت خودمان را حفظ کنیم و به منافع ملتمان به خاطر عضویت در این توافق ضرری وارد نکنیم. دومین مسئله که به‌عنوان کشور ترکیه انجام می‌دهیم تغییر دادن مسیر حرکت است. ما تلاش می‌کنیم به‌جای اینکه صرفاً واردکننده اثر و تفکرات به کشور ترکیه باشیم، صادرکننده تفکرات نیز باشیم. امروزه حق کپی‌رایت را که برخی از کشورها مثل ایران نمی‌شناسند و کشورهای عربی عمده‌تأ کشورهای مسلمان هستند که به رسمیت نمی‌شناسند و این مسئله باعث می‌شود این کشورهایی که حق را به رسمیت نمی‌شناسند و کشورهای هستند که از لحاظ آثار اسلامی کشورهای قوی هستند و ورود نکردن به این مسئله باعث می‌شود بین خودشان هم این تعاملات علمی را نداشته باشند. حداقل تدبیری که باید اندیشیده شود به‌گونه‌ای باشد که این تعاملات را بین خودمان به وجود بیاوریم. اثرهایی که در حوزه جهان اسلام نوشته می‌شود بتواند به این کشورها تبادل پیدا کند که این، هم همکاری‌های فرهنگی بین این کشورها را می‌تواند توسعه بخشد و هم از نظر مادی می‌تواند یک روحیه‌بخشی باشد و اثرهای بهتر و اثرهای روحیه‌بخش ایجاد بشود.

آن چیزی که باعث می‌شود ما حواس خود را نسبت به کنوانسیون برن جمع کنیم مسئله‌ای است به نام استعمار نوین، مسئله‌ای به نام استکبار مسئله‌ای است به نام قدرت سلطه بر ملت‌ها و تفکر ملت‌ها، ملتی که ۴۰ و چند سال است که دستش زیر گیوتین دشمن است طبیعتاً دست دوم خودش را زیر گیوتین دشمن قرار نمی‌دهد.

حقوقی امضا کنیم و مراودات خودمان را در حوزه فرهنگ بیشتر تقویت کنیم.

” محمد بورهان، مدیرعامل اتحادیه چاپ و نشر کشور ترکیه

در خصوص کپی‌رایت که در ترکیه به‌عنوان حق تألیف شناخته می‌شود می‌خواستم صحبت کنم. حق تألیف را قبل از هر چیزی که بخواهم تعریف کنم این است که حقی که نویسنده برای نوشتن چیزی باید برایش محفوظ بماند.

شاید این موضوع را در نمایشگاه کتاب در موردش باید صحبت کنیم ولی نباید فقط در عنوان کتاب در نظر بگیریم. باید در همه عرصه‌های هنری، فیلم، موسیقی، نقاشی، ترجمه این حق باید به صاحب حق برسد. برای اولین بار ترکیه در سال ۱۹۵۱ به این کنوانسیون می‌پیوندد و به‌صورت یک قانون در نظر می‌گیرند. موضوعی که مورد بحث قرار می‌گیرد زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بحث توافقات بین‌المللی پیش می‌آید. در این مورد ضرب‌المثلی وجود دارد که می‌گوید هر کی پول داشته باشد می‌تواند قانونی وضع کند و هر کسی قانون وضع کند می‌تواند پول به دست بیاورد.

” دکتر زاهدی

اجازه نمی‌داد که برود با مدیر سازمان برنامه و بودجه صحبت کند. دوره‌ای نظام سلطه سازمان برنامه و بودجه را تعبیه کرد که در دولت‌ها عملاً سازمان برنامه و بودجه نظام اقتصادی آن کشور را حرکت می‌داد.

الآن هم همین‌طور هستند اگر قرار باشد روزی در ارتباط با چرایی و چگونگی انحلال سازمان برنامه و بودجه صحبت بشود خیلی صحبت‌ها وجود دارد. دلایل منطقی و قابل دفاعی وجود دارد و الآن هم اگر می‌بینیم با مشکلی مواجه هستیم بدانیم در حوزه اقتصادی، چون بنده یک مقدار در دولت کار کرده‌ام عرض می‌کنم، بدانید یکی از مشکلات جدی سازمان برنامه و بودجه است. سازمان برنامه و بودجه را نظام سلطه با یک ساختار برای چندین کشور جهان‌سومی طراحی کرد.

اما مثال فرهنگی. سند آموزشی ۲۰۳۰ یکی از اسناد نظام سلطه است که فرهنگ کشورها را هدف قرار داده. حال متأسفانه ولنگاری که وجود داشت و وزیر جمهوری اسلامی رفته است در مراسم اجرایی شدن ۲۰۳۰ حضور داشته و کف هم زده است. درحالی‌که سند آموزشی ۲۰۳۰ دقیقاً همان کاری را خواهد کرد که سازمان برنامه و بودجه در کشورها کردند. این موضوع تنها در حوزه اقتصادی و در حوزه فرهنگی نبوده بلکه در حوزه مدیریتی هم بوده است. در واقع علیرغم تمامی ملاحظات، در این جلسه بحث ما این است که ما اگر بخواهیم برای کشورهای مسلمانی که معاهده ۲۰۳۰ را بدون شرط و شروطی پذیرفتند و شاید میل باطنی‌شان نبوده و بحث تجارت جهانی و بحث دیگری بود که پذیرفتند، ما می‌خواهیم اینجا به دنبال یک طرح و الگویی باشیم. معاهده برن با برخی خواسته‌های برحق مسلمانان منافات دارد.

” دکتر حسینی نیک

من البته به مسائل سیاسی و .. آشنایی ندارم. من به

مطالبی را دوستان فرمودند که جای بحث دارد بحث‌های طولانی هم دارد. همان‌گونه که جناب آقای حسینی نیک و دوستان دیگر در جریان هستند و همان ملاحظاتی که جناب آقای نیلی فرمودند مباحث طولانی است ما نمی‌خواهیم در این جلسه به چرایی و چگونگی پیوستن یا پیوستن پردازیم. به این صورت اگرچه فرمایشاتی که جناب آقای دکتر حسینی نیک داشتند یک تصویری از این ایجاد معاهده کی‌رایت بود که استفاده کردیم و روشن‌کننده بود. در واقع واقعیت قضیه این است که نتایج پذیرفتن کنوانسیون عواقبی دارد است که به راحتی قابل چشم‌پوشی نیست. اگر ما دستمان زیر گیوتین است دیگر عقل حکم نمی‌کند دست دیگر را نیز هم بگذاریم. شاید من با گیوتین بودن خیلی موافق نباشم ولی با اینکه ما الآن بیاییم ساده‌انگاری بکنیم که پذیرفتن ما نتایج بدی ندارد این‌طور نیست. یک مثال اقتصادی می‌زنم و یک مثال فرهنگی. حتماً شما با سازمان برنامه و بودجه کشور آشنا هستید، سازمان برنامه و بودجه کشور دقیقاً سازمانی است که نظام سلطه در بیش از پنج یا شش دهه قبل برای کنترل کشورهای که آن‌ها را جهان سوم می‌خواندند وضع کرد و در داخل دولت‌های جهان سوم تعبیه کرد و یکی از کارکردهای سازمان برنامه و بودجه برای نظام سلطه این بود که تمام فعل و انفعالات، تمام کنش و واکنش‌های اقتصادی آن مملکت را به راحتی در اختیار نظام سلطه قرار بدهد. یکی از دلایل عمده که در دولت نهم سازمان برنامه و بودجه منحل شد همین بوده است.

سازمان برنامه و بودجه قبل از انقلاب وجود داشت بعد از انقلاب هم به شکل دیگری ولی ضعیف‌تر بود. یک وزیر می‌رفت پشت در یک مدیرکل سازمان برنامه و بودجه می‌نشست تا این‌که بتواند چانه بزند با مدیرکل که بودجه را اضافه کند. اصلاً وزیر به خودش

مسائل دیگری سررشته‌ای ندارم. منتقدان در مورد مالکیت فکری و فقها نظرهای متفاوتی داشتند. اولین مخالف جدی هم خود مرحوم امام بوده‌اند. وقتی یک استفتایی از امام کردند بابت یک کتابی که اصلاً آن کتاب حق مالکیت فکری اش آزاد شده بود کتاب اصول کافی. یک ناشری برای امام نامه می‌نویسد می‌گوید من می‌خواهم این کتاب را منتشر کنم. ایشان می‌نویسند؛ حق چاپ محفوظ است و اجازه نمی‌دهند. به‌رحال کم‌کم امروز تقریباً همه فقها و مراجع تقلید این حق را پذیرفته‌اند. حالا بعضی‌ها مثل آیت‌الله صافی نظرشان این است که حق مالکیت فکری یک امتیاز است در واقع حق نیست. نظر امام برای قبل از انقلاب است و این نظریه‌ها برای بعد از انقلاب که در واقع حاکمیت باید برای نظم‌بخشی جامعه یک فکری اندیشیده و این حقوق را رعایت کنیم در واقع از جانب حاکمیت امتیازی بود. آقای صافی هم همین را می‌گویند. همه علما از مقام معظم رهبری، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، همه حق را پذیرفتند. در واقع حقوق بشری دانسته‌اند. من مباحث سیاسی را کاری ندارم ولی چند موضوع را بحث می‌کنم و فکر می‌کنم فقه شیعه یک فقه پویا است. یعنی اینکه اگر چند سال پیش اگر از خود مقام معظم رهبری استفتاء کردند، دوباره استفتاء کنند، شاید نظر عوض شده باشد. درباره این مباحث و ارجاع به نظر دیگران ما باید کار تحقیقی انجام بدهیم و این دست مقاماتی است که می‌خواهند تصمیم بگیرند. من موافق این نیستم که در شرایط تحریم به کنوانسیون برن بپیوندیم، من به تجربه خودم سال‌ها دیده‌ام. من مثلاً با دو یا سه ناشر حقوقی بین‌المللی همکاری داشته‌ایم، ۳۲ سال فعالیت انتشاراتی آکادمیک و در حوزه حقوق فعالیت دارم. با خیلی‌ها ارتباط داشته‌ام. از حدود قبل از کرونا و آخرین سالی که فرانکفورت رفتم. با این حال همکاری داشته‌ام ولی

از آن موقع نگفته‌اند آقا باینکه شما عضو کمی رایت نیستید ما هم این همکاری‌هایی که با شما داشتیم هم نمی‌توانیم داشته باشیم. نتیجه‌اش این است که اگر به برن بپیوندیم شرایطمان بدتر می‌شود. و در واقع در شرایط تحریم‌های ظالمانه منطقی نیست. من ناشر تخصصی دانش‌آموخته حقوق در کشور با توجه به تحریم‌ها، پیوستن به برن را صلاح نمی‌دانم. اما بقیه موانع را قبول ندارم. این را مفصل گفته‌ام. مباحث فقهی و حقوقی مفصلی دارد. این طور نیست که دوستان می‌گویند. مثالش همان ماده ۱۷.

قانون‌گذار وقتی قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی وقتی را در سال ۴۸ بر اساس ماده ۲۲ وضع کرد، موضوعش حکایت دیگری است که در واقع یک موضوعی در مسئله ترجمه ایجاد شد.

بسیاری از کتاب‌ها در ترکیه، لبنان و پاکستان و.. چاپ می‌شود، مثلاً کتاب‌های افغانستان در پاکستان چاپ می‌شود، در مواردی می‌گفتند هیچ کس نیست جلوی این ناشران لبنانی را بگیرد، کتاب‌های ما را در لبنان چاپ می‌کنند و در نمایشگاه بین‌المللی تهران می‌فروشند و دلارشان را می‌گیرند. وقتی کنوانسیون را نپذیریم تبعاتی دارد و این‌ها هم تبعاتش است. حالا بگذریم از موسیقی، بگذریم از فیلم، بگذریم از کانال ماهواره که در دنیا فیلم‌های ایرانی را پخش می‌کنند. آیا این‌ها به تهیه‌کننده پول می‌دهند؟ خیر. این‌ها همه تولید محتوا است که دارد می‌رود. نقشه قالی ما که نقشه بومی سنت ملی ما است الآن من شنیده‌ام نمی‌دانم چقدر صحت دارد در چین منطقه‌ای را به نام کاشان نام‌گذاری کردند و آنجا قالی می‌بافند به نام قالی کاشان و به سراسر دنیا صادر می‌کنند. نمی‌دانم چقدر صحت دارد ولی میدانم نقشه‌های قالی ما همه آنجا اجرا و تولید می‌شود.

در شرایطی که تحریم هست نمی‌شود و نباید به آن سمت برویم. آن‌ها به ما آثار علمی و فرهنگی نخواهند

اخلاقی است؟ این خلاف اعلامیه حقوق بشر نیست؟ شما به چه حقی ملت ما را از دانش و علم محروم می‌کنید؟ این شرایط به نظر من ماده ۶ قانون ترجمه و تکثیر اشاره دارد. به تکثیر کتب و نشریات، آثار صوتی حمایت‌های مسئول در این قانون به شرط عهدنامه یا معاهده متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است. بنابراین ما با لبنان، ترکیه، عربستان، پاکستان، افغانستان یا کشورهای که در حوزه اسلامی هستند در عین عدم الحاق می‌توانیم معاهده متقابل ببندیم. معاهده متقابل‌ها مبنای این است که حمایتی که از قانون من شهروند ایرانی می‌کند از شهروند لبنانی هم در ایران حمایت بکند. شهروند لبنانی هم همان‌طور که در کشورش مورد حمایت است از ایرانی حاضر در کشورش نیز حمایت بشود و حمایتی که از آثار کتب خودش می‌کند از آثار کتب ایرانی نیز حمایت کند. این می‌شود معاهده متقابل. در قانون ما نیز هست نمی‌دانم جزئیاتش مصوبه مجلس می‌خواهد یا نه؟ ولی اگر مجلس بخواهد به استناد ماده ۶ می‌تواند تصویب کند، چون معاهده خیلی مهم نیست از نظر سیاسی احتمالاً مصوبه مجلس هم شاید نخواهد. وزارت ارشاد می‌تواند این کار را انجام دهد اما آثار خارجی در ایران اگر می‌خواهند حقوقشان در ایران حمایت بشود بر اساس ماده ۲۲ قانون حمایت ناشران باید با ناشران ایرانی توافق کنند، ناشر ایرانی و خارجی هم‌زمان کتاب را به زبان اصلی منتشر کنند.

معاهده برن برای کشورهای عضو اتحادیه پیش‌بینی کرده و گفته اگر کتابی یا اثر فرهنگی و هنری در خارج از اتحادیه کشورهای عضو منتشر بشود، خاستگاهش خارج از اتحادیه باشد، اگر ظرف یک ماه از یک کشور عضو اتحادیه اجرا بشود عضو معاهده قرار می‌گیرد. من این را مهندسی معکوس کرده‌ام گفتم در قانون ما یک ماهه نیست اما قانون ماده ۲۲ مفهومش این است نخستین بار ناشر خارجی با ناشر ایرانی توافق

چه کشور ایران و چه کشور ترکیه، کشورهای نیستند که فقط حق تألیف را خریداری کنند و فقط به صورت یک طرفه باشند. ما هم کشورهای هستیم که آثارمان در دنیا مخاطب و خواهان دارد و می‌توانیم اثرها را به بیرون از کشور هم بفرستیم.

داد و خلاف اخلاق است. ما الآن کپی‌رایت عضو نیستیم. حقوق خارجی‌ها را رعایت نمی‌کنیم. ۵ سال پیش در نمایشگاه فرانکفورت و در غرفه ایران آقای دکتر کلمان آمد آنجا و با هم مناظره‌ای داشتیم درباره حقوق مالکیت فکری. اول کار که میکروفون را گرفتند، گفتند شما دزد هستید کتاب‌های ما را می‌دزدید. همان اول کار موشک را شلیک کرد. من آنجا پاسخش را مفصل دادم. مقاله‌ای نوشتم پاسخش را دادم گفتم بله اول ایشان که می‌گویند ما دزد هستیم شما هم مثل آمریکایی‌ها تا سال ۱۹۸۲ عضو نبودند یعنی آن‌ها تا آن تاریخ دزد بودند و حالا دزد نیستند تا آن موقع بوده‌اید. کنوانسیون‌های بین‌المللی اختیاری است کشورها عضو شوند یا نشوند. مگر اینکه الزام‌آور بودن را سازمان ملل تعیین کند و همه را عضو نماید. ما اختیار داریم و من ناشر تابع ایران هستم دولت ایران هم نپذیرفته. نباید ناراحت بود اما در همین شرایط من انتشاراتی مجد آمده‌ام از شما آمریکایی‌ها مجوز می‌خواهم و شما می‌گویید تحریم است. ما با اینکه عضو کنوانسیون نیستیم آمدم اجازه بگیریم و پول هم به شما بدهیم. هر کس اختیار خودش را دارد، دولت که نیست به شما پول بدهد شخصی است. من آمده‌ام برای کتاب‌های حقوقی که در ایران منتشر می‌کنم پولش را به شما بدهم شما می‌گویید تحریم هستید و من نمی‌توانم از شما پول بگیرم. آیا این

بین خودمان توافقاتی را اجرا کنیم. خیلی بهتر است که کشورهای مثل کشور ایران و ترکیه در دنیا به جای اینکه با عناوینی مثل تحریم، مشکلات هسته‌ای، یا مشکلاتی که در خود ترکیه وجود دارد شناخته بشود با اثرهای فرهنگی یا آثار هنری شناخته بشود. این می‌تواند برای موقعیت کشورهای جهانی هم خیلی تأثیرگذار باشد. حاضران در نشست گفتند طرحی را آماده کرده‌اند و صحبت کردند که گویا آماده شده بین کشورهای اسلامی اجرایی شود اگر این‌گونه باشد که این نشست به‌عنوان معرفی این طرح در نظر گرفته شود. با گردهمایی حقوقدان‌ها و کسانی که در این حوزه کارشناس هستند می‌توانیم بیشتر این طرح را تقویت کنیم.

” دکتر ایمانی

من در ادامه بحث‌هایی که دوستان داشتند، مطالب را به چند بخش تقسیم کرده‌ام. یک بخش مربوط به بیانات آقای دکتر نیک است، به نظر می‌رسد که ما مسائل کپی‌رایت را اگر ۰ و ۱۰۰ ببینیم، شاید خیلی نتیجه‌بخش نباشد. من می‌خواهم یک مقدار بحث را بشکافم. ما همه نسبت به تکالیفی که مقام معظم رهبری حقیقتاً این حکیم فرزانه هم در مباحث سیاسی و هم در مباحث سیاست خارجی و سیاست داخلی نقطه‌نظرهایی می‌فرمایند تسلیم نظر ایشان هستیم. اما توجه داشته باشیم که همین حکیم فرزانه در دیدار با نخبگان، دانشجویان و اساتید با حوزه‌های اندیشه و نشر دائماً گوشزد می‌کنند که حتی شما می‌توانید رهبری را نیز نقد بکنید. شما می‌توانید به‌عنوان یک کارشناس نظر مخالف خود را بگویید. حتی در بسیاری از سیاست‌های داخلی این حکیم فرزانه می‌گویند من در این زمینه تخصصی ندارم و به‌خبره و اهلش ارجاع می‌دهند.

یک وقتی در زمان شاه بر اساس فتوای مراجع دیدن

می‌کند آن کتاب را به زبان اصلی نه زبان ترجمه‌اش حتی اگر ۱۰ روز بشود ناشر ایرانی برود مجوز را از وزارت ارشاد بگیرد. پس معلوم می‌شود خلاف قوانین تهاجم فرهنگی هم نیست. ناشر باید مجوز جمهوری اسلامی داشته باشد. کتابی هم که چاپ می‌کند از وزارت ارشاد مجوز بگیرد. آن کتاب را هم‌زمان با ناشر خارجی منتشر کنند، تحت حمایت قوانین داخلی ما قرار می‌گیرد. این کار را خارجی‌ها دیده‌اند در کتاب‌هایشان می‌نویسند ترکیه، واشنگتن، لندن، این افزایش دامنه و بستر حمایت حقوقی این‌هایی که می‌نویسند علاوه بر کنوانسیون دامنه حمایت را افزایش می‌دهند. یعنی اگر در توکیو از کتابی که نویسنده آلمانی نوشته است حقوقش را نقض کرد کنوانسیون می‌گوید که به یک حدی مجازاتش کنید. حمایت‌های حقوقی را توسعه داده‌اند. اگر در کتاب‌هایمان ناشران خارجی هر کشوری با ناشر داخلی ما توافق کنند بگویند این کتاب را من ۱۷ آوریل منتشر می‌کنم، شما هم قبل از ۱۷ آوریل فایل را به شما می‌دهند مجوز را از وزارت ارشاد بگیرید، ده نسخه بیشتر نمی‌خواهد چاپ بشود فقط مجوز بگیرید که دیگر کسی نتواند بدون اجازه ناشر و پدیدآورنده ترجمه کند یا خلاصه‌نویسی کند مجدداً افست کند.

” محمد بورهان

در حوزه تحریم‌های ایران همه می‌دانند و ان‌شاء... این مشکل به‌زودی حل بشود. ولی مسئله‌ای که اینجا وجود دارد حق تألیف تنها موضوعی نیست که در روابط بین‌الملل در نظر بگیریم. در بین کشورها و داخل خود کشور موضوعی است که باید رعایت بشود مسئله حقوق آن مؤلف است که باید داده بشود. مثل کتاب موسیقی یا بقیه اثرهای هنری به‌عنوان دو کشور دوست و همسایه ایران و ترکیه ما مجبور به رعایت توافقات کنوانسیون‌هایی مثل برن نیستیم. می‌توانیم در

تلویزیون حرام بود، بازی کردن شطرنج حرام بود. چه اتفاقی افتاد که اجتهاد زمان ما الآن فدراسیون شطرنج داریم، تلویزیون را نگاه می‌کنیم. یک وقتی ویدیو مجازات کیفری داشت، هرکسی ویدیو داشت، مجازات کیفری داشت و یا ماهواره نصب می‌کرد مجازات کیفری داشت. یک وقتی اگر می‌خواستیم به خارج از کشور برویم برای فرصت مطالعاتی آن‌چنان جو سفت و سخت بود که می‌گفتند می‌خواهید با دشمن همراه شوید. بعد دنیا فهمید ما فهمیدیم و جامعه متوجه شد، این ارتباطات نه تنها برای توسعه کشور ماست بلکه ما اگر دانشی را بومی‌سازی کردیم و مهندسی معکوس کردیم ما به سمت خارجی‌ها دست دراز نکردیم. ما می‌توانیم هم از علوم غربی و هم شرقی استفاده کنیم، مگر ما علوم هسته‌ای و علوم موشکی را از شرقی‌ها و علوم شرقی‌ها نگرفتیم؟ ما هم مهندسی معکوس کردیم. چرا ما از این واژه‌هایی استفاده می‌کنیم که مردم را بترسانیم، ما مخالف استکبار هستیم. ما در عرصه سیاست‌های جهانی و داخلی مخالف آمریکا هستیم. اما یادمان باشد که پیغمبر فرمود اگر می‌خواهید علم بیاموزید تا چین هم بروید آن موقع که آمریکا نبوده فرمودند تا چین بروید. بنابراین نباید قضیه را صفر و صدی نگاه کرد.

ما الآن می‌خواهیم وارد نقد بشویم ولی سؤال این است نمی‌خواهیم از کپی‌رایت خارج بشویم. ما بپذیریم که رابطه نشر و رابطه اندیشه و رابطه علوم را نمی‌خواهیم گسترش بدهیم. در آفرینش خدا چیزی به‌عنوان مطلق وجود ندارد که ما بگوییم این صد در صد خالص است و مشکلی ندارد. بله در معاهدات آن کسی که می‌نشیند فکر می‌کند، ممکن است یک بخشی از منافع دنیای غرب را هم در این معاهده اعمال کند اما ما می‌توانیم با نگاه و اندیشه نو، با یک تفکر نو در جهان نشر و حق کپی‌رایت هم از لحاظ مالکیت معنوی و هم مالکیت مادی بتوانیم این فضا

را توسعه بدهیم. اینکه ما از نگاه سیاست وارد این فضا بشویم و برویم پشت سر مقام معظم رهبری این را نهی بکنیم به نظر من خردمندانه نیست، یک اجتهاد صریح حکومتی از نظر آقا انجام بشود که بگوید بدون چون و چرا می‌پذیریم و هیچ شبهه‌ای هم درونش نیست اما به نظر می‌رسد که ما باید در حوزه ورود به معاهده بین‌المللی مثل کنوانسیون برن و حق کپی‌رایت باید تأمل و تعامل بیشتری بکنیم.

جناب آقای دکتر حسینی به جزئیات و تجزیه و تحلیل این رابطه حداقل به‌عنوان یک بخش خصوصی وارد شدند گفتند اگر ما بتوانیم با یک ناشری بین‌المللی مذاکره بکنیم قرارداد دوجانبه ببندیم و بعد اشاره کردند به ماده ۲ معاهده برن که اگر یک ماه از این انتشار می‌گذرد و ناخواسته آن نشر الحاق می‌شود و زمینه پشتیبانی معاهده برن می‌شود. در بخش سرمایه‌گذاری خصوصی ما نباید بگذاریم نشر و حقوق ناشرین ما حتی در کشورهای اسلامی دچار صدمه باشد و محکوم بشود. ما بسیاری از ناشران عزیزمان که در حوزه‌های اقتصاد، هنر، سیاست، دین، اندیشه حقیقتاً دست‌به‌قلم شده‌اند و ما نتوانستیم دفاع بکنیم. حتی از نگاه مذهبی هم نتوانستیم دفاع کنیم.

روابط بین‌الملل حوزه نشر یک حوزه با معنا و مفهوم و رابطه اندیشه‌ای است. می‌توانیم آنجا که اندیشه‌هایش با اقتصاد اسلامی ما مغایرت دارد تعریف‌های خاص خودمان را داشته باشیم، اما اجازه ندهیمشان و منزلت ناشران بزرگی که در کشور جمهوری اسلامی داریم سلب شود. پیشنهاد عمده من این است که حتماً نقطه‌نظرها را جمع‌بندی کنند و به نظر مدیران وزارت ارشاد و جناب آقای ریاست جمهوری برسانند و بعد از آنجا به تأیید مسئولان نظام جمهوری اسلامی برسد و بشود در این حوزه دفاع خیلی خوبی از ناشران انجام بشود.

راهبردهایی برای آینده نشر

گفتار پنجم: رتبه‌بندی ناشران

دکتر سید عباس حسینی نیک مدیرمسئول انتشارات مجد

بعد از سازمان‌دهی مدیریت نشر، هم از جهت سیاست‌گذاری و هم از جهت راهبردی، مهم‌ترین اقدام، رتبه‌بندی ناشران است. چراکه اعمال سیاست‌ها و انجام راهبردها بدون شناسایی و رتبه‌بندی کسانی که مهم‌ترین نقش‌آفرینان این حوزه هستند، ممکن نیست. نخستین مشکل در مدیریت جامعه نشر آن است که تعداد واقعی ناشران دارای مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشخص نیست! و آن‌ها که دارای نام و نشان حداقلی هستند، هیچ‌گاه مورد ارزیابی و ارزشیابی قرار نگرفته‌اند!

بر اساس آخرین آمار منتشر شده، تاکنون بیش از ۱۸ هزار مجوز نشر توسط وزارت ارشاد صادر شده است. از این تعداد حدود دو هزار ناشر را در نمایشگاه‌های کتاب می‌توان یافت و حداقل نامی از آن‌ها وجود دارد. بنابراین در گام نخست باید تکلیف ۱۶ هزار ناشر را مشخص کرد.

شناسایی این افراد و برخورد قانونی و قاطع با آن‌ها نیازمند اجرای طرح رتبه‌بندی ناشران است.

معاونت فرهنگی زیاد خواهد شد. چنانچه نگاهی به استفاده‌های غیر انتشاراتی مجوزهای صادره بیندازیم متوجه می‌شویم که دلیل دریافت آن‌ها چه بوده است:

- معافیت مالیاتی برای فعالیت‌هایی که به اسم انتشارات انجام می‌شود.
- معافیت از پرداخت سهم کارفرما برای بیمه تأمین اجتماعی
- استفاده از اماکن مسکونی برای فعالیت‌های تجاری و خدماتی با نام انتشارات
- استفاده از تخفیف خدمات شهری از قبیل برق برای واحد انتشاراتی
- دریافت سهمیه کاغذ و عرضه در بازار
- ملاحظه می‌گردد این حجم مجوز که بیش از هشت برابر تعداد ناشرانی است که لااقل یک عنوان کتاب در سال منتشر کرده‌اند، پالایش آن باعث خواهد شد که در مصرف یارانه دولت به‌شدت صرفه‌جویی گردد و بودجه موجود صرف زیرساخت‌های نشر گردد.

” گام دوم:

تعداد ناشرانی که در چند سال گذشته فعالیتی داشته‌اند، حدود دو هزار ناشر است. این تعداد شامل موارد زیر هستند:

- ناشرانی که در طول یک سال تعداد حداقل کتاب برای تمدید مجوز نشر منتشر کرده‌اند.

” گام اول:

اجرای گام نخست ممکن است با چالش‌ها و مقاومت‌هایی روبرو شود چراکه بدون شک از مجوزهای صادر شده استفاده‌های غیر انتشاراتی می‌گردد و از آنجاکه صاحبان مجوز نشر معمولاً دارای روابط و پایگاه‌های اداری و اجتماعی هستند، فشار بر



شده می‌پردازند و امروز مهم‌ترین آفت و خسارت در جامعه فرهنگی، نتیجه فعالیت‌های این نوع ناشران است. با ایجاد مرکزیت برای مدیریت نشر می‌توان طرح رتبه‌بندی ناشران را اجرا کرد. اولیه‌ترین کارکرد این طرح، ساماندهی تخصیص یارانه و بخصوص کاغذ خواهد بود.

گفتار ششم: تولید، تخصیص و توزیع کاغذ مهم‌ترین و اصلی‌ترین پارامتر برای تولید و انتشار کتاب، کاغذ است و علاوه بر آن، کاغذ را باید جزو کالاهای استراتژیک و اساسی در اقتصاد کشور دانست. نیاز به این کالا با وجود گسترش و توسعه فضای مجازی که توانسته بسیاری از نیازهای مکاتباتی و مراسلاتی مانند ثبت‌نام در کنکور و ارسال مدارک با ادارات و... را مرتفع سازد و لیکن همچنان در کشور ما و نیز در دیگر کشورها احساس می‌گردد.

در حوزه نشر، همچنان‌که کتاب الکترونیک نتوانسته جای کتاب چاپی را بگیرد، نقش کاغذ در انتشارات نیز قابل‌انکار نیست.

اما آیا کاغذ را باید حتماً از خارج وارد کرد؟ واقعیت این است که زمانی بهترین کاغذ تحریر در کشور تولید می‌شده و امروز متأسفانه محتاج واردات هستیم. چرا

- ناشرانی که دارای فعالیت کم (در حدود سالی ۱۰ عنوان کتاب جدید) هستند.
 - ناشرانی که دارای فعالیت متوسط (در حدود سالی ۲۰ تا ۳۰ عنوان کتاب جدید) می‌باشند.
 - ناشرانی که دارای فعالیت خوب (در حدود سالی ۵۰ تا ۱۰۰ عنوان کتاب جدید) هستند.
 - ناشرانی که دارای فعالیت عالی (بیش از ۱۰۰ عنوان جدید) می‌باشند.
- در گام دوم علاوه بر ملاک تعداد عنوان کتاب باید به مدت‌زمان فعالیت یا طول عمر فعالیت ناشران نیز توجه کرد. متأسفانه تعداد زیادی از ناشران غیر حرفه‌ای دارای طول عمر فعالیت کوتاهی هستند و بسیاری از آن‌ها حداکثر یک سال فعالیت دارند.

” گام سوم:

باید توجه داشت معیار کمی نمی‌تواند تنها ملاک ارزیابی و رتبه‌بندی ناشران باشد چراکه ناشرانی وجود دارند که با وجود سیستم‌های چاپ دیجیتال، مشغول چاپ پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های زرد هستند و طبعاً از جهت کمی در رتبه‌های بالا قرار دارند. فعالیت بیشتر برای این ناشران موجب خسارت بیشتر است و به عبارتی امتیاز منفی دارد.

همچنین است ناشرانی که بدل‌کارند و با نقض حقوق پدیدآورندگان و ناشران اصلی، به انتشار کتاب‌های کپی

تخصیص ارز به واردکنندگان معتبر کاغذ موضوع مهمی است که در دولت گذشته و مدیریت قبلی وزارت ارشاد مورد توجه قرار نگرفته است. متأسفانه حجم سوء استفاده در این خصوص به اندازه‌ای است که می‌توان نیاز کشور به کاغذ را با کاغذهای توزیع نشده برطرف کرد.

نتیجه این اقدام، تأمین کاغذ کتاب‌های عمومی آن هم برای چند ناشر بوده و این در حالی است که انتشار کتاب‌های دانشگاهی با وجود داشتن اولویت برای تأمین منابع علمی جامعه، به واسطه عدم واردات کاغذ تحریر مختل شده است.

چهارم آن‌که برای تخصیص کاغذ به ناشران باید از سازوکاری دقیق و به دور از نفوذ برخی افراد و سوءاستفاده از اعتماد دولت و دستگاه‌های نظارتی استفاده می‌شد.

متأسفانه هرج و مرج در این خصوص به حدی است که چند ناشر به اندازه همه ناشران کشور کاغذ گرفته‌اند و در تقسیم کاغذ بین بقیه نیز، ملاحظات بانندی و رفاقتی! بیشتر از صلاحیت‌های واقعی مدنظر بوده است. حجم زیادی از کاغذهای تخصیص یافته از بازار سر درمی‌آورد به نحوی که در زمان توزیع کاغذ، قیمت آن در بازار کاهش می‌یافت!

پنجم آن‌که راهکار پیشنهادی برای توقف این روند، اصلاح ساختار تخصیص کاغذ با آغاز طرح رتبه‌بندی ناشران و ایجاد کارگروه معتمد برای تخصیص کاغذ و همچنین استفاده از ظرفیت تشکل‌های نشر است. ساختاری که از تخصیص ارز برای واردات کاغذ تحریر و بالک تا تخصیص کاغذ به ناشران و در نهایت شمارش و تسویه دارای اشکالات اساسی بوده و باید اصلاح گردد.

در یک کلام، باید با آگاهی و شناخت از ناشران (فعال، نیمه فعال، غیرفعال) به طور هوشمند (نه ماشینی)، میزان سهمیه کاغذ برای هر ناشر تعیین گردد. در این روش نیازی به شمارش کتاب که احتمال فساد در اجرا دارد، وجود نداشته و به طور قطع، کمترین احتمال فروش کاغذ سهمیه‌ای در بازار وجود خواهد داشت. گام نخست برای اجرای طرح رتبه‌بندی ناشران می‌تواند همین روش در تخصیص کاغذ باشد.

و به چه علت، باشد برای بعد، فی الجمله امکان تولید کاغذ مناسب چاپ در داخل وجود دارد و لیکن نه برای امروز و فردا، که با برنامه‌ریزی و حمایت دولت می‌توان در آینده شاهد خودکفایی در این حوزه باشیم. فعلاً باید برای موضوع واردات کاغذ چند نکته اساسی را مدنظر داشت:

نخست آن‌که تازمانی که ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی داده می‌شود باید وزارت ارشاد پیگیر تخصیص ارز باشد. چنانچه این ارز از سیستم اقتصادی دولت حذف گردد، وضعیت کاغذ بغرنج‌تر خواهد شد و لیکن احتمالاً قیمت‌ها بعد از شوک اولیه، متعادل گردیده و چنانچه اصل واردات کالا به کشور با مشکل مواجه نشود، تنوع کاغذ بیشتر خواهد شد. دوم آن‌که مسئله اصلی در ارز ۴۲۰۰ تومانی، سوءاستفاده واردکنندگان می‌باشد و موضوع کاغذ نیز از آن مستثنا نیست.

تخصیص ارز به واردکنندگان معتبر کاغذ موضوع مهمی است که در دولت گذشته و مدیریت قبلی وزارت ارشاد مورد توجه قرار نگرفته است. متأسفانه حجم سوءاستفاده در این خصوص به اندازه‌ای است که می‌توان نیاز کشور به کاغذ را با کاغذهای توزیع نشده برطرف کرد.

این تجربه تلخ نباید تکرار گردد و شرایط عضویت در شورای تخصیص ارز کاغذ باید مورد تجدیدنظر قرار گرفته و افراد متخصص و معتمد را جایگزین کرد.

سوم آن‌که میزان تخصیص ارز به کاغذ تحریر و کاغذ بالک دارای تناسب منطقی نبوده و این نشان از سوءاستفاده برخی از افراد و تغافل مدیران ارشاد در دوره گذشته دارد. میزان تخصیص ارز به کاغذ تحریر که مورد استفاده همه ناشران کشور است نسبت به کاغذ بالک که مورد استفاده کتاب‌های عمومی و رمان است، بسیار به هم نزدیک است! درحالی که اگر نسبت ۷ به ۵ بوده، باید ۷ به ۱ باشد.

تبدیل بینندگان به خوانندگان با پیش‌پرده کتاب

پیش‌پرده کتاب، تلاقی خوشایند رسانه‌های

متنی و ویدیویی

مریم چهرقانی

حرکات فوق‌العاده به‌سوی اهداف است. به قول مارک رابرتسون^۴: «ویدیوی آنلاین در بازاریابی اینترنتی مثل آچار فرانسه است. واقعاً می‌تواند در کل چرخه حیات مشتری مورد استفاده قرار گیرد، خواه خدمات مشتری، بازاریابی یا حتی استخدام باشد».

مواجهه اولیه اصحاب کتاب با قالب ویدیو همراه رویکردی منفی بوده است و برخی هنوز هم این رسانه را ضد کتاب می‌دانند و معتقدند نمی‌توان از رسانه‌های تصویری برای ترویج رسانه‌های نوشتاری بهره جست. با این وجود پیش‌پرده کتاب ارزشی فراهم می‌کند که نمی‌توان از آن چشم‌پوشید. مخاطبان بعد از تماشای پیش‌پرده کتاب، به‌نوعی درگیری ذهنی با کتاب می‌رسند که تعهدی ضمنی برای کسب اطلاعات بیشتر نسبت به آن ایجاد می‌کند. تماشای پیش‌پرده کتاب باکیفیت می‌تواند جایگاه مناسبی از نام تجاری ما در ذهن مشتری ایجاد کند که در موقعیت‌های مختلف حمایت او را فراهم سازد. اما همچنان ناشران بسیاری برای بهره‌گیری از چنین امکانی دچار تردید هستند. در نوشتار حاضر به ارائه شواهدی مبنی بر موفقیت و کارآمدی این ابزار در ترویج کتاب می‌پردازیم. بر اساس «گزارش نهایی آمار بازاریابی برای سال ۲۰۲۱

یکی از انواع محتوای ویدیویی «پیش‌پرده» است. واژه پیش‌پرده معادل فارسی تریلر است؛ یعنی فیلم کوتاهی که در بردارندهٔ منتخبی از نماهای حساس و جذاب فیلم اصلی باشد و نمایش محصول اصلی را در آینده‌ای نزدیک نوید دهد. پیش‌پرده‌های کتاب (مانند پیش‌پرده‌های فیلم) قطعات سینمایی کوتاهی هستند که تماشاگران را به خود جلب می‌کنند. مدتی است که ناشران کتاب، نویسندگان و تصویرگران، پیش‌پرده‌های کتاب را به‌عنوان ابزارهای تبلیغاتی ایجاد کرده‌اند. ولکر، دنیس و مورابیتو^۱ تلاش‌های متعدد متخصصان آموزش را برای استفاده از این راهبرد نشان داده‌اند. در سال ۱۹۱۶ میلادی یک روزنامه‌نگار و متخصص تصویر متحرک آمریکایی به نام دنچ^۲ مقاله‌ای با عنوان «تبلیغ با تصاویر متحرک»^۳ منتشر کرد و در آن نوید داد: شاید به نظر برای شما عجیب باشد که یک اختراع شبیه به دستگاه آپارات فیلم که آوازه زیادی به‌عنوان یک ابزار سرگرمی یافته است، می‌تواند کارکردهایی برای تبلیغ داشته باشد، اما آینده ثابت خواهد کرد که شگفتی‌های بسیاری در این زمینه منتظر ماست. امروزه ویدیوها پای ثابت کمپین‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای هستند. ویدیوی یکی از قالب‌های اصلی برای

1. Voelker, Deines and Morabito

2. E. A. Dench

3. Advertising by Motion Pictures

4. Mark Robertson

یافته، مارکتینگ ویک^۴ به این نتیجه رسید که ویدیوها به احتمال حدود ۷۰ درصد در میان ۱۰۰ نتیجه جست‌وجو در گوگل ظاهر می‌شوند. این تنها در مورد ویدیوهای سرگرم‌کننده نیست. طبق آمارهای گوگل، جست‌وجوی ویدیوهای محتوایی نسبت به جست‌وجوی موزیک ویدیو بر روی یوتیوب، سه برابر شده است.

” نرخ کلیک و لینک‌ها

یافته‌های سئوموز^۵ نشان داده است نه تنها نرخ کلیک ویدیوها ۴۰ درصد بیش از نرخ کلیک متون ساده است، پست‌های ویدیویی سه برابر بیش از پست‌های متنی جلب توجه می‌کنند. به‌علاوه، احتمال این‌که مخاطبان بر روی تبلیغات ویدیویی آنلاین کلیک کنند ۲۷ برابر بیشتر از احتمال کلیک ایشان روی بنرهای معمول است. مخصوصاً ایمیل از مزیت داشتن لینک ویدیو بسیار سود می‌برد. پژوهشی که توسط شورای بازاریابی ویدیوی و ب^۶ و فلیمپ مدیا^۷ انجام شد، به این نتیجه رسید که ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان قبول دارند که با گنجاندن ویدیو در ایمیل‌های تبلیغاتی می‌توان عملکرد کمپین‌ها را ارتقا داد.

” خلق و به اشتراک‌گذاری ساده

به لطف دسترسی به سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای باکیفیت تولید ویدیو، در هر دقیقه بیش از ۱۰۰ ساعت ویدیو در یوتیوب آپلود می‌شود. با استفاده از نسل جدید گوشی‌های هوشمند و یا نسل‌های قدیمی‌تر، ضبط ویدیو و ویرایش آن از همیشه ساده‌تر شده است. به اشتراک‌گذاری ویدیوها هم در اولویت قرار

پیش‌پرده کتاب ارزشی فراهم می‌کند که نمی‌توان از آن چشم‌پوشید. مخاطبان بعد از تماشای پیش‌پرده کتاب، به‌نوعی درگیری ذهنی با کتاب می‌رسند که تعهدی ضمنی برای کسب اطلاعات بیشتر نسبت به آن ایجاد می‌کند.

میلا دی^۱ چهار گزاره شگفت‌انگیز راجع به بازاریابی ویدیویی مطرح شده است:

۱. ویدئو تبدیل به رایج‌ترین قالب مورد استفاده در بازاریابی محتوا شده است و از وبلاگ‌ها و اینفوگرافیک‌ها پیشی گرفته است؛

۲. ویدیوهای تبلیغاتی و ویدیوهای داستان‌سرایی برنند^۲ رایج‌ترین انواع ویدیویی هستند که توسط بازاریابان تولید می‌شوند؛

۳. حدود ۸۷ درصد از بازاریابان ویدیویی اظهار کرده‌اند آنچه باعث افزایش ترافیک وبسایت آن‌ها شده است، ویدیو بوده است؛ و

۴. حدود ۸۰ درصد از بازاریابان ویدیویی اظهار کرده‌اند که ویدیو مستقیماً باعث افزایش فروش شده است.

در ادامه، به یافته‌های پژوهش‌های متعددی اشاره می‌شود که این دستاوردها را تأیید می‌کنند.

” نتایج موتور جست‌وجو

پژوهش‌های فارستر^۳ نشان داده است که شانسی قرار گرفتن در صفحه اول نتایج موتور جست‌وجوی گوگل با وجود ویدیو ۵۳ برابر می‌شود. در تأیید این

4. Marketing Week

5. SEOMOZ

6. Web Video Marketing Council (WVMC)

7. Flimp Media

1. The Ultimate List of Marketing Statistics for 2021

2. Brand storytelling

3. Forrester

یکی از دلایل اهمیت قالب ویدیو این واقعیت که با ویدیوهای توضیحی می‌توان به بسیاری از دغدغه‌های مخاطبان هدف در مراحل ملاحظه و ارزیابی چرخه خرید پاسخی درخور داد.

” تعامل

درگیری، احساس تعلق یا تعامل^۳ جادوی مدیریت است. ویدیوها بیش از کتابچه‌های الکترونیکی، بروشورهای ریز یا گزارش‌های رسمی قادرند با حس افراد ارتباط برقرار کنند. زمانی که مخاطب احساس کند بدون واسطه با شما در ارتباط است، به احتمال قوی‌تر با شما مشارکت کرده و در کنار بهره‌برداری از محصولات، محتوای شما را با دوستان و آشنایان خود به اشتراک می‌گذارد. مطالعات حاکی از آن است که کاربران با ویدیو ۲ برابر بیش از سایر انواع محتوا ارتباط برقرار می‌کنند و تعامل دارند. پژوهش‌ها نشان داده است که ۶۵ درصد خریداران آنلاین پس از تماشای ویدیوی آنلاین در یک صفحه، به‌طور متوسط ۲ دقیقه بیشتر در آن سایت می‌مانند و اگر ویدیو همراه فراداده‌ها ارائه شده باشد (مانند تگ و پیاده‌سازی متن فایل ویدیویی) قادر است نرخ مشارکت را از ۴۰ به ۳۰۰ درصد افزایش دهد.

” اعتماد

ویدیو بهترین فرصت برای نشان دادن خود واقعی‌تان را فراهم می‌سازد و از طریق آن مخاطبان ارتباط بسیار عمیق‌تری با شما خواهند داشت. از آنجاکه اکثر احساسات و برداشت‌های ما بر اساس زبان بدن

گرفته است. تعداد کاربران موبایل را در نظر بگیرید - که در حال حاضر ۴۰ درصد زمان بازدید ویدیو را به خود اختصاص می‌دهند - و به یاد داشته باشید که به اشتراک‌گذاری ویدیو در مقایسه با پست‌های متنی، برای ایشان بسیار راحت‌تر است.

” خرید

پژوهش‌ها نشان داده است تا ۷۲ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند ارباب‌رجوعان احتمالی آن‌ها پس از مشاهده محتوای ویدیویی که از طریق ایمیل برای ایشان ارسال می‌شود، به احتمال قوی‌تر اقدام به خرید خواهند کرد. پژوهش دیگری توسط اینودو^۱ حاکی از آن است که نیمی از مصرف‌کنندگان مدعی شده‌اند ویدیوهای یوتیوب بر تصمیمات خرید ایشان تأثیر گذاشته است و ۵۷ درصد از خریداران آنلاین اظهار کرده‌اند احتمال بازگرداندن محصول پس از تماشای ویدیوی توضیحی مربوط به آن، کمتر خواهد بود.

” تأثیر خرید

فراتر از خود خرید، تأثیر خرید^۲ یکی از مؤلفه‌های مهم در بازاریابی مدرن است. یکی از دلایل اهمیت قالب ویدیو این واقعیت که با ویدیوهای توضیحی می‌توان به بسیاری از دغدغه‌های مخاطبان هدف در مراحل ملاحظه و ارزیابی چرخه خرید پاسخی درخور داد. بسیاری از متخصصان با استفاده از آموزش نحوه مصرف، تأیید مشتریان قبلی، و سؤالات پرتکرار به توسعه محصولات خود می‌پردازند. تمام این موارد از میانه تا انتهای قیف فروش بر کسب جایگاه برتر در رقابت تأثیرگذار هستند.

1. Invodo

2. Purchase Impact

3. Engagement

مسیری یکپارچه و مؤثر دنبال شود؛

- امکان طراحی یک پیش‌پرده کتاب با ترکیب مناسبی از کیفیت، قیمت و زمان پیدا خواهد شد؛ و
- با نگاهی جامع، می‌توان فرایند بهره‌گیری از پیش‌پرده کتاب را تا زمان انتشار و ارزیابی آن به خوبی کنترل کرد.

پیش‌پرده کتاب رنگ و حرکت و شادابی را به سیمای کسب‌وکار می‌آورد. انسان‌های شاد، بینندگان خوبی هستند که بیش از بقیه مخاطبان احتمال دارد تولیدات ناشران را بخرند، بخوانند و حتی به دیگران توصیه کنند. در یک کلام، پیش‌پرده کتاب آثار ادراکی و روانی مثبت و ملموسی به ارمغان می‌آورد.

در آینده، پیش‌پرده‌های کتاب را می‌توان در وب‌سایت‌های کتاب‌فروشان منتشر کرد، تا به خریداران احتمالی کمک کند تا تعیین کنند که آیا از کتاب لذت می‌برند یا خیر همچنین می‌توان در کتاب‌فروشی‌هایی که در آن تجهیزات پخش ویدیویی وجود دارد، به نمایش گذاشت.

این رسانه پتانسیل رشد بیشتر و بهبود در صنعت چاپ و نشر را دارد، و سود خوبی به کسانی خواهد داد که به موقع آن را درک کنند و از مزایای آن بهره‌مند شوند.

پیش‌پرده‌های کتاب را می‌توان در وب‌سایت‌های کتاب‌فروشان منتشر کرد، تا به خریداران احتمالی کمک کند تا تعیین کنند که آیا از کتاب لذت می‌برند یا خیر همچنین می‌توان در کتاب‌فروشی‌هایی که در آن تجهیزات پخش ویدیویی وجود دارد، به نمایش گذاشت.

و حال و هوای منتقل شده به صورت غیرمستقیم رقم می‌خورد، ویدیوها نقش بسیار مهمی در اعتمادسازی خواهند داشت.

” سخن پایانی

کارکرد اصلی پیش‌پرده کتاب تبدیل بینندگان به خوانندگان است. طیف گسترده‌ای از مخاطبان پس از تماشای پیش‌پرده‌های مؤثر کتاب، تمایل دارند آن‌ها را بخرند و مطالعه کنند. این نرخ تبدیل ممکن است در فرهنگ‌های مختلف کمی متفاوت باشد، اما ادبیات موضوع نشان از ارزندگی آن دارد. با شناخت درست پیش‌پرده کتاب:

- نگاهی علمی و کاربردی به بازاریابی ویدیویی کتاب‌های خود کسب خواهد شد؛
- متوجه ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها و فرایندهای استفاده از پیش‌پرده کتاب شد و متناسب با برنامه بازاریابی خود از آن استفاده کرد؛
- عنصر ترویج با بقیه عناصر آمیخته بازاریابی (محصول، قیمت و توزیع) هماهنگی بیشتری پیدا می‌کند؛
- با آگاهی از قالب‌ها و محتواهای مناسب برای پیش‌پرده کتاب، اطمینان حاصل می‌شود که جوانب اصلی طراحی پیش‌پرده کتاب در نظر گرفته و

نگاهی به دو قرن فعالیت انتشارات جان وایلی

از ناشر ادبی قرن ۱۹ تا ناشر دانشگاهی قرن ۲۱

نام‌گذاری شد. این شرکت نام فعلی خود را در سال ۱۸۶۵ به دست آورد، هنگامی که پسر دوم جان ویلیام اچ وایلی به برادرش چارلز

در این تجارت پیوست. در قرن بیستم، این شرکت فعالیت‌های انتشاراتی، علوم و آموزش عالی خود را گسترش داد. در سال ۱۹۸۹، وایلی ناشر علوم زندگی Liss را به دست آورد. در سال ۱۹۹۶، وایلی ناشر فنی آلمانی VCH را خریداری کرد. در سال ۱۹۹۷، وایلی ناشر حرفه‌ای ون نوستراند راینهولدرا از Thomson Learning خریداری کرد. در سال ۱۹۹۹، وایلی ناشر حرفه‌ای جوسسی بیس^۳ را از پیرسون خریداری کرد. وایلی در سال ۲۰۰۷ دوصدمین سالگرد خود را جشن گرفت. هم‌زمان با سالگرد، این شرکت دانش برای نسل: وایلی و صنعت انتشارات جهانی، ۱۸۰۷-۲۰۰۷ را منتشر کرد که نقش وایلی را در تکامل انتشارات در پس‌زمینه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به تصویر می‌کشد. وایلی همچنین یک انجمن



انتشارات جان وایلی و پسران^۱ که با نام وایلی^۲ نیز شناخته می‌شود یک شرکت انتشاراتی در رابطه با انواع کتب به خصوص

کتاب‌های تخصصی دانشگاه‌ها است. وایلی در سال ۱۸۰۷ زمانی تأسیس شد که چارلز وایلی یک مغازه چاپ در منهن افتتاح کرد. این شرکت ناشر شخصیت‌های ادبیات قرن نوزدهم آمریکایی مانند جیمز فنیمور کوپر، واشینگتن ایروینگ، هرمان ملویل و ادگار آلن پو و همچنین عناوین حقوقی، مذهبی و سایر عناوین غیرداستانی بود. این شرکت نام فعلی خود را در سال ۱۸۶۵ گرفت. وایلی بعداً توجه خود را به حوزه‌های علمی، فنی و مهندسی تغییر داد و علاقه ادبی خود را کنار گذاشت. جان پسر چارلز وایلی (متولد فلاتبوش، نیویورک، ۴ اکتبر ۱۸۰۸؛ درگذشت در شرق اورنج، نیوجرسی، ۲۱ فوریه ۱۸۹۱) این حرفه را هنگامی که پدرش در ۱۸۲۶ درگذشت، به عهده گرفت. این شرکت به‌طور پی‌درپی انتشارات جان وایلی و پسران سپس وایلی و پاتنام و سپس جان وایلی

3. Van Nostrand Reinhold
4. Jossey-Bass

1. John Wiley & Sons
2. Wiley

آنلاین به تاریخچه زندگی وایلی^۱ ایجاد کرده است و گزیده‌هایی از دانش برای نسل‌ها و تالار گفتمان بازدیدکنندگان و کارمندان وایلی را برای ارسال نظرات و حکایات خود ارائه می‌دهد.

در دسامبر ۲۰۱۰، وایلی دفتر خود را در دبی افتتاح کرد. وایلی در سال ۲۰۰۶ فعالیت‌های انتشاراتی خود را در هند برقرار کرد (اگرچه از سال ۱۹۶۶ برای فروش در آنجا حضور داشته است) و از طریق قراردادهای فروش با مؤسسات دانشگاهی در تونس، لیبی و مصر در آفریقای شمالی حضور خود را تثبیت کرده است. در ۱۶ آوریل ۲۰۱۲، شرکت تأسیس را در سائوپائولو، برزیل، از تاریخ ۱ مه ۲۰۱۲، اعلام کرد.

تجارت علمی، فنی و پزشکی وایلی با خریداری انتشارات بلک ول در فوریه ۲۰۰۷ به مبلغ ۱/۱۲ میلیارد دلار، بزرگ‌ترین خرید آن تا آن زمان گسترش یافت. این تجارت ترکیبی، علمی، فنی، پزشکی و علمی (به نام وایلی-بلکول) نیز شناخته می‌شود، به صورت چاپی و آنلاین، ۱۴۰۰ مجله علمی پژوهشی و مجموعه گسترده‌ای از کتاب‌ها، آثار مرجع، پایگاه داده‌ها و کتابچه‌های راهنمای آزمایشگاه را منتشر می‌کند. در علوم زندگی و فیزیک، پزشکی و بهداشت و ایسته، مهندسی، علوم انسانی و علوم اجتماعی. با ابتکار عمل تکمیل پرونده در سال ۲۰۰۷، ۸/۲ میلیون صفحه از محتوای مجله به صورت آنلاین در دسترس قرار گرفته است که مجموعه‌ای مربوط به سال ۱۷۹۹ است. وایلی-بلکول همچنین به نمایندگی از حدود ۷۰۰ انجمن تخصصی و علمی منتشر می‌کند. از جمله انجمن سرطان آمریکا (ACS)، که مجله برجسته ACS را برای آن منتشر می‌کند. جامعه افتخار بین‌المللی پرستاری سیگما تتا و

1. Wiley Living History

انجمن مردم‌شناسی آمریکا. سایر مجلات منتشر شده عبارت‌اند از: شیمی کاربردی^۲، مواد پیشرفته^۳، کبد شناسی^۴، امور مالی بین‌المللی^۵. در ۱۷ فوریه ۲۰۱۲، وایلی اعلام کرد شرکت Inscape Holdings Inc که ارزیابی‌های DISC و آموزش مهارت‌های تجاری بین فردی را ارائه می‌دهد، تصاحب کرده است.

مارک‌های گسترش حرفه‌ای وایلی شامل، For Dummies، Jossey-Bass، Pfeiffer، Wrox Press، J.K. Lasser، Sybex، Fisher Investments Press و Bloomberg Press است. تجارت STMS همچنین با نام Wiley-Blackwell شناخته می‌شود که پس از تملک انتشارات Blackwell در فوریه ۲۰۰۷ شکل گرفت. مارک‌های تجاری شامل کتابخانه Cochrane و بیش از ۱۵۰۰ مجله است.

با ادغام فن‌آوری دیجیتال و رسانه چاپ سنتی وایلی اظهار داشت که در آینده نزدیک مشتریان می‌توانند بدون توجه به رسانه اصلی، در تمام محتوای آن جستجو کنند و محصول سفارشی را در قالب دلخواه مونتاژ کنند. منابع وب همچنین انواع جدید تعاملات ناشر و مشتری را در مشاغل مختلف این شرکت امکان‌پذیر می‌کند. در سال ۲۰۱۶، وایلی همکاری با ناشر دسترسی آزاد هندوای را برای کمک به تبدیل ۹ مجله وایلی به دسترسی کاملاً باز آغاز کرد. در سال ۲۰۱۸ اعلامیه دیگری اعلام شد که نشان می‌دهد همکاری وایلی-هندوای چهار مجله دسترسی جدید کاملاً رایگان را راه‌اندازی می‌کند.

2. Angewandte Chemie
3. Advanced Materials
4. Hepatology
5. International Finance

معرفی کتاب

«تأملاتی در نقد علوم انسانی»

کتاب اول: علوم انسانی در ترازوی نقد

محمد کلهر

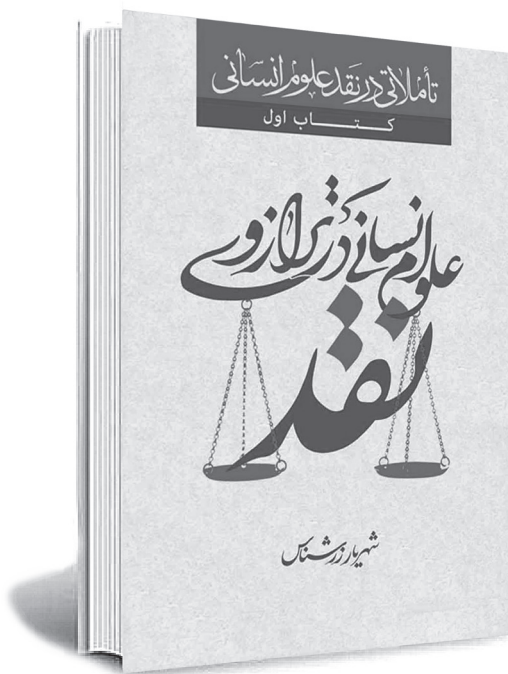
«علوم انسانی در ترازوی نقد» عنوان کتابی به قلم شهریار زرشناس است که در زمستان ۱۳۹۴ چاپ شده و ۵ فصل در ۱۵۲ صفحه را شامل می‌شود.

شهریار زرشناس از منتقدان علوم انسانی مدرن است و اکثر کتاب‌های او حول این محور نگاشته شده. زرشناس البته خودش هم منتقدانی دارد که او را به موضوعاتی همچون کتاب‌سازی، غرب‌ستیزی و تحصیلات نیمه‌کاره در مقطع دکتری متهم می‌کنند؛ با این حال، عضویتش در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

دانسته‌های زرشناس از تاریخ علم مدرن و نقدهایی که به آن دارد و همچنین قرائتش از علوم انسانی اسلامی، انکار ناشدنی است.

زرشناس در کتاب «علوم انسانی در ترازوی نقد» به تبیین آغاز شکل‌گیری علوم انسانی مدرن، ماهیت و جایگاه آن در عالم تاریخی غرب مدرن می‌پردازد و در ادامه، یکی از طرح‌های مهم در مسیر زمینه‌سازی برای سيطرة غرب‌زدگی شبه‌مدرن و سپس نهادینه کردن و بسط آن را به بوته نقد می‌گذارد که همانا پروژه ترویج علوم انسانی مدرن در ایران و نهادسازی برای آن است.

زرشناس معتقد است: از وجوه علوم انسانی در روزگار ظهور بحران غرب جدید پدیدار شده و به همین دلیل،



از این رو در بحث از آنچه به علوم انسانی معروف شده است باید توجه داشت که موضوع این علوم انسان نیست موضوع علوم انسانی امور انسانی نشأت گرفته از شئون وجودی بشر متجدد است. اموری چون سیاست و سیاسیات، اجتماعیات و زندگی اجتماعی اقتصاد و معاش و مناسبات معیشتی، قواعد و احکام و نظام‌های حقوقی، امر تعلیم و تربیت و مباحث فرهنگی علم النفس و نفسانیات و جان‌شناسی بشر مدرن و مقولاتی از این دست.

” علوم انسانی و کشورهای نظام سلطه

«پیش‌درآمدی بر علوم انسانی مدرن»، «علوم انسانی مدرن و دوران ظلمانی روشنگری»، «بانیان علوم انسانی مدرن»، «نظام دانشگاهی جدید و پروژه علوم انسانی در ایران» و «ما و علوم انسانی مدرن» عناوین فصول کتاب را تشکیل می‌دهند.

زرنشناس در فصل چهارم با نام بردن از «محمدعلی فروغی، حسن و حسین پیرنیا، علی‌اکبر سیاسی و غلامحسین صدیقی» از آنان به‌عنوان بانیان علوم انسانی مدرن در ایران یاد می‌کند و می‌نویسد: کشورهای اصلی استعمارگر غرب مدرن یک نظام درهم تنیده جهانی پدید آورده‌اند. در مرکز این نظام جهانی چند کشور اصلی سرمایه‌داری امپریالیستی قرار دارند که آن‌ها را می‌توان کشورهای متروپل» (کشورهای بلوک مرکزی نظام سلطه جهانی دولت‌های استعمارگر انگلستان، فرانسه، آلمان، آمریکا، ...) نامید. کشورهای متروپل، مدیریت نظام ظالمانه سلطه استکباری را بر عهده دارند و تقریباً همه جهان را به کشورهای پیرامونی و اقماری خود بدل کرده‌اند. استعمار انگلیس به‌منظور نهادینه کردن و بسط دادن سلطه غارتگرانه خود در ایران نیازمند آن بود که

زرنشناس معتقد است: از وجوه علوم انسانی در روزگار ظهور بحران غرب جدید پدیدار شده و به همین دلیل، از لحظه تولد خود در وضعیت بحرانی قرار داشته است. علوم انسانی مدرن از لحظه تولد گرفتار بحران هویتی بوده و امروز نیز پیش‌ازپیش گرفتار آن است.

از لحظه تولد خود در وضعیت بحرانی قرار داشته است. علوم انسانی مدرن از لحظه تولد گرفتار بحران هویتی بوده و امروز نیز پیش‌ازپیش گرفتار آن است. از مزیت‌ها و ابداعات کتاب «علوم انسانی در ترازوی نقد» این است که سوتیتر دارد، البته نه در میان مطالب بلکه با صورت حاشیه در کنار صفحات و این موضوع، خوانش مطلب و یافتن نکات کلیدی را برای مخاطب، ساده‌تر می‌کند.

به‌عنوان نمونه، برای این مطلب، سوتیتری به‌عنوان «قرن هجدهم، آغاز شکل‌گیری علوم انسانی» درج شده است: سومین شاخه علم پس از جدید علوم انسانی نامیده شده که دیرتر از دو شاخه دیگر علم مدرن (ریاضی-فنی و تجربی) پدیدار شده است. نطفه علوم انسانی در قرن هجدهم (روزگار ظلمانی به اصطلاح روشنگری) منعقد شد و در قرن نوزدهم پایه‌های آن پی‌ریزی گردید و در قرن بیستم بسط یافت و فراگیر شد. از اواخر سده نوزدهم و به موازات به تمامیت رسیدن فلسفه اومانیستی علوم انسانی بسط و توسعه پیدا کرده و به‌واسطه رشته‌های متکثر خود، کوشید تا به نحوی جانشین فلسفه مدرن بحران‌زده و به تمامیت رسیده گردد. موضوع علوم انسانی، «امور نشأت گرفته از شئون وجودی بشر مدرن» است.

آموزش و ترویج علوم انسانی مدرن چه باید باشد، ۸ مؤلفه را برمی‌شمرد:

۱. باید رویکرد و جهت‌گیری غالب و حاکم نسبت به مبادی، اصول، احکام و آثار علوم انسانی به‌عنوان یک کلیت و تک‌تک رشته‌های آن از حالت انفعالی مبتنی بر پذیرش آن به‌عنوان صورتی از علم (که در حال حاضر بر نظام دانشگاهی ما حاکم است) خارج شده و به یک رویکرد و جهت‌گیری کاملاً انتقادی و نقادانه تغییر یابد. بر اساس این جهت‌گیری نقادانه، بر تبیین و روشنگری نسبت به ماهیت سکولار - اومانستی این علوم و نیز بر این امر که علوم انسانی مجموعه‌ای

از مزیت‌ها و ابداعات کتاب «علوم انسانی در ترازوی نقد» این است که سوتیتر دارد، البته نه در میان مطالب بلکه با صورت حاشیه در کنار صفحات و این موضوع، خوانش مطلب و یافتن نکات کلیدی را برای مخاطب، ساده‌تر می‌کند.

از احکام اعتباری دارای مضمون ایدئولوژیک (اغلب لیبرالی و نئولیبرالی) هستند تأکید و تصریح می‌گردد و مصادیق آن در هر رشته درسی به‌طور مشخص و دقیق و صریح ارائه می‌شود.

۲. در چارچوب «جهت‌گیری انتقادی نسبت به علوم انسانی»، جریان آموزش و ایجاد آشنایی با کلیات و امهات این علوم و رشته‌های آن (و در صورت نیاز حتی جریان آموزش جزئیات مباحث تخصصی آن) کم‌وبیش ادامه می‌یابد. اما جهت و ماهیت و کیفیت و سمت‌وسوی آموزش، از هر نوع حالت انفعالی پذیرنده صرف نسبت به آموزه‌ها و مشهورات این

صورت‌بندی سنتی تمدن کلاسیک ایران پس از اسلام را درهم شکنند و به نحوی فرم‌اسیون غرب‌زدگی شبه‌مدرن را جایگزین آن نمایند. فرم‌اسیون صورت‌بندی غرب‌زدگی شبه‌مدرن می‌بایست که در هیئت یک نظام فرهنگی - اجتماعی - سیاسی - اقتصادی و به‌مثابه تجسم تجددمآبی در ایران استقرار یابد و مقام سلطه غرب‌زدگی متجددمآب و تأمین‌کننده مقاصد و منافع استعمار غرب مدرن (با محوریت بریتانیا و سپس آمریکا) در ایران باشد.

کوشش برنامه‌ریزی شده استعمار مدرن از اوایل قرن سیزدهم هجری قمری آغاز شد. در آن زمان انگلستان سرکردگی نظام استکباری را بر عهده داشت. تلاش برنامه‌ریزی شده غرب مدرن برای حاکم کردن غرب‌زدگی متجددمآبانه در ایران با حادثه مشروطه وارد یک نقطه عطف گردید و سرانجام در پی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی رژیم پهلوی به‌مثابه تجسم اراده سیاسی این صورت‌بندی بر کشور حاکم شد. استعمار غرب مدرن و کشورهای اصلی استکباری سرمایه‌داری مؤثر در ایران، از روزگار ناصری به بعد به‌منظور تحقق اغراض خود (تأسیس و حاکم کردن و بسط غرب‌زدگی شبه‌مدرن در ایران در قلمروهای سیاسی و فرهنگی و اقتصادی مختلف) به ایفای نقش و جریان‌سازی و ساخت نهادهای مختلف پرداخت. پروژه ترویج تجددمآبی و نهادسازی فرهنگی آموزشی برای آن در ایران، پیش از تأسیس مدرسه علوم سیاسی با راه‌اندازی «دارالفنون» آغاز شده است.

”نسبت ما و علوم انسانی مدرن

زرشناس در فصل پنج کتاب خود، ضرورت تحول در علوم انسانی دانشگاهی را یادآور می‌شود و در پاسخ به اینکه موضع ما نسبت به علوم انسانی و نظام آکادمیک

علوم، به نحوی وضعیت انتقادی تمام‌عیار و نقادانه (تحلیل و نقد و انتقاد ملهم از حکمت اسلامی و کلام و فقه شیعه) تغییر می‌یابد. بر این اساس مبادی و اصول و کلیات رشته‌های علوم انسانی (و در صورت نیاز تک‌تک احکام و قضایا و اعتبارات و دقایق جزئی عنوان شده در این رشته‌ها) از منظر اسلامی-انقلابی مورد تحلیل نقادانه قرار می‌گیرد.

۳. در پروسه تغییر نگرش آموزشی به علوم انسانی (و جایگزین کردن نحوی رویکرد نقادانه مبنایی) و فرآیند و نحوه تدریس در دانشگاه‌ها، باید کوشش شود

در تبیین و بررسی نسبت ما با علوم انسانی مدرن به این نکته بسیار مهم باید توجه کرد که در وضع کنونی کشور و جهان (که وضع دوران گذار است) ما باید که در نسبت با علوم انسانی و نیز در نسبت با بسیاری از دیگر مظاهر و شئون غرب مدرن، موضعی مبتنی بر تعامل انتقادی تصرف‌گرانه در پیش بگیریم.

تا دانشجویان مستعد و علاقه‌مند و با‌انگیزه در فرآیند نقادی اصول و فروع دروس و متون و آموزه‌های علوم انسانی سهیم و شریک گردند و میدانی برای ظهور خلاقیت‌ها و ظرفیت‌های نقادانه و خلاف مشهورات مدرنیستی‌شان پدیدار شود.

۴. در پروسه ایجاد تحول و تصرف‌گری انقلابی-اسلامی در علوم انسانی مدرن و حاکم کردن نحوی آموزش انتقادی تصرف‌گرانه نسبت به آموزه‌های این علوم، باید به سمتی رفت که تدریجاً کتب و جزوات و مقالات آموزشی متعدد و متنوع و متکثری نگاشته

و منتشر شود که محتوای مشترک فراگیر همه آن‌ها معطوف به ارائه منسجم و مدون و مکتوب و هدفمند نحوی نسبت نقادانه و مرزبندی آگاهانه با علوم انسانی و رشته‌های آن در کلیات و نیز در جزئیات مقتضی و مورد لزوم (از منظر هویت اسلامی و اعتقاد و تعهد و دلدادگی به آرمان‌های انقلاب اسلامی و جوهر ولایتی آن) باشد. به نحوی که تدریجاً بتوان این کتب و جزوات و متون را به‌عنوان متون درسی این رشته‌های آموزشی، جایگزین متون تماماً مدرنیستی و مطلقاً مروج و مبلغ مشهورات علوم انسانی کنونی رایج در دانشگاه‌ها نمود. ۵. در تبیین و بررسی نسبت ما با علوم انسانی مدرن به این نکته بسیار مهم باید توجه کرد که در وضع کنونی کشور و جهان (که وضع دوران گذار است) ما باید که در نسبت با علوم انسانی و نیز در نسبت با بسیاری از دیگر مظاهر و شئون غرب مدرن، موضعی مبتنی بر تعامل انتقادی تصرف‌گرانه در پیش بگیریم. مشخصه اصلی چنین نسبتی با علوم انسانی مدرن در این است که ضمن استمرار پروسه آموزش و فراگیری علوم انسانی و برخی رشته‌های آن (که ممکن است در مواردی نیازمند این فراگیری و آموزش باشیم) این آموزش باید حتماً صورت انتقادی و گزینشی مبتنی بر معیارها و موازین دینی و اعتقادی و هویت انقلابی داشته باشد و اگرچه در شرایط دوران گذار کنونی نمی‌توانیم مدعی عبور کامل از علوم انسانی مدرن باشیم اما همین نسبت مبتنی بر تعامل انتقادی تصرف‌گرانه با علوم انسانی و انجام فرآیند آموزش دانشگاهی آن (نه به‌صورت گسترده و بی‌بندوبار و غیرضروری‌ای که در دهه‌های اخیر وجود داشته است، بلکه به‌صورت کاملاً گزینشی و حساب‌شده و با لحاظ کردن نیازها و ضرورت‌ها و آن هم به نحو نه‌چندان گسترده) نیز وجه غالب و اصلی و برجسته و

با آکادمیسین‌های منفعل و مرعوب و مجذوب مشهورات مدرنیستی است تکنوکرات - بوروکرات‌های آکادمیسین در وضع فعلی دانشگاه‌ها با ایجاد نوعی اختناق فکری و استبداد فرهنگی به نفع مشهورات علوم انسانی به خلاقیت کشی و تفکرستیزی و ترویج دانسته یا نادانسته سکولاریسم اومانستی مشغولند.

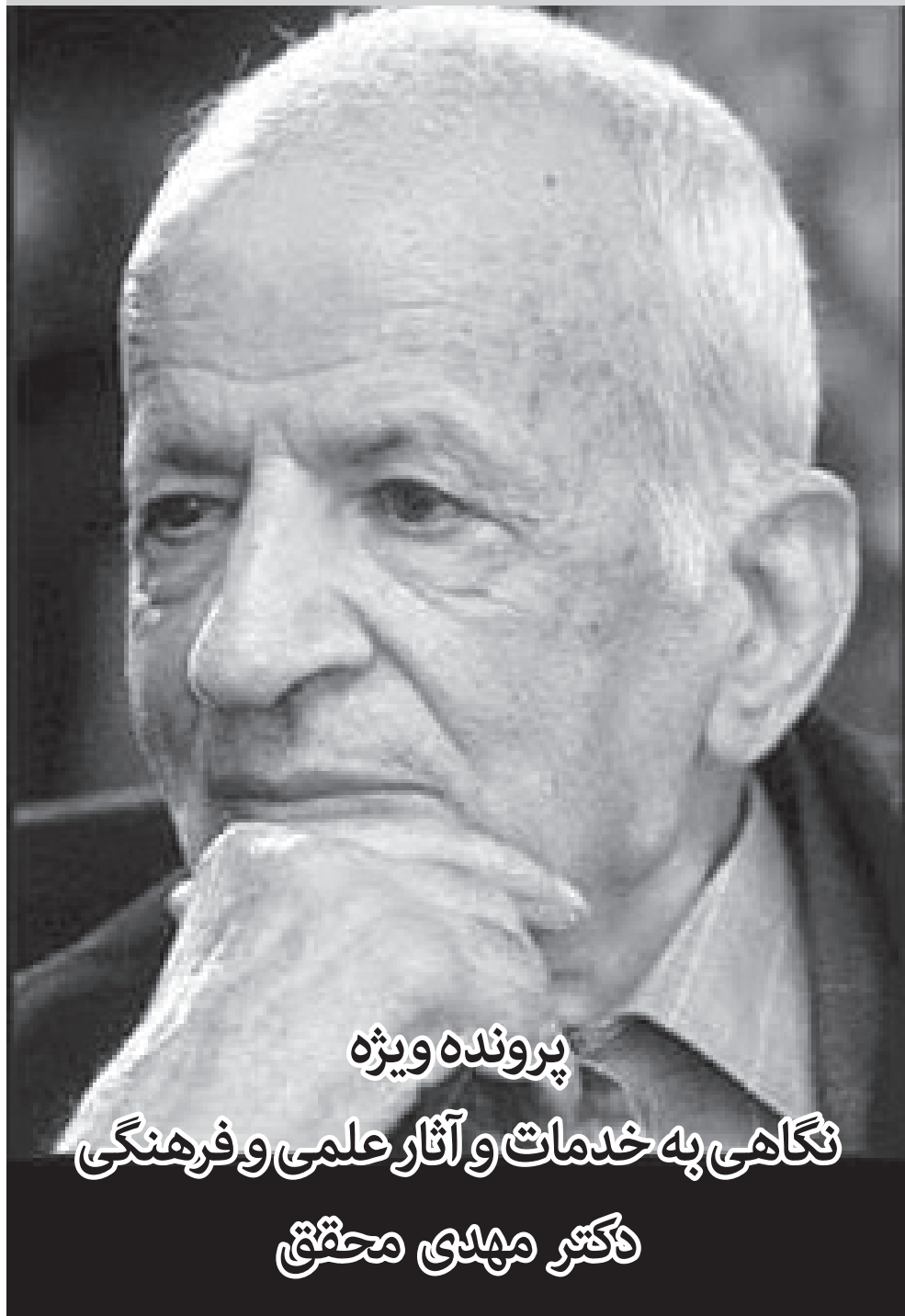
۸. حقیقت این است که قرار گرفتن امت اسلامی ایران در دوران گذار تاریخی از بربریت غرب‌زدگی شبه‌مدرن که همراه است با آغاز گذار تاریخی همه بشریت در مقیاس جهانی از زندان استکباری عالم مدرن، حکایت‌گر آن است که امکان تاریخی در پیشگیری موفق طرح تعامل نقادانه و تصرف‌گری انتقادی در علوم انسانی کاملاً وجود دارد و با توجه به شرایط دوران گذار که در آن به سر می‌بریم آغاز و پیشبرد و (ان‌شاءالله) به ثمر رساندن این طرح، اساساً یک ضرورت و نیاز فوری و عاجل و حیاتی است که در آن تردید نباید کرد. اما اجرا و پیشبرد این طرح البته امری بسیار دشوار است و نیازمند به‌کارگیری مجموعه گسترده‌ای از امکانات و ظرفیت‌ها و از آن مهم‌تر عزم و همتی جهادی است. البته این وعده الهی است که اگر ما در مسیر حق با خلوص نیت گام برداریم، لطف و عنایت الهی مددکار و تلاش ما و موجب توفیق آن خواهد شد.

استعمار انگلیس به‌منظور نهادینه کردن و بسط دادن سلطه غارتگرانه خود در ایران نیازمند آن بود که صورت‌بندی سنتی تمدن کلاسیک ایران پس از اسلام را درهم شکند و به نحوی فرم‌اسیون غرب‌زدگی شبه‌مدرن را جایگزین آن نماید.

جهت حاکم باید جهت انتقادی تصرف‌گرانه نسبت به این علوم و آموزه‌های آن‌ها باشد. اساس این رویکرد انتقادی نیز مبتنی و متذکر بر تفکر و آموزه‌های قدسی اسلامی است.

۶. این پروسه آموزش انتقادی و نقادانه و تصرف‌گری انتقادی در علوم انسانی، نقطه آغاز حرکت ما در مسیری است که غایت آن همانا رسیدن به علم دینی و رهایی تمام‌عیار از علوم انسانی و علوم طبیعی و فنی مدرن است. البته مشخص است که تحقق این غایت مطلوب، فقط در بستر تحقق تام و تمام عالم دینی و به‌موازات آن است که فعلیت می‌یابد.

۷. بی‌تردید انجام طرح بزرگ تحول در علوم انسانی بر پایه در پیشگیری نحوی تعامل نقادانه و تصرف‌گری انتقادی در علوم انسانی مدرن، نیازمند نگارش کتب و مقالات و جزوات تئوریک و پژوهشی متعدد و متنوع؛ و تغییر ساختمان و ساختار کنونی نظام آموزش دانشگاهی علوم انسانی و سرفصل‌ها و سیلابس‌های درسی بسیاری از رشته‌ها و انجام دگرگونی‌های مبنایی در آن‌ها، تربیت مجموعه گسترده‌ای از اساتید معتقد به انجام و پیشبرد طرح تعامل نقادانه و تصرف‌گری انتقادی در علوم انسانی و دارای توان علمی لازم برای پیشبرد این طرح و جایگزین کردن این اساتید



پرونده ویژه

نگاهی به خدمات و آثار علمی و فرهنگی

دکتر مهدی محقق

نگاهی بر زندگی دکتر مهدی محقق

بی‌کرانه‌ای از دانش و معرفت

امیر طاها بینام

در سال ۱۳۱۷ به تهران منتقل شد و تحصیلات خود را در سطح ابتدایی و متوسطه از سر گرفت. وی از سال ۱۳۲۳ شروع به تحصیلات حوزه‌ای کرد و برای استفاده از محضر استادان بزرگ در سال‌های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ به مشهد آمد و در مدرسه نواب شروع به فراگیری علوم حوزوی در حوزه‌های علمیه مشهد و تهران شد. وی تا مرحله اجتهاد در این علوم پیش رفت و موفق به اخذ درجه اجتهاد از آیت‌الله محمدحسین کاشف‌الغطاء و آیت‌الله محمدتقی خوانساری شد.

” زندگی آکادمیک، از دانشگاه تهران تا دانشگاه مک‌گیل کانادا

محقق در سال ۱۳۲۷ وارد دانشگاه تهران شد و دوره دکتری الهیات را در سال ۱۳۳۷ به پایان رساند. وی در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۹ پس از شرکت در آزمون دانشیاری به عضویت هیئت آموزشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران درآمد.

وی پیش از آن، به مدت نه سال در دبیرستان‌های تهران تدریس کرده بود که مدت سه سال از آن مدیر بخش کتب خطی کتابخانه ملی فرهنگ هم بود. محقق در سال ۱۳۴۰ از طرف دانشگاه لندن دعوت به تدریس

مهدی محقق (متولد ۱۰ بهمن ۱۳۰۸ خورشیدی) نویسنده، علامه، ادیب، فقیه، مجتهد، فیلسوف، نسخه‌پژوه و پژوهشگر تاریخ پزشکی اسلامی، مصحح و شارح کتب ادبی و فلسفی و فقهی، استاد دانشگاه تهران در تاریخ ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۰۸ شمسی دیده به جهان گشود. وی اصالتی دامغانی از خاندان محقق دارد و در شهر مشهد به دنیا آمده است.

محقق دارای مدرک دکتری الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران و دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است. وی بنیان‌گذار دائرةالمعارف تشیع و عضو هیئت‌امنانی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی و رئیس اسبق انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مدیر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک‌گیل و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

” مهدی محقق، از تولد در خانواده‌ای مذهبی تا اخذ درجه اجتهاد

مهدی محقق در روز دهم بهمن ۱۳۰۸ خورشیدی در مشهد در خانواده‌ای روحانی و اصالتاً دامغانی به دنیا آمد. پدرش حاج شیخ عباسعلی محقق خراسانی و پدر بزرگش ملا بمانعلی محقق دامغانی بود. مهدی محقق تا نه سالگی در آن شهر زندگی می‌کرد و سپس

کوالا لامپور و در مجموعه «اندیشه اسلامی» منتشر شده است. وی همچنین به دعوت دانشگاه آکسفورد یک ماه در سال در آنجا به تحقیق و مطالعه درباره تاریخ پزشکی مشغول بوده و برخی از استادان را در راهنمایی رساله‌های دکتری در زمینه علوم اسلامی یاری کرده است.

” زندگی محقق پس از انقلاب اسلامی

محقق پس از انقلاب اسلامی به ریاست دانشکده دماوند منصوب شد و پس از آن در سال ۱۳۶۱ سازمان دائرةالمعارف تشیع را پایه‌ریزی کرد. وی همچنین پس از انتصاب به عضویت هیئت امنای بنیاد دائرةالمعارف اسلامی در سال ۱۳۶۲ مدت دو سال به‌عنوان مدیرعامل آن نهاد را سازمان‌دهی و اداره کرد. وی بعد از بازنشستگی در دوره‌های فوق‌لیسانس و دکتری دانشگاه‌های مشهد، اصفهان، امام صادق (ع)، الزهراء، تربیت مدرس، تربیت معلم و دانشگاه آزاد اسلامی کرج تدریس و دانشجویان را در نوشتن رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری راهنمایی کرد. وی در زبان و ادبیات فارسی و عربی به‌عنوان یک استاد تراز اول محسوب می‌شود و در زبان انگلیسی نیز می‌نویسد و سخنرانی می‌کند.

” عضویت در مجامع و گروه‌های علمی در ایران

محقق سابقه عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی را دارد و همچنین عضو هیئت امنای انجمن فلسفه ایران است. وی در سال ۱۳۶۲ نیز عضو هیئت امناء و مدیرعامل بنیاد دائرةالمعارف اسلامی بوده است. وی در بنیاد پژوهش‌های اسلامی به‌عنوان سرپرست گروه فلسفه و کلام فعالیت کرده و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بوده است. عضویت وابسته در فرهنگستان علوم پزشکی (گروه

در دانشکده مطالعات مشرق زمین و آفریقا شد و به مدت دو سال در آن کشور زندگی کرد. وی در سال ۱۳۴۵ به مقام استادی دانشگاه رسید و تا سال ۱۳۶۱ که بازنشسته شد، با همان سمت در گروه‌های زبان و ادبیات فارسی و عربی و فلسفه و علوم اجتماعی دانشگاه اجتماعی تهران به تدریس درس‌های مختلف پرداخت.

وی طی سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۴۴ و ۱۳۵۷-۱۳۵۵ و ۱۳۶۱-۱۳۶۰ در دانشگاه مک‌گیل کانادا به تدریس فلسفه و کلام و عرفان اسلامی پرداخت و در سال ۱۳۴۷ شعبه مؤسسه مطالعات اسلامی آن دانشگاه را در تهران تأسیس کرد و نتیجه آن نشر بیش از شصت اثر نفیس در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است که با همکاری بیش از سی تن از استادان داخل و سی تن از استادان خارجی در دو مجموعه «سلسله دانش ایرانی» و «تاریخ علوم در اسلام» فراهم آورد و به جامعه علمی تقدیم کرد.

محقق در سال ۱۳۵۳ به‌عنوان رئیس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد و با استفاده از امکانات مؤسسه مطالعات اسلامی ده اثر به استادان آن رشته تقدیم کرد. او همچنین در همین سال به‌عنوان عضو هیئت امناء با انجمن فلسفه همکاری کرد و در نشر آثار علمی دانشمندان شیعی ایرانی به‌وسیله آن انجمن در این توفیق علمی سهیم شد. وی پس از بازنشستگی سالی سه ماه در کانادا به مدت پنج سال تدریس کرد و پس از آن هم پنج سال در مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی به‌عنوان «استاد ممتاز فلسفه اسلامی» به تدریس و تحقیق مشغول بود.

او در این مدت به انتشار مجموعه‌ای از متون و تحقیقات در زمینه علوم اسلامی پرداخت و که تاکنون دوازده جلد از آن به‌وسیله آن مؤسسه در تهران و

وی به شمار می‌رود.

وی سابقه برگزیده شدن به‌عنوان چهره ماندگار سال ۱۳۸۰ را دارد و موفق به کسب درجه «استاد ممتاز فلسفه اسلامی» از سوی مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی کوالالامپور مالزی در سال ۱۹۹۳ شده است. محقق همچنین نشان درجه دو دانش را در سال ۱۳۷۹ دریافت کرده و همچنین موفق به دریافت نشان درجه یک ادب فارسی در سال ۱۳۸۲ شده است. مهدی محقق فرد برگزیده جایزه علمی علامه طباطبایی و بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۰ است در سال ۱۳۹۳ نیز برنده جایزه بنیاد البرز به‌عنوان دانشمند برتر شده است.

در سال ۱۳۹۶ نیز مراسم تکریم وی توسط بنیاد نخبگان استان تهران با حضور چهره‌های علمی و فرهنگی کشور، شاگردان ایشان و استعدادهای برتر برگزار شد و از این استاد فرهیخته تقدیر به عمل آمد. وی در طول زندگی خود شاگردانی نظیر علی موسوی گرمارودی، بهاء‌الدین خرمشاهی، کامران فانی، عباس ماهیار، بهروز ثروتیان، احمد احمدی، حسن انوری، قاسم انصاری، حسین معصومی همدانی، قدمعلی سرامی و علی رواقی داشته است.

همچنین افرادی مانند علی‌اشرف صادقی، احمد تمیم داری، علی‌اصغر دادبه، سعید حمیدیان، محمدجعفر یاحقی، حسن حبیبی، ابوالفضل صوفی و محمد آبادی سابقه شاگردی وی را داشته‌اند.

” تألیفات و تصحیحات مهدی محقق

کتاب‌های او اعم از تألیف و ترجمه و تصحیح و مجموعه مقالات به ۸۰ اثر می‌رسد. وی همچنین در کنار آن ۱۳۰ مقاله ترجمه‌شده از زبان فارسی به عربی دارد و همچنین ۳۵ مقاله انگلیسی را نیز به زبان فارسی ترجمه کرده است. این مقالات در

طب اسلامی) و عضویت شورای علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی از دیگر مواردی است که در کارنامه وی دیده می‌شود. وی همچنین سرپرست گروه پژوهش‌های طب اسلامی وزارت بهداشت در سال ۱۳۷۵ بوده است و به‌عنوان یکی از اعضای شورای عالی پژوهش‌شکده تاریخ علم نیز شناخته شده است. وی در قامت تحریر سردبیر فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام (پژوهش‌شکده تاریخ اسلام) بوده است.

” مهدی محقق در مجامع علمی بین‌المللی

محقق سابقه فعالیت در مجامع بین‌المللی تاریخ پزشکی لندن و مجمع بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی مادرید را دارد. همچنین عضویت در فرهنگستان‌های زبان عرب مصر (مجمع اللغة العربیه)، علوم اسلامی هند (المجمع العلمی الهندی)، زبان عرب دمشق (مجمع اللغة العربیه بدمشق) و مباحث علوم و تمدن اسلامی اردن (المجمع الملکی) نیز در کارنامه وی دیده می‌شود. وی سابقه فعالیت در مجمع بین‌المللی تاریخ علم و فلسفه عربی و اسلامی در پاریس را دارد و عضو هیئت تحریریه مجموعه متون و تحقیقات مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن بوده است.

” مهدی محقق، جوایز و افتخارات

وی در سال ۱۳۴۹ موفق به دریافت لوح تقدیر بهترین کتاب برای تألیف کتاب «فلسوف ری، محمد بن زکریای رازی» شد و همچنین با دریافت لوح تقدیر جایزه بهترین کتاب سال برای تصحیح کتاب «مفتاح الطب» و ترجمه آن به فارسی و انگلیسی را در سال ۱۳۶۹ از آن خود کرد. همچنین دریافت لوح تقدیر و جایزه بهترین کتاب دوازدهمین جشنواره خوارزمی برای تألیف کتاب «تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران» در سال ۱۳۷۷ نیز از دیگر افتخارات

تبریزی، فیلسوف ری، محمدبن زکریای رازی، الاسنله و الاجوبه، پرسش‌های ابوریحان بیرونی و پاسخ‌های ابوعلی سینا، حدوث العالم، عمر بن غیلان مع الحکومه فی حجج المثبتین للماضی مبدأ زمانیا، الشیخ الرئيس ابو علی سینا، شرح حکمة الاشراق سهروردی، قطب‌الدین شیرازی، شرح منظومه حکمت، ملا هادی سبزواری، بخش امور عامه و جوهر و عرض، با مقدمه فارسی و انگلیسی و فرهنگ اصطلاحات فلسفی، به اهتمام توشی هیکو ایزوتسو و مهدی محقق، تعلیقه میرزا مهدی آشتیانی بر شرح منظومه حکمت، به تصحیح عبدالجواد فلاطوری و مهدی محقق، کتاب القیسات، میرداماد به اهتمام مهدی محقق، ترجمه انگلیسی شرح منظومه حکمت سبزواری، قسمت امور عامه و جوهر و عرض، به‌وسیله مهدی محقق و توشی هیکو ایزوتسو، شرح الاهیات من کتاب الشفاء، ملا مهدی نراقی و شرح منظومه حکمت سبزواری، بخش الاهیات بالمعنی الاخص، با مقدمه فارسی و انگلیسی و فرهنگ اصطلاحات فلسفی همه و همه در زمره آثار وی به حساب می‌آیند.

کتبی نظیر الدراسه التحلیلیه لکتاب الطب الروحانی محمد بن زکریای رازی به زبان عربی و فارسی و انگلیسی، منطق و مباحث الفاظ، به اهتمام پروفیسور توشی هیکو ایزوتسو و مهدی محقق، مجموعه سخنرانی‌ها و مقاله‌ها در فلسفه و عرفان اسلامی، به اهتمام مهدی محقق و هرمان لندلت، هزار پانصد یادداشت در مباحث لغوی و ادبی و تاریخی و فلسفی و کلامی و تاریخ علوم در تاریخ پزشکی اسلامی، الشکوک علی جالینوس، با تصحیح و مقدمه عربی و انگلیسی و فارسی و بستان‌الاطبا و روضة‌الالباب، ابن مطران، ترجمه و تلخیص در آثار وی دیده می‌شوند و دیگر آثار این پژوهشگر نیز شامل التصریف لمن عجز

مجلات دانشگاه‌های ایران و نشریات علمی کشور و همچنین در مجلات علمی کشورهای انگلستان، فرانسه، آمریکا، ایتالیا، هلند، ترکیه، مصر، اردن، لبنان، سوریه، افغانستان، پاکستان و هندوستان چاپ و منتشر شده است. آثار وی نظیر صرف و نحو و قرائت عربی در سه مجلد به تألیف مهدی محقق و سید جعفر شهیدی، قرائت و دستور زبان و تاریخ ادبیات فارسی به تألیف مهدی محقق و سعید نفیسی و دیگران، تفسیر کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، مقدمه و تصحیح و تعلیقات و جوه قرآن، حبیش تفلیسی، مقدمه و تصحیح لسان‌التنزیل، آرام نامه، مجموعه مقالات علمی و ادبی تقدیم شده به استاد احمد آرام، اشترنامه عطار، (تصحیح و مقدمه و تعلیقات)، پانزده قصیده از ناصر خسرو، (با حواشی و مقدمه و تعلیقات)، تحلیل اشعار ناصر خسرو، نظام‌نامه سیاست، خواجه نظام‌الملک طوسی (تصحیح و تعلیقات)، دیوان غزلیات و رباعیات فتاحی نیشابوری، یادنامه ادیب نیشابوری، گزارش نخستین مجلس علمی انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و همایی‌نامه از آثار وی هستند که در کارنامه وی دیده می‌شوند.

همچنین نصاب انگلیسی یا زبان‌آموز سنتی ایران (مشمتمل بر واژه‌های انگلیسی با معادل فارسی و عربی)، معتمدالدوله فرهاد میرزا به اهتمام مهدی محقق گردآوری شده و فرهنگ و لغات و ترکیبات و تعبیرات دیوان ناصر خسرو، در دو جلد، دیوان ناصر خسرو، (تصحیح انتقادی با فهرست و مقدمه)، شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو، جلد اول، شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو، جلد دوم، شرح سی قصیده از ناصر خسرو، مقدمه‌الادب، جارالله زمخشری، در حکمت و فلسفه اسلامی، السیره الفلسفیه زکریای رازی نیز جزو آثار این پژوهشگر است.

شرح بیست‌وپنج مقدمه ابن میمون، ابوعبدالله

آثاری نظیر علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون، گردآورنده مهدی محقق، مفاخرنامه، تألیف مهدی محقق، به اهتمام حمیده حجازی، فهرست توصیفی انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل، طرح تدوین دائرةالمعارف تشیع، شیعه در حدیث دیگران و سومین بیست گفتار یا گزارش سفرهای علمی، نویسنده مهدی محقق از آثار محقق هستند.

” استاد محقق در کلام بزرگان

بهاء‌الدین خرمشاهی درباره استاد می‌گوید: استاد مهدی محقق یکی از بزرگ‌ترین دانشمندانی است که تاریخ ما به خود دیده است. ایشان غیر از اینکه در دو زبان فارسی و عربی استاد تراز اول هستند، در ادبیات فارسی و عربی هم استاد تراز اول محسوب می‌شوند و در زبان انگلیسی نیز می‌نویسند و سخنرانی می‌کنند. استاد محقق در ایران در ۴۰ سال‌مان علمی، ادبی و زبانی فعالیت می‌کند. ما به‌جز ایشان استاد دیگری نداشته‌ایم که هم استاد ادبیات باشد و هم استاد تاریخ طب اسلامی. چند سال پیش تصمیم گرفتیم جشن‌نامه‌ای درباره ایشان تهیه کنیم، فقط نامه نوشتیم، اما ۸۰ مقاله تراز اول به چهار زبان عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسه در موضوعات بکر و بدیع دریافت کردیم که در دو جلد تهیه شد.

همچنین **کامران فانی** بیان می‌دارد: دکتر محقق از برجسته‌ترین چهره‌های علمی، ادبی و فرهنگی کشور ما هستند. دکتر محقق واقعاً معلم هستند و با شور و شوق درس می‌دهند. ایشان شیوه بدیعی در تدریس داشتند و زبان عربی را از طریق ادبیات و شعر به ما آموختند. محقق اولین کسی بود که فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی را تهیه کرد که بعدها به همت استاد انوار در ۱۰ جلد به چاپ رسید. دکتر محقق

عن التألیف، ابوالقاسم زهراوی، ترجمه مهدی محقق و احمد آرام، یادگار (در دانش پزشکی و داروشناسی)، سید اسماعیل جرجانی، (با تصحیح)، رساله ابی ریحان فی فهرست کتب الرازی، ترجمه فارسی، فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های کتاب‌های بیرونی از ابوریحان بیرونی و المشاطه لرساله الفهرست از ابواسحاق غصنفر تبریزی (با تصحیح و ترجمه و تعلیقات) می‌شوند.

همچنین در آمدی بر دانشنامه پزشکی در اسلام و ایران (فهرست الفبایی اصطلاحات پزشکی و داروشناسی)، ابن هندو، پزشکی و فیلسوف طبرستانی و کتاب مفتاح‌الطب او، با مقدمه‌ای درباره علم پزشکی در اسلام و ایران، مفتاح‌الطب و منهاج‌الطلاب، ابن هندو، به اهتمام مهدی محقق و استاد محمدتقی دانش‌پژوه، تلخیص و ترجمه فارسی و انگلیسی و فهرست اصطلاحات پزشکی، رساله حنین بن اسحق به علی بن یحیی درباره آثار ترجمه شده از جالینوس، ترجمه فارسی و مقدمه انگلیسی و فارسی، مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در ایران و اسلام، طب روحانی رازی، تلخیص و ترجمه در کلام اسلامی، اسماعیلیه، تألیف مهدی محقق، انتشارات اساطیر، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، شیخ مفید، الباب‌الحادی عشر للعلامة الحلی، مع شرحیه النافع یوم الحشر فی شرح باب‌الحادی عشر، مقداد بن عبدالله السیوری، و مفتاح‌الباب ابوالفتح بن مخدوم الحسینی العربشاهی، به اهتمام مهدی محقق، کتاب الاصلاح، ابو حاتم رازی.

در فقه و اصول، منظومه فی اصول الفقه، شمس‌العلماء قریب‌گرکانی، معالم‌الاصول، شهید ثانی و اوامر و نواهی از کتاب معالم‌الدین و ملاذالمجتهدین، شهید ثانی، و فرهنگ اصطلاحات و معادل انگلیسی آن‌ها جزو آثار وی محسوب می‌شوند.

خود، یعنی کتاب جدا نشدند. امید آنکه دوران بگذرد و ایشان با جوانی همواره، ساقی فرهنگ و کتاب باشند. سیدحسین نصر نیز از بزرگی استاد می‌گوید: آقای دکتر مهدی محقق دوست دیرین و همکار قدیمی بنده، یقیناً یکی از برجسته‌ترین و پرکارترین دانشمندان ایران در نیم قرن اخیر در زمینه فرهنگ و معارف اسلامی و زبان و ادب فارسی هستند. تقریباً یک زمان قریب ۵۵ سال پیش با هم وارد دانشکده ادبیات شدیم و از همان سال‌های اول خدمت‌مان در دانشکده، دوستی و مودت بین ما ایجاد شد که تا به امروز باقی است. ایشان معلمی نمونه بود، سخت‌علاقه‌مند به دانشجوی و انتقال دانش به او و دانشمندی توانا که علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، این سعادت را داشت که سال‌ها طلبگی کند و علوم نقلی و عقلی اسلامی را فراگیرد و همین مایه بود که به ایشان بین استادان معاصر و هم‌سن و سال خود شخصیت قابل توجهی بخشید.

مدیریت فرهنگی داشت. ما در «دایره‌المعارف تشیع» شاهد این مدیریت بودیم و دیدیم ایشان چگونه نهادی را بنیاد می‌گذارند. زیر نظر استاد محقق ۱۵۰ کتاب منتشر شده است. ایشان حتی ابایی نداشتند که فرم چاپی این کتاب‌ها را خود به چاپخانه ببرند. استاد معتقد بود باید متون قدیمی را به چاپ برسانیم. **نوش آفرین انصاری، همسر استاد محقق می‌گوید:** نزدیک به نیم قرن پیش با دکتر محقق ازدواج کردم. سعی می‌کنم به این موضوع پردازم که در خانه ما چه گذشت و چه چیز باعث شادکامی، صلح، دوستی و تداوم زندگی ما در کیفیت شد. آنچه من در این باره به آن توجه کرده‌ام، صحبت کردن و سفره همیشه پهن گفت‌وگو در خانه ما بوده است. چند مورد همیشه در زندگی ما تکرار شده و می‌شوند؛ این موارد ذکر خیر، کوشش، ابتکار، معنویت، اندیشه، شادمانی و سخاوت‌مندی هستند. این زندگی توأم با کار و صمیمیت و احترام بود؛ در خانه‌ای که بزرگان علم و ادب و فرهنگ به آن رفت و آمد داشتند و از این رفت و آمدها بهره‌ها حاصل می‌شد. خانه‌ای که همچنان درس به روی دوستان باز است.

مرحوم استاد سیدعبدالله انوار درباره مهدی محقق چنین نظری دارد: امروز برای آنان که با رسائل افلاطون آشنایی دارند، این مجلس عالی درست مفاد رساله «ضیافت» افلاطون را تداعی می‌کند، اما با این فرق که در آن «ضیافت»، هدف تجلیل از آگاتون بود، ولی اهمیت سقراط آن مجلس را به آنجا رساند که در رساله «ضیافت» افلاطون، هرچه آمده از سقراط است نه آگاتون، اما در این مجلس، همه صحبت‌ها درباره استاد محقق است. آشنایی من و استاد محقق به ۶۳ سال پیش بازمی‌گردد؛ که هر دو پای در دشت جنون گذاشته بودیم؛ مراد از دشت جنون همان حیرت است. در تمام منازل سلوک ایشان هرگز از یار دیرینه

در هفت شهر معرفت و عشق

شعری از استاد علی موسوی گرمارودی

به استاد مهدی محقق^۱ و همسرشان خانم دکتر نوش آفرین انصاری



گل چشم می‌گشاید از خواب در زمین
نوزایی غزال ز سویی بین چنین
پاشد نسیم بر سر امواج پُر ز چین
همچون سیاه مشق، ز تکرار حرف سین
اما به خواب نیز نمانده ست یاسمین
گه تیره چون شک است و گهی روشن از یقین

آنک دو روز مانده به آغاز فرودین
نورستن نبات ز یک سونگر چنان
در برکه‌ها براده الماس آفتاب
یک سو سمن ستاده به تکرار در چمن
سوی دگر هنوز اگر ناگشوده چشم
جنبد دو روی برگ صنوبر به دست باد

۱. در بحر مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف مقصور (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات)

صبحی نواز شکوفه سر شاخه می‌دمد
 بر شاخه هر پرنده به شور است در نوا
 هر هفت^۲ کرده باغ ز گل‌های رنگ‌رنگ
 برشانه‌های کوه پرنده‌ی هزار نقش
 یا خلعتی است باز به نوروز باغ را
 این باغ و راغ گرچه بهشتی بهاری‌اند
 اما مرا بهشت دگر در کنار هست
 مردی بهشت سیرت و مردی بزرگوار
 علامه اوستاد سخن‌سنج پاک جان
 دکتر محقق است که دانش رهین اوست
 در چارسوق فلسفه و علم، صیرفی
 در منطق و کلام و به تاریخ طب شرق
 با شعر پارسی و به اشعار تازیان
 نحل است و گر به قطره مکیده ست شهد علم
 شاید که انگبین روان از زبان او

همراه با فلق، چو همان صبح راستین
 بی‌چنگ، می‌نوازد آهنگ رامتین^۱
 یا آنکه چیده است بساطی از هفت سین
 رنگین کمان فکنده به آذین و آفرین
 کز دوش برف‌کننده «زمستانه پوستین»
 نوروز هم بجاست ز جمشید و آبتین^۳
 شاد آنکه با بهشت، همین جاست هم‌نشین
 مردی است از تبار بزرگان علم و دین
 کورا به روزگار بسی کم بود قرین
 کس دیده‌اید، دانش او را بود رهین
 در هفت شهر معرفت و عشق پیش بین
 او اوستاد عالم و ما جمله خوشه‌چین
 گاهی عقاب و گاه بود شیر در عرین^۴
 امروز از او روانه بود جوی انگبین
 زاید ز جان همسر وی نوش آفرین

۱. رامتین: نام شخصی که او را واضع چنگ دانسته‌اند. بن این نام را مصحف رامتین می‌دانند. فخرالدین اسعد گرگانی در ویس و رامین می‌گوید: نشان است این که چنگ بافرین کرد که او را نام، چنگ رامتین کرد (فرهنگ اعلام معین، ص ۵۷۶)

۲. هر هفت: مجموعه هفت نوع آرایش زنانه شامل حنا، زرک، سرخاب، سرمه، سفیداب، غالیه و وسمه. هفت قلم آرایش شفایی گفته است: بی منت گرمابه و مشاطه و هر هفت خوی کرده و آراسته و تازه و تر بود (فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، ص ۸۳۳۷)

۳. رامتین: نام پدر جمشید

۴. عرین: پیشه

پژواک پاره‌ای از منش‌های استادان پیشین در آموزشگری امروزی

برخورداری از ویژگی سفارش شده بزرگان و سرآمدان آموزشگری در فرهنگ اسلامی

تشویق، دلگرم ساختن و انگیزش دانشجو برای پژوهش و دانش‌اندوزی و کارهای نوآورانه

محمدحسین ساکت

که گهواره اسلام نام گرفته است - شبه جزیره عربستان - و نه پیشینه دانش و هنر داشته و نه نشانه‌هایی از فرهنگ و تمدن، دانش و آگاهی ارج و بهایی یافت همسنگ و هم‌تراز کشورها و جامعه‌های فرهنگمند و تمدن‌ساز جهان باستان آن روز؟ و به‌گونه‌ای باورنکردنی و چشمگیر، پندارهای تیره‌وتار و باورهای خانمان‌سوز را شکافت و برانداخت و به چهره پدیده‌ای شگرف و پایا در آمد و به‌سوی چکاد دانش، شناخت، آگاهی، اندیشه‌گری، خردپروری و هنرگستری شتافت؟

از جایی سخن به میان می‌آید که سرزمین پرخاشگری، پیکارهای درازدامن قبایل، سبک‌سری و کینه‌توزی بود و واژه «جاهلیت» را بر پیشانی کهن و تاریخی‌اش نقش بسته بود - نه به معنای نادانی و ناآگاهی و بی‌دانشی که تند و خشونت و پرخاش. واژه «جهل» و «جاهلیت» و «جاهل» درست رویاروی «حلم» و «حلیم» (شکیبایی، بردباری، آرامی، مهربانی، پایداری، گذشت و چشم‌پوشی). در بیت زیرین از شعر عمرو بن کلثوم، شاعر چیره‌دست جاهلی، با این مفهوم بیشتر آشنا می‌شویم

الا! لایجهلن احدٌ عَلَیْنَا فنجهلَ فوق جهل الجاهلینا!

شاعر کاری به نادانی و ناآگاهی و بی‌دانشی ندارد، سختی، تند، خشم، خشونت و سبک‌سری و

محمدحسین ساکت نویسنده، مترجم و پژوهشگری است که در ۲ رشته حقوق (شاخه‌های مختلف آن) و اسلام‌شناسی (به‌ویژه تاریخ تعلیم و تربیت و نهادهای آموزشی مسلمانان) فعالیت‌های علمی چشمگیری داشته، تاکنون آثار متعددی تألیف و ترجمه کرده و آن‌ها را به دست نشر سپرده است. بسیاری از کتاب‌ها و مقاله‌های او به‌عنوان منبع و مرجعی بی‌بدیل در اختیار پژوهشگران و دانشجویان قرار گرفته است. «درباره فردوسی و شاهنامه»، «شعر فارسی و تمدن اسلامی در ایران»، «جایگاه‌های دانش در جهان اسلام» و «دادرسی در حقوق اسلامی؛ سرشت و سرگذشت نهاد دادرسی و سازمان‌های وابسته از آغاز تا سده سیزدهم هجری» و «تاریخ آموزش در اسلام» عنوان‌های بخشی از آثار محمدحسین ساکت اعم از تألیف و ترجمه است.

یکی از چیستان‌هایی که رگ و ریشه آن هنوز ناشناخته مانده است این‌که چه گونه در سرزمین و میان مردمی



چشمگیری داشته است.

پیامبر خدا (ص) دانشیان را وارثان پیامبران نامید.^۳ یکی از ویژگی‌های پیامبران و به‌ویژه پیامبر اسلام بردباری، شکیبایی، چشم‌پوشی از لغزش‌های پیروان و مردم جامعه خود بود. با یک قیاس منطقی به این دستاورد می‌رسیم که اگر دانشمندان بخواهند به ویژگی‌های پیامبر دست یابند و در شمار ارث بران اندوخته‌های معنوی و اخلاقی آنان درآیند ناگزیر باید به بردباری، چشم‌پوشی و شکیبایی (حلم) آراسته شوند. از امام علی (ع) بازگو شده است که: «هَتَفَ الْعِلْمُ بِالْعَمَلِ ← دانش با کنش و کردار، بانگ شادی سر می‌دهد؛ اگر پاسخش گوید وگرنه رخت برمی‌بندد».^۴

یکی از سفارش‌های آموزشگران بزرگ، راه آمدن و مدارا کردن استادان و آموزگاران با شاگردان بوده است. این صفت، زاییده‌ها و برخاسته از بردباری است. فرو بردن خشم، چشم‌پوشی و گذشت، رازداری و نادیده گرفتن لغزش‌ها و به رخ نکشیدن لرزش‌ها، از دستاوردهای شکیبایی (حلم) است که در گرایش دانشجو و شاگرد و مردم به نیکوکاری و ارزش‌های اخلاقی نقش‌آفرین است. مردم دوستدار مهر و مهربانی و خوش‌رویی‌اند. اگر دانشمند و استادی با چنین ویژگی‌هایی با دانش‌اندوز، کارآموز و مردم عادی در جامعه برخورد کند، تأثیر ژرف و ماندگاری بر ذهن و دل و زبان و اندیشه آنان برجا می‌نهد.

خداوند در قرآن به پیامبرش هشدار می‌دهد که اگر در سایه مهربانی خداوند با مردم نرم نبودی و سخت‌گیری و سنگدلی می‌نمودی، از پیامون تو می‌گریختند و پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه! (آل عمران/ ۱۵۹).

به اصطلاح زود از کوره در رفتن را به نمایش می‌گذارد. در یک سخن بی‌فرهنگی و نامتمدن بودن و ناخویشتن‌داری را ترسیم می‌کند که در برابر و رویاروی «حلم» است و «حلم» یعنی شهرگرا و متمدن (Civilized).^۱

آنک، اسلام آمد و فریبگانه با «حلم» را در حجاز در کنار «علم» نشاناند و بر زبان پیامبر پاک اندیش خدا (ص) این سخن نشست که: «ازین العلم حلم اهلیه ← آراستگی و آذین دانش به بردباری و سنگینی دارنده آن است» در اینجا واژه‌های علم و حلم با هم آمده‌اند و یک چیز و یکسان دانسته شده است.^۲

یکی از ویژگی‌های سفارش شده در منش و روش آموزشگری و استادی، بردباری و شکیبایی بوده است، چیزی که در شاگرد‌پروری و دانش‌گستری نقش

1. Ignaz Goldziher, "what is meant by Al-Jahiliyya" in Muslim Studies, tr. by C.R. Barber and S.M. Stern, (London, George Allen Unwin LTD, 1967), Vol. 1, PP. 199-208.

برای آگاهی بیشتر و آشنایی با بافت جامعه جاهلی و دادرسی در آن روزگاران، رک: محمدحسین ساکت، دادرسی در حقوق اسلامی، سرشت و سرگذشت نهاد دادرسی و سازمانهای وابسته از آغاز تا سده سیزدهم هجری، تهران، میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲، صص ۵۷-۸۵.

۲. شارل پلا، رساله فی العلم عند العرب (بیروت، دارالکتب الجدید، الطبعة الأولى ۱۹۷۳)، ص ۳۵.

۳. العلماء ورثة الأنبياء. این حدیث صحیح را ابوداود ترمذی، حاکم نیشابوری، ابن حبان از برادران اهل تسنن، و نیز بسیاری از راویان شیعه نقل کرده‌اند.

۴. بکر بن عبدالله ابوزید، حلیة طالب العلم (المملكة العربية السعودية، دار ابن الجوزی ۱۴۲۶هـ)، ص ۱۰۴. این سخن از زبان سفیان ثوری نیز گفته آمده است: ابن عبد البر تهذیب جامع بیان العلم وفضله، ص ۱۴۱.

سعید بن مسیب رفتم، داشت می‌گریست. گفتم: چه چیزی تو را می‌گریاند؟ پاسخ داد کسی نیست از من چیزی بپرسد.^۵

آورده‌اند که سفیان ثوری به شهر عسقلان که رسید چندی درنگ کرد. هیچ انسانی از او نمی‌پرسید. ثوری گفت: «برایم سواری بیاورید که می‌خواهم از این شهر بیرون روم - شهری که در آن دانش جان می‌سپارد.»^۶

از دیرباز پرسش و پاسخ یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی کاربردی در تدریس به شمار می‌آمده است که در هر روزگاری برخی از آموزگاران و استادان از آن بهره می‌گرفته‌اند. سقراط با تأکید بر پرسش و پاسخ، پایه آموزش را برای شاگردانش بنیاد نهاد. امروز نگاه و نگرش به پرسش و پاسخ که در پی راه‌های نوین آموزشگری در جهان معاصر به دست برخی از دانشمندان علوم تربیتی برجسته و پررنگ شده است، یکی از ارکان تدریس است.

گذشته از انگیختن شوق دانستن و برداشت مفاهیم، پرسش از درون پرسشگر و نیازهای آموزش او خبر می‌دهد و حس همکاری او را به نمایش می‌گذارد. در پرتو پرسش و پاسخ است که نیروی فکری، نوآوری، کنجکاوی و توان تجزیه و تحلیل شاگرد بالندگی پیدا می‌کند. هنگامی که استاد می‌بیند شاگردان از گزارش دادن و گزارش شنیدن خسته‌اند پنجره‌ای تازه‌ای برای تدریس می‌گشاید این روزنه همان پرسش و پاسخ است.^۷

همان‌گونه که پیداست، پرسش و پاسخ هوای بردباری، شکیبایی، خوش‌رویی و خوب‌گفتاری را خواستار است. در این راستاست که یکی از ویژگی‌های آموزگار و استاد شایسته را خوش‌رویی و بردباری، مهربانی، و

فروبردن خشم، چشم‌پوشی و گذشت، رازداری و نادیده گرفتن لغزش‌ها و به رخ نکشیدن لرزش‌ها، از دستاوردهای شکیبایی (حلم) است که در گرایش دانشجو و شاگرد و مردم به نیکوکاری و ارزش‌های اخلاقی نقش آفرین است.

از اینجاست که استاد و دانشمند می‌بایست به این اخلاق و منش، یعنی بخشش و چشم‌پوشی و فرو بردن خشم از شاگردی که او را رنجانده و آزرده است آراسته گردد.^۱

اگر به گنجینه‌های آموزشگری مسلمانان سری بزنیم از این مقع گرفته تا زرنوجی، ابن جماعه، غزالی، علی بن احمد عاملی (شهید ثانی) و دیگران، همگان تأکید می‌ورزند که معلم باید به شاگردان مهر ورزد و با آنان چنان رفتار کند که گویا فرزندان خود اویند. استاد باید تنها به دانش و فضل شاگردان تکیه نکند، بلکه به راهنمایی و هدایت آنان نیز رویکردی تمام‌نشان دهد. اگر شاگردی بدرفتاری و لغزش داشت، باید به نرمی و آرامی و خونسردی او را نکوهش و سرزنش کند.^۲ پیداست که در سایه‌ی بردباری (حلم) می‌توان به این ویژگی‌ها دست یافت.

پرسش‌ها و پاسخ‌های گنج‌های دانش‌اند.^۳ امام علی (ع) در برانگیختن مردم به پرسش فرمود: «آیا کسی نیست که پرسد؟ تا آن‌که هم سود برد و هم به هم‌نشینانش سود برساند؟»^۴ عطاء می‌گوید: پیش

۱. یحیی حسن علی مراد، آداب العالم و المتعلم عن المفکرین المسلمین (بیروت دارالکتب العلمیة، الطبقة الاولى ۱۴۲۴ هـ / ۲۰۰۳ م)، ص ۳۶۶، به نقل از اخلاق العلماء آجری.

۲. دکتر احمد شلبی، تاریخ آموزش در اسلام، از آغاز تا فروپاشی ایوبیان در مصر، پارسی کرده محمد حسین ساکت (تهران، نشر نگاه معاصر، ویراست دو، چاپ اول، ۱۳۸۷)، صص ۲۳۴-۲۳۵.

۳. سخنی از گذشتگان ما هر فرج عمارة، مرجحاً بطالب العلم، راجعه اسلام ما هر عمارة (بیروت، دار ابن حزم، الطبقة الأولى ۱۴۲۴ هـ / ۲۰۰۴ م) ص ۳۰۲.

۴. همان، ص ۳۰۲.

۵. ما هر فرج عمارة، مرجحاً بطالب العلم، ص ۲۰۳.

۶. همان ص ۲۰۳. به نقل از تهذیب جامع بیان العلم ابن عدالبر.

۷. احمد عبده خیرالدین، اصول التربية والتعليم (مصر، المطبعة الرحمانية، الطبقة الثانية، ۱۳۴۴ هـ / ۱۹۲۶ م)، صص ۱۲۷-۱۲۹.

شادمان سازی شاگردان دانسته‌اند.^۱

اندوهگینانه باید گفت که صفت بردباری و شکیبایی به‌ویژه هنگام پرسش و پاسخ در بسیاری از آموزشگران و استادان کم‌رنگ شده است. واکنش‌های گفتاری و رفتاری در این باره، انگیزه‌ای در دل‌سردی و گریزان‌دن دانش‌اندوز و دانشجو از دانش و اخلاق خواهد بود. نمونه‌ای از واکنش درست یک استاد در گذشته را با هم می‌خوانیم:

ابو علی تنوخی (م ۳۸۴ ه) گوید: ابن انباری همیشه از بر می‌نویسند و هیچ‌گاه از روی دفتر و جزوه ننویسند. دارقطنی حکایت کرده است که پیش ابن انباری بود و او اسمی را تا درست خواند. با خود گفتم: بسی گران است که استاد چنین لغزشی و اشتباهی کند. با مستملی او آشنا شدم. جمعه بعد آمدم. ابن انباری گفت: نام فلانی را نادرست گفتم و این جوان، درست آن را به ما گوشزد کرد.^۲

در راستای آموزشگری بهینه، سفارش شده است که استاد پس از پایان درس و ترک نشست تدریس، درنگ کند تا به پرسش‌ها پاسخ گوید در این هنگام است که بردباری استاد و آموزشگر بیشتر هویدا می‌شود.^۳

کسانی که پای درس استاد دکتر مهدی محقق نشسته‌اند گواهی می‌دهند که استاد با برخورداری از ویژگی سفارش شده بزرگان و سرآمدان آموزشگری در فرهنگ اسلامی، بردباری، شکیبایی، خوش‌رویی و خوش‌گفتاری را در پاسخ به پرسش‌ها یا بحث‌های علمی و ادبی نشان می‌داد. هیچ فرقی نداشت که استاد محقق در ایران به تدریس می‌نشست یا در کانادا و مالزی، منش و روش نیکو و دلچسب گذشتگان در گفتار و رفتار او نمایان بود. در برابر شاگردان و

شنوندگان، کمتر دیده می‌شد که لبخند از لبانش بگریزد. این همان منش سفارش و تأکید شده پیشینیان است که امروزه در برخی‌ها به چشم نمی‌بینیم و با گوش کمتر می‌شویم.

استاد دکتر محقق هیچ‌گاه در آموختن از مهرورزی دریغ نمی‌کرد. یکی از ویژگی‌های چشمگیر او تشویق، دلگرم ساختن و انگیزش دانشجو برای پژوهش و دانش‌اندوزی و کارهای نوآورانه بود. به یاد دارم در سال ۱۳۵۷-۵۸ که در موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل (McGill) کانادا افتخار نشستن پای درس و شاگردیش را پیدا کردم، پیوسته می‌گفت: کارهای تازه و ابتکاری انجام دهید؛ اگرچه کارهای من سنتی و پیشین است ولی دوست دارم دانشجو به پژوهش‌ها و مایه‌های تازه و نو دست یازد. شایان یادآوری است که در زبان فارسی برای یاد گرفتن و یاد دادن یک واژه داریم: آموختن. آموختن علم یاد گرفتن است (Learning) و علم یاد دادن (Teaching) که در تازی تعلم و تعلیم است. رمز بزرگی در این تک واژه‌ای بسامدی فارسی در پهنه آموزشگری نهفته است و آن این‌که حتی معلم و استاد پیوسته نیازمند یاد گرفتن است. دانش‌اندوزی و دانشجویی مرز و سنی نمی‌شناسد. یکی از منش‌های سفارش شده پیشینیان این بود که «میاسای ز آموختن یک زمان» نیک نفسی، یاری‌رسانی به دانشجو، فروتنی و خاکساری، که پیوسته در میراث فرهنگ و آموزشی آموزشگران پیشین مسلمان بر آن تأکید و تکیه می‌شده است، در رفتار و کردار استاد دکتر محقق هویدا بوده است. الگوپذیری استادان و آموزشگران جوان از این کهن برگ و بار دانشی و آگاهی و اخلاق فرخنده باد و سایه این سرو سهی بر سر دانشیان، دوستان، همگان، دانشجویان و دانشگاهیان و فرهنگیان گسترده ماناد؛

محمدحسین ساکت، امرداد ۱۴۰۲

۱. همو، ص ۵۹.

۲. بدرالدین جماعه، آموزشنامه، فرهنگ فرداهی و فراگیری در اسلام، گزارش و پژوهش محمدحسین ساکت، همراه نقدی از دکتر احمد مهدوی دامغانی (تهران، نشرنی، چاپ دوم، ۱۴۰۱)، ص ۳۵۵.

۳. یحیی حسن مراد، آداب العالم و المتعلم، ص ۴۲.

خاطراتی از مجلس درس دکتر مهدی محقق

گفتارهایی در باب جهد و تلاش در علم‌آموزی

محمد صدر، پزشک و دکترای تخصصی تاریخ پزشکی

ایشان این بود که دو درس نظم و نثر عربی یک سال در میان تدریس می‌شد. در نظم عربی قصیده سقط الزند ابوالعلا معری، لامیه العجم طغریایی، قصیده سینیه بحتری و کتاب الحماسة ابوتمام و در درس نثر عربی کتاب المطول و برخی سال‌ها کتاب المختصر سعدالدین تفتازانی و مقامات حریری



را تدریس می‌کردند.

در درس روش تحقیق و مقاله‌نویسی ایشان همواره مطالب بسیار ارزشمندی در خصوص منبع‌شناسی، تصحیح نسخه‌های خطی و معرفی کتاب‌های امهات در ادبیات و علوم مختلف را افاده می‌کردند. توصیه ایشان این بود که این کتاب‌ها را بشناسید که وقتی به کتابخانه می‌روید آن‌ها را ببینید و نظری بیندازید. کسی که می‌خواهد مقاله بنویسد باید منابع را بشناسد، نه اینکه همه چیز را خودش بداند. مثلاً تواریخ محلی مانند تاریخ نیشابور را بدانید.

علاوه بر این‌ها به مناسبت بحث‌های کلاس اشعار فارسی و عربی و مطالب مختلفی در حوزه‌های تاریخ

کلاس‌های درس استاد عظیم‌الشان دکتر مهدی محقق روزهای چهارشنبه بعدازظهر در ساختمان انجمن آثار و مفاخر فرهنگی واقع در خیابان انقلاب در ساختمان فروردین روبروی سینمای سپیده از ساعت ۳ الی ۶ عصر تشکیل می‌شد. شرکت‌کنندگان این کلاس‌ها دانشجویان دکتری ادبیات فارسی و شماری

از علاقه‌مندان و شاگردان چندساله ایشان بودند. این کلاس‌ها شامل درس نظم و نثر و در برخی سال‌ها مقاله‌نویسی بود. این جانب از سال ۱۳۸۴ توفیق حضور در این کلاس‌ها و استفاده از محضر ایشان را پیدا کردم. در مدت‌زمانی که برای تحصیل به کشور فرانسه رفته بودم با اینکه از طریق تلفن از راهنمایی‌های ایشان بهره‌مند می‌شدم از شرکت حضوری در کلاس‌های ایشان محروم شده بودم. با برگشت از فرانسه خداوند توفیق بهره‌مندی از کلاس‌های ایشان را دوباره برایم فراهم ساخت.

کلاس‌های ایشان شامل دو درس نظم و نثر عربی و درس روش تحقیق و مقاله‌نویسی بود. روال کلاس‌های

دکترای ادبیات فارسی می‌خواستند. ولی مشروط به اینکه عربی هم بدانند. چون دانشجویان عرب بودند. آن‌ها گفتند استادی می‌خواهند که عربی هم بلد باشد. اگر من عربی بلد نبودم، نمی‌توانستم در آن هیئت دفاعیه شرکت کنم.

من وقتی رفتم لندن بعد از ظهرها درس می‌دادم و صبح‌ها می‌رفتم کلاس درس انگلیسی. در آنجا من روز و شب مرتب کتاب لغت را باز می‌کردم، شاید شبی صد بار، آن قدر که دیکسیونر^۱ من کهنه شده بود. یک وقت شخصی می‌گفت اگر دیکسیونرتان مچاله، ورق‌ورق و پاره شد، بدانید که زبان را یاد گرفتید.

در آنجا زندگی‌ام را هم طوری قرار دادم که درخور من نبود! رفتم در مسافرخانه‌ای، نزدیک کلاس درس انگلیسی که صبح بتوانم ساعت هشت بروم و آن مسافرخانه هم مسافرخانه درجه ۵ بود.

شب‌ها دیکسیونر را باز می‌کردم، می‌خواندم و به رادیو گوش می‌دادم. به خودم گفتم که من تا این زبان را یاد نگیرم لیاقت من همین مسافرخانه فکسنی است. به خودم تلقین می‌کردم که بتوانم بیشتر کوشش کنم. وقتی زبان را یاد گرفتم، رفتم یک هتل تروتیمیز و بعد یک آپارتمان تروتیمیزی گرفتم و رفتم یک ماشین نو خریدم، تا قبلش می‌گفتم من تا این زبان را یاد نگیرم، اصلاً شهروند نیستم.

”توصیه به کوشش و زحمت در یادگیری علم و تحقیق

ما در کانادا شاگردی داشتیم که ژاپنی بود، یکی از کتاب‌های ملاصدرا را به‌عنوان رساله گرفته بود. او می‌گفت یک شبانه‌روزی طول می‌کشد تا من یک صفحه عربی از یکی از کتاب‌های ملاصدرا را آماده کنم. متن عربی کتاب ملاصدرا هم مشکل است. او سه ساعت در کتابخانه می‌ایستاد که من اگر از آنجا

در درس روش تحقیق و مقاله‌نویسی ایشان همواره مطالب بسیار ارزشمندی در خصوص منبع‌شناسی، تصحیح نسخه‌های خطی و معرفی کتاب‌های امهات در ادبیات و علوم مختلف را افاده می‌کردند. توصیه ایشان این بود که این کتاب‌ها را بشناسید که وقتی به کتابخانه می‌روید آن‌ها را ببینید و نظری بیندازید. کسی که می‌خواهد مقاله بنویسد باید منابع را بشناسد، نه اینکه همه چیز را خودش بداند.

علوم، کلام، فلسفه، تفسیر قرآن، منبع‌شناسی و تصحیح متون را آموزش می‌دادند. ایشان در علوم مختلف عالم و حاضرالذهن بودند و به قول منوچهری:

خجسته‌ذوفنونی رهنمونی که در هرفن بود چون مردیک فن در این سطور چند خاطره از کلاس‌های درس ایشان تیمناً تقدیم می‌گردد:

”توصیه به یاد گرفتن زبان خارجی

شما برای این که بین‌المللی باشید باید زبان انگلیسی را یاد بگیرید. من در سن ۳۲ سالگی انگلیسی را یاد گرفتم. من در سال ۱۳۴۰ به دعوت پروفیسور آن لمپتون^۱ برای تدریس به دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی در دانشگاه لندن رفتم. آن‌ها یک معلم دکترای ادبیات فارسی می‌خواستند، مشروط به اینکه عربی‌اش هم قوی باشد. چون گفتند استادی که می‌خواهیم، باید در جلسه دفاع دکتری دانشجویان عربی هم شرکت کند و مصداقش فقط من بودم.

دکترای ادبیات فارسی در ایران زیاد بودند. آنجا هم

۲. فرهنگ لغت

1. Ann Lambton

عبور کنم بتواند آن چیزهایی را که نمی‌داند از من بی‌رسد. الان یکی از استاد‌های دانشگاه توکیو است. او وقتی که شاگرد ما بود یکی از کتاب‌های ملاصدرا را به انگلیسی ترجمه کرد. بعد دیدم آن کتاب را در ژاپن به ژاپنی هم ترجمه کرده است. بنابراین شما هر زبانی را که خواسته باشید می‌توانید با کوشش یاد بگیرید. شما می‌بینید که چینی‌ها و ژاپنی‌ها زبان فارسی را با کوشش یاد می‌گیرند.

استاد خانمی در لندن بود که زبان فارسی درس می‌داد به نام خانم لمبتون^۱. دو کتاب در مورد زبان فارسی دارد. اولی Persian vocabulary یعنی فرهنگ فارسی و یکی هم Persian grammar یعنی گرامر فارسی. ایشان کتابی نوشت که به نام مالک و زراع در ایران به فارسی ترجمه شده است. شاید هم چند بار چاپ شده باشد. در آنجا مثلاً مشخص می‌کند در سبزواری چه نوع محصولی می‌کارند و چه طور آب می‌دهند. بچه‌ها از او پرسیدند که استاد از اینجا تا مازندران چقدر راه است؟

او گفته بود من با الاغ و شتر و این‌ها نرفته‌ام با ماشین هم نرفته‌ام و با دو چرخه هم نرفته‌ام. شش بار پیاده رفته‌ام. سه شبانه‌روز راه است. این خانم باینکه این کتاب را ۴۰ یا ۵۰ سال قبل نوشته هنوز کتابش سند است. او در دایره المعارف اسلامی، مقاله کاریز(قنات) را نوشته است. ما در کانادا همکاری داشتیم به نام آقای پرفسور ایزوتسو^۲. ایشان اولین کسی بود که قرآن را تحلیل زبان‌شناسی کرده بود. ده کتابش در ایران به فارسی ترجمه شده است. ایشان برای ادامه کار مشترک ما که ترجمه شرح منظومه ملا هادی بود به تهران آمد و تا موقع انقلاب ماند. شرح فصوص محی‌الدین ابن عربی را هم تدریس می‌کرد. آقای ویلیام چیتیک^۳، آقای اعوانی و آقای پورجوادی هم از شاگردان ایشان

بودند. آقای ایزوتسو آپارتمانش را جایی گرفت که من آنجا ساکن بودم تا ما بتوانیم شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری را ترجمه کنیم. این ترجمه در نیویورک چاپ شد و بعد از ۸۰۰ سال که اغراض مابعدالطبیعه ابن رشد به لاتین ترجمه شده است، اولین بار بود که به نظام منسجم فلسفی در عالم اسلام به غرب می‌رفت. این ترجمه کار مشکلی بود، به علت این که برخی از لغاتی که در لاتین وجود داشت ترجمه کردن آن‌ها آسان بود ولی آن لغاتی که در مسیحیت و فرهنگ وجود نداشت ترجمه کردنشان دشوار بود.

ایزوتسو شاید ده تا زبان می‌دانست. زبان خودش که ژاپنی بود در خود ژاپن. خط یونانی و کتاب یونانی را تدریس می‌کرد. همین کتاب بنیاد حکمت سبزواریش را به فارسی چاپ کردیم.

به یکی از علمای تهران گفتم که آقای ایزوتسو کتاب نوشته و تحلیل کرده و حاج ملا هادی سبزواری را با برتراند راسل و هایدگر مقایسه کرده است. آن آقا گفت: ایشان حوزه را دیده؟

مگر شما خیال می‌کنید هر رحمتی را خدا خواسته باشد به خلقش بدهد، از راه حوزه است؟

ایزوتسو ارسطو و افلاطون را با خط یونانی اصلاً درس می‌داد. کتاب‌هایی که او درباره اسلام نوشته است کتاب‌های خوبی است. تازه این‌ها غیر از کتاب‌هایی بود که درباره بودا نوشته است.

مقصود از بیان این‌ها اهمیت کوشش و زحمت در یادگیری و تحقیق است. به هر حال علم کوشش و کار می‌خواهد.

” توصیه به لزوم یادگیری زبان عربی برای

دانشجویان دکتری زبان فارسی

یکی از دانشجویان دوره دکتری اینجا می‌گفت: ما که ایرانی هستیم چرا باید مجبور باشیم عربی بخوانیم؟ گفتم این عربی که تو اینجا می‌خوانی برای این است که تمام فرهنگ اسلامی، به این زبان نوشته شده،

1. Ann Lambton
2. Toshihiko Izutsu
3. William C. Chittick

از تاریخش، از جغرافیایش، از ملل و نحلش، از فلسفه‌اش، از کلامش، بنابراین یادگیری زبان عربی را باید جدی بگیرد.

ما نمی‌توانیم این‌طور تحقیق کنیم. باعث خوشحالی ما شد که آن‌ها گفتند که تحقیق شما کامل است.

” شرح حال ایشان

من اتوبیوگرافی خودم را در محقق‌نامه نوشته‌ام. در مقدمه‌اش آمده که کجا سفر رفته‌ام و چه مقاله‌هایی را نوشته‌ام. محقق‌نامه را دو تا از شاگردانم تهیه کرده‌اند یکی آقای بهاء‌الدین خرمشاهی، یکی آقای جوایب جهانبخش که جوان بسیار فاضلی است. حدود دو جلد ۷۰۰ صفحه‌ای است. این کتاب مجموعه مقالاتی است که دیگران برای من فرستاده‌اند، ۲۰ تا از مقالات هم فرانسه و انگلیسی است. این مقالات از شاگردانی هستند که در خارج شاگردم بوده‌اند. مقدمه‌اش شرح حال خودم به قلم خودم است اسمش را هم گذاشته‌ام حدیث نعمت خدا. از کجا گرفته شده؟ ”وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ“. کس دیگری هم قبل از من از این آیه استفاده کرده: جلال‌الدین سیوطی با عنوان: ”التحدث بنعمة الله“ یعنی بازگو کردن نعمت خدا.

” معرفی شرق شناسان معروف و کتاب‌های مفید آن‌ها

گوتهلَف برگسترَسِر^۱، یک دانشمند آلمانی است که به دعوت دولت مصر یک سلسله سخنرانی‌هایی در آنجا داشته است که بعدها این سخنرانی‌ها تحت عنوان ”اصول نقد النصوص و نشر الکتب“ چاپ شده است. این کتاب روش تحقیق انتقادی متون است، چه فارسی، چه عربی.

بسیاری از کسانی که کتاب‌های عربی را در قرن اخیر چاپ کرده‌اند، از شاگردان همین برگسترَسِر بوده‌اند. مثل عبدالسلام هارون که کتاب الحیوان جاحظ را تصحیح کرده است. من در یکی از این سفرهایی که

” علت تأسیس بنیاد دایره المعارف اسلامی
من کتابی را نوشتم با نام طرح تدوین دایره المعارف تشیع، این کتاب را بردم خدمت حاج آقای خامنه‌ای. فرمودند که این کار خوبی است ولی سعی کنید یک دایره المعارف اسلامی را شروع کنید.

خود آقا یادداشتی به من نوشتند که دایره المعارف را با قدرت هرچه تمام‌تر شروع کنید و پول آن را از دولت نخواهید. من خودم خواهم پرداخت. حالا دیگر آنجا دستگامی شده است، شاید ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر عضو دارد که مقاله می‌نویسند.

یک‌بار من خدمتشان عرض کردم که این دایره المعارف‌ها دو فایده دارد یک فایده ظاهری دارد، یک فایده باطنی. فایده باطنی‌اش مهم‌تر از فایده ظاهری‌اش است. فایده ظاهری‌اش این است که شما می‌خواهید ببینید جاحظ که بود؟ یک نفر که مطالعه کرده در آنجا مباحثش را نوشته است. خوب اگر آنجا نباشد، شما از یک مأخذ دیگر پیدا می‌کنید، ولی فایده باطنی‌اش این است که نسل جوان، امر تحقیق و مقاله‌نویسی را زیر نظر یک استاد با تجربه یاد می‌گیرند و باعث می‌شود سلسله تحقیق در مملکت ما گسسته نشود که بعداً ما ناچار شویم فرهنگ خودمان را از فرنگی‌ها بگیریم. در ابتدا من رئیس آنجا بودم بعد رفتم کانادا، بعد از من آقای پورجوادی و بعدش آقای میرسلیم بود و بعد هم آقای حداد عادل. الآن ۲۰۰ نفر آنجا کار می‌کنند. در ابتدا شاید ماهی ۳۰۰ هزار تومان بیشتر بودجه نداشتند.

اردن می‌خواست یک دایره المعارف چاپ کند ما نمونه کار خودمان را به آن‌ها نشان دادیم آن کار را متوقف کردند. خود من جزو هیئت‌رئیس‌اش بودم. آن‌ها گفتند

1. Gotthelf Bergsträsser

خود آقا یادداشتی به من نوشتند که دایره المعارف را با قدرت هرچه تمام تر شروع کنید و پول آن را از دولت نخواهید. من خودم خواهم پرداخت.

در مورد روش تصحیح متون که فرنگی‌ها به آن critical edition می‌گویند ما به آن تصحیح انتقادی می‌گوییم. شما باید قادر باشید متنی را تصحیح کنید. در گذشته این کار را فرنگی‌ها برای ما می‌کردند. مقاله‌ای در چهارمین بیست گفتار است به آن مراجعه کنید. از اختصاصات چهارمین بیست گفتار، این است که بیشتر درباره علوم است. در این بیست گفتار مقاله‌ای هست به نام تقسیم‌بندی علوم از نظر دانشمندان اسلامی یا Classification of sciences in Islam. این مقاله سخنرانی من به زبان عربی در اردن بوده که وزارت علوم این مقاله را به فارسی ترجمه کرده است. در مورد این که دانشمندان علوم را چگونه تقسیم‌بندی می‌کردند؟ من از زمان فارابی که احصاء العلوم را نوشته تا زمان ملاصدرا این تقسیم‌بندی را ذکر کرده‌ام و دربرگیرنده علوم نقلی و عقلی است. این تقسیم‌بندی مهم است که هر علم در چه تقسیم‌بندی قرار می‌گیرد برای مثال فقه با رمل ارتباطی ندارد و هر کدام در جایگاه خود قرار می‌گیرد. مقاله‌های دیگر در مورد بیماری مالخولیا، سنجش زمان با وسیله‌ای به نام پنگان (فنجان)، دانشنامه و انواع آن در جهان اسلام، کشاورزی و کتاب‌هایی است که در مورد آن نوشته شده است. ما در بین مطالبی که در روش تحقیق ذکر می‌کنیم برخی مقالات را که لازم است در آن باره بخوانید معرفی می‌کنیم.

” حاج ملاهادی سبزواری

حاج ملاهادی سبزواری اهل کرامات بوده. کتابش را

برای شرکت در مجمع اللغة العربية به مصر می‌رفتم عبدالسلام هارون را دیده بودم.

” لزوم یادگیری روش تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی

یکی از وظایف مهمی که کسانی که ادبیات می‌خوانند این است که قادر باشند متنی را تصحیح کنند تا متنی که به صورت خطی و چاپ نشده است را احیا کنند متأسفانه در گذشته فرنگی‌ها این کار را برای ما می‌کردند. برای مثال چاپ اول کشف‌المحجوب هجویری چاپ اولش را ژوکوفسکی تصحیح کرده است. یا مثنوی را نیکلسون چاپ کرده است. یا شرح حال ناصر خسرو را ایوانف چاپ کرده است. این ننگ است برای ملتی که دارای فرهنگ عظیم بوده میراث آن را ژوکوفسکی^۱، نیکلسون^۲ یا ایوانف^۳ چاپ کنند است. تازه برخی از آن‌ها سواد کافی نداشتند. مثلاً ایوانف در کتابی که در مورد ناصر خسرو نوشته است به نام Problems in Nasir-i Khusraw's Biography در آنجا نوشته است که ناصر خسرو سید است.

در حالی که ناصر خسرو سید نیست من در مقاله‌ای که در همان سال‌ها نوشته‌ام با چند دلیل ثابت کرده‌ام که ناصر خسرو با این که کلمه علوی را در دیوان خودش به کار برده است هیچ جا نگفته است که من علوی هستم (یعنی از اولاد پیغمبر هستم). این تعبیر علوی که ناصر خسرو آورده است جنبه روحانی دارد نه جنبه جسمانی. این‌ها ریزه‌کاری‌هایی است که انسان می‌تواند در تحقیق پیدا کند.

این یک مورد از هزاران مورد اشتباه فرنگی‌ها است، حالا ما بیاییم فرهنگ خودمان را از این‌ها بگیریم؟ ما باید خودمان فرهنگ خودمان را تحقیق کنیم و بنویسیم.

1. Valentin Zhukovski
2. Reynold Alleyne Nicholson
3. Vladimir Ivanov

مگر ثلث این کتاب چقدر خرجش می‌شود؟ این را من از کرامت‌های حاج ملا هادی دیدم. در آن واحد دیدم هزینه چاپ دوم در آمد و آن شخص گفت به اندازه این ۵۰ هزار تومان شما به مسجد کتاب بدهید، حاج آقا با کتاب‌فروش‌ها عوض کند.

” کتاب الشامل ابن نفیس

شیخ کویت می‌خواست به بهترین کتاب پزشکی اسلامی صد هزار دلار جایزه بدهد، یکی از سه مشاورینش من بودم. آن موسسه‌ای که عهده‌دار این کار بود می‌گفت ببینید درایت شیخ این است که یک عجم را داور خودش قرار داده که این ۱۰۰ هزار دلار را به کدام عرب بدهد. ما این جایزه را دادیم به شخصی به نام دکتر یوسف زیدان که اهل مصر بود و کتاب «الشامل فی الصناعة الطیبة» ابن نفیس را در ۳۰ جلد چاپ کرده بود و خلاصه انگلیسی و آلمانی‌اش را هم در اینترنت گذاشته بود. ابن نفیس واضع گردش خون ریوی بوده است. اروپایی‌ها حرکت دورانی خون را به ویلیام هاروی^۱ نسبت می‌دهند در حالی که قبل از هاروی ابن نفیس آن را کشف کرده است.

خاطرات درس‌های ایشان همواره برایم روشنگر و فرح‌بخش است. مطالبی که ذکر کردم قطراتی از دریایی است که این کمترین از ایشان آموخته‌ام. بنده همواره مدیون تشویق‌ها، حمایت‌های بی‌دریغ و بزرگواری‌های ایشان بوده و هستم و توفیق شرکت در درس‌های ایشان برایم افتخاری بزرگ است.

وما أنا إلاّ قطرةٌ من سحابهٍ ولو أنّی صَنَنْتُ ألفَ کتابٍ

یکی از وظایف مهمی که کسانی که ادبیات می‌خوانند این است که قادر باشند متنی را تصحیح کنند تا متنی که به صورت خطی و چاپ نشده است را احیا کنند متأسفانه در گذشته‌های فرنگی‌ها این کار را برای ما می‌کردند.

که چاپ می‌کردیم یک بار با دوستان حاج عبدالله نورانی رفتم مسجد جامع بازار تهران. مرحوم حاج حسن آقای سعید، پیش‌نماز آنجا بودند. خیلی با ناراحتی به من گفت محقق چرا کتاب حاج ملا هادی سبزواری را تجدید چاپ نمی‌کنید؟ طلبه‌های بدبخت مجبورند همان چاپ ناصرالدین‌شاه را بخوانند که چاپ سنگی است و صورت آبرومندی ندارد. من گفتم: پول نداریم چاپ کنیم.

حاج عبدالله نورانی که دوست من بودند و در این کتاب‌ها با من همکاری می‌کردند، هر وقت من می‌گفتم پول ندارم او با شوخی می‌گفت: ان‌شاءالله یک ثلثی پیدا بشود محقق بتواند کاغذ بخرد کتاب‌ها را چاپ کند. منظورش از ثلث، ثلث مرده بود. آدمی که وصیت کند ثلث من را خرج چاپ فلان کتاب کنید. یک کسی آنجا نشسته بود بازاری بود گفت مگر ثلث یک کتاب چقدر می‌شود؟ من هم ثلث را به همان معنی گرفتم، نه به آن معنی که شیخ عبدالله گفت. گفتم یکی کاغذ، یکی چاپ، یکی هم جلد. هر کدام ۵۰ تومان. این شخص دست کرد جیش، یک چک نوشت ۵۰ تومان. گفت: خیلی خب این را چاپ کنید. ثلث را به معنی ثلث مخارج گرفت! در حالی که آقای نورانی همیشه به شوخی می‌گفت یک ثلثی پیدا بشود. من هم در جواب می‌گفتم: مگر اینکه ثلث خودمان پیدا بشود. ولی من هنوز این را نگفتم، بازاری گفت

1. William Harvey

«از نسل سواران رفته»

تنها بازمانده از نسل استادان بزرگ گذشته در زبان و ادبیات فارسی

مهدخت معین



دکتر امیرحسین آریانپور و همسرشان به خانه ما آمدند. از همان موقع من و مادرم نسبت به استاد محقق و همسرشان و مرحوم دکتر آریانپور و همسرشان حس خیلی خوبی داشتیم. بعدها که به علت بیماری و اغمای پدر، مادرم ایشان را برای معالجه به کانادا برد، استاد محقق و بانو نوش آفرین در آنجا اقامت داشتند و باعث دلگرمی و کمک روحی به مادر بودند که در آن شرایط فوق‌العاده مهم بود.

روزی در دانشکده، در دوره فوق‌لیسانس، درس آقای

مهدخت معین در سال ۱۳۲۵ در تهران متولد شد. دوره‌های لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران گذراند. در دوران تحصیل از محضر استادان بزرگی چون جناب دکتر مهدی محقق و شادروانان بدیع‌الزمانی، مهرداد بهار، پرویز ناتل خانلری، خطیب رهبر، زریاب خوئی، زرین کوب، منوچهر ستوده، سید جعفر شهیدی، ذبیح‌الله صفا، فرشیدورد، فره‌وشی، ماهیار توایی، محمدجعفر معجوب، مدرس موسوی بهبهانی، حسن مینوچهر و صلاح الصّاوی (استاد مصری) بهره‌ها برد. دکتر مهدخت معین فرزند ارشد دکتر محمد معین و استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی است. او در کنار تدریس و پژوهش مسائل مربوط به آثار و تألیفات پدرش را نیز پیگیری و مدیریت می‌کند.

شاید از ده-دوازده سالگی استاد را دیده بودم و می‌شناختم. به منزل ما می‌آمدند با همسر نازنینشان بانو نوش آفرین انصاری. به یاد دارم که شبی به اتفاق

در رفت‌وآمدهای خانوادگی ببیند. نگارنده همچنین توفیق شرکت در کلاس استادان بزرگی را داشت نظیر استاد محقق، پرویز ناتل خانلری، ذبیح‌الله صفا، عبدالحسین زرین‌کوب، عباس زریاب خوبی، علامه سید جعفر شهیدی، سید جعفر سجادی، خلیل خطیب رهبر، حسن مینوچهر، سید علی مدرس موسوی بهبهانی، محمدعلی اسلامی ندوشن، سید حسن سادات ناصری، یحیی ماهیار نوایی، منوچهر ستوده، مهرداد بهار، بهرام فره‌وشی، استاد بدیع‌الزمانی و استاد مصری صلاح الساوی.

مهدی محقق نخستین دانشجوی دکتری ادبیات بود که رساله‌اش را با استاد معین گذرانده بود. من نیز رساله دکتری خویش را با استاد محقق گذراندم با مشاورت علامه شهیدی و مرحوم دکتر حسن مینوچهر، رحمة الله علیهما.

استاد محقق به همراه همسر نازنینشان، بانو نوش‌آفرین انصاری به منزل ما می‌آمدند. نوش‌آفرین خانم اولین دیدارشان را با پدر و بخصوص با مادرم، مهین پرنیان امیرجاهد، در یک سخنرانی در بزرگداشت استاد معین در مؤسسه لغتنامه دهخدا نقل کردند که در سال اول ازدواجشان برای دیدار نوروزی به اتفاق استاد محقق به منزل ما آمده بودند: «به طبقه دوم رفتیم، استاد معین به من گفتند خانم و بچه‌ها پایین هستند و مرا به طبقه پایین هدایت کردند. فهمیدم که استاد یک دیدار نوروزی مردانه را ترتیب داده‌اند. به پایین رفتم و در حقیقت وارد بهشت شدم.» از اینجا بود که محبتی عمیق و دوستی‌ای پایدار بین ما و ایشان پدید آمد. از استاد نوش‌آفرین انصاری خاطرات زیادی دارم، از جمله زمانی که ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات را

استاد محقق تا حدود زیادی شبیه استاد معین بود، از لحاظ تکیه کلام‌ها، طرز ادای کلمات متون نظم و نثر فارسی و به‌طور کلی طرز قرائت متون و روش تدریس. احتمالاً خود استاد متوجه این شباهت نبود اما من که یک ترم در کلاس پدرم شرکت کرده بودم و همه جزئیات تدریس او را به خاطر داشتم مکرر متوجه شباهت‌های حین تدریس بین دکتر محقق و دکتر معین می‌شدم.

دکتر محقق را امتحان می‌دادم. امتحان شفاهی بود. «شرح باب حادی عشر». استاد پرسید: چرا لباس مشکی پوشیده‌اید؟ گفتم خاله پدرم فوت کرده است. مادر دکتر سیروس شمیسا درگذشته بود. استاد محقق هیچ نگفت اما فهمیدم که از چیزی ناراحت است. شرم مانع بود که سؤال کنم. وقتی به منزل رسیدم یکی از اقوام زنگ زد که به بیمارستان بروم بدون اینکه ماجرا را بگوید. در بیمارستان بود که دانستم چه مصیبت بزرگی بر من نازل شده است. استاد از درگذشت پدرم، قبل از اینکه من بدانم، مطلع شده بود.

نگارنده توفیق داشت استادان بزرگ ادبیات فارسی نظیر بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی، مجتبی مینویی و سعید نفیسی را در دانشکده ادبیات، در راهرو دفتر دانشکده، نیز در برنامه‌ها، مراسم و کنگره‌ها ببیند. همچنین توفیق داشت که بزرگانی نظیر علامه علی‌اکبر دهخدا، استاد ابراهیم پورداود، محمدتقی مدرس رضوی، عیسی صدیق اعلم، علی‌اکبر سیاسی، سید صادق گوهرین را بیرون از دانشگاه و

درس دانشگاه، در سالنی بزرگ و دور از تریبون و استاد. از این بابت بنده و احتمالاً همه دانشجویان آن دوره و آن جلسات سپاسگزاری ویژه‌ای را به استاد محقق مدیونیم.

در دوران شاگردی در محضر استاد محقق مطلبی که توجه مرا جلب کرد، این بود که ایشان تا حدود زیادی شبیه استاد معین بود، از لحاظ تکیه کلام‌ها، طرز ادای کلمات متون نظم و نثر فارسی و به‌طور کلی طرز قرائت متون و روش تدریس. احتمالاً خود استاد متوجه این شباهت نبود اما من که یک ترم در کلاس پدرم شرکت کرده بودم و همه جزئیات تدریس او را به خاطر داشتم مکرر متوجه شباهت‌های حین تدریس بین دکتر محقق و دکتر معین می‌شدم.

استاد محقق از استادانی هستند که جامعه استادی حقیقتاً بر قامتشان برانزده است. از لحاظ فضل و دانش و تسلط بر ادبیات فارسی و ادبیات عرب کم‌نظیرند. ایشان تنها بازمانده از نسل استادان بزرگ گذشته در زبان و ادبیات فارسی هستند به گفته استاد منوچهر مرتضوی -رحمة الله علیه- «از نسل سواران رفته». خداوند عمری طولانی به حضرتشان عنایت فرماید و ما را از افادات ایشان برخوردار فرماید.

به عهده داشتند، ماه‌های آخر بارداری را می‌گذراندند و مرتب برای دسترسی به کتاب‌ها از نردبان بالا و پایین می‌رفتند و به دانشجویان کمک می‌کردند که به کتاب‌های موردنظرشان دست یابند. دانشجویان هم که بسیار ایشان را دوست داشتند نگران سلامتی ایشان بودند.

زمانی دیگر، دکتر معین درگذشته بود، شب هفتم درگذشت، نوزدهم تیرماه ۱۳۵۰، دانشکده ادبیات مراسم یادبود و بزرگداشت برگزار می‌کرد. وزیر فرهنگ و هنر، ریاست دانشگاه و مقامات فرهنگی کشور حضور داشتند. طراحی سالن و جایگاه سخنرانی و کلاً برنامه‌ریزی مراسم را بانو نوش‌آفرین به عهده داشت. با گل و شمع و تصویر قاب شده استاد معین صحنه را به زیبایی آراسته بود. برنامه‌ریزی دقیق، صحنه‌آرایی زیبا و تشریفات برنامه در نهایت سادگی و درعین حال شکوه. در آن جلسه استاد جلال‌الدین همایی سخنرانی می‌کرد، نیز دکتر سید حسین نصر رئیس دانشکده ادبیات و چند تن دیگر.

از خاطرات دانشجویی در محضر استاد محقق اینکه هنگام تحصیل من در دوره دکتری، در دو جلسه از کلاس «ادبیات عرب، دیوان اشعار متنی»، پروفیسور توشی هیکو ایزوتسو، زبان‌شناس، قرآن‌پژوه، اسلام‌شناس و فیلسوف شهیر ژاپنی را به کلاس دعوت کردند. ما دانشجویان توفیق یافتیم که با یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین شرق‌شناسان و ایران‌شناسان جهان از نزدیک دیدار و گفتگو داشته باشیم. کلاس در محل مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا، شعبه ایران، تشکیل می‌شد. در اتاقی نه‌چندان بزرگ، دور هم و نزدیک هم می‌نشستیم، نه مثل کلاس

رهاورد اندیشه

مروری بر آثار دکتر مهدی محقق

مریم چهرقانی

است. از هر یک از بندهای ۳۵۳ گانه کتاب ابن مکرور هنوز هم می‌توان پند گرفت و نکاتی آموخت.

” رساله ابوریحان بیرونی در فهرست کتاب‌های رازی

نویسنده محترم متن عربی رساله ابوریحان درباره آثار رازی را با توجه به چاپ پل کراوس تصحیح مجدد کرده و همراه با فقه و تحلیل و خلاصه‌ای از آن به چاپ رسانده است. ترجمه این رساله منبع مهمی را در مورد تألیفات محمد بن زکریای رازی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. زیرنویس‌های این ترجمه نیز در مورد تاریخ علم است.

” رساله حنین بن اسحاق درباره آثار ترجمه شده از جالینوس

حنین بن اسحاق رساله‌ای برای یکی از حامیان خویش به نام علی بن یحیی نوشته و در آن ۱۲۹ اثر جالینوس را که به زبان‌های سریانی و عربی ترجمه شده، معرفی کرده است. این اثر کهن‌ترین فهرست‌نامه باقیمانده در تمدن اسلامی است. این رساله از نسخه منحصر به فرد کتابخانه ایاصوفیه توسط برگشتراسر آلمانی چاپ شده و دکتر محقق آن را با ترجمه‌ای شیوا در اختیار مشتاقان فارسی‌زبان قرار داده است.

” تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران در این کتاب دکتر مهدی محقق ابتدا در مقدمه اهمیتی را که غربیان برای متن‌های طب اسلامی قائل هستند ذکر کرده بی‌توجهی یا کم‌توجهی ایرانیان و سایر مسلمانان به این گنجینه والای خویش را یادآور شده و سپس به معرفی آثار پزشکی در تمدن اسلامی پرداخته است.

” ابن هندو و مفتاح الطب

محمد بن هندو نویسنده کتاب مفتاح الطب و المنهاج الطلاب استادی چیره‌دست بود و طالبان دانش از نواحی مختلف به خدمت‌ش شناخته و دانش‌اندوزی می‌کردند. در این کتاب که پایه آموزش‌های بنیانی و بالینی پزشکی بوده نکات جالبی در شرافت علم پزشکی و شیوه‌های درک پزشکی آمده است.

” ابن مطران و بستان الاطبا

این کتاب را اسعد بن الیاس بن مطران پزشک مخصوص صلاح الدین ایوبی نگاشته و نسخه‌ای از آن که به خط مؤلف است در کتابخانه ملی ملک وجود دارد. توجه به آزمایش‌های ادرار و مدفوع به منظور تشخیص بیماری‌ها از نکات جالب این کتاب است. یکی از نکات مهم دیگر آن توجه به درمان علت بیماری است نه نشانه‌های آن که در واقع شیوه طب امروزی

لذت بخش پزشکی نیز عمر توأم با عقل است. سپس به جستجوی خوشبختی می پردازد و پزشکی را که در خدمت مردم باشد خوشبخت می داند.

” گفتار جالینوس در اینکه پزشکی فاضل باید فیلسوف هم باشد

این ترجمه که در جای دیگری به چاپ نرسیده، برای فیلسوفان و پزشکی اهمیت خاصی داشته و دارد. جالینوس در این رساله، نظریات بقراط را در این مورد که طبیب باید ستاره شناسی، هندسه و بسیاری از علوم دیگر را بداند تا بتواند به تشخیص صحیح و درمان بیماران بپردازد، ذکر می کند. پیش بینی بیماری و شناخت عوارض احتمالی آن از موارد دیگری است که طبیب نباید از آن غافل بماند. و الایی کردار و عزت نفس از صفات خوب طبیبان است. اگر کسی چنین حالتی داشته باشد، از شاهان دوری می نماید، چنانکه بقراط دعوت اردشیر ساسانی را نپذیرفت ولی به درمان فقیران علاقه مند بود.

” جنبه هایی از علم پزشکی در اسلام

این مقاله مربوط به مقدمه ای است که دکتر محقق آن را بر کتاب دانشنامه حکیم میسری نگاشته است. در این مقاله ابتدا در مورد منابع پزشکی اسلامی: طب النبوی، طب ایرانی، طب هندی و طب یونانی بحث شده است. طب النبوی مجموعه هایی است که چند نفر از دانشمندان با توجه به آنچه در قرآن مجید و احادیث منقول از پیامبر اسلام در مورد بهداشت و درمان ذکر شده، جمع آوری کرده و به بسط آن پرداخته اند. در این قسمت مختصراً کتاب های موسوم به طب النبوی معرفی و چند حدیث از پیامبر اکرم روایت شده است. نویسنده در این مقاله پس از بحثی کوتاه درباره طب ایرانی به شرح طب هندی و طب یونانی می پردازد. سپس

این فهرست در حین اختصار، پر محتواست و به خوبی نمایانگر اساس مطالب کتاب های مورد بحث است و می تواند نمونه ای برای معرفی نسخه های خطی باشد. در هر یک از موارد ۱۲۹ گانه کتاب، موضوع، فصل ها، محتوای اصلی و سوابق ترجمه یاد شده است.

” تاریخ پزشکان و فیلسوفان اسحاق بن حنین

اسحاق بن حنین همچون پدر خویش طبیبی دانشمند و مترجمی چیره دست بود که علاوه بر زبان عربی به زبان های سریانی و یونانی تسلط داشت. وی کتاب تاریخ الاطبا و الفلاسفه را در سال ۲۹۱ ه ق به خواست قاسم بن عبیدالله وزیر معتضد و مکتفی عباسی، برای پاسخ به این سؤال که پزشکی از کجا آغاز شده و نخستین طبیب که بوده؟ نگاشته است. این قدیمی ترین کتاب تاریخ پزشکی است که اصل آن به دست ما رسیده است. نسخه ای از رساله تاریخ الاطبا اسحاق بن حنین در کتابخانه حکیم اوغلو علی پاشا در استانبول موجود است که آن را فرانز رزنتال در سال ۱۹۵۴ به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ کرده است و نویسنده آن را از چاپ رزنتال ترجمه کرده است.

” راه یابی از پزشکی به خوشبختی

این رساله ترجمه مقاله فی التطریق بالطب الی السعاده ابن رضوان است. این مقاله با عنوان راه یابی از پزشکی به خوشبختی ترجمه و برای اولین بار در این مجموعه منتشر شده است.

این مقاله شامل سه باب است: اول ذکر کتاب های بقراط که در آن فهرستی از ۵۵ کتاب دانشمند نامبرده را یاد می کند و سپس گوشه ای از زندگی بقراط را شرح می دهد. باب سوم ویژه راه یابی از پزشکی به خوشبختی است و گفته ارسطو را ذکر می کند که: خوشبختی همان زندگی همراه با خرد است و عمر

سیر تحول علوم پزشکی در عالم اسلامی و گرایش یافتن مسلمانان به پزشکی را یادآور شده و یادآوری می‌کند که طب اسلامی از مکتب جندی‌شاپور نشأت گرفته است. اهمیت و قداست طب در جهان اسلام، تعلیم پزشکی که در بیمارستان‌ها، مطب، یا خانه طبیبان انجام می‌گرفت، از مباحث جالب این مقاله است.

” مقام علمی محمد بن زکریای رازی

نویسنده در این مقاله که ابتدا در سال ۱۳۶۸ در مجموعه سخنرانی‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی منتشر شده از رازی شناسان بزرگ جهان و ایران یاد کرده سپس به شرح حال رازی و تألیفات وی اشاراتی دارد.

” کتاب رازی درباره گل خوردن یا گل نیشابوری

نویسنده در ابتدای مقاله مختصری از شرح زندگی رازی را یادآور شده و مخصوصاً بعد فلسفی وی را ذکر کرده است. سپس درباره رساله رازی در مورد خواص طبی گل نیشابوری یا گل خراسانی به بحث پرداخته است.

” در علت زکام ابوزید بلخی در فصل بهار، هنگام بوئیدن گل سرخ

رازی برای اولین بار در تاریخ پزشکی جهان بروز زکام در فصل بهار به‌وسیله بوئیدن گل سرخ را طی رساله‌ای کوچک شرح داده است. این رساله اولین مقاله ایمنی‌شناسی جهان است.

” مفتاح الطب و منهج الطلاب (کلید دانش پزشکی و برنامه دانشجویان آن)

ابن هندو، علی بن حسین (نویسنده) محقق، مهدی (مصحح) دانش‌پژوه، محمدتقی (مصحح)، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل مفتاح الطب و منهج الطلاب تألیف ابوالفرج علی

بن حسین بن هندو، کتابی است که برای دانش‌پژوهان طب تألیف شده و از مهم‌ترین تألیفات ابن هندو به شمار می‌رود. این اثر با وجود اختصار دارای مطالبی گوناگون در تاریخ طب و آداب دانشجویان این فن است. در اهمیت این کتاب همین بس که ظهیرالدین بیهقی درباره آن می‌گوید: در شرافت و فوائد علم پزشکی کتابی همچون مفتاح الطب نیافته‌ام. (تاریخ حکماء الاسلام، ص ۹۴).

در مورد علت تألیف این کتاب باید گفت: چون مؤلف قبلاً مقاله‌ای تحت عنوان «المشوقه فی المدخل الی الفلسفة» تألیف کرده بود که از جهت سهل‌المأخذ بودن مورد توجه دانشجویان قرار گرفت از او خواستند که مقاله‌ای در علم پزشکی بر همان اسلوب و روش بنویسد و او خواهش آنان را پاسخ گفت و این کتاب را برای آنان تألیف کرد و آن را به نام مفتاح الطب (کلید دانش پزشکی) نامید. (مفتاح الطب، ص ۱).

ابن هندو کتاب خود را در ده باب تألیف نموده که در باب اول به تشویق فراگیری علم پزشکی پرداخته است. در سایر ابواب، تعریف علم پزشکی، شرافت، اقسام علم پزشکی، مکاتب، روش‌ها، مراتب کتاب‌های این علم، تعبیرات، تعریفات و اصطلاحات علم پزشکی مورد مطالعه قرار گرفته است.

نحوه نگارش و بیان مطلب توسط مؤلف شیوه‌ای علمی و به دور از سادگی‌های ابتدال گونه است، ولی مؤلف از پیچیدگی و اغلاق نیز دوری می‌کند تا این اثر مورد توجه قرار گیرد.

کتاب مفتاح الطب را باید از کتب مقدماتی علم طب به شمار آورد چراکه در آن مباحثی مطرح می‌شود که فراگیری آن قبل از ورود به مباحث اصلی دانش پزشکی از سویی لازم و از سویی سودمند و مفید است.

دانشجوی پزشکی اولاً باید از جایگاه و ارزش علم پزشکی آگاه شود تا تمام همت و توان خود را در

(مقدمه‌نویس)، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل

مقدمه‌الادب اثر ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد خوارزمی زمخشری از بزرگان لغت و نحو و تفسیر و ادب در قرن ششم هجری است. این کتاب به لحاظ ادبی از جایگاه خاصی برخوردار است و خوارزمی با تألیف آن خدمت شایانی به زبان فارسی نموده است. او با دقت فراوانی کلمات فارسی خالص و سره را در برابر کلمات عربی برگزیده است و بسیاری از لغات مهجور و نادر فارسی را در کتابش می‌توان دید.

کتاب حاوی زندگی‌نامه‌ای مختصر از مؤلف، یک تنبیه برای خواننده کتاب، مقدمه‌ای از مؤلف و متن کتاب در سه بخش است.

در کتاب کلمات عربی و فارسی و ترکی مقایسه می‌شوند و بین آن‌ها کلمات جغتایی و مغولی دیده می‌شود. مثلاً در مقدمه کتاب کلماتی؛ مانند: «آی تغاگون» (ماه و خورشید) در زبان ترکمنی امروز به شکل «آی بیلن گون» یا کلمه‌ی «یتینگن» به ترکمنی امروز «یدیگن» (ستاره‌ی دب) و.. استعمال می‌شوند. این کتاب یکی از فرهنگ‌نامه‌های ارزشمندی است که حدود ۷۰ سال بعد از فرهنگ محمود کاشغری تألیف یافته است. تحقیقات کاشغری مربوط به اوغوزهای داخلی بوده و اما این کتاب مربوط به اوغوزهای بیرونی است. تنظیم به این شکل و ماهیت، سوابق فرهنگ‌نویسی او را تأیید می‌نماید. جمع کلمات، ضرب‌المثل‌های عامیانه و مقایسه‌ی آن‌ها در زبانه‌ای عربی، فارسی، ترکی و مغولی جدیت فراوانی می‌طلبد. در قرون وسطی عالمان کم‌وبیش زبان‌های عربی و فارسی و ترکی را مقایسه می‌کردند و امتیاز زمخشری این است که زبان مغولی را هم اضافه نمود.

ممکن است این دانشمند گران‌قدر فهمیده باشد، که زبان مغولی در اصل با زبان‌های ترکی در یک گروه و

فراگیری این علم به کار گیرد، ثانیاً باید بداند برای فراگیری علم پزشکی چه دانش‌هایی را فرا گیرد و ثالثاً باید با جوانب علم طب و نیز اصطلاحات رایج و شایع در این علم آشنا شود.

این مباحث انگیزه تألیف نگاشته‌هایی پیرامون این موضوعات شده است که کامل‌ترین و معروف‌ترین آن‌ها کتاب ابن هندو است.

این اثر در برگیرنده بسیاری از مباحث مقدماتی علم پزشکی است و در عین جامعیت، اثری مختصر و جذاب است. شاهد این مدعا نیز توجه دانش‌پژوهان به مفتاح الطب از هنگام تألیف آن است.

کتاب به اهتمام دکتر مهدی محقق و محمدتقی دانش‌پژوه بر اساس دو نسخه خطی تصحیح و تحقیق شده است.

پس از تصحیح متن کتاب، فهرست نام اشخاص، گروه‌ها و فرقه‌ها، فهرست نام کتب و اماکن تدوین و تنظیم شده است. در پایان نیز سه پیوست ضمیمه متن شده است. پیوست اول مقاله‌ای به قلم آقای محمدتقی دانش‌پژوه با عنوان از ابن سربایون تا ابن هندو است.

پیوست دوم مقاله‌ای از آقای دکتر مهدی محقق با عنوان ابن هندو و مفتاح الطب است که در آن شرح احوال و آثار ابن هندو، خلاصه‌ای ترجمه‌وار از مفتاح الطب و فرهنگ الفبایی اصطلاحات کتاب مفتاح الطب بررسی شده است. پیوست سوم مقاله‌ای با عنوان پزشکی در جامعه اسلامی سده‌های میانه به قلم فرانز رزنتال و ترجمه خانم بهناز هاشمی‌پور است.

کتاب مفتاح الطب در سال ۱۳۶۸ ش توسط مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا با همکاری دانشگاه تهران منتشر شده است.

” مقدمه‌الادب

زمخشری، محمود بن عمر (نویسنده) محقق، مهدی

سیستم، یعنی در گروه آلتای قرار دارد. باید اضافه کنیم که برخلاف نظر برخی از نویسندگان که مقایسه‌ی تاریخی زبان‌ها در علم زبان‌شناسی را به اروپای غربی نسبت می‌دهند، باید مکان پیدایش اصول مقایسه‌ی تاریخی زبان‌ها را در دنیای شرق جستجو کرد و زمان آغاز آن را هم به زمان محمود کاشغری و زمخشری نسبت داد.

در فرهنگ مقدمه‌ی ادب به اصطلاحات زراعتی و نجومی نیز برمی‌خوریم که از آن جمله است: ته‌گله‌گی (قرص خورشید)؛ یلدیز (ستاره)؛ گوک (آسمان)؛ گوزیتیم (افق)؛ یتیکن (یدی + اوق+گن) ستاره‌دب.

به‌طور کلی می‌توان گفت این کتاب از گنجینه‌های پرارزش برای لغت‌شناسان و ادیبان فارسی و عربی است. در مقایسه با فرهنگ‌های مشابه همچون بلغه و مرقاه و السامی فی الاسامی و دستور الاخوان و قانون الادب این کتاب از جهات مختلف برتری دارد.

نویسنده در ابتدای کتاب به تبیین جایگاه زبان عربی در بین زبان‌های دیگر پرداخته است. سپس با مدح ابوالمظفر اتسوز بن خوارزم پادشاه وقت، محتویات کتاب را به پنج بخش تقسیم می‌کند، اسامی، افعال، حروف، صرف اسماء، و صرف افعال که دو قسمت آخر آن در کتاب موجود نیست.

بخش اول کتاب در اسامی مشتمل بر ۹۷ باب است که از زمان و اوقات آن و آسمان و هر آنچه در آن است، شروع شده و به اسماء اشاره و موصولات ختم می‌شود. بخش دوم در افعال است که قسمت اعظم کتاب را در برمی‌گیرد و شامل افعال معلوم و مجهول می‌شود، و طبق اوزان افعال که از فَعَلٌ، یَفْعَلُ شروع شده و افعالی که بر این وزن هستند را به فارسی ترجمه کرده است و به تعداد اوزان افعال باب در نظر گرفته است. لازم به ذکر است که مؤلف با توجه به حرف لام الفعل و ترتیب

حروف الفبائی کتابش را تنظیم نموده است و بعد از ذکر باب افعال صحیح به افعالی که مضاعف هستند و بر وزن فوق بوده، پرداخته است. مؤلف در ادامه ترجمه افعالی که معتل الفاء هستند و حرف عله آن واو هست ذکر کرده و بعد از این قسمت، افعال معتل الفائی که حرف عله آن یاء هست را ترجمه می‌کند، سپس معتل العین، و معتل اللام، معتل الفاء و اللام، و معتل العین و اللام و در تمام این موارد و افعال معتل الواو را مقدم بر یاء قرار داده است. همچنین معتل‌های مضاعف را مقدم بر دیگر معتلات ذکر کرده است. لازم به ذکر است که ذیل هر بابی امکان دارد، برخی از اقسام فوق باشد و برخی دیگر نباشند.

بخش سوم کتاب را حروف تشکیل می‌دهد که شامل هشت فصل می‌شود و فصول را به ترتیب ذیل ذکر کرده است: حروف جاره، حروفی که اسم را منصوب می‌کنند، حروفی که اسم را منصوب و خبر را مرفوع می‌کنند (حروف مشبّهة بالفعل)، دو حرفی که اسم را مرفوع و خبر را منصوب می‌کنند (ما و لای نفی جنس)، حروفی که فعل مضارع را منصوب می‌کنند، حروفی که فعل مضارع را مجزوم می‌کنند، حروف عطف و در آخر حروف غیرعامل را ذکر کرده است.

این کتاب مورد توجه خاورشناسان بوده چنانکه نخستین چاپ آن با کوشش ای. جی وتزشتاین در سال ۱۸۴۳م بر پایه‌ی نسخه‌های مختلفی که در اروپا به دست آورده، در لایپزیک آلمان چاپ شده است. دانشمند نامبرده فهرستی از واژه‌های عربی کتاب را همراه با معادل لاتینی آن به کتاب پیوسته است که می‌تواند برای استفاده‌کنندگان از کتاب مفید باشد.

در کتاب رموزات فراوانی به چشم می‌خورد که برای وضوح این رموزات توضیحاتی ذکر می‌شود:

ح، مؤلف این رمز را بعد از کلمه جمع قرار داده تا اینکه به خواننده متذکر شود که این کلمه همان جمع

چهره‌های درخشان این دوره که تاکنون در گوشه‌های فراموشی مانده، معرفی و ممیزات حکمت متعالیه به دستداران علوم معقول و اهل فلسفه و عرفان نمایانده شود.

در مقدمه، به هدف و انگیزه همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان اشاره شده است.

در مقاله اول، نوشته دکتر احمد شرف‌الدین، تاریخ ریاضیات در ایران از عهد صفوی تا تأسیس مدرسه دارالفنون، بررسی شده است.

آثار ریاضی‌دانان عهد صفوی تا تأسیس مدرسه دارالفنون، چندان حایز اهمیت نیست و این مربوط به شرایط سیاسی آن عهد است؛ از این رو، نویسنده در این مقاله، صفحاتی را به شرح اوضاع سیاسی آن دوران اختصاص داده است. همچنین چند صفحه‌ای

را برای بحث درباره موسیقی عصر یادشده در نظر گرفته است؛ چراکه به اعتقاد وی، موسیقی جزئی از

ریاضیات محسوب می‌شود و افزون بر این، موسیقی یک عصر، اوضاع سیاسی و فکری آن عصر را کمابیش نشان می‌دهد. از این روست که سخن کنفوسیوس:

«مقام تربیت هر قوم را از تألیفات موسیقایی آن قوم توان شناخت» و نیز سخن منسیوس (MENCIOUS)، فیلسوف چینی قرن چهارم پیش از میلاد: «اگر

فرمانروایی موسیقی را از دل و جان دوست بدارد، کشور را بهتر اداره می‌کند»، کاملاً مورد توجه نویسنده این سطور بوده و مثال‌هایی در تأیید این سخنان آورده

است، از جمله آن‌ها اینکه انوشیروان که دادگر بود، موسیقی را برای تجلیل آورده شدن کتاب کلیله و دمنه توسط برزویه طبیب از هند به ایران به کار برد، در

صورتی که ناصرالدین شاه که مستبد بود، موسیقی را برای عیاشی و خوشگذرانی شخصی می‌خواست.

تکیه نویسنده این مقاله بر سخن منسیوس از لحاظ نظام فکری است که موسیقی به وجود می‌آورد. در این

کلمه پیشین است؛ مثلاً دهر، دهور ح که دهور همان جمع دهر است.

م، علامت مترادف است که قبل از کلمه‌ی مترادف ذکر شده است. برهه‌م منون‌م عصر که دو واژه‌ی منون و عصر مترادف برهه است.

معا، علامت واژگانی است که در تلفظ دو وجهی هستند.

ثلث بدون نقطه برای واژگانی که سه وجهی تلفظ شده‌اند.

اعداد و شماره‌هایی که در بین سطور دیده می‌شود نیز نسخه بدل‌های کتاب می‌باشد.

کتاب دارای غلطهایی است که در انتهای کتاب صحیح آن‌ها ذکر شده است.

” علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون

علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون، اثر مهدی محقق، از سلسله کتاب‌های همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان پیرامون علوم محض (ریاضیات، داروسازی، موسیقی، نجوم و کشاورزی) می‌باشد.

کتاب، به زبان فارسی و در سال ۱۳۸۱ش، تدوین شده است.

کتاب با مقدمه گردآورنده آغاز و مطالب، دربردارنده ده مقاله می‌باشد. همه مقالات این اثر، در حوزه علوم محض است و این علوم در عهد صفویه بررسی شده و تأثیر آن بر دوران بعد مورد پژوهش قرار گرفته است.

هدف از همایش مذکور، آن است که اندیشه نادرستی را که غریبان و به تبع آنان دانشمندان کشورهای عربی اظهار داشته‌اند، مبنی بر اینکه پس از ابن رشد، دانشمند اندلسی، ستاره اندیشه‌های فلسفی و تفکر عقلی در جهان اسلام رو به افول نهاد، از چهره تاریخ فلسفه اسلامی زوده گردد، همچنین برخی از

به‌زودی اکبر شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ق) وی را به دربار خود، دهلی، فراخواند و به سمت پزشک و ندیم خود منصوب ساخت. حکیم علی در دربار اکبر شاه به مقام و ثروت بسیاری دست یافت و به لقب «جالینوس الزمان» مفتخر گردید.

در مقاله چهارم، نوشته دکتر علی فروچی، مبانی طب قدیم مورد بررسی قرار گرفته و در مقاله پنجم، اثر هوشنگ ساعدلو، نگاهی تاریخی به فاصله زمانی تألیف دو کتاب إرشاد الزراعة ۹۲۱ق و مفاتیح الأرزاق ۱۲۷۰ق، شده است.

مقاله ششم، اثر دکتر سید حسین رضوی برقی، درآمدی است بر داروشناسی و داروسازی از صفویه تا دارالفنون.

نجوم و منجمین در سده‌های دهم تا سیزدهم هجری قمری در سرزمین‌های اسلامی، در مقاله هفتم، نوشته جواد روحانی بررسی شده است. نجوم از جمله دانش‌هایی است که همه اقوام و ملل، از گذشته‌های دور بدان اشتغال داشته‌اند و هر تمدنی به شکلی با آن آشنا بوده است. بدیهی است که دستاوردهای علمی تمدن‌های قدیمی‌تر، تدریجاً، در اختیار تمدن‌های بعدی قرار گرفته و آن‌ها را در پیشبرد دانش نجوم کمک کرده است. پس از ظهور اسلام و گسترش قلمرو دولت اسلامی به سرزمین‌های دور و نزدیک، آثار علمی اقوام مختلف به دست مسلمانان افتاد و بدین وسیله دنیای اسلام وارث علوم پیشینیان شد.

در مقاله هشتم، نوشته دکتر غلامرضا جمشیدنژاد اول، نگاهی به نوآوری‌های محمدباقر یزدی (۱۰۶۹ق / ۱۶۵۹م) در ریاضیات و در زمینه اعداد متحاب و اعداد متعادل در کتاب «عیون الحساب» شده است. دو مقاله آخر نیز نوشته محسن محمدی بوده و در آن‌ها به بحث پیدایش موسیقی پرداخته شده است. فهرست مطالب در ابتدای کتاب آمده است.

زمینه؛ یعنی، به وجود آوردن نظام فکری، ریاضیات نقش بسیار مهمی دارد و فکر نظام‌یافته است که خواهان نظم و عدل و احترام به قانون است.

در مقاله دوم، نوشته دکتر علی فروچی، جراحی در دوران صفویه مورد پژوهش قرار گرفته است.

در دوران صفویه، مانند دوره‌های پیشین اسلامی، تحصیلات پزشکی همراه فراگیری سایر علوم، مانند: فلسفه، الهیات، منطق، اصول، ریاضیات و نجوم انجام می‌گرفت، آن‌گاه اگر کسی علاقه به جراحی داشت، که تعداد آن‌ها محدود بود، در این رشته بیشتر کار کرده، تبحر لازم را می‌آموخت.

به اعتقاد نویسنده، دانستن این نکته جالب است که در دوران اسلامی فراگیری علوم، از جمله پزشکی، منحصر به فرزندان افراد ثروتمند و اعیان و اشراف نبوده است، بلکه برعکس، بسیاری از کسانی که تحصیل علوم می‌کردند، در نهایت فقر و فاقه بسر می‌بردند و بعضی از آن‌ها برای آنکه بتوانند خرج تحصیل خود را فراهم کنند، در ازای دستمزدهای ناچیز، از روی کتب، نسخه‌برداری می‌کردند. آزادی تحصیل به حدی بود که حتی گاهی اوقات به فراش‌های مدرسه نیز اجازه داده می‌شد، تا در کلاس‌های درس حضور پیدا کنند.

مقاله سوم، اثر دکتر علی فروچی، به معرفی حکیم علی گیلانی اختصاص یافته است. وی برادرزاده حکیم الملک شمس‌الدین گیلانی، شاگرد حکیم فتح‌الله شیرازی، از پزشکان مشهور اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری قمری است. او در گیلان متولد شد و از پزشکی بود که پس از فتح گیلان توسط سپاهیان قزلباش شاه طهماسب صفوی و به زندان انداختن خان احمد خان و وزیر و طبیب او، حکیم عبدالرزاق لاهیجی، به هندوستان مهاجرت کردند. او از طریق گرگان وارد هندوستان شد و در حالی که آهی در بساط نداشت، در دکن مستقر گردید، اما

تاکنون از مصنف این کتاب، هیچ نشان و خصوصیت دقیقی، جز نام «ابوالنجا الفاراض» به دست نیامده است. در تمام کتاب، جز از ارسطو، از هیچ دانشمندی نام نمی‌برد؛ گویی در زمان و مکانی می‌زیسته که هنوز آوازه شهرت مطلقه فارابی و بوعلی در منطق، شیوع نیافته بوده است.

سبک بحث و چگونگی تعبیرات، ما را به یاد ابوحنبل توحیدی (وفات: حدود ۴۰۰) و مباحثی که وی در این زمینه نقل می‌کند، به خصوص به یاد بحث ابوسعید السیرانی با متی بن یونس (وفات ۳۲۸ق) استاد فارابی می‌اندازد.

درعین حال، یختگی مباحث و به کار بردن اصطلاحات و عباراتی که در ترجمه منطق ارسطو به کار نرفته، دلیل بر آن است که وی با دیگر متون منطقی اسلامی، آشنایی داشته و روی این حساب، می‌توانسته در نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم اسلامی، زیسته باشد. بنا به گفته خود، در پایان این کتاب، ابوالنجا، کتب و رسائل دیگری نیز در رد منطق نگاشته و در اینجا فقط به اختصار، به امهات مطالب، پرداخته است. سبک وی در رد منطق با شیوه مخالفان دیگر منطق، به کلی فرق دارد. مناقشات او برای کسانی که به زبان منطقی و فلسفی عربی آشنا هستند، نامأنوس و شاید هم نارسا و یا مردود به نظر برسد، ولی اگر با بازگشت به زبان عربی خالصی که میرا از فکر فلسفه یونانی است و با توجه به زبانی که نماینده طرز اندیشه عربی است، به این مباحثات بنگریم، مقادیر زیادی مواد پرارزش به دست می‌آوریم که در زمینه شناخت ارتباط فکر و زبان، حایز اهمیت و برای بررسی پیوست «فلسفه و زبان یونانی» و مقایسه آن با «ربط فکر و زبان عربی» نسبتاً نادر می‌باشد.

سومین و چهارمین مقاله که به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه به چاپ رسیده است، «رسالة فی تعقب

پی‌نوشت‌های هر مقاله، در انتهای همان مقاله آمده و در آن‌ها بیشتر به ذکر منابع پرداخته شده است.

” منطق و مباحث الفاظ (مجموعه متون و مقالات تحقیقی)

ایزوتسو، توشیهیکو (گردآورنده) محقق، مهدی (گردآورنده)، دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ منطق و مباحث الفاظ، مجموعه‌ای است از متون و مقالات تحقیقی پیرامون منطق که به اهتمام مهدی محقق و توشی هیکوایزوتسو، به چاپ رسیده است.

کتاب با مقدمه مهدی محقق آغاز و مقالات که مجموعاً ۲۱ مقاله است، در دو قسمت عربی و فارسی (مقاله اول تا شانزدهم) و انگلیسی و فرانسه (مقاله هفدهم تا بیست و یکم)، سامان‌دهی شده است.

در مقدمه، به معرفی مقالات و اشاره به محتوا و نسخ خطی موجود از هر یک، پرداخته شده است.

نخستین مقاله این مجموعه که به اهتمام مهدی محقق گردآوری شده، رساله‌ای است تحت عنوان «فصل فی ماهی صناعة المنطق و فی ماذا ینتفع بها» و چنان‌که از نام آن پیداست، درباره صنعت منطق و فایده آن بوده و در سال ۵۵۷ق، نوشته شده است.

از نویسنده این رساله، آگاهی در دست نیست، ولی می‌توان حدس زد که در دوره‌ای نوشته شده است که دانشمندان می‌خواستند نیاز و احتیاج به فن منطق را اثبات کنند؛ یعنی دوره فارابی و ابن‌سینا، وگرنه در دوره‌های بعد، همچون دوره کاتبی قزوینی و قطب‌الدین رازی و سعدالدین تفتازانی، توجه فراوان به مطالب ابواب مختلف منطق داشتند و فایده و سود آن را فقط به اختصار در آغاز کتاب‌ها، یادآور می‌شدند.

دومین مقاله که به اهتمام عبدالجواد فلاطوری آماده شده است، «کتاب الخمسین مسئله فی کسر المنطق» نام دارد. با وجود تفحص زیاد و استمداد از اهل فن،

الموضوع الجدلی» و «الأجوبة عن المسائل الغربية العشرينية» نام دارد. سه دسته از دانشمندان اسلامی با منطق ارسطاطالیسی ستیزه و جنگ داشتند:

عارفان و صوفیان که به نیرویی برتر از خرد و عقل می‌گرویدند و مسائل علمی خود را بالاتر از اندیشه منظم دستگاه فلسفی می‌پنداشتند. کوشش آنان این بود که سخنان ایشان با معیار منطقی سنجیده نشود و در دسترس عوام قرار نگیرد تا مبادا کسی از آن‌ها خرده گیرد و لغزشی در دستگاه آنان راه یابد. ابن سینا گویا نخستین کسی است که در اشارات، کوشیده است که مسائل عرفانی را به نظم منطقی درآورد. آن‌ها را از آسمان شهود به زمین استدلال فرود آورد. اگرچه خواجه انصاری هروی هم با نگارش «منازل السائرین» و «صد میدان»، به مقامات و احوال عرفا، نظمی داده و عبادی در «التصفیة» و طوسی در «أوصاف الأشراف» و دیگران هم از او پیروی کرده‌اند، ولی هیچ‌یک از آن‌ها آن راهی را که ابن سینا پیموده است، نرفته‌اند.

ادیبان و نحویان و لغویان که ترجمه‌های ناپخته و دشوار متأثر از ادب یونانی از کتاب‌های منطقی را در نمی‌یافتند و ناگزیر از منطق نکوهش می‌کردند که داستان متی بن یونس قنایی که ابوحیان توحیدی نقل می‌کند و سخنان ابن اثیر ادیب از این قبیل است. پس از اینکه مسائل منطقی به عبارات روان و شیوای فارابی، ابن زرعه، ابن عدی و ابن سینا و دیگران درآمده، خودبه‌خود آتش جنگ و ستیز آنان فرونشسته است.

متکلمان و فقیهان که چندان به خرد و عقل ارجحی نمی‌نهادند، بلکه آن را در چهارچوب دین و شریعت می‌پذیرفتند و استقلالی در آن نمی‌دیدند. آنان در کنار وحی و شواهد دینی و نصوص مذهبی، اگر به مسائلی برمی‌خورند که نیازی به استدلال داشته است، راه استدلال از شاهد و آشکارا به غایب و نهان

را در الهیات و راه قیاس فقهی و تمثیل منطقی را در فقه، می‌پیمودند. در این مورد، متکلمان در مباحث نظری، شالوده دیگری ریخته‌اند و اگرچه در پاره‌ای از مسائل منطقی به دقایقی برخوردند و موشکافی‌هایی کردند، ولی به همان قیاس مشابَهت و ضمیر خطابی و قیاس دو بخشی مانند قیاس چینی و روش نوبختی بس کردند و راه را این می‌دانستند که از آشکارا به نهان پی برند و یک نوع تشبیه و آنالوژی را کافی بدانند. همه این‌ها، برای این بود که راه فلسفه را نگیرند و از دژ پولادین دین بیرون نشوند. خرده‌گیری‌ها که برخی از آن‌ها، مانند ابوالنجا و ابن تیمیه و ابن صلاح و سیوطی از منطق کردند، بر مسائل مسلم منطقی وارد نبود یا اینکه از پاره‌ای از مسائل فلسفی و مقولات که نزد ارسطو حکم مثال را در منطق داشته است، خرده می‌گرفتند و یا اینکه اعتراضات آن‌ها روی نرسیدن به کنه مسائل منطقی بوده است. فقیهان و اهل شریعت هم برای رسیدن به این نوع مسائل غیر منصوص، خود منطقی ساختند که قیاس فقهی باشد و استحسان و مصالح مرسل و اصول عملی و آن‌ها به‌ویژه در قیاس، سخنان دور و دراز آوردند.

پس دو رشته بحث علمی در اینجا پیدا شده است:

نقد از برخی مسائل منطقی و خرده‌گیری از آن‌ها. نگارش رساله‌ها درباره قیاس و جدل و خلاف و آداب بحث یا بحث از آن‌ها در ضمن کتاب‌های کلان. ابن سینا در این دو رشته وارد شده و در پاره‌ای از رسائل خود، بدان‌ها پرداخته است.

از رساله نخستین که در اینجا آورده شده [رساله سوم این مجموعه]، برمی‌آید که وی در برابر متکلمان و فقیهان برخاسته و از آنچه آن‌ها به نام استدلال شاهد به غایب و قیاس فقهی بدان ارجح می‌نهند، خرده گرفته و راه درستی هم رفته است. رساله دوم [از دو رساله اخیر که رساله چهارم این مجموعه محسوب

می‌شود]، می‌رساند که در مجالس درس و بحث او، به نقد برخی از مسائل منطقی می‌پرداختند و او در آن از این‌گونه خرده‌گیری‌ها، پاسخ گفته است.

ابن‌سینا در اینجا، همان راهی را پیموده است که محمد بن زکریای رازی و فارابی در نگارش منطق فلسفی، به روش متکلمان رفته‌اند و او به زبان همان‌ها توانسته است آن قیاس مشابهت را که آنان ارزش می‌نهند، بی‌ارج نشان دهد و بنیاد آن را سست سازد؛ همچنان‌که فارابی این چنین کرده است. ذکر این نکته ضروری است که اگرچه ابن‌سینا در نگارش رساله چهارم و مانند آن خواسته است پایه منطقی ارسطاطالیسی را استوار سازد، ولی خود او در «الأرجوزة» و «منطق المشرقیین»، شالوده‌ای ریخته است که متأخران مانند امام رازی و کشی و خنجی و افضل کاشانی و کاتبی از آن پیروی کرده و منطق دو بخشی یا شناخت معرفت‌تصوری و حجت تصدیقی را آشکار ساختند، ولی این منطق متأخران - که منطق لاتینیان مانند منطق دربار شاهی هم بدین روش است - خود طرح همان مسائل منطقی ارسطاطالیسی است؛ به تعبیر دیگر، نه اینکه در گوهر آن‌ها دگرگونی رخ داده باشد.

مقاله پنجم که به اهتمام ابراهیم دیباجی گردآوری شده، «شرح قصیده أسرار الحكمة»، اثر ابوالعباس فضل بن محمد لوکری، فیلسوف، ریاضی‌دان و ادیب سده پنجم هجری، نام دارد. لوکری در آغاز این شرح می‌گوید: «بباید دانستن که این قصیده‌ای است علمی که در وی یادکرده‌امده است بسیاری از معانی علوم حکمت چهارگانه منطقی و طبیعی و ریاضی و الهی و نیز بعضی از علم اخلاق». پس وی قصیده خود را بر پنج قسم ساخته و در بخش پنجم آن، برخی از مسائل حکمت عملی (علم اخلاق) را عنوان کرده است. این شرح، از جهاتی حائز اهمیت است، از جمله: تا آنجا که آگاهی داریم، پیش از این قصیده، منظومه

منطقی و فلسفی فارسی ساخته نشده و گویا این نخستین منظومه منطقی و فلسفی فارسی باشد. در این قصیده، از مهمات مسائل منطقی بحث شده و از جزئیات آن گفتگو نشده است.

در این شرح، تمام مسائل علم منطق بحث نشده و جمیع قواعد منطقی بیان و تقریر و تفسیر نگردیده و به‌طور کلی، منطق خالص و محض نمی‌باشد، بلکه فلسفه منطق است و توجیه مهمات مسائل منطقی و سبب آن؛ لذا این رساله، کسی را بهره بخشد که غوامض علم منطق را آسان است.

دارای نظم کهن فارسی است و از این جهت، قابل توجه است.

یکی از نثرهای کهن فارسی است و از این جهت، سبک نگارش و جمله‌بندی و ترکیبات و مانند آن، اهمیت بسیار دارد.

این متن، از جهت اشتمالش بر اصطلاحات منطقی فارسی، قابل ملاحظه و در آن به تعبیرهایی برمی‌خوریم که در منطق دانشنامه ابن‌سینا نیست.

از برخی جمله‌ها و مثال‌های آن برمی‌آید که از منطق دانشنامه پیروی کرده است.

در این شرح، از «بیان الحق بضمن الصدق» خود نام می‌برد.

در آن از رأی ارسطاطالیس و شاگردان وی و ثاوفرسطیس و ثامسطیوس و اسکندر افرودیسی و ابن‌سینا یاد می‌کند.

از اسکندر به «فاضل متأخران» و از ابن‌سینا به «خواجه رئیس ابوعلی سینا قدس‌الله وجهه‌العزیز» تعبیر می‌کند. مقاله ششم که «تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الأفکار» نام داشته و اثر خواجه نصیرالدین طوسی و در نقد «تنزیل الأفکار و تعدیل الأسرار» اثیرالدین ابهری می‌باشد، به اهتمام عبدالله نورانی، گردآوری شده است. «تعدیل المعیار» طوسی مشتمل است بر یک

فهرست مطالب در ابتدای کتاب آمده و در پاورقی‌ها علاوه بر اشاره به اختلاف نسخ، به توضیح برخی از مطالب متن، پرداخته شده است.

” درآمدی بر دانشنامه تاریخ پزشکی در اسلام و ایران

مهدی محقق طی سال‌های متمادی یعنی در حدود ۴۶ سال تدریس و پژوهش در زمینه‌ی نسخ خطی، به‌ویژه‌ی دستنوشته‌های پزشکی بر آن شد که مجموعه‌ای با عنوان «دانشنامه‌ی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران» فراهم نماید.

«درآمدی بر دانشنامه تاریخ پزشکی در اسلام و ایران» عنوان اثری است که فهرست الفبایی مدخل‌های «فرهنگ اصطلاحات پزشکی اسلامی» را شامل می‌شود. این اثر حدود ۸ هزار مدخل را ارائه می‌کند و می‌تواند درآمدی بر دایرة‌المعارف تاریخ پزشکی حوزه‌ی تمدنی ایران باشد.

با توجه به اهمیت و گستردگی سابقه علوم پزشکی و فنون وابسته به آن در جهان اسلام عموماً و کشور ایران خصوصاً، ضرورت نشر دانشنامه تاریخ پزشکی که در آن همه ابعاد موضوع، مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد احساس می‌شد. از جمله موضوعات چنین مجموعه‌ای معرفی دانشمندان بزرگ و کتاب‌های ارزنده و اندیشه‌های ابتکاری آنان است. نام بیماری‌ها و تعاریف آن‌ها و روش‌های درمان، نام بیمارستان‌ها و دارالشفاه، ادویه مفرده و مرکبه، آلات و ابزار جراحی، گیاهان دارویی با ذکر معادل خارجی و سوابق لاتینی و یونانی و جز این‌ها از جمله موضوعات دیگر این کتاب است. این طرح، کاری است دراز مدت، وقت‌گیر و دقیق. لذا لازم می‌نمود که مقدمات آن تهیه شود و درآمدی بر آن نوشته گردد. محتوای اصلی این درآمد، فرهنگ الفبایی اصطلاحات پزشکی و داروشناسی در اسلام

مقدمه در غرض منطق و تصور و تصدیق و تقسیم آن‌ها به بدیهی و کسبی و محکوم‌علیه و معنی مفرد و موضوع منطق و پنج مقاله و هر مقاله دارای یک یا چند لامع و هر لامع دارای چند فصل. مقاله اول، در مقدمات و مقاله دوم در قضایا و مقاله سوم در عکس و احکام آن و مقاله چهارم در قیاس و اقسام آن و مقاله پنجم در مبادی اقیسه و برهان و تقسیم برهان و اجزای علوم برهانی و مغالطه و مأخذ غلط و ترکیب مغالطات و حل آن‌ها و بیان ده نوع مغالطه.

مقاله هفتم که «أجوبة مسائل الأستریادی» نام دارد، به اهتمام عبدالله نورانی گردآوری شده است. استریادی که از شاگردان میرز خواجه نصیر طوسی بود، بیست مسئله در منطق و فلسفه، فراهم ساخته و برای طوسی فرستاده و از او خواسته است که بدانها جواب بدهد. استریادی در این مسائل، از کتاب تجرید طوسی، امام فخر رازی، شیخ رئیس، کتاب لواحق، اثیرالدین ابهری، ذیمقراطیس، ارسطو و افلاطون نام می‌برد.

عناوین سایر مقالات کتاب، به ترتیب عبارت است از: «مطارحات منطقیة بین الکاتبی و الطوسی»؛ «تعلیقات منطقیة میرداماد»؛ «شرح ابیات سبعة طوسی»؛ «فوائد منظومة یا الأرجوزة فی المنطق»؛ «الرسالة المحیطة بتشکیکات فی القواعد المنطقیة»؛ «اشتراک لفظی وجود»؛ «بساطت تصدیق به روش صدرالدین شیرازی»؛ «دو اصطلاح تصور و تصدیق در فلسفه اسلامی و معادل‌های یونانی و لاتینی و عبری آن‌ها» و «اصطلاح مشکک در آثار ارسطو و فلسفه اسلامی و آثار ابن میمون».

عناوین مقالات قسمت انگلیسی و فرانسه نیز عبارت است از: «مشکل اساسی ماهیت لابلشرط»؛ «منطق ارسطو نزد متکلمان»؛ «غزالی و معیار العلم»؛ «تفسیری ناشناخته بر ارغنون ارسطو» و «ارتباط زبان‌شناسی و فلسفه».

اهتمام)، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل
شرح بیست و پنج مقدمه در اثبات باری تعالی اثر
محمد بن ابی بکر تبریزی، کتابی است که در آن به شرح
مقدمات بیست و پنج گانه‌ای که ابن میمون در دلالة
الحائرين در اثبات وجود باری تعالی و نیز وحدانیت
و منزه بودن خداوند از جسمانیت نگاشته، می‌پردازد.
به گفته مصنف همه این مقدمات اثبات شده و تردیدی
در هیچ يك از آنها نمی توان روا داشت. زیرا ارسطو
و دیگر حکمای مشائی پس از او هر يك برهانی برای
اثبات هر کدام از این مقدمات آورده‌اند و مصنف نیز
مقدمه‌ای برای تایید آنان آورده و تسلیم آن شده است.
این اثر توسط سید جعفر سجادی ترجمه و به اهتمام
مهدی محقق، تحقیق و منتشر شده است.

این کتاب از دو جهت دارای اهمیت است. یکی آنکه
نشان دهنده اینست که تا چه اندازه فلسفه و کلام
اسلامی در زیر بنای فکری و عقلی سایر ملل اثر داشته
و دیگر اینکه توانائی نیروی علمی فیلسوفی ایرانی را در
نقد و تحلیل یکی از مهمترین و معروفترین آثار قرون
وسطی آشکار می‌سازد.

این کتاب در سال ۱۳۲۹ هجری قمری از روی نسخه‌ای
منحصر بفرد در قاهره بوسیله محمد زاهد الکوثری
بطبع رسید و نیز هنگامی که کتاب دلالة الحائرين
با خط عربی در سال ۱۹۷۲ بوسیله دانشکده الهیات
دانشگاه انکارا چاپ شد مصحح کتاب دکتر حسین
آقای استاد علم کلام و اصول دین و رئیس آن دانشکده
شرح تبریزی را بتمامه در پاورقی آن کتاب آورد.
نسخه حاضر به اهتمام دکتر مهدی محقق و با ترجمه
فارسی آقای سید جعفر سجادی در قطع وزیری با
جلد گالینگور در ۸ صفحه پیشگفتار، ۶۵ صفحه متن
عربی و ۱۵۰ صفحه ترجمه فارسی در سال ۱۳۶۰
ه-ش توسط انتشارات دانشگاه تهران با همکاری

و ایران است. طرح مقدماتی تدوین دانشنامه‌ی تاریخ
پزشکی در اسلام و ایران به زبان‌های فارسی، عربی و
انگلیسی، تألیف خود مؤلف نیز به این درآمد پیوست
شده است.

این طرح مقدماتی شامل یک مقدمه درباره‌ی اهمیت
و جایگاه علم پزشکی و اخلاق پزشکی در اسلام،
شاخه‌های علم پزشکی در اسلام و نمونه‌هایی که
دانشمندان ایرانی و مسلمان نوشته و به دست ما
رسیده؛ مواد و مطالبی که در دانشنامه‌ی تاریخ پزشکی
در اسلام و ایران خواهد آمد که به ۲۰ موضوع کلی
اشاره شده است؛ منابعی که در مرحله‌ی اول، مورد
مطلب‌یابی و بهره‌برداری قرار خواهد گرفت و مراحل
بعدی کار است.

همچنین تعاریفی که در «فرهنگ الفبایی اصطلاحات
پزشکی و داروشناسی در اسلام و ایران» برای
اصطلاحات به‌کار رفته است برخی به‌صورت شرح
الاسم است که به کتاب‌های کهن ارجاع شده و برخی
دیگر از تعریف بالحد یا بالرسوم بر پایه‌ی متون معتبر
پزشکی و داروشناسی استفاده گردیده است. این
درآمد، شامل فهرست مداخل و کتاب‌نامه نیز می‌باشد.
در آماده‌سازی این مجموعه، کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی
مطالعات اسلامی دانشگاه تهران-دانشگاه مک‌گیل،
بنیاد دائرة المعرف اسلامی و انجمن آثار مفاخر
فرهنگی منابع خود را در اختیار مؤلف قرار دادند.
کتاب را مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه تهران-
دانشگاه مک‌گیل کانادا به مناسبت چهل و دومین سال
تأسیس خود، در سال ۱۳۸۹، در تهران منتشر نمود.

” شرح بیست و پنج مقدمه در اثبات باری تعالی از کتاب دلالة الحائرين ابن میمون

آدامز، چارلز (زیر نظر) تبریزی، محمد بن ابی بکر
(شارح) سجادی، سید جعفر (مترجم) محقق، مهدی

دانشگاه مك گیل کانادا منتشر شده است. نوبت چاپ کتاب مشخص نیست.

” اما بیان مقدمات

مقدمه اول در اینکه وجود حجم بینهایت محال است. مقدمه دوم- در باب اینکه نامتناهی بودن در اجسام عددا نیز محال است. مقدمه سوم- در اینکه وجود علل و معلولات بطور بی نهایت عددی محال است.

مقدمه چهارم- در اینکه دگرگونی در چهار مقوله حاصل می شود.

مقدمه پنجم- در بیان اینکه هر حرکتی عبارت از تغییر و خروج از قوت بفعل است.

مقدمه ششم- در انواع حرکات که عبارتند از:

۱- حرکت بالذات مانند انتقال جسمی از محلی به محل دیگر.

۲- حرکت بالعرض مانند حرکت سیاهی جسم است که با انتقال جسم از مکانی بمکانی دیگر نقل داده می شود به تبع.

۳- حرکت بالقسر مانند حرکت سنگ به جهت بالا بواسطه قاسری که در آن ایجاد می شود و بوسیله آن قاسر بطرف بالا حرکت می کند.

۴- حرکت بالجزء مانند حرکت میخهای کشتی که به تبع حرکت کشتی به میخهای آن نیز متحرك اطلاق می شود.

مقدمه هفتم- در انقسام متغیرات و متحرکات

مقدمه هشتم: آنچه متحرك بالعرض است، بالضروره ساکن خواهد شد زیرا اولاً حرکت آن بذاته نمی باشد و ثانیاً ممکن نیست که حرکت عرضی دائمی باشد.

مقدمه نهم- هر جسمی که محرك جسم دیگر است خود نیز در عین محرك بودن متحرك است.

مقدمه دهم- در اعراض و صور

مقدمه یازدهم- در بیان متعلق قسمت پذیری و قسمت

ناپذیری اجسام

مقدمه دوازدهم- در تناهی قوی

مقدمه سیزدهم- در اینکه زمان مقدار حرکت وضعی فلکیه است.

مقدمه چهاردهم- در بیان اقدم حرکات است که حرکت نقله است.

مقدمه پانزدهم- در بیان اینکه زمان عرضی است تابع حرکت

مقدمه شانزدهم- در اینکه تعدد قوی به تعدد موضوعات است و تعدد عقول از جهت تعدد علیت و معلولیت است.

مقدمه هفدهم- در اینکه هر متحرکی را محرکی لازم است.

مقدمه هیجدهم- در اینکه هر چیزی که از قوه به فعل آید، سبب و علتی خارجی دارد.

مقدمه نوزدهم- در بیان اینکه هر موجودی که مستند به سببی باشد ممکن خواهد بود.

مقدمه بیستم- در بیان اینکه واجب الوجود بالذات دارای سبب نیست.

مقدمه بیست و یکم- در اینکه اجزاء ترکیب کننده هر امر مرکبی سبب وجود آن مرکب اند.

مقدمه بیست و دوم- در اینکه هر جسمی مرکب است.

مقدمه بیست و سوم- در اینکه هر چه بالقوه است لازم نیست که همواره موجود بالفعل باشد.

مقدمه بیست و چهارم- در اینکه هر چیزی که بالقوه است قهراً دارای ماده است.

مقدمه بیست و پنجم- در مبادی جواهر مرکب.

” الباب الحادی عشر (شرح) / النافع یوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر / مفتاح الباب

علامه حلّی، حسن بن یوسف (نویسنده) فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (شارح) جرجانی، ابوالفتح

که آن را عقلاً واجب می‌داند و بیان می‌کند که امام باید معصوم و منصوب علیه و فاضل‌ترین مردمان باشد. سپس از راه‌های عقلی و نقلی به ذکر امامت بلافصل علی بن ابی طالب (ع) پس از پیغمبر (ص) می‌پردازد؛ ۷- در معاد که آن را از طریق عقلی ثابت می‌کند و سپس آیاتی را که بر آن دلالت دارد شرح می‌دهد؛ در این فصل مسئله ثواب و عقاب و توبه و امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است.

فهرست مطالب کتاب در ابتدای اثر آمده است و کتاب بر اساس سه نسخه مورد تصحیح قرار گرفته است.

” بستان الأطباء و روضة الألباء

ابن مطران، اسعد بن الیاس (نویسنده) محقق، مهدی (محقق)، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
بستان الأطباء و روضة الألباء، تألیف ابونصر موفق‌الدین اسعد بن ابی‌الفتح الیاس بن جرجیس مطران (پزشک و داروشناس مسیحی تبار سده ششم قمری)، مجموعه‌ای است از مطالب گوناگون پزشکی مانند تعاریف برخی واژه‌ها و بیماری‌ها.

کتاب با مقدمه کوتاهی از محقق آغاز شده و مطالب شامل سه بخش است. بخش اول، شرح حال ابن مطران از ابن ابی‌اصیبه در «عیون الألباء»، بخش دوم ترجمه و تلخیص کتاب «بستان الأطباء و روضة الألباء» از خود نویسنده و بخش سوم، متن عربی کتاب. ظاهراً کتاب در دو جلد تدوین شده بود. جلد اول را مهذب‌الدین عبدالرحیم، شاگرد ابن مطران، نزد استاد خوانده و ابن مطران خود یادداشت‌هایی در حواشی آن نوشته بوده؛ ولی با درگذشت او، مهذب‌الدین امکان نیافته است که جلد دوم را نیز بر او بخواند. جلد دوم کتاب نیز ظاهراً اکنون در دست است.

در مقدمه، ضمن معرفی کتاب و بیان جایگاه آن، به این نکته اشاره شده است که کتاب‌های علمی باید

بن مخدوم (شارح) محقق، مهدی (محقق)، آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات
الباب الحادی عشر مع شرحیه النافع یوم الحشر و مفتاح الباب، متن کتاب معروف «باب حادی عشر»، تألیف علامه حلی، به همراه دو شرح مهم «النافع یوم الحشر»، نوشته فاضل مقداد و «مفتاح الباب»، تألیف ابوالفتح بن مخدوم حسینی است.

کتاب با لیستی از کتب انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مگ‌گیل شعبه تهران و مقدمه ارزشمندی به قلم مهدی محقق آغاز شده است. پس از آن تصحیح اغلاط کتاب با عنوان صوابنامه، متن باب حادی عشر و دو شرح مذکور آمده است.

علامه حلی در این اثر، از اصول دین آنچه را به اجماع علما بر هر مسلمانی واجب است، چنین برمی‌شمارد: شناخت خدا و صفات ثبوتیه و سلبيه او و آنچه بر او صحیح و از او ممتنع است، و شناخت نبوت و امامت و معاد. وی این باب را در هفت فصل قرار داده است: ۱- در اثبات واجب‌الوجود؛ ۲- در صفات ثبوتیه او که عبارت است از قدرت و اختیار، علم، حیات، اراده و کراهت، ادراک، قدیم و ازلی و باقی و ابدی بودن او، تکلم، صدق؛ ۳- در صفات سلبيه او که عبارت است از مرکب نبودن، جسم و عرض و جوهر نبودن، لذت و الم نداشتن، متحد به چیزی نشدن، محل حوادث نبودن، رؤیت بصری نداشتن، شریک نداشتن، از معانی و احوال به دور بودن؛ ۴- در عدل که اختیار بشر و استحاله قبح بر خداوند و لطف او را به اثبات می‌رساند؛ ۵- در نبوت که پس از تعریف واژه «نبی» به اثبات نبوت پیامبر اسلام (ص) و وجوب عصمت او و اینکه او فاضل‌ترین مردمان بوده و از دناوت پدران و ناپاکی مادران و رذائل خلقی و عیوب خلقی برکنار است، می‌پردازد؛ ۶- در امامت (ریاست عامه در امور دنیا و دین برای یک شخص به‌عنوان نیابت از پیغمبر)

به نقل از رازی و ابن‌سینا و یوحنا بن ماسویه و ابن سمعون می‌راند، می‌گوید: «وقال صاحب کتاب البستان: إني وجدت السّفرجل مع قَلّة غذائه من أفاضل الفواكه و جیدها جوهرها و عنصرا...» و ابن ابی‌اصبیعه متوفی ۶۶۸ق، در باب آغاز صناعت طب آنچه را که ابن مطران از قول ابوجابر مغربی در بستان الأطباء آورده نقل می‌کند و سخن خود را با این عبارت آغاز می‌نماید: «و وجدت فی کتاب الشیخ موفق الدّین أسعد بن الیاس بن المطران الّذی وسمه ببستان الأطباء و روضة الألباء، کلاما نقله عن أبی جابر المغربی و هو هذا قال: سبب وجود هذه الصّناعة و حی و إلهام...». فهرست نام‌های خاص و گروه‌ها، نام کتاب‌ها و جای‌ها، در انتهای کتاب آمده است.

«الشکوک للرازی علی کلام فاضل الاطباء جالینوس»

«الشکوک للرازی علی کلام فاضل الاطباء جالینوس» تألیف ابوبکر محمد بن زکریای رازی، طبیب مشهور ایرانی است که به زبان عربی نگاشته شده است. اعتراضات و شکوک رازی است بر این آثار جالینوس: کتاب البرهان، منافع الأعضاء، کتاب فی آراء بقراط و افلاطن، کتاب القوی الطبیعیه، کتاب الأسطقسّات علی رأی ابقراط، تفسیر کتاب بقراط فی طبیعة الانسان، کتاب المزاج، کتاب الأدوية المفردة، المیامر، کتاب قاطاجانس، حيلة البرء، الأعضاء الالّمه، العلل و الأعراض، البحران، أصناف الحمّیات، تدبیر الأصحاء، کتاب الفصول، تقدمة المعرفة، الأمراض الحادّة، التّبض الكبير، التّجربة الطّبیّة و ما یعتقده جالینوس رأیا (به‌عنوان آخرین تألیف جالینوس). رازی در این کتاب در بسیاری موارد پس از بیان شک، حل آن را نیز یاد می‌کند و به اعتراض خود پاسخ می‌دهد و یا می‌گوید «این شک قابل حل است».

مورد تصحیح انتقادی قرار گیرد و با نقطه‌گذاری و قسمت‌بندی کامل به پیوست فهرست‌های گوناگون و مقدمه در معرفی کتاب و شرح احوال مؤلف بر اهل علم عرضه گردد؛ از این جهت چاپ کتب به‌صورت تصویری و عکسی نوعی ظفره زدن از علم و تن زدن از کوشش علمی است.

اثر حاضر، مجموعه‌ای است از مطالب گوناگون پزشکی و نوادر حکایات و نکته‌های بدیع و داستان‌های علمی و تاریخی که نویسنده در ضمن مطالعه کتب و مجالست با شیوخ و علما برای خود گرد آورده و مطالب مختلف کتاب را برحسب موضوع تحت عنوان‌های: وصیت، اشاره، لمعه، نکته، ملحه قرار داده است.

موضوعاتی را که ابن مطران در کتاب خود آورده، بیشتر مربوط به علم پزشکی و تعاریف اصطلاحات آن و خواص ادویه و عقاقیر و سخنان پزشکان بزرگ و ضبط کلمات و واژه‌های پزشکی و داروئی است و در دو جا از کتاب خود از خوانندگان اعتذار می‌جوید: یکی آنجا که می‌گوید: مرا ملامت نکنند که در کتاب خود برخی مطالب که مربوط به علم پزشکی نیست آورده‌ام؛ زیرا هرچند که آن مطالب مربوط به علمی دیگر است، ولی پزشکان از آن بی‌نیاز نیستند. دیگر آنجا که می‌گوید: برخی نگویند که همه این نکته‌ها که در کتاب آورده‌ام بدیع و یگانه نیست و متعلمان این صناعت از آن‌ها آگاه هستند؛ زیرا در بسیاری از موارد مطالبی را آورده‌ام که برخلاف رأی رایج مردم و اندیشه‌های پیشینیان بوده است.

اثر حاضر پس از مدت کوتاهی از مرگ مؤلف، مورد استفاده و استناد اهل علم و پزشکان قرار گرفت؛ چنانکه عبداللطیف بغدادی متوفی ۶۲۹ق، در رساله‌ای که تحت عنوان: «فی المرض المسمی دیابیطس»، نوشته آنجا که سخن از منافع سفرجل،

علی‌رغم خبرویت رازی در علم پزشکی و فلسفه، بسیاری از اطباء و حکمایی که پس از او آمده‌اند، شکوک و انتقادات او را بر جالینوس وارد ندانسته‌اند و این کنکاش‌ها را پاسخ داده‌اند؛ از جمله این اطباء، می‌توان به علی بن رضوان مصری مشهور به ابن رضوان (متوفای ۴۵۳ ق) اشاره کرد.

همچنین ابوالقاسم عبد الرحمن بن ابی صادق نیشابوری (قرن پنجم هجری) و نیز ابوعلاء بن زهر (متوفای ۵۲۵ ق) در کتاب «البیان و التبيين فی الانتصار لجالینوس»، از جمله این افراد بوده‌اند.

کتاب «الشکوک» با تحقیق و مقدمه دکتر مصطفی لیب عبد الغنی چاپ و منتشر شده است.

محقق، در ابتدا، مقدمه‌ای نسبتاً مفصل پیرامون جایگاه نقد و نیز معرفی کتاب «الشکوک» نگاشته است و سپس شیوه تصحیح خود را بیان نموده است. تصحیح این اثر بر پایه نسخه خطی کتابخانه ملک تهران و نسخه چاپ شده به تصحیح دکتر مهدی محقق، است. تدوین و تنظیم فهرست اعلام، اصطلاحات، کتاب‌ها، مذاهب و فرق، شهرها و اماکن از دیگر کارهای محقق این کتاب است.

پاورقی‌های نسبتاً مفصل این اثر چند قسم است: بخشی، به اختلاف نسخ اشاره دارد؛ برخی دیگر، توضیح واژه و اصطلاحی است که در متن آمده و برخی دیگر، معرفی کتاب‌هایی است که رازی در نقد آراء جالینوس از آن‌ها بهره مند شده است.

این اثر، در سال ۱۴۲۶ ق (۲۰۰۵ م)، توسط مرکز انتشارات دارالکتب و الوثائق القومية (قاهره)، در ۲۵۸ صفحه، چاپ و منتشر شده است.

رازی، در این کتاب، بسیاری از آراء فلسفی و پزشکی جالینوس را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. البته باید توجه داشت که نقد افکار و آراء طیب مشهوری همانند جالینوس، از عهده هرکسی ساخته نیست و چه بسا ادعای اشکال بر او باعث هجمه بر منتقد شود. رازی خود به این مطلب واقف بوده است؛ ازاین رو، در اوایل کتاب، در عین اعتراف به عظمت و جلال‌تشان جالینوس، خاطر نشان می‌کند که صناعت طب و فلسفه، تسلیم محض در برابر بزرگان و تقلید از آنان را بر نمی‌تابد؛ چنان که جالینوس خود در کتابی که راجع به منافع اعضاء نگاشته، کسانی را که پیروان و رهروان خود را به پذیرش بدون دلیل از خویش وامی‌دارند، سرزنش نموده است.

رازی، نقد آراء جالینوس را از کتاب البرهان شروع می‌کند و این کتاب را چنین معرفی می‌نماید: «انه كان اجل الكتب عندی و انفعها بعد كتب الله المنزلة. وی بیش از ۲۰ رای از آراء جالینوس را به نقل از سی و چند کتاب او نقل و آن‌گاه نقد می‌کند.

طب اسلامی، از جمله عمومی است که بعضی از مستشرقان، آن را ترجمه و یا شرح طب یونانی می‌دانند و کسانی مثل رازی و ابن سینا را مترجم و حداکثر شارح آثار بقراط و جالینوس می‌خوانند؛ در حالی که تالیفاتی همانند «الشکوک»، نشان گر بطلان این گمان است. «الشکوک» تنها نقد آراء طبی جالینوس نیست، بلکه آراء فلسفی او را نیز نقد و بررسی کرده است. علاوه بر این، رازی آراء بعضی دیگر از حکمای یونان، همانند ارسطو، اقلیدس، ابرقلس و... را نیز نقد و کنکاش کرده است. نکته دیگر اینکه تمام نقدهایی که رازی بر جالینوس وارد می‌داند، در این کتاب نیامده است، بلکه رازی خود تصریح می‌کند که قصد ندارد با ذکر شکوک و نقدهای فراوان این کتاب را مفصل و حجیم کند.

در پایان، ذکر یک نکته خالی از فایده نیست که

پژوهشی‌های نشر

منبع اصلی تولید اطلاعات و دانش جدید در واقع حاصل فعالیت‌های پژوهشی است که انجام می‌گیرد. پژوهش در هر موضوع، به هر شکلی و در هر سطحی که انجام شود تلاشی منسجم و نظام‌مند در جهت توسعه دانش موجود درباره موضوع‌هایی است که با آنها سروکار داریم. پژوهش کوششی است برای یافتن بهترین راه حل‌های ممکن در جهت حل مشکلات موجود در عرصه‌های مختلف زندگی.

بر همین اساس پژوهش در حوزه نشر یکی از ملزومات توسعه و پیشرفت و حل مسائل محسوب می‌شود. موفقیت در تمام فعالیت‌های مربوط به نشر به نحوی به گسترش فعالیت‌های پژوهشی بستگی دارد. سازمان ترویج مطالعه و نشر جهاد دانشگاهی با برگزاری دو دوره کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نشر در پی تحقق هدف تبادل نظر، جریان‌سازی و ترویج گفت‌وگو علمی و فرهنگی در حوزه نشر بوده است. برخی از این مقالات پژوهشی که در دومین کنفرانس پذیرفته شدند در این بخش از نوشتار فرهنگ ارائه می‌شود.

سنتز پژوهی ویژگی‌های کتاب درسی دانشگاهی

محمد نوریان، محمد آرمند
ابراهیم اصابت طبری، عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

” جامعه آماری و نمونه

چکیده اسناد ۱۵۰ مقاله خوانده شد و غربالگری اتفاق افتاد، یعنی از میان مقالات با توجه به معیار مرتبط بودن، آن دسته از مقالاتی که در راستای سؤالات پژوهش نبودند، حذف شده و آن دسته‌ای که هم‌راستا با سؤالات پژوهش بودند، حفظ انتخاب گردیدند و در مجموع ۶۰ مقاله نهایی شدند.

” اعتبار بخشی داده‌ها

جهت اعتبار بخشی مدل به دست آمده، از روش کیفی «قابلیت اطمینان» با چهار معیار به شیوه‌های زیر استفاده شده است: ۱- معیار باورپذیری از روش «توصیف هم‌تایان» با همکاری پنج معلم باتجربه و با حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد. ۲- در معیار انتقال‌پذیری از روش «نمونه‌گیری هدفمند». ۳- در معیار اطمینان‌پذیری از روش «کفایت اجتماعی» با تشکیل جلسه‌ای با حضور اساتید علوم تربیتی و تحت راهنمایی استاد راهنما در یکی از مراکز آموزشی دانشگاه فرهنگیان ۴- در تأیید‌پذیری از روش «نگارش یادداشت‌های تأملی» استفاده شد.

” مسئله اصلی پژوهش

اغلب معیارهای مطرح شده در مورد ویژگی‌های کتاب درسی دانشگاهی در بعد خاصی از منظر پژوهشگران مطرح شده است و حجم بالایی از آنان به ابعاد نگارشی و سازمان‌بندی کتاب اختصاص دارد که قابل تعمیم به کلیه کتاب‌های آموزشی است و پژوهشگرانی که به کتاب‌های درسی دانشگاهی پرداخته‌اند تاکنون به مدل جامعی از این‌گونه کتاب‌ها اشاره ننموده‌اند.

مهم‌ترین هدف پژوهش یافتن ویژگی‌هایی است که یک کتاب درسی دانشگاهی را از سایر کتاب‌ها متمایز می‌سازد.

” روش تحقیق

چالمرز در مورد ویژگی این روش می‌گوید «با این روش می‌توان این اصل را عملیاتی کرد که علم قابلیت نظام‌مند کردن دانش‌های تولیدشده پیشین را دارد.» سنتز پژوهی در پی پاسخ به این سؤال است که نتیجه واحد همه یافته‌های پژوهشی گذشته چیست؟

در این پژوهش از روش سنتز پژوهی تجمیعی استفاده شده است و به تجمیع یافته‌های پژوهش‌های منتخب در زمینه ویژگی‌های کتاب درسی دانشگاهی پرداخته شده است.

بخشی از نمونه‌ها

ردیف	نام نویسنده و تاریخ	عنوان پژوهش	خلاصه محتوی مقاله
۱	پور ممتاز (۱۳۸۲)	آماده‌سازی کتاب (بخش دوم هنر نمایه‌سازی)	در این کتاب به ماهیت آموزشی کتاب‌های درسی به‌عنوان وجه متمایزکننده کتاب درسی از سایر کتاب‌های درسی اشاره دارد
۲	ادیب (۱۳۷۴)	راهنمای آماده‌سازی کتاب	در این مقاله از کتاب درسی به‌عنوان کتابی که جنبه آموزشی داشته که مطالب آن کمابیش جنبه مسلم و قطعی دارد نام برده شده است
۳	امانی (۱۳۷۹)	آراستن محتوای کتاب آموزشی برای یادگیری بهتر	ایشان در این مقاله معتقد است که کتاب درسی در عین توجه به هدف‌های شناختی باید زمینه‌های لازم برای پرورش و توسعه هدف‌های مهارتی و نگرشی موردنظر فراهم نماید.
۴	هانتلی (۲۰۰۱)	نگارش کتاب‌های درسی موفق	نگارنده به ویژگی‌های کتاب درسی از جمله روش‌هایی که وضوح متن را خدشه‌دار می‌سازد اشاره دارد

سوالات تحقیق

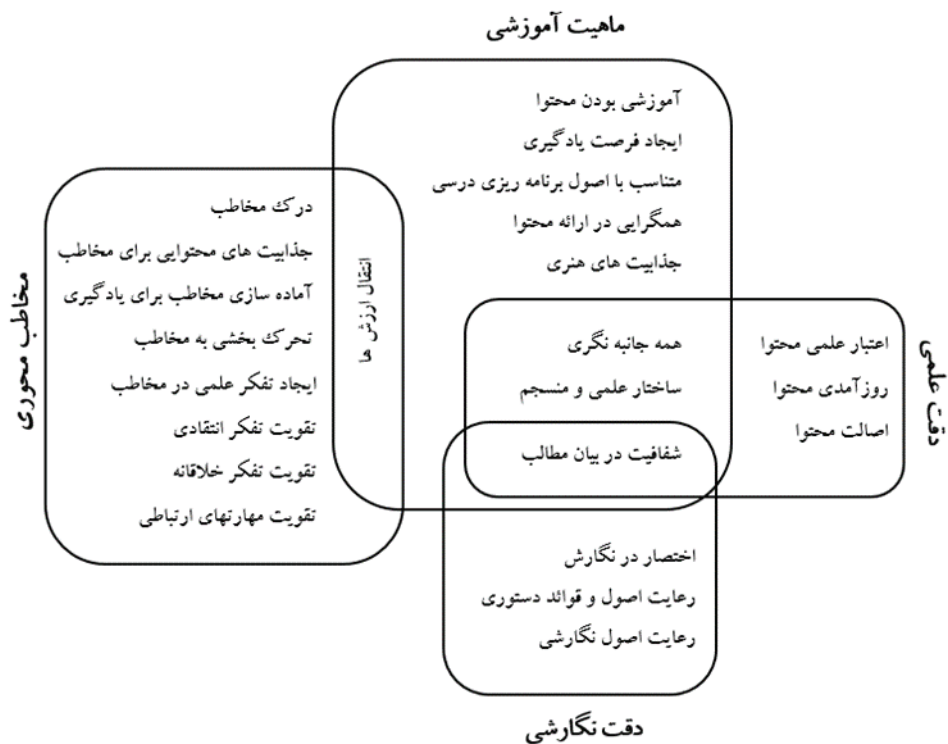
سؤال نخست: تجمیع نتایج تحقیقات، چه مؤلفه‌هایی را برای کتاب‌های درسی دانشگاهی ارائه می‌دهند؟
سؤال دوم: مدل و ویژگی کتاب درسی دانشگاهی مستخرج از تجمیع نتایج تحقیقات کدام است؟

یافته‌های تحقیق

بخشی از یافته‌های مرتبط با سؤال نخست تحقیق

منبع	کد	طبقه/مقوله
پور ممتاز، علیرضا و همکاران (۱۳۸۲)	مرجعیت علمی محتوا برای خواننده	
ادیب سلطانی و همکار (۱۳۷۴)	مرجع بودن محتوا	
وست بری (۱۹۹۰)	است دانش مخزن	اعتبار علمی محتوا
ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین (۱۳۷۴)	جنبه قطعی و مسلم داشتن محتوا	
نوروز زاده، رضا و همکار (۱۳۸۸)	درست بودن محتوا از نظر علمی	
حسن (۱۳۸۱) ملکی،	اهمیت اعتبار	

مدل طراحی شده در پاسخ به سؤال دوم تحقیق



پیشنهادها

بر اساس یافته‌های مرتبط با درون‌مایه ماهیت آموزشی در سؤال نخست، کتاب‌های تدوین‌شده به سازمان مطالعه و تدوین کتاب‌های درسی (سمت) سپرده‌شده تا ماهیت و ویژگی‌های آموزشی محتوای کتاب‌ها مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرند.

بر اساس یافته‌های سؤال دوم تحقیق، پیشنهاد می‌شود شیوه‌نامه‌ای منسجم توسط کارشناسان وزارت علوم تدوین و بر مبنای مدل پیشنهادی این پژوهش ملاک‌های تدوین و ارزیابی کتاب‌های دانشگاهی به اعضای هیئت علمی معرفی شود.

بسته‌های واژگانی در گفتمان زبان‌شناسی کاربردی

راضیه غلامی نژاد، گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهیدبهشتی

” مقدمه

بر ضرورت ارائه دوره‌های انگلیسی خاص و تدوین محتوای درسی منحصر به هر رشته تأکید می‌کند. برخی از مطالعات قبلی در این حوزه متمرکز بر توصیف بسته‌های واژگانی در ژانرهای مختلف بوده‌اند. پژوهش حاضر تلاشی برای مقایسه حضور بسته‌های واژگانی در دو ژانر دانشگاهی مقالات پژوهشی و کتاب‌های درسی زبان‌شناسی کاربردی و نیز چگونگی ارتباط بسته‌های واژگانی و ژانر مربوطه می‌باشد. اصولاً کتاب‌های درسی ابزاری برای آموزش دانش بوده درحالی‌که مقالات پژوهشی معمولاً به گزارش تحقیق و تفسیر محققان را از نتایج خود می‌پردازند. بنابراین مقایسه بسته‌های واژگانی که در این دو حوزه مختلف حضور دارند، می‌تواند در ما درک عمیق‌تری از تنوع ژانر در گفتمان زبان‌شناسی کاربردی ایجاد کنند. این مقاله با استفاده از طبقه‌بندی عملکرد بسته‌های واژگانی داگلاس بیبر و همکاران، بررسی می‌کند که کدام بسته‌های واژگانی عمده‌تاً توسط هر یک از دو نوع متن دانشگاهی استفاده می‌شوند، و نیز اینکه با در نظر گرفتن اینکه هر ژانر هدف متفاوت و کاربران مختلفی دارد این تفاوت حضور بسته‌ها چگونه توجیه می‌شود. تا به امروز، مطالعات مبتنی بر پیکره در زمینه شناسایی بسته‌های واژگانی در زبان‌شناسی کاربردی کاملاً محدود بوده‌اند. اگرچه مطالعات میان رشته‌ای

بسته‌های واژگانی (lexical bundles) به «متداول‌ترین کلمات متوالی تکرار شونده» اطلاق می‌شوند که به‌طور قابل توجهی به انسجام یک متن کمک می‌کنند و واژگان تشکیل دهنده هر بسته از لحاظ معنی و وضوح دارد. بسته‌های واژگانی می‌توانند سرعت خواندن و درک مطلب را در فراگیران زبان بیشتر کرده و همچنین تولید روان کلام را افزایش دهند. این امر به این واقعیت نسبت داده می‌شود که بسته‌های واژگانی به شکل تکه‌های کامل و تجزیه نشده در مغز انسان ذخیره و بازیابی می‌شوند. بسته‌های واژگانی از این لحاظ مهم تلقی می‌شوند که می‌توانند نیازهای ارتباطی فراگیران زبان در گفتمان را برآورده کنند. فن پن و همکاران مشاهده کردند که ژانرهای مختلف از لحاظ استفاده از بسته‌های واژگانی «تفاوت‌های سیستماتیکی» را از خود نشان می‌دهند. در دهه‌های اخیر، توجه محققان بیشتر معطوف به شناسایی تنوع استفاده از بسته‌های واژگانی شده است. کن هایلند با نشان دادن اینکه بسته‌های واژگانی در رشته‌های مختلف دانشگاهی به شیوه‌های متفاوتی حضور دارند، این ذهنیت رایج را به چالش می‌کشد که پیکره واحدی از بسته‌های واژگانی وجود داشته باشد که برای دانشجویان همه رشته‌ها به یک میزان مفید باشد. در واقع، این موضوع،

دسترسی داشته باشیم. برای پیکره کتاب‌های درسی، از پیکره کتاب‌های درسی آموزش زبان و زبان‌شناسی کاربردی که توسط غلامی نژاد و عنانی سراب تهیه شده است، استفاده کردیم. همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، در مجموع از ۱۳۹ کتاب درسی (موجود در نسخه‌های الکترونیکی) برای تدوین پیکره استفاده شده است که همگی در نسخه الکترونیکی موجود بوده و در طول سه دهه اخیر منتشر شده‌اند. توسعه دهندگان این پیکره ادعا می‌کنند که پیکره به گونه‌ای «متعادل» طراحی شده است که شامل تعداد مساوی واژه در هر حوزه موضوعی و همچنین تعداد مساوی واژه از هر کتاب درسی است. علاوه بر این، در ساخت این پیکره از کتاب‌های درسی‌ای استفاده شده که دانشجویان معمولاً در طول تحصیلات دانشگاهی خود با آن‌ها مواجه می‌شوند.

برای ساخت پیکره مقالات پژوهشی، از وبسایت‌های مجلات اصلی زبان‌شناسی کاربردی بازدید شد و پیکره‌ای تصادفی از مقالات پژوهشی

هایلند شامل شناسایی بسته‌های واژگانی در گفتمان زبان‌شناسی کاربردی و مقایسه این رشته با سایر رشته‌ها بود، اما تاکنون توجه کمی به تنوع درون‌رشته‌ای حضور بسته‌های واژگانی در این حوزه مخصوصاً بین ژانرهای مختلف زبان‌شناسی کاربردی شده است. پژوهش حاضر تلاشی برای پر کردن این شکاف است و هدف آن شناسایی بسته‌های واژگانی چهار کلمه‌ای موجود در کتاب‌های درسی و مقاله‌های پژوهشی در زمینه زبان‌شناسی کاربردی است، با این هدف که بررسی کند که این دو ژانر بر اساس طبقه‌بندی بیبر و همکاران تا چه حد از نظر حضور بسته‌های واژگانی تشابه و یا تفاوت دارند. همچنین این را هم بررسی خواهیم کرد که چگونه بسته‌های واژگانی و ژانری که در آن حضور دارند به هم مرتبط هستند.

” روش

برای مقایسه کتب درسی و مقالات پژوهشی، لازم بود که به دو پیکره مجزا مرتبط با هر دو ژانر موردنظر

Applied Linguistics
Assessing Writing
Computers and Composition
Contemporary Educational Psychology
Discourse & Communication
Discourse & Society
Discourse Processes
Discourse Studies
ELT Journal
English for Specific Purposes
International journal of Bilingualism
International Journal of Corpus Linguistics
International Journal of Educational Research
Journal of English for Academic Purposes
Journal of English Linguistics
Journal of Language, Identity & Education
Journal of Neurolinguistics
Journal of Phonetics
Journal of Pragmatics
Journal of Research in Reading
Assessment Quarterly

Journal of Second Language Writing
Journal of Psychoeducational Assessment
Language & Communication
Language
Language Learning
Language Sciences
Language Testing
Learning and Individual Differences
Learning and Instruction
Lingua
Linguistics and Education
Read Writ
Reading Psychology
RELC Journal
Research in the Teaching of English
Research on Language and Social Interaction
Scientific Studies of Reading
System
TESOL Quarterly
Text & Talk
The Modern Language Journal

منتشر شده در دهه گذشته از هر مجله دانلود شد. در زیر لیست مجلاتی که مقالات پژوهشی از آن‌ها دانلود شده است آمده است:

در مجموع ۶۵۲ مقاله پژوهشی دانلود شد و سپس از pdf به فرمت TXT تبدیل شدند. پیکره مقالات پژوهشی به گونه‌ای ساخته شد که در نهایت شامل ۵,۶۲۶,۷۶۷ کلمه بود.

” شناسایی و مقایسه بسته‌های واژگانی در پیکره کتاب‌های درسی و مقالات پژوهشی

با الهام‌گیری از تحقیق بیبر و همکاران، یک رویکرد بسامد-محور برای شناسایی بسته‌های واژگانی اتخاذ شد. برای مقایسه دو ژانر مورد نظر لازم بود دو پیکره مربوط به هر ژانر ساخته شده و بسته‌های واژگانی در هر پیکره شناسایی شوند. قرار بر این شد که فقط آن بسته‌های واژگانی که از چهار کلمه تشکیل شده‌اند در تحلیل گنجانده شوند. به گفته تیاننا بیچکوفسکا و جوزف لی، محدود کردن طول بسته‌های واژگانی به چهار کلمه تصمیمی معقول است، چرا که در زبان انگلیسی بسته‌های واژگانی چهار کلمه‌ای در مقایسه با بسته‌های واژگانی پنج کلمه‌ای رایج‌تر هستند و از طرف دیگر در مقایسه با بسته‌های واژگانی سه کلمه‌ای طبقه بندی آن‌ها بر اساس عملکرد گفتمانی فرایند راحت‌تری است.

با توجه به اینکه دو پیکره‌ی مورد استفاده در این تحقیق اندازه‌های متفاوتی داشتند، لازم بود تا میزان فراوانی بسته‌های واژگانی استخراج شده به صورت نرمال شده بار در هر میلیون کلمه یعنی در هر میلیون کلمه تبدیل شود. از آنجایی که مقیاس یا قانونی برای میزان دقیق فراوانی بسته‌های واژگانی تعیین نشده است، معمولاً

در تحقیقات میزان نرمال شده در مقداری بین ۲۰ تا ۴۰ بار در هر میلیون کلمه تنظیم می‌شوند. آستانه فراوانی برای بازیابی بسته‌های واژگانی را روی ۴۰ بار در هر میلیون کلمه تنظیم کردیم. به منظور شناسایی بسته‌های واژگانی چهار کلمه‌ای در پیکره‌ها، برنامه رایگان kfNgram بر روی هر یک از دو پیکره به طور جداگانه اجرا شد و دو فهرست جداگانه بسته واژگانی بازیابی شدند.

با الگوبری از تحقیقات انجام شده توسط Paul Baker و Bychkovska and Lee، لیست‌های بازیابی شده به صورت دستی برای دسته بندی موضوعی هر یک از بسته‌های واژگانی بررسی شدند. برای دسته بندی موضوعی هر یک از بسته‌های واژگانی بازیابی شده، از سیستم طبقه بندی ارائه شده توسط Biber و همکاران استفاده شد، به این شکل که با استفاده از ابزار تطابق در نرم افزار WordSmith هر کدام از بسته‌های واژگانی در محیط خود به صورت دستی حاشیه‌نویسی شدند. کاربرد و عملکرد هر بسته واژگانی در متن مربوطه، با خواندن حداقل ۵ مثال تصادفی از concordance list بررسی و تعیین شد. در برخی موارد، مثال‌های بیشتری برای تعیین دسته بندی موضوعی هر یک از بسته‌های واژگانی بررسی شد. هر زمان که تصمیم‌گیری در مورد تعیین دسته بندی موضوعی به شکل قطعی امکان پذیر نبود، دسته بندی بر اساس «متداول‌ترین کاربرد» بسته‌های واژگانی انجام می‌شد. سپس، دو فهرست بسته‌های واژگانی استخراج شده از پیکره مقالات پژوهشی و کتاب‌های درسی با هم مقایسه شدند تا میزان تفاوت آن‌ها از نظر فراوانی و نوع عملکرد دسته بندی موضوعی بسته‌های واژگانی مشخص شود. هدف نهایی این بود که بررسی شود که چگونه تفاوت در حضور بسته‌های واژگانی در

هر پیکره می‌تواند با ماهیت ژانر مربوطه مرتبط باشد.

نتایج و بحث

تجزیه و تحلیل پیکره نشان داد که با وجود تشابهات مشاهده شده بین دو ژانر، تفاوت‌های جالبی نیز بین دو ژانر مورد نظر مشاهده شد. بسته‌های واژگانی با فراوانی حداقل ۴۰ بار در هر میلیون کلمه بار در هر میلیون کلمه به ترتیب ۳۸۲۵ مورد در پیکره مقالات پژوهشی و ۳۱۹۱ برای کتاب‌های درسی بود. این نشان می‌دهد که بسته‌های واژگانی هم در کتاب‌های درسی و هم در مقالات پژوهشی فراوان هستند. البته فراوانی بسته‌های واژگانی در کتاب‌های درسی کمتر از مقالات پژوهشی است یا همان‌طور که سوزان ام کنراد استدلال می‌کند، واژگان مورد استفاده در مقالات پژوهشی از تنوع نسبتاً محدودتری برخوردار است، درحالی‌که واژگان کتاب‌های درسی تنوع بیشتری دارند. این امر باعث می‌شود نویسندگان مقاله‌های پژوهشی به تعداد محدودی از بسته‌های واژگانی ثابت متوسل شوند. در زیر، بسته‌های واژگانی طبقه بندی شده بر اساس نوع کاربرد و عملکرد ارائه شده است.

موضع نگرشی

بسته‌های واژگانی که بیان‌کننده‌ی موضع نگرشی نویسنده هستند در پیکره کتاب‌های درسی ۳۶۴ بار در هر میلیون کلمه حضور داشت، درحالی‌که در پیکره مقالات پژوهشی ۲۰۹ بار در هر میلیون کلمه یافت شد. اکثریت این نوع بسته‌های واژگانی توانایی انجام عملی را بیان می‌کنند که در گزاره بعدی بیان شده است یا این‌که نگرش نویسنده را نسبت به گزاره‌ی بعدی بیان می‌کند تا خواننده را به انجام عمل مورد نظر نویسنده هدایت کند.

فراوانی بیشتر این نوع بسته‌های واژگانی در کتاب‌های درسی ممکن است نشان‌دهنده این باشد که نویسندگان کتاب‌های درسی تمایل بیشتری برای نفوذ در خواننده و القای نگرش‌ها، قضاوت‌ها و ارزیابی‌های خود به آن‌ها دارند. به گفته جیوانسی پارودی، در کتاب‌های درسی توجه ویژه‌ای به مخاطبان تحت آموزش شده است که طبق مشاهدات ما، فرایند القای هدایت خوانندگان با استفاده از بسته‌های واژگانی نگرشی انجام می‌شود. به گفته بیبر و کنراد، مقالات پژوهشی و کتاب‌های درسی از لحاظ روابط بین نویسنده و خوانندگان تفاوت زیادی را نشان می‌دهند. درحالی‌که در مقالات پژوهشی متن خطاب به سایر متخصصان در این زمینه است، کتاب‌های درسی عمدتاً برای مطالعه‌ی تازه‌کارها در هر زمینه نوشته می‌شوند. از آنجا که نویسندگان کتاب‌های درسی در مقایسه با خوانندگان این کتب دانش بیشتری در زمینه‌ی مورد نظر دارند به نوعی بر خوانندگان با تفوق و اقتدار سخن می‌رانند. این در حالی است که نویسندگان مقالات پژوهشی عموماً فرض را بر این می‌گذارند که خوانندگان از قبل در زمینه تحقیق دارای دانش تخصصی باشند و بنابراین از نظر رابطه سلسله مراتبی خواننده با نویسنده نسبتاً برابری می‌کند. به عبارت دیگر، بسته‌های واژگانی نگرشی بیشتر در کتاب‌های درسی دیده می‌شوند، زیرا کتاب‌های درسی عمدتاً توسط متخصصان برای تازه‌کارها در حوزه‌ی مورد نظر نوشته می‌شوند، درحالی‌که بسته‌های واژگانی نگرشی در مقالات پژوهشی کمترند چرا که مقالات پژوهشی توسط متخصصان برای سایر متخصصان نوشته می‌شوند و به دلیل برابری جایگاه طرفین، نویسنده قصد القای نگرش خود به خواننده ندارد.

” بسته‌های واژگانی معرفتی

بسته‌های واژگانی معرفتی به آن دسته از بسته‌های واژگانی اطلاق می‌شود که کاربردشان بیان میزان اطمینان نویسنده در مورد اطلاعات گزاره‌ی بعدی می‌باشد. فراوانی بسته‌های واژگانی معرفتی در پیکره مقالات پژوهشی به‌طور قابل توجهی بیشتر از پیکره کتاب‌های درسی بود (۲۹۸ در مقابل ۱۷۱ بار در هر میلیون کلمه). این یافته نشان می‌دهد که نویسندگان مقالات پژوهشی به میزان تقریباً دو برابر بیشتر از نویسندگان کتب درسی تمایل دارند که به صراحت میزان اطمینان خود را در رابطه با اظهارات خود روشن کنند. در حقیقت بسته‌های واژگانی معرفتی بیشتر توسط نویسندگان مقالات پژوهشی استفاده می‌شوند چرا که نویسندگان مقالات پژوهشی بیشتر خود را ملزم می‌دانند که به صراحت مشخص کنند که آیا اطلاعات ارائه شده فقط یک فرضیه احتمالی است یا یک واقعیت قطعی. این موضوع به خاطر وجود تفاوت‌های ماهیتی بین مقالات پژوهشی و کتاب‌های درسی امری دور از انتظار نیست. به گفته بیبر و کنراد، از آنجا که نویسندگان مقالات پژوهشی معمولاً دانش جدیدی را در یک زمینه ارائه می‌دهند، بیشتر لازم دارند که میزان اطمینان یا تردید خود را از بیاناتشان به خواننده ابراز کنند. به عبارت دیگر نویسندگان مقالات پژوهشی اگر ادعایی می‌کنند باید ادعای خود را به‌صورت مستدل بیان کنند، پس بیشتر ضرورت دارد که با استفاده از عباراتی خوانندگان خود را متقاعد کنند که تا چه میزان دانش ارائه شده در مقاله قابل اعتماد بوده و یا دارای اهمیت علمی است. از سوی دیگر، نویسندگان کتب درسی معمولاً هدفشان آگاهی بخشی خوانندگان راجع به مجموعه‌ای از اطلاعات است که از قبل ثابت شده است. به گفته ی جان سولز،

نویسندگان مقاله‌های پژوهشی برای متقاعد کردن خوانندگان در مورد یافته‌های خود از عناصر تبلیغاتی استفاده می‌کنند.

” بسته‌های واژگانی سازمان دهنده گفتمان

تحلیل پیکره همچنین نشان داد که بسته‌های واژگانی سازمان دهنده گفتمان در پیکره مقالات پژوهشی بیشتر از پیکره کتاب‌های درسی حضور دارند (۴۲۱ در مقابل ۳۴۱ بار در هر میلیون کلمه). کاربرد بیشتر بسته‌های واژگانی سازمان دهنده گفتمان، شرح و بسط موضوع مورد نظر بوده، و یا اینکه برای ایجاد رابطه متضاد بین گزاره‌های مختلف استفاده شده‌اند.

فراوانی بیشتر بسته‌های واژگانی سازمان دهنده گفتمان در مقالات پژوهشی با یافته‌های تحقیق کنراد سازگار است که در آن نشان داده شد که در مقالات پژوهشی واژگان و عناصری که برای ایجاد ارتباط بین ایده‌های مختلف است بیشتر است. در مقایسه با بقیه انواع بسته‌های واژگانی، در مطالعه حاضر بسته‌های واژگانی سازمان دهنده گفتمان بسیار متداول بودند. در واقع، بعد از بسته‌های واژگانی ارجاعی، آن‌ها دومین نوع بسته‌های واژگانی متداول بودند. در مطالعه Hyland نیز، فراگیر بودن این نوع بسته‌های واژگانی در علوم انسانی از جمله زبانشناسی کاربردی گزارش شده است. او این امر را با این واقعیت توجیه کرد که مجاب و قانع کردن خواننده در علوم انسانی تفسیری است و دانش در این حوزه از طریق استدلال منطقی ساخته می‌شود، که این امر مستلزم استفاده از بسته‌های واژگانی ایست که بتواند استدلال‌ها را چارچوب‌بندی کند.

” بسته‌های واژگانی ارجاعی برجسته کننده

بسته‌های واژگانی برجسته کننده کاربردشان معرفتی

ضروری است. در مقابل، از آنجا که نویسندگان کتب درسی اغلب تمایل به ارائه توضیحات کلی در مورد یک موضوع دارند، کمتر از این بسته‌های واژگانی استفاده می‌کنند.

” بسته‌های واژگانی ارجاعی کمیته

بسته‌های واژگانی ارجاعی کمیته در پیکره کتاب‌های درسی ۳۰۰ بار در هر میلیون کلمه یافت شد در حالی که در مقالات پژوهشی به میزان بیشتری یعنی ۳۲۰ بار در هر میلیون کلمه حضور داشت. و علاوه بر این، در حالی که نویسندگان کتب درسی از بسته‌های واژگانی کمیته مبهم استفاده می‌کردند، نویسندگان مقالات پژوهشی تمایل به استفاده از بسته‌های واژگانی کمیته دقیق‌تری داشتند. حضور بیشتر بسته‌های واژگانی کمیته دقیق در مقالات پژوهشی دور از انتظار نیست چرا که وضوح و شفافیت در ارائه داده‌ها در مقالات پژوهشی بسیار مهم است. همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، در مقالات پژوهشی، مسئله یا موضوع پژوهشی خاصی مورد بحث قرار می‌گیرد که مستلزم استفاده از عناصر زبانی معین برای رساندن دقت علمی می‌باشد، در حالی که کتاب‌های درسی معمولاً حاوی توصیف مفاهیم کلی تری هستند.

” بسته‌های واژگانی ارجاعی زمان/مکان/متن

بسته‌های واژگانی در این دسته تقریباً دو برابر بیشتر در پیکره مقالات پژوهشی (۹۸۸ بار در هر میلیون کلمه) نسبت به کتاب‌های درسی (۴۹۵ بار در هر میلیون کلمه) حضور داشت. چنین تفاوت قابل توجهی بین دو ژانر قابل پیش‌بینی است زیرا نویسندگان مقالات پژوهشی معمولاً در صدد ارائه نتایج تحقیقات خود به خوانندگان هستند و سعی می‌کنند با ارائه شواهد و

کردن و برجسته کردن یک عبارت اسمی است که پس از بسته‌های واژگانی می‌آید. مشخص شد که بسته‌های واژگانی برجسته‌کننده در پیکره مقالات تحقیق ۱۱۲ بار در هر میلیون کلمه وجود داشت که نسبت به پیکره کتاب‌های درسی (که ۹۵ بار در هر میلیون کلمه بود) کمی بیشتر بود. به عبارت دیگر، هم نویسندگان کتاب‌های درسی و هم نویسندگان مقاله‌های پژوهشی برای برجسته کردن یا تمرکز بر یک مفهوم یا موضوع به بسته‌های واژگانی مشابهی متوسل می‌شوند.

” بسته‌های واژگانی ارجاعی چارچوبی

بسته‌های واژگانی ارجاعی چارچوبی به آن دسته از بسته‌های واژگانی دلالت می‌کند که با محدود کردن توجه خواننده به جنبه یا شرایط خاصی از موضوع موردنظر، به توصیف ویژگی‌های خاص موضوع موردنظر کمک می‌کنند. این نوع از بسته‌های واژگانی در پیکره مقالات تحقیقی ۱۴۹۷ بار در هر میلیون کلمه حضور داشت، که در حقیقت کمی بیشتر از پیکره کتاب‌های درسی بود که در آن میزان فراوانی ۱۴۰۵ بار در هر میلیون کلمه بود.

در مجموع، در مطالعه حاضر بسته‌های واژگانی ارجاعی چارچوبی بیشترین فراوانی را داشتند. در مطالعه‌ای که توسط بیبر و باربیری و کنراد و بیبر انجام شد نیز فراوانی بسته‌های واژگانی ارجاعی در مقایسه با بقیه انواع بسته‌های واژگانی موجود در متون دانشگاهی مکتوب بیشتر بود، که این امر به اهمیت چارچوب ارائه اطلاعات و توصیف ویژگی‌ها یا جنبه‌های خاصی از مسئله در متون علمی اشاره می‌کند. همان‌طور که بیبر و کنراد بیان می‌کنند، در مقالات پژوهشی یک موضوع تحقیقاتی خاص مورد بحث قرار می‌گیرد و بنابراین این نوع از بسته‌های واژگانی برای این ژانر پرکاربرد و

مستندات معمولاً عددی - به اثبات و دفاع از ادعای خود پرداخته تا بدینوسیله خواننده را به پذیرش نتیجه تحقیق متقاعد کنند. بنابراین، استفاده از بسته‌های واژگانی ارجاعی از این دست بیشتر ضرورت دارد تا با ارایه ی ضمایم، جداول یا تصاویر موجود در مقالات پژوهشی به اثبات ادعاهای خود پردازند. کنراد نیز نشان داد که مقالات پژوهشی به طور قابل توجهی ویژگی‌ها و عناصر اطلاعاتی بیشتری نسبت به کتاب‌های درسی دارند که عموماً از طریق استفاده از منابع زمان/مکان/متن منتقل می‌شود. برعکس، در کتاب‌های درسی، دانشی که قبلاً توسط سایرین تثبیت شده و یا دیدگاه‌هایی که از قبل در مورد موضوع ارایه شده مطرح می‌شود که معمولاً این امر نویسنده را ملزم به ارجاع به مستندات زمان/مکان/متن نمی‌کند.

علاوه بر این، درحالی‌که پیکره مقالات پژوهشی طیف گسترده‌ای از بسته‌های واژگانی ارجاعی متنی را شامل می‌شد، کتاب درسی تنها شامل یک نوع از بسته‌های واژگانی از این دست بود. بسته‌های واژگانی ارجاعی چند منظوره یعنی آنهایی که از لحاظ کاربرد هم می‌توانند بسته به موقعیت خاصی که در آند هم ارجاع به زمان و هم مکان داشته باشد در هر دو پیکره حضور داشتند.

نتیجه‌گیری و پیامدها

پژوهش حاضر به مقایسه میزان حضور بسته‌های واژگانی در کتاب‌های درسی و مقالات پژوهشی زبان‌شناسی کاربردی پرداخته است. این مطالعه با الهام از تحقیق هایلند انجام شد که در آن توصیه شده بود که در تحقیقات آتی پژوهشگران به استخراج فهرست‌های بسته‌های واژگانی برای رشته‌های مختلف پردازند و از ژانرهایی به‌عنوان پیکره استفاده کنند که

دانشجویان دانشگاه بیشتر با آن‌ها سروکار دارند. از نظر کارکردهای گفتمانی بسته‌های واژگانی، تفاوت‌هایی بین دو ژانر مورد بررسی مشاهده شد. تفاوت‌های مشاهده شده بین این دو ژانر ممکن است به خاطر تفاوت در مخاطبان و هدف آن‌ها باشد. روی هم رفته، می‌توان گفت طبق یافته‌های تحقیق فعلی، بسته‌های واژگانی در کتاب‌های درسی کمتر از مقالات پژوهشی دیده می‌شوند. بسته‌های واژگانی نگرشی بیشتر در کتاب‌های درسی ظاهر می‌شوند، درحالی‌که بسته‌های واژگانی که کاربردشان بیان میزان قطعیت و یا سازمان‌دهی گفتمان است بیشتر در مقالات پژوهشی حضور دارند. علاوه بر این، بسته‌های واژگانی با مرجعیت زمان، مکان و متن تقریباً دو برابر بیشتر در مقالات پژوهشی حضور دارد. در پژوهش حاضر، پس از تدوین دو فهرست بسته‌های واژگانی برای دو پیکره ی موردنظر، ژانرها از نظر کاربرد بسته‌های واژگانی موجود با یکدیگر مقایسه شدند. این امر به منظور شناخت بیشتر، درک عمیق‌تر و افزایش آگاهی در مورد الگوهای مورد استفاده در زبان در دو ژانر مهم دانشگاهی در رشته زبان‌شناسی کاربردی بوده است. تولید فهرست بسته‌های واژگانی آماده برای استفاده دانشجویان رشته زبان‌شناسی کاربردی امری مهم و سودمند می‌باشد، زیرا به گفته هایلند، یادگیری نحوه ی استفاده از بسته‌های واژگانی یک رشته به بهبود ارتباطی ایشان در آن رشته کمک می‌کند. تهیه فهرستی از بسته‌های واژگانی می‌تواند مخصوصاً برای دانشجویان زبان‌شناسی کاربردی مفید باشد، چرا که آن‌ها عموماً در معرض کتاب‌های درسی هستند ولی از بسیاری از ایشان انتظار می‌رود که بتوانند در مجلات علمی مقاله منتشر کنند. برای دانشجویان بومی و غیربومی زبان‌شناسی کاربردی،

مکان/متن بیشتر در مقالات پژوهشی مورد استفاده قرار گرفتند. این را می‌توان به این واقعیت نسبت داد که نویسندگان مقالات پژوهشی معمولاً در مورد یک مسئله و موضوع تحقیقی خاص بحث می‌کنند، و لازم دارند که با استفاده از بسته‌های واژگانی کمیته به نحوی ویژگی‌های خاص مرجع‌ها را توصیف کنند یا اینکه درصدند تا ادعاهای خود را با ارائه شواهد و مستندات ثابت کنند.

اشتراک‌ها و تفاوت‌های کتاب‌های درسی و مقالات پژوهشی از لحاظ حضور بسته‌های واژگانی این را نشان می‌دهد که حتی در یک رشته دانشگاهی بسیار خاص مانند زبان‌شناسی کاربردی، باید بسته‌های واژگانی که تدریس می‌شود از یک ژانر به ژانر دیگر متفاوت باشد. یعنی نگارش در هر ژانر مستلزم یادگیری و استفاده از بسته‌های واژگانی منحصر به آن ژانر است. این موضوع به خاطر تفاوت در ماهیت هر ژانر، تفاوت در هدف نگارش هر ژانر، و نیز تفاوت در مخاطبین یا کاربرانی است که آن ژانر برای آن‌ها در نظر گرفته شده و نگاشته می‌شوند.

نوشتن مقالات پژوهشی می‌تواند پیچیده و آزاردهنده باشد. در یادگیری نحوه صحیح نوشتن آکادمیک، آن‌ها نه تنها باید بدانند که چگونه معنا را منتقل کنند، بلکه باید بدانند که نحوه عملکرد عناصر زبانی در ژانرهای مختلف چگونه است. برای این دانشجویان، کسب دانش و مهارت لازم برای نگارش در ژانرهای مختلف باید بخشی از آموزش آکادمیک آن‌ها در طول دوران تحصیلی باشد.

تحلیل پیکره در پژوهش حاضر نشان داد که بسته‌های واژگانی در گفتمان زبان‌شناسی کاربردی به صورت گسترده‌ای حضور دارد. با وجود اشتراکات بین دو ژانر مورد مطالعه از لحاظ حضور بسته‌های واژگانی، تفاوت‌های قابل توجهی نیز بین این دو ژانر مشاهده شد. در مجموع، تعداد بسته‌های واژگانی در مقالات پژوهشی بیشتر از کتاب‌های درسی بود. بسته‌های واژگانی که برای بیان موضع نگرشی نویسنده عمل می‌کرد بیشتر در کتاب‌های درسی وجود داشت، که می‌توان آن را با تفاوت در سلسله مراتب جایگاه نویسنده و خواننده در این دو ژانر توجیه کرد. به عبارت دیگر، از آنجا که نویسنده جایگاه خود را مافوق خوانندگان کتب درسی می‌بیند بیشتر از بسته‌های واژگانی نگرشی استفاده می‌کنند تا به القای نگرش خود به مخاطب بپردازد. از سوی دیگر، بسته‌های واژگانی بیان‌کننده ی قطعیت بیشتر توسط نویسندگان مقالات پژوهشی استفاده می‌شود، چرا که آن‌ها معمولاً نیاز دارند خوانندگان را متقاعد کنند که محتویات و اطلاعات ارائه شده در مقاله پژوهشی دارای اهمیت و مطمئن است. علاوه بر این، بسته‌های واژگانی با کاربرد سازمان‌دهی گفتمان بیشتر در مقالات پژوهشی حضور دارند که نتیجه ماهیت غیرشخصی‌تر آن‌ها است. در نهایت، بسته‌های واژگانی ارجاعی زمان/

تأثیر فناوری‌های جدید بر اقتصاد ناشران کودک و نوجوان ایران

رامونا میرحاجیان مقدم، دانشجوی مقطع دکترای دانشگاه یزد و مدیر تولید انتشارات به نشر

” مقدمه

امروزه صنعت نشر یکی از صنایع مهم در همه جوامع به شمار می‌رود که نه تنها موجب رشد فرهنگ مردم می‌شود بلکه توسعه فرهنگی جوامع را نیز به دنبال دارد. نشر، فرایند تولید و توزیع اطلاعات و دانش و به عبارتی فعالیت دسترس پذیر کردن اطلاعات برای مردم تعریف می‌شود. محصولات صنعت نشر در دنیای امروز در شکل‌ها و قالب‌های مختلفی نظیر کتاب‌های چاپی و الکترونیکی، نشریات ادواری، رسانه‌های دیداری و شنیداری و نظایر آن عرضه می‌شود. در ایران صنعت نشر یکی از صنایع قدیمی و ریشه دار است که با ظهور نخستین نشانه‌های صنعتی شدن، در یک قرن گذشته وارد کشور شده است.

ظهور فناوری دیجیتال به طور بالقوه پیامدهای بی‌حد و حصر برای انتشار کتاب‌های کاغذی و الکترونیکی ایجاد کرده است. همین مسئله بر پیچیدگی مسائل حوزه نشر افزوده و ضرورت برنامه‌ریزی مناسب مبتنی بر ضرورت‌های دنیای کنونی را دو چندان کرده است. این تحولات ضرورت بازنگری در نقش و کارکرد نشر و حرفه‌مندان نشر را اجتناب ناپذیر می‌کند. کتاب‌های الکترونیکی و کتابخوان الکترونیکی به صورت واضح نقش ناشران را تغییر خواهند داد. تحول الکترونیکی کتاب‌های کاغذی از بین نمی‌رود اما فرمت‌های

جدیدی را با مسئولیت‌ها و فرصت‌های جدید برای ناشران فراهم خواهد نمود. ناشران همچنین باید توانایی خود در توزیع محتوا، از طریق پلتفرم‌های دیجیتال افزایش دهند. برای مثال در جولای ۲۰۱۰، برتلزمن گروپ^۱ و گروه انتشاراتی هولتزبرینک^۲ سرمایه‌گذاری مشترک برای توزیع کتاب‌های الکترونیکی در آلمان را انجام دادند.

عوامل تأثیرگذار بر آینده نشر کتاب، در دنیا و ایران ناشناخته است. هرچند رشد کتاب‌های الکترونیکی در طول سال‌های اخیر افزایش داشته است؛ اما نمی‌توان به طور یقین درباره آینده این صنعت اظهار نظر کرد. در کشور ایران عامل‌های بسیاری بر این ابهام می‌افزاید که از جمله می‌توان به دوران اقتصادی پساتحریم، نپیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی مالکیت ادبی و هنری، عدم وجود زیرساخت‌های حقوقی مناسب، تغییرهای جمعیتی، تغییر در سبک زندگی، افزایش توجه به مسائل زیست محیطی، تغییر شکل آموزش و.. اشاره کرد. با بررسی واقعیت‌های زمانه و روند و رویه‌های تولید، انتقال و دریافت اطلاعات در فرایند نشر، می‌توان الگوها و مدل‌های نوینی را برای آن متصور و ترسیم نمود. این الگوهای نو در واقع تجسم

1. Bertelsmann Group

2. Holtzbrinck

اثرهایی است که فناوری‌های نوین در حیطه نشر بر جای گذاشته‌اند.

با دانستن این واقعیت که فناوری‌های اطلاعاتی چگونه ارکان نشر را تحت تأثیر امواج خود قرار داده و در حال حاضر این تغییرات در آینده چه پدیده‌ها و پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت، می‌توان نسبت به آینده نشر کشور بینش درستی پیدا کرد و از هم اکنون آمادگی لازم را برای رویارویی با پدیده‌های احتمالی آینده را فراهم کرد. بنابراین در پژوهش حاضر تأثیر فناوری اطلاعات نوین بر صنعت نشر را بررسی می‌کنیم. از آنجا که صنعت نشر گسترده است و دارای جنبه‌های مختلفی است ما جنبه اقتصادی آن را در نظر گرفتیم. و با در نظر گرفتن اعتماد و رضایت مشتریان کتاب‌های کودک و نوجوان، تأثیر فناوری‌های جدید بر اقتصاد نشر را تحقیق کردیم.

” مبانی نظری

فناوری جدید: فناوری‌های جدید همچون موبایل، انواع تبلت، کیندل‌ها، کتابخوان‌های دیجیتال و سایر تجهیزات مرتبط رسانه‌ای، نشر اجتماعی و خوانش الکترونیکی را در جامعه گسترش داده‌اند. فناوری‌های جدید به همراه نسل‌های پیشین فناوری، به مانند اینترنت و وب، شبکه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی، تحولات و خیزش عظیمی را در تولید و انتقال اطلاعات و دانش بر عهده داشته است.

اقتصاد نشر: نشر کتاب یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ارکان فرهنگی اجتماع است. صنعت چاپ و نشر امروزه به‌عنوان کسب و کار مبتنی بر دانش شناخته می‌شود، این صنعت قرن‌ها نقش مهمی را در انتشار اطلاعات و دانش به عهده داشته است. سود حاصل از فروش انواع کتاب‌های کاغذی و الکترونیک در گردش فرآیند نشر نقش اساسی دارد و تأمین منابع مالی

برای تولید انواع کتاب ضروری است. اقتصاد نشر بر جنبه‌های مالی این صنعت تمرکز دارد.

اعتماد مشتری: بسیاری از پژوهشگران، بسته به موضوع تخصصی خود، اعتماد را به گونه‌ای خاص تعریف کرده‌اند. مایر و همکارانش تعریفی از اعتماد ارائه دادند که اکثریت با آن موافقتند. طبق این تعریف اعتماد «، تمایل یک طرف به قرار گرفتن در معرض آسیب پذیری اقدامات طرف دیگر است، فردی اعتماد کننده از طرف مورد اعتماد انتظار دارد تا اقدامی خاص را که برایش با اهمیت است انجام خواهد دهد. اعتماد کننده از توانایی نظارت و کنترل خود بر اعتماد شونده صرف نظر کرده است.

رضایت مشتری: حفظ وفاداری مشتری رمز موفقیت هر سازمان و هرگونه فعالیت تجاری اقتصادی است. اعتبار یک سازمان موفق بر پایه روابط بلندمدت آن سازمان با مشتریان بنا شده است. اعتقاد و عمل به اصول مشتری مداری، جلب رضایت مشتریان جدید و حفظ مشتریان قدیمی، از اصلی‌ترین موارد در موفقیت سازمان محسوب می‌شود. در این تحقیق منظور ما از مشتری، خوانندگان و خریداران کتاب کودک و نوجوان است.

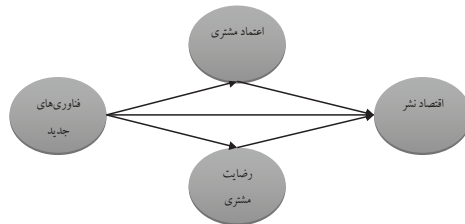
” مدل مفهومی پژوهش

با مطالعه پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته، جای خالی تأثیر پژوهش‌های مرتبط با تأثیر فناوری جدید بر اقتصاد نشر مشخص می‌شود. بنابراین در پژوهش حاضر تأثیر فناوری اطلاعات نوین بر اقتصاد نشر را بررسی کردیم. از آنجا که هر صنعت وابسته به مشتریان خود است ما در این تحقیق نقش مشتریان را به‌صورت متغیر میانجی در نظر گرفتیم. و تأثیر دو مؤلفه اعتماد مشتری و رضایت مشتری را به‌عنوان متغیر میانجی به مدل اضافه کردیم. در نهایت مدل مفهومی پژوهش

است که می‌توان از فرمول کوکران به دست آورد. تعداد ناشران و کارکنان انتشارات برابر ۶۴ نفر به دست می‌آید چرا که تعداد افراد در دسترس ناشران فعال و کارکنان آن‌ها برابر ۷۷ نفر است. ناشران کودک با توجه به فعالیتشان در نمایشگاه آنلاین کتاب سال ۱۳۹۹ و با توجه به میزان تولیدات آن‌ها در سال‌های اخیر انتخاب شدند. پرسشنامه میان این تعداد توزیع شده است. در این بین به ازای نظر هر یک از کارکنان شش نظر مشتریان وجود دارد، بدین طریق نظر کارکنان در تحلیل شش برابر قرار گرفت و این بدین معناست که نظر کارکنان شش برابر شد.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. مطابق جدول ۱، این پرسشنامه یک پرسشنامه محقق ساخته است. در این پژوهش برای بررسی روایی پرسشنامه از روش روایی صوری و محتوایی استفاده شده است. بدین صورت که پرسشنامه به تعدادی از صاحب نظران و اساتید داده شده و از آن‌ها در مورد پرسش‌ها و ارزیابی فرضیه‌ها نظرخواهی شد که به اتفاق پرسشنامه را تایید کردند. همچنین برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، خروجی آزمون KMO در این مطالعه ۰/۷۳۲ به دست آمده است بنابراین همبستگی‌های موجود برای تحلیل عامل مناسب است. روش‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش را می‌توان به دو دسته روش‌های آماری استنباطی و روش‌های آماری توصیفی تقسیم کرد. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و SMART-PLS صورت گرفته است. همچنین برای بررسی وضعیت روایی پرسشنامه از تحلیل عاملی تاییدی و بررسی فرضیات تحقیق از مدل معادلات ساختاری استفاده شده است.

به‌صورت زیر در نظر گرفته شده است:
فرضیات تحقیق به‌صورت زیر خواهد بود:
۱- فناوری‌های جدید بر اقتصاد نشر تأثیر دارد.
۲- فناوری‌های جدید بر اعتماد مشتری تأثیر دارد.
۳- فناوری‌های جدید بر رضایت مشتری تأثیر دارد.
۴- اعتماد مشتری بر اقتصاد نشر تأثیر دارد.
۵- رضایت مشتری بر اقتصاد نشر تأثیر دارد.
۶- اعتماد مشتری در رابطه میان فناوری‌های جدید و اقتصاد نشر نقش میانجی دارد.
۷- رضایت مشتری در رابطه میان فناوری‌های جدید و اقتصاد نشر نقش میانجی دارد.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف در حیطه تحقیقات کاربردی است. در این پژوهش از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی نظیر پرسشنامه استفاده شده است، لذا پژوهش حاضر بر اساس ماهیت و روش، یک پژوهش توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری در این تحقیق برای بررسی اعتماد و رضایت مشتری، مشتریان ناشران کودک؛ و برای سایر سؤالات، کارکنان ناشران کودک‌اند. برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول کوکران استفاده شده است، از آنجا که تعداد مشتریان نامحدود بودند، تعداد حجم نمونه مشتریان با کمک فرمول کوکران برابر ۳۸۴ نفر است. این عدد حد اکثر تعداد نفراتی

جدول ۱- پرسشنامه تحقیق

منبع	گویه	ردیف	سازه	منبع	گویه	ردیف	سازه		
پیتر و سکا و پیتر و سکا (۲۰۲۰)	رونق کسب و کار نسبت به قبل	۱۶	اقتصاد نیز	ژانگ، ۲۰۱۷	توسعه فناوری اطلاعات	۱	فناوری جدید		
	رونق کسب و کار در مقایسه با سایر انتشارات‌ها	۱۷			توسعه اینترنت و موتورهای جستجو	۲			
	سودآوری انتشارات نسبت به قبل	۱۸			توسعه تجارت الکترونیک	۳			
	سودآوری انتشارات در مقایسه با سایر انتشارات‌ها	۱۹			تغییر در مدل‌های کسب و کار	۴			
	هزینه‌ها نسبت به قبل	۲۰			توسعه دیجیتالی و ارائه محصولات دیجیتال	۵			
	هزینه‌ها در مقایسه با سایر انتشارات‌ها	۲۱			ارتقاء صنعت چاپ	۶			
	منفعت در محدود سازی ژانر کتاب‌ها به کتاب‌های کودک	۲۲			ارتقاء و ساده‌تر شدن طراحی کتاب با استفاده از رایانه	۷			
تاتار و ارن-اردوگوس ۲۰۱۶	اعتماد مشتریان به کیفیت کتاب	۲۳	اعتماد مشتری		ارتقاء و ساده‌تر شدن نوشتن کتاب با استفاده از رایانه	۸		فناوری جدید	
	اعتماد به مضامین کتاب	۲۴			بکارگیری اینترنت اشیاء	۹			
	مؤدبان بودن رفتار کارکنان	۲۵			توسعه تقاضا برای کتاب‌های شخصی	۱۰			
	اعتماد به کامل بودن مضامین موردنظر	۲۶			ادغام فناوری جدید و کتاب‌فروشی‌های سنتی	۱۱			
پیرا و همکاران (۲۰۱۷)	رضایت از کیفیت مطالب و مفاهیم	۲۷	رضایت مشتری		تبلیغات آنلاین و آفلاین	۱۲			فناوری جدید
	رضایت از کیفیت محصولات	۲۸			توسعه لجستیک	۱۳			
	برآورده شدن انتظارات	۲۹			توسعه زنجیره تأمین صنعت نشر	۱۴			
پیتر و سکا و پیتر و سکا (۲۰۲۰)	ارزیابی مطلوب از محصولات انتشارات	۳۰	رضایت مشتری	توسعه ۲، ۲۰۱۷	قوانین کپی‌رایت	۱۵	فناوری جدید		
	رابطه کارکنان انتظارات با مشتری	۳۱							

1. Tatar & Eren-Erdogmus
2. Pereira et al.
3. Towse

تجزیه و تحلیل و یافته‌ها

لیکرت که انتخاب شده میانگین بالاتر از ۴ نشان دهنده موافق بودن وضعیت آن متغیر در جامعه آماری است.

در این مطالعه از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. بنابراین با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی ساختار کلی پرسشنامه‌های تحقیق مورد روائی سنجی محتوایی قرار گرفته است. برای تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری بار عاملی استاندارد و آماره t محاسبه شده است. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۴

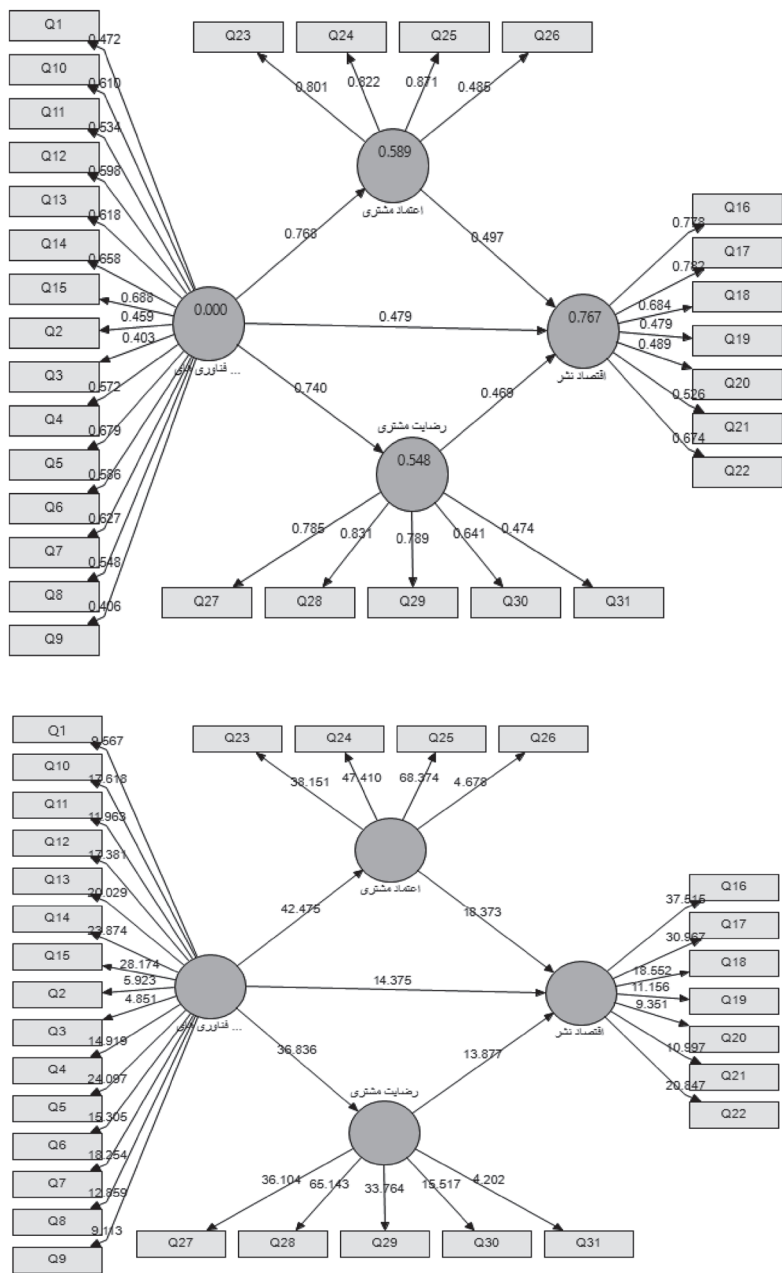
برای توصیف داده‌های تحقیق از آمار توصیفی استفاده شده است که در جدول ۲ نمایش داده شده است. بخش اول مهم‌ترین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیر دهی تحقیق ارائه شده است. از بین شاخص‌های مرکزی، میانگین و میانه و از شاخص‌های پراکندگی، انحراف معیار متغیر استفاده شده است. ارقام این جدول به کمک نرم‌افزار Spss محاسبه شده‌اند. جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین تمامی مؤلفه‌ها بالاتر از عدد ۴ می‌باشد و از آنجاییکه در طیف ۷ گزینه‌ای

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	K.S آماره	معناداری K.S	نرمال بودن	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
فناوری‌های جدید	۰/۰۵۷	۰/۰۰۵	نیست	۱/۲۶۷	۷/۰۰۰	۴/۵۷۰	۱/۰۱۹	۱/۰۳۸	-۰/۴۱۳	۰/۵۹۳
اقتصاد نشر	۰/۰۷۱	۰/۰۰۰	نیست	۲/۰۰۰	۷/۰۰۰	۴/۴۸۷	۱/۱۰۰	۱/۲۱۰	-۰/۲۱۲	-۰/۵۷۶
اعتماد مشتری	۰/۰۸۳	۰/۰۰۰	نیست	۱/۵۰	۷/۰۰۰	۴/۳۰۶۰	۱/۲۷۳۷۸	۱/۶۲۳	-۰/۰۲۶	-۰/۸۲۲
رضایت مشتری	۰/۰۸۷	۰/۰۰۰	نیست	۱/۶	۷/۰	۴/۵۶۹	۱/۳۰۵۸	۱/۷۰۵	-۰/۲۵۱	-۰/۸۰۲

جدول ۳- شاخص‌های روائی و پایایی مدل

متغیرهای پنهان	AVE	CR	R ²	آلفای کرونباخ	\sqrt{AVE}	$\sqrt{R^2}$	GOF
فناوری‌های جدید	۰/۵۱۶	۰/۸۶۹		۰/۸۴۱	۰/۷۴۰	۰/۷۹۷	۰/۵۹۰
اعتماد مشتری	۰/۵۲۷	۰/۷۳۸	۰/۵۸۹	۰/۸۴۷			
رضایت مشتری	۰/۵۶۹	۰/۷۶۹	۰/۵۴۸	۰/۸۴۹			
اقتصاد نشر	۰/۵۸۰	۰/۷۷۴	۰/۷۶۷	۰/۸۶۹			



شکل ۳- نتایج بار عاملی و آماره T مدل نهایی فرضیات تحقیق

جدول ۴- نتایج فرضیات

شماره	رابطه	بار عاملی	T-VALUE	نتیجه
فرضیه اول	فناوری‌های جدید - اقتصاد نشر	۰/۴۷۹	۱۴/۳۷۵	تأیید
فرضیه دوم	فناوری‌های جدید - اعتماد مشتری	۰/۷۶۸	۴۲/۴۷۵	تأیید
فرضیه سوم	فناوری‌های جدید - رضایت مشتری	۰/۷۴۰	۳۶/۸۳۶	تأیید
فرضیه چهارم	اعتماد مشتری - اقتصاد نشر	۰/۴۹۷	۱۸/۳۷۳	تأیید
فرضیه پنجم	رضایت مشتری - اقتصاد نشر	۰/۴۶۹	۱۳/۸۷۷	تأیید
فرضیه ششم	نقش میانجی اعتماد مشتری	آزمون سوبل		
		تأیید	۱۶/۸۶۳	
فرضیه هفتم	نقش میانجی رضایت مشتری		۱۲/۹۸۶	تأیید

مورد مطالعه دارای میانگین واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۵ هستند. شاخص‌های پایایی ترکیبی (CR) و آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه استفاده می‌شوند و لازمه تأیید پایایی بالاتر بودن این شاخص‌ها از مقدار ۰/۷ می‌باشد. تمامی این ضرایب بالاتر از ۰/۷ می‌باشند و نشان از پایا بودن ابزار اندازه‌گیری می‌باشند. همچنین مقدار شاخص GOF بزرگتر از ۰/۴ بوده که مقداری مطلوب است. بر اساس نتایج به دست آمده از مدل، نتیجه فرضیات تحقیق در جدول ۴ نمایش داده شده است.

باشد رابطه ضعیف، بین ۰/۴ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگتر از ۰/۶ باشد بسیار مطلوب است. جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره آزمون t یا همان t-value استفاده می‌شود. برای بررسی روایی سازه پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی بهره گرفته شده است، چنانکه کلیه گویه‌های پرسشنامه در وضعیت مناسبی قرار داشته و کلیه این گویه‌ها برای مدل معادلات ساختاری و بررسی فرضیات باقی ماندند. مدل نهایی با اقتباس از برون‌داد نرم‌افزار SMART-PLS در شکل ۳ ارائه شده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر فناوری‌های جدید بر اقتصاد نشر با در نظر گرفتن نقش میانجی اعتماد و رضایت مشتری در میان ناشران کودک و

جدول ۳ شاخص‌های روایی، پایایی را برای تمامی متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد. با کمک شاخص میانگین واریانس (AVE) استخراج شده مشخص شد که تمام سازه‌های

فرهنگی آن‌ها شده که رضایت بیشتر مشتری و در پی آن اعتماد بیشتر آنان و در نهایت وفاداری آنان را به همراه خواهد داشت. همچنین آموزش مورد نیاز در خصوص بکارگیری فناوری‌های جدید و ارائه این آموزش‌ها به کارکنان سبب ارتقاء سطح کلی نشر می‌شود. تمامی این مسائل به ارائه محصول و خدمات با کیفیت‌تر و نیز جلب رضایت و اعتماد مشتریان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های نشر کمک خواهد کرد. علاوه بر این می‌توان از نظر سنجی و سیستم صدای مشتری برای بهبود کیفیت محصولات استفاده شود که خود رضایت‌مندی بیشتر مشتریان را در پی خواهد داشت.

در تحقیقات آتی می‌توان فرضیات تحقیق حاضر را در میان ناشران سایر ژانرهای کتاب چون کتاب‌های علمی، کتاب‌های دانشگاهی، کتاب‌های زبان‌های خارجی و .. مورد بررسی قرار داد و نتایج آن را با نتایج تحقیق حاضر مورد مقایسه قرار داد. همچنین می‌توان نقش میانجی متغیرهایی چون چابکی سازمان، بهره‌وری کارکنان، تعهد سازمانی، مدیریت ارتباط با مشتری، انگیزش و .. را در رابطه بین مورد بررسی قرار داد.

مشتریان آن‌ها صورت گرفت. این ارزیابی بر اساس دیدگاه ناشران کودک و مشتریان آن‌ها در طیف‌های مختلف شغلی و با تحصیلات متفاوت و با سنین مختلف صورت گرفته است تا با دیدگاهی تحلیلی و مقایسه‌ای نتایجی با دقت و قابلیت اتکای بیشتری به دست آید. در همین راستا از آزمون‌های آماری استنباطی متعددی جهت بررسی فرضیات تحقیق استفاده گردیده است. بر اساس نتایج به دست آمده از فناوری‌های جدید بر اقتصاد نشر تأثیرگذار است در این بین بر اعتماد و رضایت مشتری نیز تأثیرگذار است، چرا که فناوری‌های جدید در وهله اول سبب بهبود کیفیت نشر کتاب شده و کیفیت بالای محصولات اعتماد مشتری را در پی دارد. این همه خود سبب افزایش خرید و رجوع مشتریان جهت خرید شده که بر افزایش سود و اقتصاد نشر اثرگذار است.

در زمانه کنونی که به جهت افزایش تحصیلات والدین، اطلاع‌رسانی‌ها، افزایش فرهنگ عامه، گسترش کتاب و کتاب‌خوانی برای کودکان، آموزش‌های روانشناسانه و ... اقبال برای بهره‌گیری از کتاب کودک بالا رفته است. یکی از مسائلی که در روند موفقیت اقتصادی ناشران تأثیر بسزایی دارد، بکارگیری متدولوژی‌های به روز دنیا و استفاده از تجهیزات و فن‌آوری‌های نوسن حوزه‌ی فعالیت خود است. در همین راستا به ناشران کودک و مدیران آن‌ها توصیه می‌شود تا ضمن تشکیل کارگروه‌های تحقیق و توسعه، با کشف روش‌ها و فناوری‌های حوزه‌ی نشر و چاپ، سرمایه‌گذاری لازم در خصوص تأمین این فناوری‌ها را فراهم آورند، چرا که سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در تأمین چاپ بهتر سبب فروش بیشتر و بهتر کتاب و سایر محصولات

نقش اندیشه بینامتنیت در حفظ مالکیت معنوی در نشر دیجیتال

ملیحه درخوش، دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی

” مقدمه

در تولید و دریافت يك متن همواره پیش‌متن‌ها نقش اساسی ایفاء می‌کنند. به بیان دیگر، بدون روابط بینامتنی هیچ متنی خلق نمی‌شود.

متن در گذشته گاهی به نوشتار اطلاق می‌شد و در همین خصوص متن به معنای نسخه به ویژه نسخه‌های اصلی و دست‌نویست در نظر گرفته می‌شد. متن همچنین به معنای کالبد اثر مورد توجه قرار گرفت و سپس به بخش اصلی يك اثر نیز اطلاق شده است. معنایی که فیلسوف و نشانه‌شناس فرانسوی، رولان بارت^۱، برای متن قائل شد تحول زیادی در ابعاد برداشت از این واژه ایجاد کرد. از دیدگاه بارت، متن در مقابل اثر قرار می‌گیرد. متن، برعکس برخی از معناهای گذشته محتوای غیرکالبدی اثر است. این متن نسبت به کالبد و نسبت به مؤلف دارای هویتی مستقل است. همین معنا از متن بود که محور اصلی پژوهشهای ساختارگرایانه قرار گرفت. متن دارای ابعاد گسترده‌ای شد و هر کدام از پیکره‌های مطالعاتی - به ویژه در علوم انسانی - به‌عنوان متن تلقی گردیدند. بر اساس این باور جامعه و اجتماع نیز متن محسوب می‌شوند. با نگرش نوینی که کریستوا و بارت نسبت به متن ارائه نمودند هر متنی دارای روابط میان‌متنی است و بر اساس همین نوع روابط امکان تولید پیدا می‌کند.

در سال‌های اخیر، نشر دیجیتال با مزایا و امکاناتی که دارد به‌طور گسترده مورد استفاده گرفته است. با رواج نشر دیجیتال و استفاده از آن در محیط وب، ارتباط متون با شیوه‌های جدید ایجاد شده که در عین حال با چالش‌هایی نیز مواجه شده است. بر این اساس، بررسی نظریه بینامتنیت با تمرکز بر روابط متون با یکدیگر در نشر وبی و نشر دیجیتال زوایای دیگری از نشر دیجیتال و نیز مسئله حق مؤلف در این نوع از نشر را مطرح خواهد کرد.

” بینامتنیت چیست؟

نظریه بینامتنیت^۱ یکی از مهم‌ترین نظریات ادبی و فلسفی قرن بیستم است که توسط خانم ژولیا کریستوا^۲، فیلسوف، روانکاو و رمان‌نویس بلغاری ابداع شد. از زمان ابداع این نظریه که حدود ۵۰ سال از عمر آن می‌گذرد، حوزه‌های مختلفی در رابطه با آن مورد تحلیل قرار گرفته و گسترش یافته‌اند.

نظریه بینامتنیت بر این باور است که هر متنی بر پایه متن‌های پیشین خود شکل می‌گیرد. هیچ متنی نیست که کاملاً مستقل تولید یا حتی دریافت گردد. بنابراین

1. Intertextuality

2. Julia Kristeva (1941 -)

3. Roland Barthes (1915-1980)

” نشر دیجیتال

به‌طور کلی، نشر دیجیتال به توزیع هر نوع محتوا از طریق روش‌های دیجیتال که شامل استفاده از رایانه‌ها می‌شود، اشاره دارد. البته رایانه‌ها می‌توانند به سایر دستگاه‌های دیجیتال مانند تلفن‌های همراه، تلویزیون‌های هوشمند و کتابخوان‌های الکترونیکی نیز اشاره داشته باشند. نشر دیجیتال لزوماً نیازی به دیجیتالی کردن رسانه‌های چاپی ندارد و می‌تواند به برنامه‌های تلفن همراه، وبسایت‌های جهانی مانند وبلاگ‌ها یا ویکی‌ها، میم‌ها^۱ یا ویدیوهای آنلاین نیز اطلاق شود. باین حال، بیشتر اوقات به انتشار هر گونه محتوای سنتی به‌صورت آنلاین نیز اشاره دارد.

برخی از مزایای نشر دیجیتال را می‌توان به شرح زیر دسته بندی کرد:

۱. پس از انتشار، سرعت انتقال در محیط الکترونیکی بسیار زیاد است
۲. سرعت بازخورد مطالب، بیشتر است
۳. فرایند انتشار مراحل، کوتاه و کم هزینه تر است.
۴. دسترسی کاربران از نقاط دور، آسان و سریع تر است.
۵. امکان مقایسه متون مشابه با سرعت بیشتر، زمان و هزینه کمتر، میسر است.
۶. کاوش در متون الکترونیکی سرعت بالایی دارد.
۷. امکان مباحثه و مذاکره درباره مطالب منتشر شده، به‌صورت هم‌زمان (فردی و گروهی) فراهم می‌شود.
۸. پدید آورندگان میتوانند مستقیماً اقدام به انتشار مطالب خود کنند.
۹. اشتراک منابع اطلاعاتی مفهوم وسیع‌تر و واقعی‌تر می‌یابد.

۱. ایده یا رفتار یا روشی است که از طریق فرهنگ از فردی به فرد دیگر منتشر می‌شود - اغلب با هدف انتقال یک پدیده مشخص، موضوع یا معنایی که توسط آن بازنمایی می‌شود. یک میم به عنوان واحدی عمل می‌کند برای انتقال ایده‌های فرهنگی، نمادها، یا رسم‌هایی که قابل انتقال هستند از ذهنی به ذهن دیگر از طریق نوشتار، سخنرانی، ژست‌ها، مناسک یا سایر پدیده‌های تقلیدپذیر با مضمونی قابل تقلید (ویکی پدیا، ۲۰۲۲ الف).

بنابراین متن همواره دارای ردّپایی از متن‌های دیگر است و همواره در یک روابط میان‌متنی است که متن نوین خلق می‌شود.

هیچ متنی را نمی‌توان به تنهایی و بدون اتکا به متون دیگر فهمید، زیرا نمی‌توان از استفاده کردن لغات و عباراتی که دیگران قبلاً استفاده کرده‌اند اجتناب کرد؛ بنابراین بینامتنیت نشان دهنده آن است که همه رویدادهای ارتباطی به نوعی به رویدادهای پیشین مربوط‌اند و از آن‌ها بهره می‌گیرند. یک متن را می‌توان حلقه‌ای در یک زنجیره بینامتنی دانست. یعنی مجموعه‌ای از متون که در آن هر متن، عناصری از متن یا متون دیگر را در خود تعبیه می‌کند.

بینامتنیت دارای سه رکن اصلی است:

- متن حاضر: متنی که مورد بررسی قرار می‌گیرد و ارتباطات بینامتنی آشکار و پنهان آن با سایر متون مدنظر قرار می‌گیرد.

- متن پنهان: گاهی بینامتنیت به‌صورت آشکار در متن دیده نمی‌شود، بلکه تأثیر متنی در متن حاضر به‌صورت پنهان و ضمنی وجود دارد. در بسیاری از متون، نویسندگان متأثر از دیدگاه‌ها و نظرات نویسندگان دیگر و متون آنهاست اما ممکن است به‌صورت آشکار به آن‌ها اشاره نکنند.

- روابط بینامتنی: روابط متن حاضر با متون دیگر که به‌صورت آشکار بیان شده باشد و یا در متن به‌صورت پنهان قابل بررسی است.

با توجه به نشر متون گوناگون و تعدد ویرایش‌های متعدد از متون در دنیای دیجیتال، بررسی نظریه بینامتنیت در نشر دیجیتال، مسئله قابل اهمیتی است و پرسش این است که چطور می‌توان روابط بینامتنی را در نشر دیجیتال برای حفظ مالکیت معنوی در نظر گرفت؟

زیرا که از جنبه‌های فناورانه، نشر الکترونیکی پیچیده‌تر است و نیاز به سیاست‌گذاری کلان در سطوح ملی و یا بین‌المللی دارد.

” نشر دیجیتال و ارتباط متون

با ظهور نسل‌های مختلف وب و استفاده فراگیر کاربران از آن‌ها، نشر دیجیتال در هر یک از انواع وب با استفاده از ویژگی‌های آن تغییر کرده و به روزرسانی شد.

در وب ۱ که در سال ۱۹۷۱ در پروژه گوتنبرگ^۱ و توسط مایکل اس. هارت^۲ در دانشگاه ایلینویز آغاز به کار کرد، ارتباطات فرامتنی و حفظ ارتباط متن با ایده به کارگرفته شده از متنی دیگری (متن پنهان) امکانپذیر شد. در سال ۱۹۸۹ طرح پیشنهادی وب ارائه شد و به این ترتیب پس از توسعه و پیاده‌سازی اولین رایانه‌های سرویس دهنده در سال ۱۹۹۰ شبکه جهانی وب در آزمایشگاه فیزیک ذره‌ای اروپا^۳ واقع در سوییس ابداع شد. استفاده از فرامتن‌ها^۴ از ویژگی‌های بارز نسل اول وب بود که در نشر دیجیتال، امکان ایجاد ارتباط میان متون را فراهم کرد. با ظهور وب، نشر وبی نیز با استفاده از فرهنگ ایجاد دسترسی به متون مختلف به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گرفت و روش نوینی را در نشر دیجیتال مطرح کرد.

وب ۲ تنوع مجاری دستیابی به اطلاعات را موجب شد؛ به‌صورتی که افراد می‌توانند به بسیاری از اطلاعات دست یابند بدون اینکه لازم باشد به‌طور مستقیم به منبع اصلی اطلاعات مراجعه کنند. در وب ۲ و با ایجاد امکان تعامل با کاربر، امکان ویرایش متون

۱۰. دسترسی به مفاهیم و موضوعهای مرتبط در حوزه‌های گوناگون ممکن می‌شود.

۱۱. برخی محدودیتهای دسترسی به منابع اطلاعات که در نشر سنتی وجود دارد، همچون محدودیتهای زمانی و مکانی و وجود شرایط خاص، رنگ می‌بازند.

۱۲. بازیابی، ویرایش و اصلاح مطالب، آسان‌تر و سریعتر است

در سالیان اخیر استفاده از نشر دیجیتال به دلیل مزایای مطرح شده، دارای طرفداران بسیاری است اما این نشر دارای معایبی نیز هست که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سهولت کپی برداری غیر مجاز و عدم رعایت قانون حق مؤلف (حفظ حقوق مادی و معنوی صاحب اثر)
- عدم دسترسی عموم به ابزارهای واسطه (همانند رایانه)
- عدم اطلاعات کافی کلیه مخاطبان از روش استفاده از نشریات الکترونیکی

- امکان ویرایش متون در زمان‌های مختلف و عدم ثبات در محتوا.

مسائل مربوط به حق مؤلف کتاب‌های الکترونیکی حتی از کتاب‌های چاپی، چه برای ناشران و چه برای نویسندگان، بسیار پیچیده‌تر و مشکل‌سازتر است. استفاده غیر مجاز از کتاب‌های الکترونیکی و سهولت کم و زیاد کردن تمام یا بخشی از آن‌ها، ناشران و نویسندگان را با مشکلاتی مواجه ساخته است. در واقع ذخیره، تکثیر، تغییر، و ارسال الکترونیکی متون و تصاویر کتاب‌های الکترونیکی در بسیاری موارد به سادگی صورت می‌گیرد. حتی در کشورهای پیش‌تاز در نشر الکترونیکی هنوز موضوع حق مؤلف کتاب‌های الکترونیکی حل نشده است و ناشران و نویسندگان با دیده تردید به این موضوع می‌نگرند. موضوع حق مؤلف و مالکیت معنوی نشر کتاب در محیط وب را می‌توان یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و موانع بر سر راه انتشار این‌گونه آثار در قالب الکترونیکی به‌شمار آورد،

۱. یک کوشش داوطلبانه برای دیجیتالی کردن و بایگانی کارهای فرهنگی برای تشویق تولید و پخش کتاب‌های دیجیتالی است. این پروژه در سال ۱۹۷۱ به وسیله مایکل اس هارت بنیان‌گذاری شد و امروزه قدیمی‌ترین کتابخانه دیجیتال است و دارای گنجینه منحصر به فرد کتاب‌های الکترونیکی رایگان به‌شمار می‌رود (ویکی پدیا، ۲۰۲۲).

2. Michael S. Hart (1947-2011)

3. European Particle Laboratory

4. Hypertext

برای حفظ مالکیت معنوی متون و حفظ ایده‌های شکل دهنده به متون جدید است. قوانین نشر دیجیتال با رویکرد به روزرسانی حقوق مؤلفان نقش مهمی در حفظ ارتباط متون و نقش آن‌ها در تولید متون دیگر دارد.

نتیجه‌گیری

در ایجاد روابط بینامتنی در نشر دیجیتال، مسایلی وجود دارد که باعث عدم پایداری استفاده از متون در ارتباط با یکدیگر می‌شود. در پیوندهای فرامتنی که در نشر دیجیتال ایجاد می‌شود، برخی از متون که به آن‌ها ارجاع داده شده، به صورت دیجیتال در دسترس نیستند و کاربران به‌طور هم‌زمان نمی‌توانند به متن مرتبط دسترسی پیدا کنند.

در عین حال، صفحات و متون موجود در فضای وب ناپایدار است و امکان حذف و یا ویرایش آن‌ها توسط نویسنده و یا کاربران وجود دارد. به همین دلیل حفظ مالکیت معنوی یک ایده یا نظر در یک متن و اشاره به آن، گاهی به‌طور دائم قابل اثبات نیست.

برخی از متون با دسترسی‌های محدود در اختیار کاربران قرار دارد و بررسی روابط بینامتنی در این متون برای همه کاربران فراهم نیست.

نشر دیجیتال، امکان ایجاد ارتباط بینامتنی را افزایش داده و دسترسی به متون مرتبط در فضای دیجیتال برای مخاطبان بیشتری امکان‌پذیر است. امکان ارائه متون در نسخه‌های مختلف به فراخور مخاطبان متنوع فضای دیجیتال و نیز ایجاد پیوند با متون و نیز منابع وبی و چندرسانه‌ای می‌تواند به درک روابط بینامتنی در ذهن خواننده متن کمک نماید. اگر مسایلی مانند عدم پایداری دسترسی در محیط دیجیتال و ویرایش‌های متنوع متون، کنترل‌شود، حفظ مالکیت معنوی متون در محیط دیجیتال با استفاده از پیوند متون پنهان با متن حاضر امکان‌پذیر خواهد بود.

توسط ناشر، نویسنده و کاربران که مخاطبان متون محسوب می‌شدند، فراهم شد. امکان ایجاد ارتباط یک متن با متون دیگر توسط افرادی به غیر از نویسنده اصلی، ویژگی بارز نشر وبی در نسل دوم وب بود. همچنین استفاده هم‌زمان از متون و چندرسانه‌ای‌ها جذابیت نشر وبی را افزایش داد و کاربران از قابلیت‌های رسانه‌های نوین برای انتشار متون استفاده کردند. از ویژگی‌های دیگر نشر وبی در نسل دوم وب، ارائه یادداشت‌ها و نیز معرفی منابع مرتبط با متن توسط مخاطبان به نویسنده بود. خوانندگان متون وبی با معرفی متون مرتبط، متونی را به نویسنده ارائه می‌کردند که خود از آن آگاهی نداشت. این ویژگی، امکان به اشتراک‌گذاری دانش را میان نویسنده و خوانندگان فراهم آورد و ارتباطات بینامتنی را تقویت کرد. در وب ۳ استفاده از شبکه‌های معنایی امکان ارائه ارتباطات بینامتنی و نیز تعریف مفهومی از این روابط را بیش از پیش فراهم کرد. استفاده از هستی‌شناسی‌ها^۱ در ایجاد مفاهیم در متن و نیز ارتباط با منابع دانش مانند فرهنگ‌ها، دایره‌المعارف‌ها، متون مرجع و نیز داده‌های ساختارمند، روابط مفهومی میان متون و عناصر آن را به وجود آورد.

با توجه به امکانات موجود در نشر دیجیتال و فضای وب ارتباط میان متون در قالب‌های مختلف افزایش یافته است. در این میان، حفظ حق مالکیت معنوی متون در فضایی که امکان ویرایش متون توسط افراد مختلف وجود دارد، یکی از چالش‌های مورد بحث است. در عین حال ارتباطات فرامتنی و امکان دسترسی به منابع مختلف از طریق پیوندهای وبی میان متون، کمک زیادی به فهم ارتباط متون و حفظ ایده‌های مرتبط برای شکل‌گیری متون جدید بر اساس دیدگاه نظریه بینامتنیت دارد. قوانین نشر دیجیتال راهکار مفیدی

1. Ontology

نگاهی ارزیابانه به قوانین و مقررات حوزه چاپ و نشر کشور

قاسم آزادی احمدآبادی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

” مقدمه

امروزه نشر در زمره صنایع مهم فرهنگی و خلاق قرار می‌گیرد. این جایگاه از طرفی ناشی از تأثیرات فرهنگی و اجتماعی این صنعت است و از طرف دیگر، برآمده از پیامدهای اقتصادی نشر در قالب درآمدها و سرمایه‌گذاری‌ها و نقش آن در اشتغال و نیز تعاملات اقتصادی در سطح بین‌المللی است. بررسی وضعیت نشر در کشور، نشان‌دهنده آن است که این صنعت در حال حاضر، دچار چالش‌هایی است که به‌واسطه آن‌ها حوزه کتاب، روند رو به رشد سال‌های پیشین خود را در برخی شاخص‌های مهم از دست داده است. این وضع اقتصادی تأثیرات متقابلی در پی دارد که نتیجه آن ضعف بیشتر حوزه نشر کتاب در کشور است. به این معنا که افت کیفی کتاب‌ها موجب اقبال کمتر مخاطبان و در نتیجه رکود حوزه نشر می‌شود و از طرفی، این رکود انگیزه تولید آثار فاخر را کاهش می‌دهد. چنین فرایندی حاصل برهم‌کنش عوامل چندگانه‌ای در حوزه نشر کتاب در ایران است. در این میان، لازم است سیاست‌گذاران و مدیران فرهنگی کشور به دنبال تدوین و اجرای سیاست‌های مؤثر در این حوزه باشند و از سویی، فعالان صنعت نشر بایستی در پی زنجیره اقداماتی باشند که به تحول شرایط فعلی کمک کند.

صنعت نشر و انتشار کتاب به هر شکلی، یک نهاد توانمند برای گفتگوی فرهنگی و توسعه اجتماعی است. به لطف فناوری‌های نوین اطلاعاتی امروزه این صنعت می‌تواند حتی نقش کلیدی‌تری نیز ایفا کند. ولی تحقق این نقش نیازمند برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات گوناگون است. ساختار يك صنعت، در نوع کارکرد و شکل‌گیری فضای رقابتی در آن صنعت، تأثیر انکارناپذیری دارد. وضعیت رقابت در يك حوزه صنعتی به تعاملات بین پنج عامل وابسته است: رقبای صنعت، عرضه‌کنندگان مواد اولیه، تقاضاکنندگان، ورودی‌های بالقوه و جایگزین‌ها. به این ترتیب، چرخه نشر بدون توجه همه‌جانبه به مباحث و مسائل آن عملاً به بازدهی کامل نخواهد رسید. توسعه صنعت نشر و توزیع متوازن محصولات آن، ضمن کمک به بهبود آگاهی‌های اجتماعی، به شکل‌گیری جامعه‌ای آگاه با شهروندانی مسئول و پاسخگو منجر می‌شود. توجه ویژه سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشورهای مختلف جهان به عرصه نشر به‌ویژه نشر کتاب، نشان از اهمیت صنعت نشر دارد.

سیاست‌های ملی کتاب به‌عنوان یک مفهوم از دهه ۱۹۷۰ مطرح و رایج شده است. مطابق با شکل زیر، با قرار گرفتن دولت در مرکز، نویسندگان، ناشران/چاپگران، توزیع‌کنندگان/عمده‌فروشان،

کشور مصوب شده است را شناسایی و تحلیل کند. جامعه آماری پژوهش قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مصوب در رابطه با چاپ و نشر است.

” سؤال پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، مطالعه و ارزیابی قوانین حوزه چاپ و نشر در کشور است که با پاسخ به پرسش زیر دنبال می‌شود: چه قوانین و مقرراتی و با چه رویکردی در رابطه با چاپ و نشر در ایران تدوین شده است؟

کتاب‌فروشان، کتابخانه‌ها / بایگانی‌ها و آخرین اما نه کم‌اهمیت‌ترین، کاربر/مصرف‌کننده را شامل می‌شود.



” یافته‌ها

بررسی‌ها نشان داد که اهم قوانین و مقررات مرتبط با حوزه چاپ و نشر در کشور ما به شرح جدول زیر است.

” جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف ارزیابی قوانین و مقررات در رابطه با چاپ و نشر در ایران انجام شد. بررسی‌ها قوانین و مقررات حوزه چاپ و نشر در کشور ما را به ۲۰ مورد در این زمینه هدایت کرد. از این تعداد، ۱۶ مورد به صورت تنظیمی، ۲ مورد مالی و ۲ مورد نیز بر جنبه ترویجی تمرکز داشتند. بر این اساس، آسیب‌های زیر را می‌توان برای حوزه چاپ و نشر برشمرد:

نامتناسب بودن ساختار دولتی صنعت چاپ

عموماً نگاه دولت‌مردان به مقوله چاپ و نشر، امنیتی است. این رویکرد سبب می‌شود با وجود عدم همخوانی صنعت چاپ با شرح وظایف وزارت ارشاد، تنها به دلیل در اختیار داشتن نظارت بر کار کتاب و روزنامه، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور صنعت چاپ نیز به این مجموعه سپرده شود. در صورتی که

در ایران نظارت و دخالت دولت در امر فرهنگ کاملاً پذیرفته شده است. سیاست‌های تأثیرگذار دولت، بر وضعیت نشر کتاب در ایران به سه دسته سیاست‌های نظارتی، حمایت‌های مالی و حمایت‌های ترویجی تقسیم می‌شود. نظارت بر محتوای کتاب‌های تألیفی و قوانین مربوط به مالکیت فکری از جمله سیاست‌های نظارتی هستند. پرداخت یارانه به بخش چاپ و نشر و پرداخت کمک‌های نقدی به اقشار خاصی از جامعه، مصادیقی از سیاست‌های حمایت مالی هستند. سیاست‌های ترویجی نیز به حمایت‌هایی اطلاق می‌شود که دولت با فراهم کردن مجموعه‌ای از شرایط، تلاش می‌کند امکان توسعه و گسترش فعالیت را برای این صنعت فراهم نماید.

” روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش نیز اسنادی - تحلیلی است. در واقع این پژوهش با رویکرد سیاست‌پژوهی، موضوع صنعت چاپ و نشر در ایران را هدف قرار داده و تلاش دارد با جستجو در مصوبات و قوانین کشور، هر آنچه در این زمینه برای

جدول شماره ۲- اهم قوانین و مقررات حوزه چاپ و نشر در کشور و نوع شناسی تمرکز سیاستی

نوع سیاست حمایتی	قوانین، لوایح و...	ردیف
تنظیمی	قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان	۱
	قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی	۲
	اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب	۳
	ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی	۴
	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی	۵
	شیوه‌نامه اجرایی صدور پروانه نشر	۶
	دستورالعمل صدور مجوز تأسیس و نظارت بر چاپخانه‌ها و واحدهای وابسته	۷
	دستورالعمل رسیدگی به تخلفات چاپخانه‌ها و واحدهای وابسته	۸
	سازوکار نظارت بر حوزه نشر	۹
	آیین‌نامه اجرایی ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر فعالیت آن‌ها	۱۰
	آیین‌نامه نظارت و ارزشیابی مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و هنری	۱۱
	قانون مطبوعات	۱۲
	قانون استفساریه از مؤسسات و واحدها و مراکز فرهنگی	۱۳
	دستورالعمل صدور مجوز انتشارات دولتی	۱۴
	دستورالعمل صدور مجوز انتشار نشریه داخلی	۱۵
	دستورالعمل صدور پروانه انتشار رسانه	۱۶
مالی	دستورالعمل تخصیص کاغذ و نظارت بر مصرف آن	۱۷
	شیوه‌نامه اجرایی کارگروه کاغذ و زینک معاونت امور فرهنگی	۱۸
ترویجی	آیین‌نامه تکریم خادمان پیشکسوت نشر و کتاب کشور	۱۹
	آیین‌نامه انتخاب ناشر نمونه سال کشور	۲۰

مشکلات قوانین حوزه صنعت چاپ

تصویب بخش زیادی از قوانین چاپ و نشر مربوط به دهه‌های گذشته است. زمانی که وجه فرهنگی این صنعت بر سایر جنبه‌های آن برتری داشت و قانون‌گذار با توجه به نیازهای روز، مقرراتی را وضع کرده بودند. در صورتی که در دوران کنونی، این قوانین با واقعیت‌ها، شرایط و نیازهای حال حاضر انطباق نداشته و با آن فاصله بسیار دارد. امروزه، چاپ با محوریت بسته‌بندی در حال تغییر مسیر بوده و با توجه به این تغییر رویکرد لازم است به منظور دستیابی به وضع مطلوب، قوانین این حوزه نیز تغییر نماید.

ابزار اجرای سیاست‌های فرهنگی در حالت ایدئال و واقع‌گرا، «تبلیغات» و «قوانین» هستند حال آنکه مروری بر نحوه سیاست‌گذاری و مدیریت بر مقوله چاپ و نشر می‌توان به این ادراک دست یافت که عموماً وجه «قوانین و مقررات» در این حوزه بسیار پررنگ است. در صورتی که سیاست‌ها و برنامه‌های تبلیغی در این خصوص تا حد زیادی مورد غفلت قرار گرفته است. با در نظر گرفتن این موضوع که اصولاً کشور ما جزء جوامع اهل مطالعه نیست با برنامه‌ریزی‌های صحیح و اصولی می‌توان از ظرفیت‌های رسانه ملی و سایر رسانه‌های نوظهور به منظور ترویج و تبلیغ فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی به‌عنوان یکی از پیشران‌های مقوله چاپ و نشر بهره برد. از سوی دیگر، اتخاذ سیاست‌ها و انجام فعالیت‌های تشویقی در راستای حمایت از پدیدآورندگان آثار ارزشمند علمی و ادبی به منظور تولید محتواهای فاخر، لازم و ضروری است. یک‌جانبه‌گرایی و عدم انسجام در سیاست‌های دولتی در حوزه نشر کتاب از مهم‌ترین نقایص و انتقادات وارد بر سیاست‌های فرهنگی دولت در حوزه نشر کتاب در کشور است. بر این اساس، سیاست‌های دولت می‌بایست با پرهیز از هرگونه یک‌جانبه‌گرایی،

امروزه و با توجه به توسعه رسانه‌های دیداری و شنیداری، نقش چاپ در تولیدات فرهنگی کم‌رنگ‌تر می‌شود. در حال حاضر، صنعت بزرگ چاپ به‌سوی چاپ بسته‌بندی، چاپ دیجیتال و سیلک در حرکت است و برای رشد به عرضه محصولات دیگر صنایع وابسته است، اما نگاه فرهنگی به چاپ در کشور ما سبب شده این صنعت در حد یک صنف فرهنگی باقی مانده و سیاست‌گذاری آن‌که از جنس صنعتی است در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار بگیرد. برای رفع این معضل ابتدا باید تعریفی دقیق از صنعت چاپ و استانداردهای آن ارائه کرد. استانداردهای جهانی و یا حداقل منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد و واحدهای دارای این استاندارد صنعتی را به وزارت صنعت، معدن و تجارت واگذار کرد. واحدهای دیگر که عملاً بخش عمده‌ای از واحدهای فعلی صنعت چاپ را تشکیل می‌دهند را نیز در قالب فعالیتی صنفی سامان‌دهی کرد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به‌عنوان سکان‌دار بخش فرهنگ تنها می‌تواند بر محصولات چاپ شده توسط این واحدها نظارت داشته باشد.

نامتناسب بودن تسهیلات و حمایت‌های دولت

یکی دیگر از چالش‌های مهم در حوزه توسعه صنعت چاپ، فقدان ساختار حمایتی مناسب از این بخش است. با توجه اینکه صنعت چاپ زیرمجموعه بخش فرهنگی است، این صنعت نمی‌تواند از تسهیلات صنعتی وزارت صنایع و نیز خدمات بانکی اختصاص داده شده برای صنعت استفاده کند و از سوی دیگر، نهادهای فرهنگی دولت عموماً نقشی نظارتی بر عهده داشته و وظایف حمایتی در آن تعریف نشده و یا در صورت تعریف حمایت‌های دولتی، به دلیل سطح پایین هزینه‌های فرهنگی، کفاف سرمایه‌گذاری‌های در بخش صنعت را نمی‌دهد.

نسبتهی معقول با همه اجزای نشر کتاب (پدیدآور، تصویرگر، ناشر، ویراستار، چاپخانه، توزیع‌کننده، فروشنده، مخاطب نهایی و...) در کشور برقرار سازد. از سوی دیگر، در کشور ما بیشترین تسهیلات به بخش صنایع تخصیص می‌یابد و کمترین نظارت نیز بر آن‌ها اعمال می‌شود درحالی‌که در حوزه فرهنگ، کمترین تسهیلات اعطا می‌گردد و بیشترین نظارت‌ها صورت می‌گیرد. در صورتی‌که به‌منظور افزایش زمینه‌های بروز خلاقیت در صنایع فرهنگی و خلاق به «مدارا» نیاز است. به‌نحوی‌که برای مدیریت خودانتشاری در ایران به اصلاح در فرایندهای ممیزی کتاب نیاز است. برای انجام منصفانه و به دور از سلیقه ممیزی کتاب می‌توان آن را به هوش مصنوعی سپرد. امروزه هوش مصنوعی با درصد خطای کم می‌تواند دغدغه‌های فرهنگی را در حوزه ممیزی محتوا رفع نماید.

به‌طور خلاصه، اهم مواردی که باید در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه چاپ و نشر مورد توجه قرار گیرد به شرح زیر است:

- تشکیل شورای ملی کتاب به‌منظور مدیریت همه‌جانبه مسائل حوزه چاپ و نشر
- واسپاری مدیریت بخش صنعتی، صادرات و واردات و مسائل فنی حوزه چاپ و نشر به وزارت صنعت، معدن و تجارت و واگذاری نظارت محتوایی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- همکاری نهادهای مسئول و ذینفع به‌منظور شناخت وضع موجود و ترسیم آینده‌موردنظر در این صنعت
- اتخاذ رویکرد همه‌جانبه‌گرایی به‌عنوان بخشی از سیاست‌های حمایتی دولتی در حوزه نشر کتاب در جهت ایجاد انگیزه در بین صاحبان فکر و اندیشه
- استفاده از ظرفیت‌های رسانه ملی و سایر رسانه‌های نوظهور به‌منظور ترویج و تبلیغ فرهنگ مطالعه و

کتاب‌خوانی

- انتقال یارانه‌های بخش کتاب به انتهای زنجیره ارزش (کتاب‌فروشی‌ها و خوانندگان)
- توجه به پدیده‌ها و پیشران‌های حوزه چاپ و نشر ازجمله:

- ✓ کتاب‌های تعاملی
- ✓ کتابخانه‌های عمومی دیجیتال
- ✓ پلتفرم‌های جدید نشر
- ✓ بهره‌گیری از فناوری‌های نوظهور مانند اینترنت اشیا یا بلاک چین (زنجیره بلوک) در فرایند چاپ و نشر

- ✓ قوانین مالکیت معنوی ملی و بین‌المللی
- ✓ تأمین مالی جمعی در صنعت انتشارات
- ✓ ظهور پدیده خودانتشاری
- ✓ دسترسی آزاد به داده‌ها و اطلاعات
- ✓ علم همگانی یا علم باز.

مجموعه سیاست‌های مطلوب، در صورت تدوین و ابلاغ به‌موقع و پیاده‌سازی صحیح آن از سوی بازیگران مختلف این عرصه می‌توان پیامدهای آن‌ها را تا حد زیادی پیش‌بینی کرد. درواقع، با پیاده‌سازی صحیح خط‌مشی توسعه صنایع خلاق، می‌توان به توسعه فرهنگی و پیشرفت اقتصادی مرتبط با این صنعت امید پیدا کرد. نتیجه این امر، توسعه فرهنگی خواهد بود که سبب افزایش سرانه مطالعه، حفاظت از میراث فرهنگی و ادبی، افزایش توان مبادله و رقابت در محتوای فرهنگی در دنیا، افزایش عدالت توزیعی در مصرف محصولات فرهنگی و همچنین تقویت جایگاه زبان و ادب فارسی می‌شود و از سوی دیگر، توسعه اقتصادی که به سبب افزایش اشتغال، ارتقای نوآوری، حفاظت از محیط‌زیست و تحقق اقتصاد مقاومتی در این عرصه به وقوع خواهد پیوست.

تحلیلی از وضعیت حضور و فعالیت ناشران فارسی زبان در خارج از ایران

سعید ملک محمدی، مسئول انتشارات موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان
محسن حاجی زین العابدینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

” مقدمه

نشر «فرایند تولید و توزیع اطلاعات و دانش و به عبارتی فعالیت دسترس‌پذیر کردن اطلاعات برای مردم» تعریف می‌شود. محصولات صنعت نشر در دنیای امروز در شکل‌ها و قالب‌های مختلفی نظیر کتاب‌های چاپی و الکترونیکی، نشریات ادواری، رسانه‌های دیداری و شنیداری و نظایر آن عرضه می‌شود. نشر کتاب چاپی، با وجود توسعه و گسترش رسانه‌های جدید - متأثر از فناوری‌های جدید - به علت استقبال مردم از آن، همواره یکی از مهم‌ترین محصولات صنعت نشر بوده و خود یک صنعت بسیار عمده در جهان محسوب می‌شود و سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در راستای توسعه آن از سوی کشورهای مختلف جهان صورت می‌گیرد. بنابراین، نشر کتاب آئینه تمام‌نمای رشد مدنیت و فرهنگ و تمدن بشری است و یکی از شاخص‌های اصلی برای سنجش رشد و توسعه هر جامعه‌ای (در کنار سایر منابع اطلاعاتی) در دنیای امروز به شمار می‌رود. توجه ویژه سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان کشورهای مختلف جهان به عرصه نشر به‌ویژه نشر کتاب، نشان از اهمیت صنعت نشر دارد.

در چند دهه اخیر فکر ورود و حضور در عرصه‌های بین‌المللی نشر از دغدغه‌های متولیان صنعت نشر ایران بوده و هست. معمولاً کشورهایی که در این حوزه فعال هستند و گستره مخاطبین نشر خود را در سطح جهان تعریف می‌کنند، دو هدف عمده را در سیاست‌گذاری‌های خود در اولویت قرار می‌دهند. هدف اول معرفی تمدن و فرهنگ خود به جهانیان با استفاده از بستر فرهنگ مکتوب و صنعت نشر، و دیگر کسب درآمدهای بیشتر از طریق گسترش دایره مخاطبین و مشتری‌های آثارشان و بسط بازارهای نشر خود در سایر کشورها می‌باشد. بررسی فرایند و مختصات فعالیت صنعت نشر و رویه‌های ترویج کتاب و کتاب‌خوانی در سایر کشورها، می‌تواند به‌عنوان منبع اطلاعاتی مناسبی مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران فرهنگی قرار گیرد. همه ساله تعداد محدودی از آثار ایرانی توسط ناشران خارجی در دنیا چاپ و منتشر می‌شود. نویسندگان بعضی از این کتاب‌ها مقیم خارج از کشور هستند و عمدتاً در موضوع رمان و سیاسی کتاب می‌نویسند و اغلب رویکرد مخالف با مبانی جمهوری اسلامی ایران دارند. این نوع کتاب‌ها معمولاً در انتشارات معتبر خارجی چاپ می‌شوند

منتشر شده آن‌ها، اگر چه در سرانه انتشار رسمی ایران لحاظ نمی‌شود اما از جنبه‌های مختلفی چون سرانه نشر به زبان فارسی، تأمین نیازهای اطلاعاتی افراد خارج از کشور، آزادی بیان، وضعیت فکری ایرانیان خارج از کشور و جنبه‌های متفاوت دیگر حائز اهمیت است. این ناشران چه وابسته به دولت ایران باشند و چه آزادانه فعالیت کنند، سیر اندیشه و دانش به زبان فارسی را نشان می‌دهند و خوب است که از فعالیت و تولیدات آن‌ها اطلاعاتی در کشور وجود داشته باشد.

با بررسی و مرور پیشینه‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که با توجه پتانسیل بالای حوزه موضوعی نشر کتاب، پژوهشگران از جنبه‌ها و زاویای مختلفی مقوله نشر کتاب را چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌الملل مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ اما با وجود پژوهش‌های متعدد انجام شده، تا به حال، پژوهشی که به‌طور کامل به بررسی ناشران فارسی زبان در خارج ایران بپردازد، انجام نشده است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، تحلیلی از وضعیت حضور و فعالیت ناشران فارسی زبان در خارج از ایران می‌باشد.

”روش پژوهش

این پژوهش کاربردی است و به روش پیمایشی توصیفی انجام شده است. برای گردآوری داده‌ها از سیاهه‌وارسی استفاده شد. جامعه پژوهش شامل ناشران فارسی زبان خارج از ایران در کشورهای دو قاره آسیا و اروپا است که در کتابخانه ملی ایران، یکی از آثارشان ثبت شده است. با مراجعه به سایت کتابخانه ملی، بر حسب نام کشور و شهرهای بزرگ و مهم، ناشران فارسی زبان هر

و مورد حمایت شبکه توزیع کتاب در جهان قرار دارند و در حد وسیعی با تبلیغات جانبی در بازار نشر بین‌الملل ارائه می‌گردند. ضمناً بعضی از این نوع کتاب‌ها نیز توسط ناشران ایرانی مقیم خارج از کشور چاپ و منتشر می‌شوند که البته از توفیق چندانی برخوردار نیستند.

شادزاد (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نشر الکترونیک در سطح بین‌الملل پرداخت. نتایج نشان داد که شرکت‌های فعال در حوزه نشر، فناوری را به خدمت گرفته و از آن برای سرویس‌دهی به مشتریان خود بهره گرفته‌اند. در دهه اخیر، پیشرفت صنعت نشر در استفاده از فناوری بسیار خوب و چشمگیر بوده است. امروزه فروشگاه‌های اینترنتی کتاب، کتاب الکترونیک، کتاب گویا، کتاب چندرسانه‌ای، کتاب تعاملی، و دستگاه‌های کتاب‌خوان برای اهالی فرهنگ و خوانندگان کتاب آشنا هستند و این خدمات، با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شده است.

مرادی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی نشر کتاب به زبان فارسی در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، اروپا و آمریکا پرداختند. نتایج نشان داد که به ترتیب ابتدا به بررسی وضعیت نشر کتاب در هر کشور و سپس به معرفی مهم‌ترین ناشران فارسی زبان پرداخته شده است. نتایج نشان داد که بیشتر ناشران فارسی زبان در کشورهای اروپایی قرار دارند.

ناشران زیادی در خارج از ایران به تولید و انتشار کتاب به زبان فارسی مشغول هستند. برخی از آن‌ها وابسته به دولت ایران هستند اما تعداد زیادی از آن‌ها بدون وابستگی به دولت و حکومت ایران، کتاب‌های زیادی را منتشر می‌کنند. کتاب‌های

آنچه که از نتایج جدول ۱ و ۲، بر می‌آید نتایج نشان داد که تعداد ۸۴۶ ناشر که در اروپا (۵۳۲) و آسیا (۳۱۴) مشغول انتشار کتاب به زبان فارسی هستند. تعداد ۲۳ ناشر وابسته به یکی از نهادهای فرهنگی ایران در اروپا و تعداد ۳۲ ناشر در آسیا حضور دارند. بیشترین ناشران فارسی زبان اروپایی در کشور آلمان (۱۳۶)، فرانسه (۱۰۵) و انگلستان (۹۱) و کمترین آن‌ها در کشور یونان، فنلاند، لهستان، مجارستان، کرواسی و بوسنی و هرزگوین (۱ ناشر) به سر می‌برند. در ۱۸ کشور قاره اروپا هیچ ناشر فارسی زبان فعال نیست و بیشترین ناشران فارسی زبان آسیایی در کشور افغانستان (۱۰۴)، پاکستان (۸۴) و هند (۴۶) و کمترین آن‌ها

کشور، شناسایی و در نرم افزار اکسل ذخیره و ثبت شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و نرم افزار اکسل استفاده شد.

جدول ۱، تعداد ناشران فارسی زبان در دو قاره آسیا و

اروپا

قاره	فراوانی	درصد فراوانی
آسیا	۳۱۴	۳۷/۱۲
اروپا	۵۳۲	۶۲/۸۸
مجموع	۸۴۶	۱۰۰

جدول ۲، تقسیم قاره‌ها بر حسب کشورهای دارای بیشترین ناشران فارسی زبان

کشورهای قاره آسیا	فراوانی	کشورهای قاره اروپا	فراوانی
افغانستان	۱۰۴	آلمان	۱۳۶
پاکستان	۸۴	فرانسه	۱۰۵
هند	۴۶	انگلستان	۹۱
آذربایجان	۱۹	سوئد	۵۷
تاجیکستان	۱۱	ترکیه	۴۰
ازبکستان و گرجستان	۶	هلند	۱۹
مالزی، عمان، بنگلادش و اندونزی	هر کدام ۱ ناشر	یونان، فنلاند، لهستان، مجارستان، کرواسی و بوسنی و هرزگوین	هر کدام ۱ ناشر
کشورهای آسیایی فاقد ناشر فارسی زبان	۲۶	کشورهای اروپایی فاقد ناشر فارسی زبان	۱۸

فعال دارند معمولاً از حمایت‌های دولتی برخوردار بوده‌اند. این نوع کشورها بعد از هدف‌گذاری در سیاست توسعه نشر خود، برنامه‌ها و راهبردهای مشخصی را تنظیم و سازمان‌های مشخصی را برای پیشبرد این برنامه‌ها تأسیس نموده‌اند. بنابراین شایسته است از حضور ناشران، نویسندگان، شاعران و مترجمان ایرانی در رویدادهای فرهنگی و ادبی جهان از طریق نهادها و انجمن‌های غیردولتی حمایت شود و از طرف دیگر، کمک به آشنایی اهالی خلق و تولید کتاب‌های ایرانی با فضاهای بین‌المللی نشر و برقراری ارتباط‌های حرفه‌ای با هم‌متایان خارجی، تأثیر خوبی در ایجاد انگیزه و علاقه برای اندیشیدن راهکارهای فعالیت در حوزه نشر بین‌المللی خواهد داشت.

در کشور مالزی، عمان، بنگلادش و اندونزی (۱) ناشر) به سر می‌برند. در ۲۶ کشور قاره آسیا هیچ ناشر فارسی زبان فعال نیست.

” بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که تعداد ناشران فارسی زبان در قاره اروپا (۵۳۲) بیشتر از قاره آسیا (۳۱۴) بوده که این یافته از یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش مرادی و همکاران (۲۰۱۳) که به معرفی مهم‌ترین ناشران فارسی زبان در کشورهای اروپایی پرداخته بود، همخوانی دارد. در پژوهش حاضر به بررسی و شناسایی تمامی ناشران فارسی زبان در کشورهای دو قاره آسیا و اروپا پرداخته شده است. نتایج نشان داد بیشترین ناشران فارسی زبان اروپایی در کشورهای آلمان، فرانسه، و انگلستان قرار دارند که این یافته از یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش مرادی و همکاران (۲۰۱۳) که به معرفی مهم‌ترین ناشران فارسی زبان در کشورهای اروپایی پرداخته بود همسو و همخوانی دارد.

تعداد زیاد ناشران فارسی زبان در خارج از کشور نشان می‌دهد که موضوع نشر مورد توجه و استقبال افراد زیادی است. جستجوها نشان می‌دهد تاکنون پژوهش و آمار دقیقی از تعداد و فعالیت حضور ناشران ایرانی و فارسی زبان در خارج از کشور منتشر نشده است. بنابراین توجه به این ناشران و زمینه‌سازی برای همکاری در زمینه نشر و استفاده از منابع قابل استفاده این ناشران، در ایران می‌تواند مفید واقع شود.

در بیشتر کشورهایی که صنعت نشر آن‌ها از مرز کشورهایشان فراتر رفته و در سطح بین‌المللی بیشتر بازارهای نشر را در اختیار گرفته‌اند یا مشارکت

بهره‌گیری از فناوری بلاک‌چین در مراکز آرشیوی

امیررضا اصنافی، معاون پژوهشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

” مقدمه

هدف به نوآوری‌های جدید تکیه کردند و علت وجود این توجهات وجود رقابت فزاینده بین جوامع مختلف است. یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که نوآوری آن را تحت تأثیر قرار داده است، بخش آرشیوهای حاوی اطلاعات و بایگانی‌ها در سازمان‌های مختلف است. با افزایش روزافزون آرشیوهای سنتی و اسناد آنالوگ و انباشت زیاد پرونده‌ها، مراکز آرشیوی با مشکلاتی از قبیل نیاز به فضای بزرگ‌تر، احتمال گم شدن و معدوم و مخدوش شدن منابع و اطلاعات، افزایش احتمال فرسایش اسناد و کاهش طول عمر آن‌ها، پایین بودن و کند بودن سرعت بازبازی اطلاعات و در نتیجه کاهش سرعت اطلاع‌رسانی و به تبع آن افزایش هزینه و صرف مدت زمان بیشتر برای انجام امور آرشیوی و اطلاع‌رسانی مواجه بودند. نقش آرشیوها در حفاظت و حراست از میراث گذشتگان و تلاش آن‌ها در سازمان‌دهی و دسترس‌پذیر ساختن مواد آرشیوی است تا مواد آرشیوی اعم از سند، کتاب، عکس و مواد دیداری و شنیداری دست‌ساخت بشر در نقاط مختلف حفاظت کند تا برای نسل‌های آینده باقی بماند. مدارکی که در مراکز آرشیوی نگهداری می‌شود اصل مدرک است و با از بین رفتن آن هیچ دسترسی به آن نخواهیم داشت و آن مدرک از ذخایر ملی کشور بدون داشتن

فناوری بلاک‌چین نخستین بار در سال ۱۹۹۱ توسط فیزیكدانی به نام اسکات استورتتا^۱ و همکارش استورت هابر^۲ که متخصص در حوزه رمزنگاری بود، مطرح شد. استورتتا و هابر مدت‌ها به دنبال یافتن راهی برای تکثیر فایل‌های دیجیتال به شکلی که سابقه آن‌ها دست‌نخورده بماند بودند. در آن زمان کامپیوترهای شخصی به شدت فراگیر شدند و هرکسی می‌توانست به راحتی فایل‌ها را تغییر دهد. تنها راهی که تا آن زمان به ذهن‌شان می‌رسید، بهره‌گیری از یک مدیریت مرکزی بود؛ اما بعد مدتی ایده جدیدی به ذهن استورتتا رسید و نتیجه گرفت به جای بهره‌گیری از یک مدیر متمرکز، کپی‌هایی از دفترکل را در شبکه‌ای غیرمتمرکز ولی متصل توزیع کنند. این فناوری ستون فقرات نوع جدیدی از اینترنت را از طریق ایجاد امکان توزیع اطلاعات دیجیتال بدون کپی کردن آن، ایجاد کرد. در حوزه‌های پردازش ابری یا امن‌سازی بستر اینترنت اشیا، برای بلاک‌چین کاربردهای گسترده‌ای در نظر گرفته شده است. کشورهای دنیا به دنبال افزایش بهره‌وری و بهبود وضعیت اقتصادی هستند و برای این

1. Scott Storentta
2. Stuart Haber

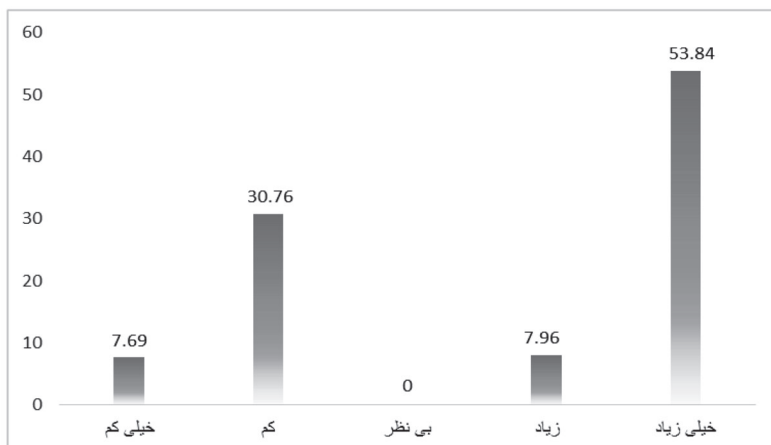
جایگزین حذف خواهد شد. از مهم‌ترین مسائلی که در مراکز آرشیوی مهم است اعتماد و امنیت در منابع و عدم‌تغییر و تحول منابع اصلی است که بلاک‌چین با توانایی منحصر به فرد خود و حذف شخص ثالث این امکان را فراهم آورده است و به ثبت دائمی منابع می‌انجامد. به بیان دیگر، یک سیستم مدیریت بایگانی و آرشیو خوب بایستی جنبه‌های امنیت اطلاعات مانند در دسترس بودن، محرمانه بودن و صداقت را در نظر بگیرد. بر همین اساس، در مورد الزامات اساسی بایگانی و آرشیو می‌توان گفت که، این‌ها متونی هستند که توسط مؤسسات و سازمان‌های دولتی و خصوصی به هر شکل، چه در یک شرایط منفرد یا گروهی، حاوی اطلاعات بسیار مهم و ارزشمندی هستند که باید به‌درستی مدیریت شوند. فناوری بلاک‌چین می‌تواند یک سیستم آرشیو توزیع‌شده‌ای با بهره‌وری بالا را تضمین می‌کند. آرشیوها برای دسترس‌پذیر ساختن مجموعه‌های خود از ابزارها، فرآیندها، راهبردها و فناوری‌های مختلف استفاده کرده‌اند. اما روش‌هایی که امروزه مجربان و متخصصان آرشیوی برای مقابله با تنوع نیازهای مخاطبان و تغییرات پی‌درپی فناوری‌ها به خدمت گرفته‌اند، آرشیوها را به چالش‌های بزرگی از قبیل هزینه‌های سنگین مرتبط با توسعه و نگهداری تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، مدیریت، حفاظت و دسترس‌پذیری طولانی‌مدت به اسناد و مدارک در حال رشد رو به‌رو کرده است. بررسی چالش‌ها و محدودیت‌های مراکز آرشیوی و بهره‌مندی از کاربرد و مولفه‌های بلاک‌چین برای ارائه راهکار و برطرف کردن چالش‌ها از جمله امنیت منابع آرشیوی و دسترسی‌های مجاز به منابع و جلوگیری از تغییر و دستکاری آن‌ها توسط افراد مسئله‌ای است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

” اهداف پژوهش

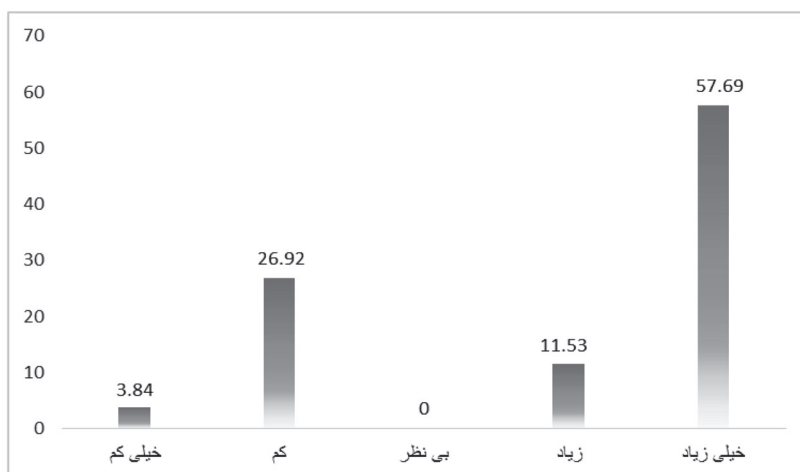
- شناسایی عناصر و مؤلفه‌های مناسب و ارائه راهکار برای استفاده از بلاک‌چین در مراکز آرشیوی ایران؛
- اولویت‌بندی و اعتبار‌یابی عناصر و مؤلفه‌های مناسب برای استفاده از بلاک‌چین در مراکز آرشیوی بر اساس نظرات متخصصان؛

” روش

روش مورد استفاده در این پژوهش از یک سو به دلیل بررسی مراکز آرشیوی و فناوری بلاک‌چین، جزء مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای محسوب می‌شود. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه دلفی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش خبرگان و متخصصان آرشیو و بلاک‌چین بودند. در مطالعه حاضر، به‌منظور انتخاب اعضای نمونه، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بر این اساس، در این پژوهش اعضای نمونه برای این پژوهش به‌صورت نمونه‌گیری غیر احتمالی و ترکیبی از روش‌های هدف‌دار یا قضاوتی و زنجیره‌ای برگزیده شدند. در نهایت، در مطالعه حاضر، به‌منظور انتخاب اعضای نمونه، با نمونه‌گیری هدفمند و بررسی افراد مطلع، تعداد ۲۶ نفر از متخصصان آرشیو و بلاک‌چین انتخاب شدند. جهت تعیین روایی ابزار پژوهش از روایی اعتبار با رویکرد کیفی استفاده می‌شود. لذا جهت دستیابی به روایی پرسشنامه مطالعه حاضر پرسشنامه در مرحله اول، در اختیار ۵ نفر از متخصصان و کارشناسان حوزه آرشیو قرار گرفت سپس نسبت پرسشنامه نهایی تدوین گردیده است؛ و در مرحله دوم در اختیار - متخصص قرار گرفت. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر هدف از تعیین پایایی تعیین عدد پایایی به‌منظور تعیین پایایی



نمودار ۱. توزیع فراوانی بر اساس میزان آشنایی با فناوری بلاکچین



نمودار ۲. توزیع فراوانی بر اساس میزان استفاده از فناوری بلاکچین در راستای مدیریت آرشیو

درونی است در این راستا از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج بررسی آلفای کرونباخ مطالعه حاضر را ۰/۸۶۹ نشان داده است که مبین این است که آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است. مهم‌ترین آمار توصیفی به‌کاررفته در این تحقیق جدول توزیع فراوانی است. در مطالعه حاضر از آمار استنباطی و روش گردآوری تکنیک دلفی فازی استفاده شد.

” یافته‌ها

با بررسی آماره‌های توصیفی داده‌های گردآوری شده در میان ۲۶ نفر از اعضای نمونه آماری مشخص شده است که اکثریت اعضای نمونه دارای حوزه تخصصی علم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده‌اند (۵۷/۶۹ درصد). همچنین متخصصین حوزه آرشیو در این

جدول ۱ - معیارهای اولیه مؤثر بر بهره‌گیری از فناوری بلاک‌چین در مراکز آرشویی

معیارهای اصلی	معیارهای فرعی
امنیت	فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو دارای قابلیت محرمانه بودن اطلاعات است.
	حفظ حریم در نتیجه سبب و اطلاعات نگه‌داشتن پنهان فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، می‌تواند زمینه‌ساز توانایی در داخل شبکه شود. کاربران خصوصی
	فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، می‌تواند به حفظ حریم خصوصی افراد کمک نماید.
	فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، دارای قابلیت امنیت اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف از قبیل پزشکی، تجارت الکترونیک، اینترنت اشیا و زنجیره تأمین است.
	ویژگی امنیت فناوری بلاک‌چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشوو، از لحاظ حفظ حریم خصوصی، محرمانگی، تأمین امنیت اثربخش باشد.
تغییرناپذیری	فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، از جعل اسناد جلوگیری می‌نماید.
	غیر مجاز شود. دسترسی‌های از هاداده از فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، می‌تواند منجر به محافظت ویژگی تغییرناپذیری فناوری بلاک‌چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشوو، اثربخش باشد.
	فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، می‌تواند از طریق احراز هویت، مانع از دسترسی سایر افراد به اطلاعات دیگر کاربران شود.
	فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، می‌تواند ورود و خروج کاربران مجاز را کنترل و ثبت نموده و سطح دسترسی این کاربران به اطلاعات را مشخص نماید.
قابلیت ردیابی	پشتیبان نسخه داشتن برای پرونده همان از یکسان کپی چندین فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، دارای توانایی ذخیره اطلاعات است. رفتن بین از و خوابی سیستم صورت در
	ویژگی قابلیت ردیابی فناوری بلاک‌چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشوو، اثربخش باشد.
	کند. لغو و اعطا را دسترسی حقوق فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، می‌تواند
تمرکززدایی	مستقل کارهای انجام و مشترک داده‌های به مختلف کاربران دسترسی فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، دارای توانایی عملیات است. هر نتیجه بر تأثیر بدون به‌طور هم‌زمان
	ویژگی تمرکززدایی فناوری بلاک‌چین تا می‌تواند در زمینه مدیریت آرشوو، اثربخش باشد.
	سیستم در داخل شبکه شود. وضعیت تأیید فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، می‌تواند زمینه‌ساز توانایی
رمزهای رمزگذاری شده برای معاملات	فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، با استفاده از الگوریتم‌های رمزنگاری می‌تواند مانع از حملات سایبری و هکرها به اطلاعات کاربران شود.
	ویژگی رمزهای رمزگذاری شده فناوری بلاک‌چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشوو، اثربخش باشد.
اعتماد	ناشناخته فناوری بلاک‌چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشوو، اثربخش باشد. احزاب بین در اعتماد ویژگی
	اطلاعات به دستیابی برای شبکه در شرکت‌کنندگان فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، می‌تواند زمینه‌ساز توانایی در داخل شبکه شود. داده‌ها گردش به مربوط
علامت‌گذاری دارایی‌ها	علامت‌گذاری دارایی‌ها فناوری بلاک‌چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشوو، اثربخش باشد. ویژگی
	فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، قابلیت در دسترس بودن اطلاعات را در زمینه‌های مختلف پزشکی، تجارت، حریم خصوصی اینترنت اشیا، زنجیره تأمین است.
معاملات سریع‌تر و ارزان‌تر	مراکز بین تکنولوژیکی و فنی فناوری بلاک‌چین در زمینه آرشوو، به‌منظور کاهش واسطه‌ها با توجه به تفاوت‌های اطلاعات را میان این مراکز مهیا نماید. و مختلف، عملیات اشتراک‌گذاری اسناد
	در سیستم آرشوو سازمان و ادارات کشور می‌توان فناوری بلاک‌چین را پیاده‌سازی نمود.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مؤثر بر بهره‌گیری از فناوری بلاک چین در مراکز آرشویی

معیارهای اصلی	معیارهای فرعی	میانگین	انحراف معیار
امنیت	فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی دارای قابلیت محرمانه بودن اطلاعات است.	۴/۸۴	۰/۳۶
	در نتیجه و اطلاعات نگه داشتن پنهان فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، می‌تواند زمینه‌ساز توانایی در داخل شبکه شود. کاربران حفظ حریم خصوصی سبب	۴/۸۸	۰/۳۲
	فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، می‌تواند به حفظ حریم خصوصی افراد کمک نماید.	۴/۸۰	۰/۴۰
	فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، دارای قابلیت امنیت اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف از قبیل پزشکی، تجارت الکترونیک، اینترنت اشیا و زنجیره تأمین است.	۴/۹۲	۰/۲۷
تغییر ناپذیری	ویژگی امنیت فناوری بلاک چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشویی، از لحاظ حفظ حریم خصوصی، محرمانگی، تأمین امنیت اثربخش باشد.	۴/۸۸	۰/۳۲
	فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی دارای قابلیت اصلاح اطلاعات است.	۴/۸۸	۰/۳۲
	فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، از جعل اسناد جلوگیری می‌نماید.	۴/۹۶	۰/۱۹
	غیر مجاز دسترسی‌های از داده‌ها از فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، می‌تواند منجر به محافظت شود.	۴/۷۶	۰/۴۲
قابلیت ردیابی	ویژگی تغییر ناپذیری فناوری بلاک چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشویی، اثربخش باشد.	۴/۹۲	۰/۲۷
	فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، می‌تواند از طریق احراز هویت، مانع از دسترسی سایر افراد به اطلاعات دیگر کاربران شود.	۴/۸۴	۰/۳۶
	فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، می‌تواند ورود و خروج کاربران مجاز را کنترل و ثبت نموده و سطح دسترسی این کاربران به اطلاعات را مشخص نماید.	۴/۹۲	۰/۲۷
	برای پرونده همان از یکسان کپی چندین فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، دارای توانایی ذخیره اطلاعات است. رفتن بین از و خرابی سیستم صورت در پشتیبان نسخه داشتن	۴/۹۲	۰/۲۷
تمرکززدایی	ویژگی قابلیت ردیابی فناوری بلاک چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشویی، اثربخش باشد.	۴/۸۴	۰/۳۶
	کند. لغو و اعطا را دسترسی حقوق فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، می‌تواند	۴/۸۰	۰/۴۰
	و مشترک داده‌های به مختلف کاربران دسترسی فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، دارای توانایی عملیات است. هر نتیجه بر تأثیر بدون به‌طور هم‌زمان مستقل کارهای انجام	۴/۸۸	۰/۳۲
	ویژگی تمرکززدایی فناوری بلاک چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشویی، اثربخش باشد.	۴/۹۶	۰/۱۹
رمزهای رمزگذاری شده برای معاملات	سیستم در داخل شبکه شود. وضعیت تأیید فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، می‌تواند زمینه‌ساز توانایی	۴/۸۴	۰/۳۶
	فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، با استفاده از الگوریتم‌های رمزنگاری می‌تواند مانع از حملات سایبری و هکرها به اطلاعات کاربران شود.	۴/۸۸	۰/۳۲
اعتماد	ویژگی رمزهای رمزگذاری شده فناوری بلاک چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشویی، اثربخش باشد.	۴/۸۸	۰/۳۲
	ناشناخته فناوری بلاک چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشویی، احزاب بین در اعتماد و ویژگی ایجاد اثربخش باشد.	۴/۹۶	۰/۳۲
علامت‌گذاری دارایی‌ها	دستیابی برای شبکه در شرکت‌کنندگان فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، می‌تواند زمینه‌ساز توانایی در داخل شبکه شود. داده‌ها گردش به مربوط اطلاعات به	۴/۹۲	۰/۱۹
	علامت‌گذاری دارایی‌ها فناوری بلاک چین می‌تواند در زمینه مدیریت آرشویی، اثربخش باشد. و ویژگی	۴/۸۴	۰/۲۷
معاملات سریع‌تر و ارزان‌تر	فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، قابلیت در دسترس بودن اطلاعات را در زمینه‌های مختلف پزشکی، تجارت، حریم خصوصی اینترنت اشیا، زنجیره تأمین است.	۴/۹۲	۰/۳۶
	تکنولوژیکی و فنی فناوری بلاک چین در زمینه آرشویی، به‌منظور کاهش واسطه‌ها با توجه به تفاوت‌های اطلاعات را میان این مراکز مهیا نماید. و مختلف، عملیات اشتراک‌گذاری اسناد مراکز بین در سیستم آرشویی سازمان و ادارات کشور می‌توان فناوری بلاک چین را پیاده‌سازی نمود.	۴/۸۸	۰/۲۷
		۴/۸۴	۰/۳۲

مطالعه حدود ۴۲/۳۱ درصد حجم نمونه آماری را همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، در بین به خود اختصاص داده‌اند. همچنین میانگین سابقه کاری اعضای نمونه به‌طور متوسط، دارای سابقه کاری ۱۴/۱۴ سال هستند.

۲۶ نمونه مورد بررسی، بیشترین فراوانی مربوط به میزان آشنایی با فناوری بلاکچین بیش از ۵۰ درصد (۵۳/۸۴ درصد) است.

جدول ۳. طیف فازی و عبارت کلامی متناظر

کد	عبارت کلامی	عدد فازی
۱	خیلی زیاد	(۱، ۰، ۰/۷۵)
۲	زیاد	(۱، ۰/۷۵، ۰/۵)
۳	بی‌نظر	(۰/۷۵، ۰/۵، ۰/۲۵)
۴	کم	(۰/۵، ۰/۲۵، ۰)
۵	خیلی کم	(۰/۲۵، ۰، ۰)

جدول ۴. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظر سنجی معیارهای اصلی

میانگین فازی مثلی	میانگین فازی مثلی						معیارهای اصلی
۰/۶۰	(۰/۳۹	،	۰/۴۸	،	۰/۹۳) امنیت
۰/۵۳	(۰/۳۷	،	۰/۳۷	،	۰/۸۵) تغییر ناپذیری
۰/۴۷	(۰/۳۱	،	۰/۳۳	،	۰/۷۸) قابلیت ردیابی
۰/۴۶	(۰/۳۵	،	۰/۳۰	،	۰/۷۵) تمرکز زدایی
۰/۵۴	(۰/۴۴	،	۰/۳۴	،	۰/۸۴) رمزهای رمزگذاری شده برای معاملات
۰/۵۷	(۰/۱۹	،	۰/۵۸	،	۰/۹۳) اعتماد
۰/۵۵	(۰/۱۹	،	۰/۵۲	،	۰/۹۴) علامت‌گذاری دارایی‌ها
۰/۵۸	(۰/۵۱	،	۰/۴۱	،	۰/۸۳) معاملات سریع‌تر و ارزان‌تر

قطعی به دست آمده نشان دهنده شدت موافقت خبرگان با هر کدام از مؤلفه‌های اصلی پژوهش حاضر است. بیشترین میزان موافقت خبرگان با معیار اصلی امنیت ($S=0/60$) و کمترین میزان موافقت خبرگان با معیار اصلی تمرکززدایی ($S=0/46$) بوده است. در جدول ۴ میانگین دیدگاه‌های خبرگان در خصوص معیارهای اصلی بهره‌گیری از بلاک چین در مراکز آرشیوی مشاهده می‌شود.

” بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داده است که بیشترین میزان موافقت خبرگان با حفظ امنیت بوده است. یافته‌های این مطالعه مبنی بر نقش بلاکچین در حفظ امنیت در مدیریت آرشیوی با یافته‌های مطالعه‌ی یالچینکا و همکاران (۲۰۱۹)، انتان و همکاران (۲۰۲۰)، دیوید و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. زیرا آن‌ها در مطالعه‌ی خود نشان دادند که پیشرفت‌های انجام شده در سیستم بلاک چین امنیت سیستم را از نظر جلوگیری از جعل بایگانی بسیار بهبود بخشیده است. در حقیقت، بلاک چین فرصتی کارآمد در این رشته است که به تبادل اطلاعات بین طرفین، حفظ حریم خصوصی بیمار و تضمین یکپارچگی داده‌ها پرداخته است. بنابراین، باتوجه به اینکه امنیت و حفظ اطلاعات افراد بر اساس نظرات خبرگان از چالش‌های اصلی مدیریت مراکز آرشیوی به‌شمار می‌آید، باید از ظرفیت‌های بلاکچین برای مدیریت بهینه اسناد استفاده شود و فعال شدن زنجیره بلاکچین می‌تواند روی اسناد مربوط به محفوظ ماندن اسناد کمک کند. همچنین بلاکچین از طریق روش‌های مختلفی شامل فنون رمزنگاری، مانع از ایجاد هک اطلاعات درج‌شده در آرشوها شده و امنیت را افزایش می‌دهد. بنابراین، پژوهش حاضر

همان‌گونه که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، در بین ۲۶ نمونه مورد بررسی، بیشترین فراوانی مربوط به میزان استفاده از فناوری بلاکچین در راستای مدیریت آرشیو بیش از ۵۰ درصد ($57/69$ درصد) است.

جدول ۱، معیارهای اصلی و زیر معیارهای مؤثر بر بهره‌گیری از فناوری بلاک چین در مراکز آرشیوی را نشان می‌دهد.

پس از شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر بهره‌گیری از فناوری بلاک چین در مراکز آرشیوی، پرسشنامه‌ای که حاوی کلیه عوامل استخراج شده از تحقیقات قبلی بود برای خبرگان ارسال گردید. در این پرسشنامه که بر اساس طیف لیکرت تدوین گردیده بود، از افراد خواسته شده بود که نظر خود را درباره اثرگذار بودن هر یک از عوامل با انتخاب یکی از گزینه‌ها (خیلی زیاد-زیاد-متوسط-کم-خیلی کم) بیان نمایند. سپس پس از جمع‌آوری و اطلاعات حاصل از آن‌ها تحلیل گردید. سپس، تعداد ۲۶ پرسشنامه تکمیل شده توسط خبرگان که دربرگیرنده مقیاس‌های ۵ گانه درجه اهمیت برای هر یک از مؤلفه‌های مؤثر بر بهره‌گیری از فناوری بلاک چین در مراکز آرشیوی بود، برای انجام تجزیه و تحلیل، مورد استفاده قرار گرفت.

در این پژوهش، در الگوریتم اجرای تکنیک دلفی فازی برای انجام مرحله اول این تکنیک باید طیف فازی مناسبی برای فازی سازی عبارات کلامی پاسخ‌دهندگان توسعه داد. برای این منظور می‌توان از روش‌های توسعه طیف فازی یا از طیف‌های فازی متداول برای این منظور استفاده کرد. برای نمونه طیف فازی مثلثی برای مقیاس پنج درجه لیکرت در بیان اهمیت شاخص‌ها به صورت زیر است.

پس از تبدیل عبارات کلامی به اعداد فازی، به تجمیع نظرات خبرگان پرداخته شد. در جدول ۴ میانگین

نشان داد که بلاکچین با داشتن ویژگی‌هایی از جمله عدم دست‌کاری، قابلیت ردیابی و فرآیند پردازش غیرمتمرکز، قابلیت بالایی را در مدیریت اسناد بر عهده دارد. بنابراین می‌توان از فناوری بلاکچین جهت توانمندسازی مدیریت مراکز آرشیوی بهره جست. علاوه بر این، با توجه به نیاز زیرساخت‌های ابری کنونی مانند مقیاس‌پذیری، امنیت، انعطاف‌پذیری و تأخیر کم، یک آرشیو مبتنی بر بلاکچین می‌تواند دسترسی اقتصادی، ایمن و بر اساس تقاضا را در این زیرساخت‌ها فراهم نماید. علاوه بر این، بلاکچین در مواردی نظیر مدیریت هویت، قرارداد‌های هوشمند، زنجیره تأمین، انفورماتیک پزشکی و ارتباطات کاربرد دارد. همچنین از اهم کاربردهای فناوری بلاکچین در بخش مراکز آرشیوی می‌توان به صدور اسناد، مبادله اسناد، خودکارسازی فرآیندها، امنیت و مدیریت اطلاعات، حفظ محرمانگی‌های هویتی طرفین تبادل اطلاعات، و اشتراک منابع در زمینه‌های مبادلات عمده اسناد و اطلاعات، دیجیتال‌سازی و پلتفرم‌های اسناد و آرشیوها و مبادلات هم‌تا به هم‌تا و غیرمتمرکز اسناد اشاره کرد.

بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده از متخصصان و خبرگان حوزه مربوطه مشخص شد آن‌ها در راستای مدیریت آرشیو با استفاده از بلاکچین بر حفظ و ارتقا امنیت تأکید دارند. به بیان دیگر، خبرگان مورد بررسی در این مطالعه، اعتقادشان بر این بود که با توجه به نقش فناوری بلاکچین در تأمین امنیت مدیریت آرشیو می‌بایست که این متغیر در چارچوب استفاده از این فناوری در مدیریت آرشیو مدنظر قرار گیرد.

لذا از جمله مولفه‌های زیر مجموعه امنیت که می‌تواند در این چارچوب قرار گیرد می‌توان به مولفه‌های محرمانگی اطلاعات، حفظ حریم خصوصی و غیره

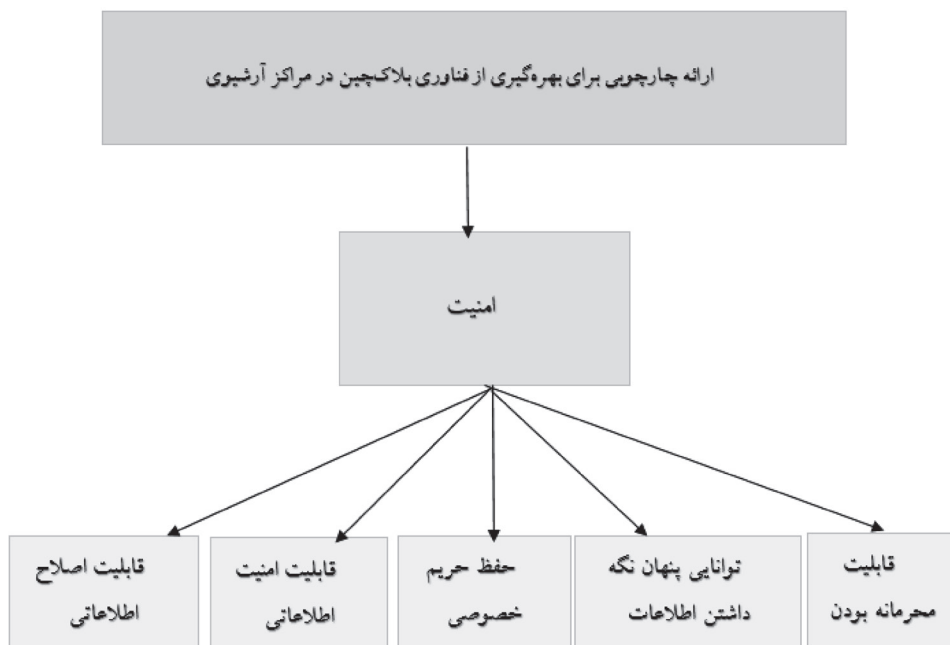
اشاره نمود. بنابراین، قابلیت‌های بلاکچین برای بالا بردن امنیت در ذخیره اطلاعات و همچنین تأیید اعتبار و تغییرناپذیری آن، تقریباً فرصت‌های تجاری بی‌شماری را برای تمام صنایع، از هوافضا تا آموزش، دولت، قانون، پزشکی و املاک را ایجاد می‌کند. شرکت‌ها در حال رقابت با یکدیگر برای استفاده از مزیت‌های فناوری بلاکچین برای تأمین امنیت و حفظ حریم خصوصی افراد هستند. لذا توسعه فناوری بلاکچین، توجه بسیاری را به کاربرد این فناوری در زمینه‌های مختلف سوق داده است. در این زمینه نیز مدیریت مراکز آرشیوی کاربرد گسترده فناوری بلاکچین برای جمع‌آوری و انتقال داده‌ها، نگرانی‌های امنیتی و حفظ حریم خصوصی قابل توجهی را ایجاد می‌کند. کاربرد بلاکچین در این زمینه، امنیت بیشتری را در مقایسه با سیستم‌های مدیریت بایگانی و آرشیو فراهم می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به حجم بالای اطلاعات جمع‌آوری‌شده، مراکز آرشیوی کاربرد قابل توجهی را به‌عنوان چارچوبی برای تجزیه و تحلیل این حجم از اطلاعات و اسناد به دست آورده است.

هنگام استفاده از بلاکچین، کلید خصوصی کاربر به‌عنوان شناسه هویت و امنیت او در نظر گرفته می‌شود. که توسط کاربر به‌جای سازمان‌های شخص ثالث تولید و نگهداری می‌شود. اگر کاربر کلید خصوصی خود را فراموش کند، بازیابی آن امکان‌پذیر نخواهد بود. اگر کلید خصوصی توسط هکرها یا خلاف‌کارها به سرقت رفته باشد، حساب کاربری شخص با خطر دست‌کاری توسط دیگران مواجه خواهد شد. از آنجاکه بلاکچین وابسته به نهادهای مورد اعتماد طرف سوم نیست، اگر کلید خصوصی شخصی به سرقت رفته باشد پیگیری رفتار خلاف‌کاران و بازیابی اطلاعات بلاکچین اصلاح‌شده دشوار خواهد بود. بر همین اساس،

که فقط افراد مجاز به پرونده‌های مربوطه دسترسی خواهند داشت. همچنین بلاکچین برای مدیریت برنامه‌های کاربردی نیز استفاده می‌شود که در این برنامه کارکنان اداری به پرونده‌ها دسترسی پیدا می‌کنند و تغییرات را ایجاد می‌کنند. همچنین با استفاده از یک برنامه عمومی افراد می‌توانند به پرونده‌های خود دسترسی داشته باشند.

امنیت بلاکچین می‌تواند خود تا جایی که تهدیدات شناسایی شده و پیش از وقوع رسیدگی شوند به تقویت امنیت کمک کند. در این حالت، استفاده از الگوریتم‌های رمزنگاری در بلاکچین امنیت اطلاعات را بالا می‌برد. تمامی اطلاعات نگهداری شده در بلاکچین رمزنگاری شده‌اند و با کوچک‌ترین دست‌کاری در اطلاعات، خروجی الگوریتم‌های رمزنگاری تغییر کرده و بلوک تغییر یافته، از زنجیره

استفاده از این فناوری در مدیریت آرشیو می‌تواند منجر به ارتقا سطح محرمانگی اطلاعات شود. آرشیوها برای دسترسی‌پذیر ساختن اطلاعات و اسناد خود، از مجموعه‌ای وسیعی از فناوری‌های مختلف بهره گرفته‌اند. اما به‌کارگیری ابزار و فناوری‌های مختلف در این زمینه برای مدیران و مخاطبان علاوه بر تغییرات پی‌درپی فناوری، با هزینه‌های زیادی مواجه بوده است که از مهم‌ترین چالش‌های استفاده از این فناوری‌ها در راستای دسترسی به اطلاعات است. زیرا متخصصان و خبرگان این حوزه معتقد که در راستای مدیریت آرشیوی فناوری مورد نیاز است که سبب مدیریت، حفظ و دسترسی به اسناد و مدارک را ارتقا بخشد. در این راستا، استفاده از فناوری بلاکچین می‌تواند سرعت دسترسی به اطلاعات و اسناد را افزایش دهد. با استفاده از این فناوری این اطمینان حاصل می‌شود



شکل (۱)، مدل مفهومی پیشنهادی

غیرمجاز، پیشنهاد می‌شود که از این فناوری در مدیریت اسناد و مدیریت آرشیو اطلاعات سازمان‌های مهم کشور استفاده شود.

- با توجه به یافته‌های مطالعه‌ی حاضر مبنی بر نقش امنیت در استفاده از بلاکچین در مدیریت آرشیو، پیشنهاد می‌شود که از این فناوری در راستای، ایجاد سیستم گردش کار برای گردش فرم‌ها و اسناد سازمان استفاده نمود.
- با توجه به یافته‌های مطالعه‌ی حاضر مبنی بر نقش امنیت در استفاده از بلاکچین در مدیریت آرشیو از طریق محرمانه بودن اطلاعات و حفظ حریم خصوصی، پیشنهاد می‌شود که از این فناوری به منظور افزایش ضریب امنیت اطلاعات مدیریت بایگانی سازمان و ادارات مختلف استفاده نمود.
- یکی از چالش‌های پیشروی، مدیریت مراکز آرشیوی مقاوم‌سازی در برابر حملات سایبری است، بنابراین با توجه به مقاوم بودن بلاکچین در حملات سایبری می‌توان در راستای مدیریت مراکز آرشیوی از این فناوری استفاده نمود.

حذف خواهد شد. بنابراین بلاکچین دارای قدرت امنیتی بی‌سابقه‌ای است. نقش امنیت در فناوری بلاکچین بر عهده هش است. هش هر یک از بلوک‌ها بر اساس اطلاعات موجود درون هر بلوک و هش تولیدشده برای بلوک قبلی، تولید می‌شود. این شناسه هش‌ها نقش بسیار مهمی برای حاصل کردن اطمینان از امنیت بلاک چین و تغییرناپذیری را ایفا می‌کنند. همچنین از هشینگ به عنوان اهرمی در الگوریتم‌های اجماع به منظور اعتبارسنجی تبادل اطلاعات استفاده می‌شود. به علاوه برای ایجاد امنیت برای تبادلات ثبت‌شده، رمزنگاری نقش مهمی در ایجاد امنیت اسناد که به منظور ذخیره‌داری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، ایفا می‌کند.

”ارائه چارچوب مفهومی پیشنهادی

نتایج این مطالعه نشان داده است که بر اساس نظرات خبرگان موردبررسی در این مطالعه، امنیت مهم‌ترین مؤلفه در راستای استفاده از این فناوری در مراکز آرشیوی است. بر همین اساس، مدل مفهومی ارائه‌شده در این مطالعه این مؤلفه و ابعاد آن را مدنظر قرار داده است. چراکه، با استفاده از فناوری بلاکچین می‌توان علاوه برافزایش امنیت در نگهداری اطلاعات، سازمان‌دهی بهتری بر روی فرایندها داشت، به نحوی که در نتیجه آن، به حداقل رساندن خطای انسانی را فراهم نماید. با توجه به موارد ذکرشده، مدل مفهومی پیشنهادی در این مطالعه در شکل ۱ نشان داده‌شده است.

”پیشنهاد‌های پژوهش

- با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر مبنی بر نقش امنیت در استفاده از بلاکچین در مدیریت آرشیو به سبب مقاومت بلاکچین در برابر دسترسی